

# درهٔ صوف دکنده بحران تاریخ

محمدنایب علی توسلی \* عبدالمومن طلوع



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# درهٔ صوف

## درگذر بحران تاریخ

محمدنايب على توسلى \* عبدالمؤمن طلوع

باتصحيح، ويرايش جديد



كابل - بهار ۱۴۰۱

سرشناسه:	توسلی علی محمد نایب * طلوع عبد المؤمن ۱۳۸۵ {تاریخ}
عنوان و نام پدیدآور:	دره صوف در گذر بحران تاریخ/نویسنده: محمد نایب علی توسلی * عبدالمؤمن طلوع
نمایشگاه کتاب:	بین المللی دائمی کتاب سعادت، کتاب فروشی بیهقی
ثبت کتاب:	ریاست اطلاعات و فرهنگ - پلخ M.N.A.M: ۹۳-۱۳-۹۹-۹-۸-۱۸-۱-۰۷ Drai-sof histori crisis M.N.A.T * A.M. T
مشخصات ظاهری:	۳۶۳ ص؛ ۸،۳ × ۱۴/۸ س.م.
یاد داشت:	خاطرات دوران، جهاد و مقاومت دره صوف «دره یوسف»
یاد داشت کتابنامه:	مندرجات ج ۱ تحقیق میدانی؛ در تاریخ، جغرافیا، فرهنگ (تمدن و آثار باستانی)
تحقیقی پیرامون:	تاریخ، جهاد و مقاومت مردم دره صوف
موضوع:	دره صوف - افغانستان.
شماره کتاب شناسی ملی:	۹۳-۱۳-۹۹-۹-۸-۱۸-۱-۰۷



شناسنامه کتاب:	دره صوف در گذر بحران تاریخ
نویسنده:	محمد نایب علی توسلی * عبدالمؤمن طلوع
ویراستار:	محمد نایب علی توسلی
طرح پستی برگ آرا:	محمد ابرهیم توسلی
تاریخ چاپ:	زمستان ۱۳۹۹
تعداد:	صفحه ۳۶۱
نوبت چاپ:	اول / ۱۳۹۹
تیراژ:	۱۰۰۰ نسخه
قیمت:	۱۵۰ افغانی
مطبعه خدماتی:	چاپ صورتگر
شماره تماس و ایمیل آدرس:	Muhammad.naeeb Ali @gamil.com
	۰۷۷۱۱۷۱۲۰۰ - ۰۷۷۶۱۸۴۵۵۵ - ۰۷۴۷۴۸۲۲۲۶



نمایشگاه دائمی کتاب: انتشارات  
بین المللی سرور سعادت، مقابل  
کتاب فروشی بیهقی

### مراکز پخش

مزار شریف:	❖ پاتوق و بوستان فرهنگی (افق فردا)
سمتگان:	❖ کتاب فروشی مولانا جلال الدین محمد (بلخی)
دره صوف:	❖ کتاب فروشی حاج احمد (معمدی)

**حق چاپ، برای نویسنده محفوظ است.**

## تقریم:

به پدرم که راه مکتب را نشانم داد؛ قلم بدستم داد تا بنویسم و  
راه رسم زندگی را به من آموخت...

## فهرست مطالب

۱۴	..... تقریظ
۱۵	..... پیشگفتار
۲۰	..... مقدمه

### فصل اول:

#### وطن شناسی از دیدگاه اندیشمندان و بزرگان / ۲۶

۲۸	..... تعریف انقلاب در لغت نامه
۳۲	..... وطن شناسی از نگاه مفسرین
۳۵	..... دره صوف در دانشنامه جهان اسلام
۴۴	..... وجه تسمیه دره صوف
۴۶	..... دسته های سمتی ولسوالی دره صوف
۴۷	..... میراث فرهنگی آبدات تاریخی دره صوف
۵۵	..... تخریب آثار تاریخی در دره صوف
۵۷	..... تخریب قلعه چنگیز خان در دره صوف
۵۸	..... زیارتگاه دره صوف
۶۲	..... مناطق تفریحی دره صوف
۶۴	..... دره صوف سرزمین گردشگران

## فصل دوم:

### قیام، رشادت های مردم دره صوف / ۷۴

- ۷۶ ..... دره صوف (دره یوسف).....
- ۷۶ ..... نام آشنایی در صفحات شمال کشور.....
- ۸۱ ..... شکل گیری قیام دره صوف.....
- ۸۴ ..... قتل عام اهالی دره صوف توسط حکومت خلق و پرچم.....
- ۸۶ ..... دره صوف سر آغاز بیداری ملت ها.....
- ۸۹ ..... قیام مردم دره صوف.....
- ۹۱ ..... تحریم هزارستان؛ تحریم دره صوف.....
- ۹۵ ..... تهدید دره صوف توسط طالبان از چهار سمت.....
- ۹۸ ..... حملات شدید طالبان در شرق دره صوف.....
- ۱۰۳ ..... حضور جامعه جهانی در افغانستان.....

## فصل سوم:

### قدامت تاریخی - خواجه بلند / ۱۰۹

- ۱۱۱ ..... گذارش مختصری - خواجه بلند.....
- ۱۱۴ ..... نگاه به موقعیت جغرافیای - خواجه بلند.....
- ۱۱۶ ..... خواجه بلند.....
- ۱۲۱ ..... علل گسترش - خواجه بلند.....

جاذبه های تاریخی دره صوف..... ۱۳۱

### فصل چهارم:

#### قیام مردم دره صوف سال ۱۳۵۷.ش / ۱۴۰

حماسه قیام درخشان مردم دره صوف سال ۱۳۵۷.ش..... ۱۴۲

نقطه آغاز انقلاب در دره صوف..... ۱۵۰

تحولات قبل از قیام در ساحه نو آمد..... ۱۵۷

اقدامات دولت در ساحه شرق دره صوف..... ۱۵۹

جلسه نهایی مردمی قریه نو آمد قبل از قیام..... ۱۶۵

طرح حمله بالای ولسوالی دره صوف..... ۱۷۰

طرح حمله بالای ولایت سمنگان..... ۱۷۲

قرل توپچاق مرکز نظامی مجاهدین..... ۱۷۴

حمله قوای دولتی در سال ۱۳۵۹ به دره صوف..... ۱۷۶

رقابتهای منفی احزاب در ولسوالی دره صوف..... ۱۷۸

### فصل پنجم:

#### سخن از مقاومت [دره صوف کلید فتح صفحات شمال] / ۱۸۵

دره صوف در یک نگاه..... ۱۸۷

آغاز جنگ در دره صوف..... ۱۹۳

برگشت استادحاج محمد محقق به بلخاب..... ۱۹۵



- ۱۹۹ ..... سردار اره دار محمد حسین جهانی
- ۲۰۳ ..... آغاز جنگ فراگیر در دره صوف
- ۲۰۵ ..... اعزام دگر جنرال محمد یاسین به دره صوف
- ۲۱۴ ..... مبادله اسرای جنگی
- ۲۱۵ ..... مرحله دوم تبادل اسیران جنگی
- ۲۱۹ ..... تصرف سفید کوتل
- ۲۲۳ ..... ملا عبد الباری یا ملا داد الله
- ۲۲۵ ..... ملا عبد الباری مسؤل انتقالات طالبان در شمال کشور
- ۲۲۶ ..... حمله طالبان به ولسوالی بلخاب
- ۲۲۸ ..... جنگ در قم کوتل

### فصل ششم:

#### حضور قوماندانان جهادی به دره صوف / ۲۳۴

- ۲۳۶ ..... آمدن احمد خان سمنگانی به دره صوف
- ۲۳۸ ..... آمدن قوماندانان استاد عطا محمد نور به دره صوف
- ۲۴۲ ..... ۱- پاکسازی حزبی
- ۲۴۳ ..... ۲- نفاق حزبی
- ۲۴۴ ..... ۳- بایکوت جبهه
- ۲۴۷ ..... بازگشت استاد حاج محمد محقق به دره صوف
- ۲۵۲ ..... وضعیت اقتصادی مردم دره صوف در سال ۱۳۷۸

- ۲۵۴ ..... پول دال یا (دی).....
- ۲۵۶ ..... انتشار ماهنامه "یاد".....
- ۲۶۰ ..... مظاهره مردم در بازار حسنی دره صوف.....
- ۲۶۳ ..... دیدار مایکل سمپل از ولسوالی دره صوف.....
- ۲۶۵ ..... مهاجرت صد ها فامیل از دره صوف.....
- ۲۶۷ ..... آتش زدن خانه و کاشانه بازار مرکزی دره صوف.....
- ۲۶۹ ..... بازگشت استاد محمد کریم خلیلی به دره صوف.....
- ۲۷۲ ..... آمدن ستر جنرال عبدالرشید دوستم به دره صوف.....
- ۲۷۴ ..... حوادث و رویداد های سال ۱۳۸۰.....
- ۲۷۷ ..... انفجار مرکز تجارت جهانی در آمریکا.....
- ۲۸۰ ..... تشکیل دولت موقت و حکومت انتقالی در افغانستان.....

### فصل هفتم:

### جایگاه دره صوف در دنیای امروز / ۲۸۴

- ۲۸۶ ..... وضعیت دره صوف در دوره حاکمیت حامد کرزی.....
- ۲۸۹ ..... ۱- دسته یوسفی هزاره.....
- ۲۹۰ ..... ۲- دسته دایمیرداد.....
- ۲۹۰ ..... ۳- دسته سرولنگ.....
- ۲۹۲ ..... ولسوالی دره صوف پایان.....
- ۲۹۷ ..... دره صوف از لحاظ سیاست و فرهنگ.....

دره صوف در گذر بحران تاریخ ————— توسلی - طلوع ۶ - / ۱۱

- نویسنده گان و شاعران دره صوف..... ۲۹۸
- نقش علماء در دره صوف..... ۳۰۱
- دره صوف از لحاظ زراعت و مالدارى..... ۳۱۲
- دره صوف، در نگاه رئیس جمهور داکترنجیب الله..... ۳۱۵
- انکشاف توربین های برق کوچک آبی/آفتابی..... ۳۱۸
- عواید معادن زغال سنگ دره صوف..... ۳۲۰
- سلام بر دره صوف، سر زمین همیشه سر سبز آزاد مردان تاریخ..... ۳۲۳
- اسامی شهدای - حسنی در سال ۱۳۵۸..... ۳۲۷
- افتخار آوران دره صوف..... ۳۳۳
- نصب نامه..... ۳۳۶
- تاریخچه مختصر قوم ترکمن (ترکمو)..... ۳۳۷
- تاریخچه مختصر قوم اسمتمور (بهسود)..... ۳۳۸
- اشعار..... ۳۴۲
- خط اتصال..... ۳۴۴
- خجالت ناجو..... ۳۴۴
- سوگنامه..... ۳۴۵
- تلخکامی..... ۳۴۶
- دره صوف وطنداش لرگه..... ۳۴۷
- فکر والا..... ۳۴۸

درهٔ صوف در گذر بحران تاریخ ————— توسلی - طلوع ۶ - / ۱۲

۳۴۹ ..... قصه های سنگری

۳۵۱ ..... نگاره ها

۳۵۸ ..... منابع و مآخذ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اُكْتُبُ وَبِئْسَ عِلْمُكَ فِي إِخْوَانِكَ فَأَوْرِثْ كِتَابَكَ بَيْنَكَ

دام خود  
طلوع

پس از سلام و تحیت، خدمت برادران را بشمردم که تقدیم آقای محمد باقر تومسی و الحاج استاد عبدالموسوی

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ضمن اظهار رضایت و مسرت از حضور شما که در راستای علم و فرهنگ قدم گذاشته اید از خطی جهاد  
مایه چشم روشنی ماست. برادر عزیزم چند نکته برای تان تذکر می‌دهم که کار شما به مثابه جهاد اکبر است.

• برج زمان پیش بود احتیاج ما به کتاب بیشتر خواهد شد اینکه کسی تصور کند باید آمدن و وسایل ارتباط جمعی  
و ظهور کتاب منروی خواهد شد "خطا است"

• شما که چنین آستین بهمت را بر عهده قهرمان زمان بالا گرفته‌اید، و قلم را در نوشتن کتاب انتخاب نموده  
نویسنده مغرور دست‌نهایی نگرف از رشدهای سرخ روزگاران طلایه داران خطی مقاومت ستوده  
ز درخیز دره صوف (دره یوسف) گردیدید من الاحسن الوجوب.

• در ادواخر پیام مسرت بخش با ما مصلحت نمود مایه چشم روشنی ماست بلکه گرامی ما الحاج استاد آقای  
عبدالموسوی طلوع همگام با دوست دیرینه ام آقای تومسی کتبی را پذیردست دادند که امیدوارم از نسل ما بی‌ی  
این خطی مرد خیز و قهرمانان سستگار است.

• شما را به نوشتن کتاب و نشر آن ترغیب می‌کنم، زیرا که کتاب بهترین دست، رفیق و شفیق در طول زنده گی  
عمر بشر است. انتخاب خوبی کردید، برای نوشتن خاطرات تمج روزگاران و مقاومت سرفراز طلایه داران  
دره صوف (دره یوسف) چاپ نموده در اختیار نسل‌های آینده سازان کشور عزیزمان قرار دهید.

والله ولی التوفیق لصایر ضیحه بوسع فضله و کرمه

حاج محمد حسن فولادی  
موضوع ۲ قفسه ۱۴۹۹

## تقریظ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿كُتِبَ وَكُتِبَ عَلِمَكَ فِي إِخْوَانِكَ فَأَمَّتْ فَأَوْرَثَ كُتُبَكَ نَبِيكَ﴾

پس از سلام و تحیت؛ خدمت برادران اندیشمند گرانقدرم آقای محمد نایب علی توسلی و الحاج استاد عبدالمؤمن طلوع "دام عزهما" السلام علیکم و رحمت الله برکاته:

ضمن اظهار رضایت و مسرت از حضور شما که در راستای علم و فرهنگ قدم گذاشته اید از خطه بی جهاد و مقاومت مایه چشم روشنی ماست. برادران عزیزم چند نکته را برای تان تذکر می‌دهم که کار شما به مثابه بی جهاد اکبر است.

- هر چه زمان پیش برود احتیاج ما به کتاب بیشتر خواهد شد این که کسی تصور کند با پدید آمدن وسایل ارتباط جمعی جدید و نو ظهور کتاب منزوی خواهند شد "خطاست"
- شما که جبین آستین همت را به عنوان قهرمان زمان بالا کردید، و قلم را در نوشتن کتاب انتخاب نمودید، نویسنده مفتخر داستان های شگرف از رشادت های سرخ روزگاران طلایه داران خطه بی مقاومت نستوه زرخیز دره صوف (دره یوسف) گردیدید من الاحسن الوجوب.
- در این اواخر پیام مسرت بخش به ما مواصلت نمود مایه چشم روشنی ماست برادر گرامی ما الحاج استاد آقای عبدالمؤمن طلوع همگام با دوست دیرینه ام آقای توسلی کتبی را زیر دست دارند که امید هزاران نسل های بعدی این خطه بی مرد خیز و قهرمانان سترگ است.
- شما را به نوشتن کتاب و نشر آن ترغیب می‌کنم؛ زیرا کتاب بهترین دوست، رفیق و شفیق در طول زندگی عمر بشر است. انتخاب خوبی کردید، برای نوشتن خاطرات تلخ روزگاران و مقاومت سر فراز طلایه داران دره صوف (دره یوسف) چاپ نموده در اختیار نسل های آینده سازان کشور عزیزمان قرار دهید.

والله ولی التوفیق لما یرضیه بوسع فضله و کرمه

حاج محمد محسن (فولادی)

مورخ ۲ قوس ۱۳۹۹ ه.ش

## پیشگفتار

جای تردید نیست که تاریخ گذشتگان جزئی از هویت ملی ما است، ملتی که از تاریخ گذشته خویش بیخبر باشند نمی‌توانند به خوبی حال و هوای خویشتن را درست ارزیابی و ترسیم نمایند.

در دفتری زمانه فتد نامش از قلم

هرملتی که مردم صاحب قلم نداشت

زیرا تاریخ همانند معلمی است که راه چگونه زیستن را به ما می‌آموزد.

هر که نامخت از گذشت روزگار نیز ناموزد زهیچ آموزگار

کشوری که حدود دو قرن پیش بنام افغانستان مسمی شده در گذشته

به نام خراسان زمین یاد می‌شدند همین سرزمین در روزگاران گذشته مهد

تمدن، صنعت، ترقی، علم و هنر و عرفان بوده طبق نوشته مورخین قدیم

از نخستین شهرهای روی زمین به حساب می‌آمدند خراسان کهن یا افغانستان

کنونی دارای تاریخ پر بار و زیستگاه شاهان بزرگ و پهلوانان سترگ بوده

که شاهان پیشدادی و کیانی همانند زال، رستم، سلسله سامانیان، غزنویان و

غوریان از آن جمله می‌باشند.

چنانچه کاوشگران و تحقیق باستان شناسان، آثار قریه خواجه بلند (خوج و بلند) قدیم که محل کَمَند ها و چهار ایماق بودند و ذکر کردند حوض بابر، تیارک (خُم حوض بابر، تیرک فعلی) طیور یاش (تیوه تاش فعلی) شاهد موید مد عای ما است که محل زیست انسانها بوده و سر زمین فعلی دره صوف به (دره یوسف) یاد می شدند. دره صوف (دره یوسف) هم از نظر قدامت تاریخی و هم از لحاظ زیبایی طبیعت و معادن خدادادی در صفحات شمال کشور بینظیر است و از باب اتفاق محمد نایب علی توسلی هم زاده این خطه قهرمان خیز و پهلوانان سترگ تاریخی قریه دور افتاده خواجه بلند (خوج و بلند) این ولسوالی (دره یوسف) دره صوف فعلی است و از دست داشته های زیبایی طبیعت و معادن ذغال سنگ و رشادت های مردم آن به خوبی آگاهی دارد تاسن (۲۰) سالگی در قریه (خوج و بلند) قدیم و خواجه بلند امروزی زندگی کرده است دشت، هامون، دره ها، قله های سر به فلک کشیده آنرا دیده تا آن زمان برایش قابل درک و فهم نبوده حال اهمیت آن برایش قابل درک و فهم است.

نام سابق دره صوف (دره یوسف) بوده احتمالاً این نام بیشتر از یک هزار سال پیش بر این سرزمین نهاده شده بود جای گزین شدن ترک تباران به دره یوسف به معنی جوی بار، آبادانی و ترقی یاد می کردند که آثار باقی مانده



آنها حکایت از ترقی و تعلم نعل های سلفی، گیلی تعمیر بنا ها و قلعه ها خط السیر راه ابریشم به غورات بامیان قدیم می باشد.

زمان تغییر (دره یوسف) به دره صوف به درستی مشخص نسبت که گویا از دو قرن پیش تجاوز نمی کند اما زمانی که وزیر محمد گل خان مومند به حیث نائب الحکومه در ترکستان گماشته شد از بدخشان تا فاریاب فرمانروای می کرد خیلی از محلات و مکان های تاریخی را تغییر نام داد از جمله دره یوسف را به دره صوف تغییر نام داد که (صوفی زای) نام پدر کلان وزیر محمد گل خان مومند است که با نام دره یوسف مشابهنه دارد. و خیلی از جاهای دیگر تغییر نام پیدا کرد (توردیقل عبدالرحیم میمنگی) می نویسد: بالاحصار تاریخی شهر میمنه را که مسمما به قلعه سیف الملوک شهزاده مصری بود و قدامت ایجاد آن به ادوار بس کهن تاریخ می رسید، بی رحمانه وزیر محمد گل خان مومند ویران نمود و تغییر نام داد.

تپه های قریه خوج و بلند دره یوسف معلوم است که طبیعی نیست زیرا در متن همین بلندی ها ۷ مناره تنها پارچه های سفالین، خشت های پخته و تکه های ذغال بوفرت دیده می شود گواه تاریخ است. توردیقل میمنگی (ص ۵۴ تا ۶۵) خواجه بلند را محل زادگاه کاوه آهنگر می داند. وزیر محمد گل خان مومند خیلی از محلات دیگر را تغییر نام داد مثال دشت سر سبز

وگه گیتی به دشت قیبر افغان<sup>۱</sup> (بوینه قره به شولگره، گلشن گل به حیرتان، قره تپه به تورغندی، چهارباغ گلشن به شینکی، قلعه بچه، به اسپین کوت، سمرقندیان به زرغون کوت، صدها مکان و محلات تاریخی دیگر تغییر نام یافتند. علت شان محوی فرهنگ تاریخ (فارسی، پارسی، دری، ازبیک) زبانان بوده به نام پشتون مسما گردید که امروز به آن اطلاق می گردد. خیلی از جاها تغییر نام پیدا کرده از (پارسی، ازبیک) به زبان پشتون انتقال و تغییر نام پیدا کرده است دلیلش این است تا افتخارات پارسی و ترک تباران به محاق فراموشی بسپارند و تاحدی موفق هم به این کار شدند و تاریخ کشور را از آغاز حکومت احمد شاه ابدالی تا ختم حکومت درانی ها جغرافیای کشور را هم تغییر داد و در طی چهار دهه تمام کتابت و نوشته های دینی، مذهبی و تاریخی را از بین بردند و همه را از زیر تیغ سانسور جهالت گذرانده اند، دره صوف (دره یوسف) در صفحات شمال کشور نام آشنایی است که بیش از هزار سال قبل بر این سر زمین اطلاق می گردد. معتبر ترین تواریخ بعد از اسلام از جمله تاریخ بلعمی، تاریخ بیهقی و تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد البشر است که روایت های زیادی برای اثبات دره صوف می خوانیم بعضی نوشته است بیش از یک هزار سال می گذرد بی گمان نام دره یوسف بر این وادی سرسبز گذاشته شده که لفظ (پارسی، دری، ازبیک) در سخن گفتن مردم آن معمول است عمر زبان پارسی را می توان از (۱۵۰۰، ۲۰۰۰) سال تخمین زد نام دره یوسف باید در قرون بالا باشد. نام کهن دره یوسف

---

<sup>۱</sup> دشت قیبرافغان در موقعیت جغرافیای ولسوالی دره صوف بالا قرار دارد.

در کتاب بلعمی نوشته ابوعلی بلعمی متوفای سال ۳۶۳ق. وزیر نوح بن نصر سامانی آمده است که بیش از هزار و شصت سال پیش در تاریخ خود نگاشته است دره یوسف میدان جنگ نا برابر کیومرث که پادشاه منطقه بوده وارد دره گز (بوینه قره) گردیده است.

ما نیاز به باز خوانی تاریخ گذشتگان و نیاکان خود داریم (تاسره از ناسره) راهم باید جدا کرد یعنی راست از دروغ را حس وطن دوستی محمد نایب علی توسلی و عبدالؤمن طلوع را وادارش کرد که قلم در دست گیرد تا فرجام که فرصت است روی کاغذ را باید خطوط منقش بگذارند ولی گاهی باتشویق داکتر محمد عیسی رحیمی و مسبب تشویق همکاران ایشان مواجه شده است این بزرگ ترین آزمون ایشان در اواخر قرن بیستم و اوائل قرن بیست یکم می باشد. این حکایت به تحقیق و کنجگایوی بیشتری ضرورت دارد ولی مطمئن هستم قدمی که محمد نایب علی توسلی و عبدالؤمن طلوع برداشته اند راه را برای دیگر پژوهشگران و قلم بدستان باز خواهند کرد. ولی اعتراف می کنم آقای توسلی و طلوع در عرصه نویسندگی و فرهنگی قلم رسایی دارند و از خداوند متعال توفیق بیشتر ایشان را در مسیر خدمت به وطن و تحقق عدالتی اجتماعی مسئلت دارم.

اللَّهُمَّ وَفَّقْنَا لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى

پوهیالی دوکتور محمد همایون " فرزاد "

استاد دانشگاه کابل

مورخ ۲ قوس ۱۳۹۹. ش

## مقدمه

ولسوالی دره صوف دارای کوه پایه های مرتفع و طبیعت فرح بخش است که در اطراف آن صدها قراء و قصبات و هزاران مردمان زحمتکش دهاتی را در خود جای داده و در میان ولسوالی های شش گانه ولایت سمنگان ولسوالی دره صوف از نگاه اوپراتیفی درجه اول است.

دره صوف بالایکی از ولسوالی های مهم و پرنفوس ترین واحد اداری ولایت سمنگان را تشکیل می دهد که از اهمیت خاص اقتصادی، اجتماعی سیاسی و فرهنگی در ولایت سمنگان و شمال کشور برخوردار است.

دره صوف هر چند زخم های عمیق بی شمار در چهار دهه جنگ های نابرابر تحمیلی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بر کوله بار تن مجروح خویش حمل نموده است. دره صوف عضوی تن به خون نشسته افغانستان در دوره های مختلف با دود و باروت زیسته، این لوی ولسوالی سال های زیادی به عنوان پایگاه جهاد و مقاومت به شمار می رفت. از جمله در اوایل قیام علیه انگلیسی ها، دوم جهاد علیه اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی سابق، سوم مرکز مقاومت علیه القاعده و طالبان بوده که حتی در زمان طالبان تمام خانه و کاشانه این مردم یک شبه سوخت کمتر خانواده یی از مردم دره صوف

می‌توان پیدا کرد که عزیزی را در راه خدا از دست نداده باشند، پس از پیروزی مردم و شکست طالبان روزه‌های امید باز شد و تغییرات اندکی در زندگی مردم رونما گردید. با وصف که دره صوف اهمیت ویژه در شمال کشور دارد متأسفانه یک برگه‌ی معلوماتی هم در مورد این ولسوالی در هیچ آدرسی چاپی وجود نداشت؛ این وضع بیان گریه‌م توجیه فرهنگیان و نویسندگان این ولسوالی را می‌رساند. گرچه برادری عزیزم جوان تحصیل کرده حیات الله بیک در زمستان ۱۳۹۸ ه.ش کتاب تحت عنوان (دره صوف سرزمین فراموش شده) نوشته کرده بود. چون آگاهی کامل از تمام نقاط دره صوف و تحولات آن نداشت، لذا ما را بر آن داشت تا نوشته‌های پراکنده‌ی خویش را جمع‌آوری نموده و با همکاری همدیگر دست به نوشتاری ذیل زده امید است مورد توجه خوانندگان عزیز قرار گیرد. قریه خواجه بلند قدامت تاریخی آن به (۲۰۰۰) سال می‌رسد هنوز آثار باستانی آن هویدا است که جای کاوه آهنگر بوده از آن نام نبرده است قریه خواجه بلند نظر بر بعضی اقوال (چهارایماق) هم یاد می‌شدند ولی این نکته را در تاریخ ندیدم مرا وا داشت تا در دوران تحصیل با جمعی از دوستان سایت دره صوف را افتتاح و راه‌اندازی نمایم. همانا تاریخ آینه روشن زندگی انسانهاست، مطالعه و دقت در آن ما را به سوی دریافت حقیقت‌ها رهنمون می‌سازد، متون دینی ما را بر این عمل کرد توصیه نموده است. ﴿أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ

عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا الْأَرْضَ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا  
عَمَرُوهَا<sup>۱</sup> آیا در زمین گردش نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که قبل از آنان  
بودند چگونه بود؟! آنها نیرومندتر از اینان بودند، و زمین را (برای زراعت و  
آبادی) بیش از اینان دگرگون ساختند و آباد کردند، و پیامبرانشان با دلایل  
روشن به سراغشان آمدند (اما آنها انکار کردند و کیفر خود را دیدند)؛  
خداوند هرگز به آنان ستم نکرد، آنها به خودشان ستم می کردند!

این تحقیق که به صورت میدانی کتاب خانه بی صورت گرفته و تلاش  
شده است تا برای جمع آوری اطلاعات از منابع عامه دست اول موثق دقیق  
استفاده صورت گیرد.

سپاس خدای را که فرصت به ما اعطا نمود که کتاب را تحت عنوان  
«دره صوف در گذر بحران تاریخ» را نوشتیم. جا دارد از همه عزیزان که در  
جریان این تحقیق ناچیز با ما همکاری کردند و ارتباط تلفنی برقرار نمودند  
ما را در این راستا یاری رساندند صمیمانه تقدیر و تشکری نمائیم.

من باب: مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ.

گرچه این تحقیق به صورت فلکلوریک جمع آوری شده است جای  
همه ای شخصیت ها، بزرگان، رشادت ها و محلات محفوظ است همه را  
به دیده قدر و متانت می نگریم.

من معترفم که کار من جمله خطاست

معدورم از آنکه بر بشر سهو رواست

کاری که سالها پیش باید صورت می گرفت متأسفانه جامه عمل نپوشید  
اکنون ما بر آن شدیم که راه را برای دیگر پژوهشگران باز نمایم. سعی و  
کوشش صورت گرفت تا تحلیل و ارزیابی کوتاهی بر ادوار تاریخ داشته  
باشیم اما بسنده نیست در این راستا جهد و جد کامل می خواهد.

انسانها خالی از کوتاهی و لغزش هانیست اگر شما در جریان مطالعه به  
موردی بر می خورید که دیدگاه شما در مورد آن چیز دیگری است و یا  
جای مطالب مهم را در این تحقیق خالی می بینید خوشحال می شویم با پیشانی  
باز استقبال می کنیم تا از مجرای ارتباطی ما را یاری خواهند فرمود در چاپ  
بعدی بر غنای مندی این اثر افزوده خواهند شد. بدان امید که زحمات همگان،  
مورد قبولی حضرت حق و ذخیره دنیا و آخرت همه مان قرار گیرد.

انشاءالله / آمین یارب العالمین.

محمد نایب علی توسلی \* عبد المؤمن طلوع

۱۲ جدی ۱۳۹۹ ه. ش شهر مزار شریف



کودکان دره صوف در حال کار معدن



کارگران معدن در حال کار





کارگران در حال کار معدن



وسایط باربری برای انتقال ذغال سنگ دره صوف

## فصل اول

وطن شناسی از دیدگاه اندیشمندان و بزرگان



## تعریف انقلاب در لغت نامه

انقلاب در لغت برگشتن از حالی به حالی، دیگرگون شدن، تغییر و تحول است و در اصطلاح رایج جهان (تلاش عده ای برای واژه گون کردن حکومت و ایجاد حکومتی نو) به منظور تغییرات اساسی و بنیادین در تمام نهاد ها، مناسبات ساختار سیاسی و اجتماعی و جایگزینی سازمان نوین و مطلوب در چهار چوب اهداف و آرمانهای خاص. اصول انقلاب را به عنوان لوازم قطعی آن می توان چنین دانست، تغییر بنیادها و نظام اجتماع، نوگرایی، آرمان خواهی خشونت سیاسی یا نظامی در مقابل نظام حاکم، با توجه به معنی و مفهوم کلی فوق، انقلاب دارای انواعی است به نام انقلاب فرهنگی، انقلاب اداری، انقلاب سیاسی، انقلاب اجتماعی و... یاد می شود.

پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد مصطفی ﷺ بزرگترین انقلابگر و یک انقلابی تمام عیار بود که به منظور تحقق خواسته های جاودانه بشر یعنی آزادی، عدالت، مساوات، اخلاق، و رشد کرامت فردی آدمیان، صلح و صفا

بین انسانها و برای برانداختن شرک نظری و عملی بر انگيخته شد. او خود در دوران کوتاه بعثت نمونه یی مشهور و مطلوب از جامعه اسلامی پدید آورد. از باب مثال اعتراض های پنهان و آشکار حضرت فاطمه (علیها السلام) و حضرت امام علی (علیه السلام) و بسیاری از اصحاب متقی پیامبر گرامی اسلام (علیهم السلام) در آغاز و جنبش های فکری، سیاسی، انقلابی امامان در ادامه و پیدایش نهضت های زیدیان و اسماعیلیان و سربداران استمرار همان انقلاب عظیم اولیه است. نکته مهم این است که این حرکت ها از همان آغاز تحت عنوان اصلاح (رفرم) انجام شده است و به همین جهت شخصیت بزرگ انقلاب جهان حضرت امام حسین (علیه السلام) هدف اساسی قیامش را اصلاح در دین جدش می داند.

تعمق در انقلاب اسلامی افغانستان که در سال ۱۳۵۷ ه.ش به وقوع پیوست نشانگر این است که ویژگی های اسلامی بودن، معنویت گرایی، مردمی بودن و رهبری علمای کرام با اهداف بلند نفی استبداد و سلطه بیگانگان، نفی وابستگی، عدالت اجتماعی، ایثار و فداکاری و استقرار حکومت اسلامی بر سیاست های ضد دینی، فساد سیاسی اجتماعی، تبعیض قومی و بی عدالتی بر رژیم طاغوتی و وابسته سابق پیروز شده است.

انقلاب در لغت به معنی زیر و رو شدن یا پشت و رو شدن و نظیر این معانی است قرآن کریم هم این کلمه را هر جا بکار برده. ماده انقلاب تقلیب،

منقلب، ینقلب و امثال اینها در قرآن آمده است. از جمله: ﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ وَ يَا مِی فرماید: وَمَنْ یَنْقَلِبْ عَلَی عَقِبَیْهِ فَلَنْ یَضُرَّ اللّٰهَ شَیْئًا﴾<sup>۱</sup> این آیه در جنگ احد در آن هنگام که شایعه شد رسول خدا کشته شده است و بدنبال آن عده زیادی از مسلمانان فرار کردند نازل شد. آیه خطاب به مؤمنان می گوید محمد پیامبری بیش نیست که قبل از او هم پیامبران دیگری بودند یعنی هر پیامبری که آمده است مردن دارد کشته شدن دارد محمد برای شما از جانب خدا پیام آورده است خدای اوزنده است اگر فرضاً بمیرد یا کشته شود آیا شما باید به عقب برگردید.

در اینجا حرکت های اسلامی به تعبیر قرآن کریم حرکت به جلو است و باز گشت این گروه از دین به معنی برگشت به عقب و یا انقلاب است. انقلاب در تعبیر قرآن یعنی رو در جهت پشت قرار گرفتن و پشت در جهت رو... فلاسفه انقلاب را به جایی می گویند که ذات و ماهیت یک شیئی لزوماً عوض شده باشد انقلاب در عربی معنی ثوره و در اصطلاح انگلیسی به معنای (رولوسیون) است. انقلاب به معنایی که در جامعه شناسی مطرح است همان دیگر گون شدن است. حتی نباید بگوییم دیگر گون شده زیرا دیگر گون

شدن یعنی اینکه گونه و کیفیتش تبدیل شود. به عوض باید بگوییم دیگر گون شدن یعنی تبدیل شدن به موجودی دیگر.

انقلاب به معنی نوعی شدن است و در هر اصطلاحی لغوی، فلسفی و فقهی امری است از نوع فعل لازم است واژه (انقلاب) از مصدر عربی از ریشه انفعال و در لغت به معنی برگشتن، برگشتن از کاری و حالی، واژه گون شدن، تحوّل، تبدل (دهخدا، ۱۳۷۷ ذیل انقلاب) و... به کاررفته است. این واژه نخست در اختر شناسی در مفهوم تغییر فصل از تابستان به زمستان و از بهار به تابستان. به تعبیر دیگر انقلاب زمستانی و انقلاب تابستانی، به کار می‌رفت (مصطفی ۱۳۵۷ ذیل انقلاب) در نوشته‌های افلاطون و ارسطو نیز گروهی از اندیشمندان مسلمان مانند اخوان الصفا، امام محمد غزالی، خواجه نظام الملک طوسی، خواجه نصیرالدین طوسی، ابن خلدون و... نکاتی در باب دیگر گونی‌های سیاسی و عوامل زوال و بقای دولت‌ها آمده است و می‌توان از آن‌ها با عنوان نظریه‌های سنتی حوزه انقلاب یاد کرد.

از آنجا که انقلاب‌ها در تاریخ جهان طی دو قرن گذشته بسیار مهم بوده‌اند. برخی از این نظریه‌ها در اوایل عمر علوم اجتماعی تنظیم گردیدند؛ مهم‌ترین رویکرد در این زمینه نظریه کارل مارکس است. مارکس مدت‌ها پیش از هر یک از انقلاب‌هایی که به نام اندیشه‌های او رخ داده زندگی می‌گرد، اما بر آن بود که نظریاتش تنها به عنوان تحلیلی از شرایط دیگر گونی

انقلابی در نظر گرفته نشود، بلکه به عنوان وسیله‌ای برای پیشبرد این گونه دیگر گونی‌ها مورد استفاده قرار گیرد. اندیشه‌های مارکس، صرف نظر از اعتبار حقیقی آنها، تأثیر عملی فوق‌العاده زیادی بر دیگر گونی‌های اجتماعی قرن بیستم داشته‌اند. نظریه‌های مهم دیگر بسیار دیر تر به وجود آمدند و اندیشمندان کوشش کرده‌اند هم انقلاب‌های اولیه (مانند انقلاب‌های آمریکا یا فرانسه) و هم انقلاب‌های بعدی را تبیین کنند و برخی دامنه تحلیل را حتی گسترده‌تر ساخته و کوشیده‌اند فعالیت انقلابی را در ارتباط با شکل‌های دیگر شورش یا اعتراض ترسیم نمایند.

## وطن شناسی از نگاه مفسرین

قال رسول الله ﷺ فرموده اند: ﴿حُبُّ الْوَطَنِ مِنَ الْإِيمَانِ﴾ رسول خدا فرموده است وطن دوستی از نشانه‌های ایمان است و وطن یعنی حال گذشته، حال آینده را بیان می‌کند و تمام سهم یک ملت را ارزیابی می‌نمایند. امام علی علیه السلام در خطبه بیست و نهم از نهج البلاغه<sup>۱</sup> خطاب به مردمی که از جنگ خسته شده‌اند و گوش به فرمان حضرتش نمی‌دهند می‌فرماید افراد ضعیف و ناتوان هرگز نمی‌توانند ظلم و ستم را از خود دور کنند و

---

<sup>۱</sup> خطبه نهج البلاغه: خطبه پس از برنامه حکمین، تاخت و تاز ضحاک بن قیس



حق جز با تلاش و کوشش به دست نمی آید، آنان که در روز نبرد به جنگ می گویند ای جنگ از ما دور شو شما که از خانه های خویش دفاع نمی کنید، پس چگونه فریادی آزادی را سر می دهید.

وطن دوستی یکی از عناوینی است که نزد همه انسان ها و نیز در ادیان آسمانی و به خصوص دین مقدس اسلام مورد توجه قرار گرفته و از قداست و احترام ویژه ای برخوردار است و در آموزه های دینی محبت و مهر ورزی به وطن دوستی نسبت به آن سفارش فراوان شده است عشق به وطن، میلی طبیعی است که خداوند در قلوب همه مخلوقاتش قرار داده است به گونه ای که حتی حیوانات نیز به محل زندگی خود گرایش غریزی دارند، محبت نسبت به وطن امری پسندیده است دین مبین اسلام این میل را مورد توجه خاص قرار داده است. امام علی علیه السلام فرموده اند: ﴿مِنْ كَرَمِ الْمَرْءِ بُكَاءُ عَلِيٍّ مَا مَضَى مِنْ زَمَانِهِ، وَ حَنِينُهُ إِلَى أَوْطَانِهِ، وَ حِفْظُهُ قَدِيمِ إِخْوَانِهِ﴾<sup>۱</sup>

این سه خصلت از بزرگواری انسان است گریستن او بر زمان سپری شده اش، علاقه او به میهنش، نگهداشتن دوستان دیرینه اش در حدیثی از امام علی علیه السلام آمده ﴿عُمِرَتِ الْأَبْطِدَانُ بِحُبِّ الْأَوْطَانِ﴾<sup>۲</sup> (شهرها باحب وطن آباد می شود) دانشمندان و مفسرین اسلامی در شرعی بودن حب وطن تردیدی

<sup>۱</sup> بحار الانوار ج ۷۱، ص ۲۶۴

<sup>۲</sup> بحار الانوار، جلد ۷۵، ص ۴۵

نموده اند و با بسیاری از آیات و روایات آن را اثبات کرده اند در ذیل این مقاله پیرامون وطن دوستی بحث صورت می گیرد.

وطن یعنی گذشته حال فردا	تمام سهم یک ملت زدنی
وطن یعنی چه آباد و چه ویران	وطن یعنی همین جا خاک افغان
وطن یعنی رهایی ز آتش و خون	خروش کاوه و خشم طالب دون

\*\*\*

آشنایان ره عشق گرم خون بخورن    ناکسم گر به شکایت سوی بیگانه روم

هویت ملی از دو کلمه هویت و ملت تشکیل شده که انسانها در درازنای تاریخ به نام طایفه، قوم، قبیله، ملیت و یا ملت، یاد می شوند که هویت ملی تبارز دهنده، هویت گروه های قومی در یک سرزمین که به نام ملت تشکیل یافته اند می باشد (هگل و منتسیکو) هویت ملی را روح آن ملت معرفی نمودند که دولت و ملت را تشکیل داده و هویت ملی در آن بازتاب می یابد ملت سازی، یکی از پروسه ها در شکل گیری دولت هاست.

مفاهیم چون ملت، شهروند، جمهوریت، دولت ملی، آرای مردم از مزایای دیموکراسی محسوب می گردد از آنجای که افغانستان سر زمین اقلیت های قومی است که هیچ قومی به تنهایی اکثریت نفوس کشور را تشکیل داده نمی تواند ولی تاریخ افغانستان مملو از تحریف ها، تبعیض ها و نظام

های تمامیت خواه بوده تا استبداد حاکم هویت خود را بنام پژوهش های تاریخی برای سرکوب دیگران بسازند.

چنانچه در باره منشای تاریخی و هویت قومی هزاره ها نیز در طی مدت بیش از صد سال تحریف و کتمان هویت تاریخی از جانب قبیله ی حاکم و برخی ازسویی حلقات خاص بر تری خواه قومی در تبانی با منابع خارجی انجام شده تا هزاره ها را هویت زدایی نمایند. که از جمله تخریب بت های بامیان بخاطر نابودی قدامت هویت تاریخی هزاره ها و از طریق نسل کشی های دوامدار مانند قتل عام امیر عبدالرحمان خان و تداوم آن توسط طالبان در یکاولنگ، مزار شریف، بامیان، میرزاوولنگ و کشتار جمعی هزاره ها در مسیر شاهراه ها و قتل عام افشار و غیره را می توان به جرم هزاره بودن در این زمینه تذکر داد.

### **دره صوف در دانشنامه جهان اسلام**

دره صوف یکی از ولسوالی های ششگانه ولایت سمنگان است ولسوالی دره صوف که از آن به عنوان دره یوسف نیز نام برده شده، در شمال افغانستان و در جنوب غربی ولایت سمنگان واقع شده است.

فرهنگ جغرافیای تاریخی و سیاسی افغانستان (ج، ص ۱۷۹) دایوانیکا) اکثر اهالی آنجا را هزاره ها، تاجیک ها، ازبیک ها تشکیل می دهند و زبان فارسی دری و ازبیکی از زبانهای رایج آنجاست همه مردم صد فیصد مسلمان

است کلتور و فرهنگ این مردم کاملاً اسلامی است و علما بزرگ از این ولسوالی تا حدی [مجتهد/ مفتی] رشد یافته اند و در تاریخ به ماندگاری سپرده شده است این مقاله گنجایش اسامی آنها را ندارد (پژوهشی در تاریخ هزاره ها (ج ۲ ص ۲۸۳) ینابیع الانتخذ (ج ۱ ص ۲۲) در سال ۳۳ ه. ق مردم اندخوی پیروی قرآن شد تا ملک مأورایی جبل البلخ اسلام گسترش پیدا کرد ملک شمالک هم به دین اسلام کرویدند تا تخارستان و چیچکتو دین مبین اسلام پیشرفتند. سیمای برازنده اندخوی (ص ۲۰) سید برکه صاحب در سده هشتم ه. ق در اندخوی سکنی گزین بوده بنا به دعوت مردم جبل البلخ مناطق گاوکش سید برکه با امیر تیمور صاحب قران یک جا سفر نموده منطقه گاوکش کنار رود باریک دره شمالک می زیسته مردم زیرک و هوشیار بودند و سفر امیر تیمور صاحب قران و سید برکه صاحب را استقبال گرمی واجلال نزول فرمود و همه بیشتر جذب پیروی قرآن شدند. به دستور سید برکه صاحب در آنجا مدرسه دینی بنا نهاده و شیخ مولانا امام یوسف الدین ابن عطاالله لؤلؤی آنجا ساکن شد به تدریس علوم دینی پرداخت.

از آن پس ملک جبل البلخ به ملک دره یوسف یاد شدند فضایل علوم شیخ مولانا تا مناطق تالقان، چیچکتو و سر زمین غورات پیش رفتند و امیر تیمور صاحب قران این ملک را تتمع بسیار خواند و سید برکه صاحب با

دست مبارک جریده ای نوشت: [...یتم الكتاب بعون جبل البلخ الشرقيه فی - البلاد دره یوسف فی ید العباد نصرالله غفرالله ذنوبها و سترعیو بها فی المدارس صاحب القران امیر تیمور...]

این نکته بیان گر این است که در بین مردم راجع به آراء شهر نبوده مطابق روایت اساسی تاریخی شهر دره یوسف به دست سید بر که و امیر تیمور صاحب بنا نهاده شده است.

از آن پس ملک دره یوسف از رونق خوبی بر خوردار شدند و مسیر کاروان سرای تجار تی قرار گرفت شمال دره باریک شمالک مردم تورک که اهل ترک زبانان بوده به زبان ترکی تکلم می نمایند و از طرف غرب دره شمالک هزاره های مغل پارسی زبانان می زیسته و به زبان دری پارسی تکلم می نمایند و مردم اهل هنر، معمار و نقاش بودند به دعوت پیر خرد سید بر که معماران خوج و بلند و خم را به اندخوی فرا خواند و مردم هم دعوت ایشان را لیک گفتند.

ابواسحق ابراهیم بن محمد الفارسی و الاضطخری، دانشمند سده چهارم در کتاب «المسالک الممالک» خویش آورده است: از بلخ تا بوینه قره گز، دو نیم روز راه دو منزل راه است، از بوینه قره دره گز تا ملک دره یوسف شش روز، هفت منزل راه از آنجا تا سمنجان (سمنگان) قریب به پنج روز و چهار منزل راه است.

سمعانی از فقیهان مشهور سده ششم هجری در کتاب «الانساب» خود می‌گوید: دره یوسف به کسر (دَر، وِی و سکون سف) یورت قلا کوچک از مسیر بامیان قدیم به سوی بلخ کهن است و در آنجا طوایف مغل، ترک بسیاریند و میوه درخت فراوان است از تازیان هلا کوخان مغل بزرگ اند. یعقوبی در کتاب البلدان در ذکر بلخ می‌گوید: بلخ چهل و هفت منبر دارد ملک دره یوسف یکی از آن منبران است به شهری سمنجان (سمنگان) راه شیری بامیان و غورات را وصل می‌کند.

در قرن هفتم اسم یورت قلا کوچک دره یوسف در کتاب «سیوان» به املائی چینی خلوسی سف یو ذکر شده است این یورت قلا کوچک در اواخر قرن چهاردهم در دوره سفر امیر تیمور به هندوستان به همین نام نامیده می‌شد در تاریخ اسفاد امیر تیمور قریه کوچک به دره شمالک گاوکش که مراد گاوکش امروزی گذشته از هزاره های قوچ نال سمنجان (سمنگان) نیز یاد کرده است.

جامع الاخبار ص ۳۸ دانشمند جید محمد بن علی بن بابویه قمی معروف به شیخ صدوق در سده قرن چهارم هجری در سال ۳۷۲ ه. ق مسافرت در سر زمین بلخ داشته و در دامنه کوه پایه های دره یوسف خوج و بلند و ایلاق کتاب تحت عنوان من لایحضره الفقیه نوشته این کتاب بزرگ یکی از اصول چهار گانه فقه شیعی به شمار می‌رود.

در سال ۱۳۶۴ ه. ش آیت الله شیخ علی جواهری سفری جهت کنترل اوضاع منطقه مطابق دستور مقام ولایت فقیه و ختم جنگ های تحمیلی داخلی در هزاره جات داشتند که ایشان در مورد دره صوف چنین گفته اند: (دره صوف، در گذشته "دره یوسف" مهد تمدن، صنعت علم و هنر و دانشمندان بودند که فقیهان دیگر کشورها جهت کسب فیض به دره یوسف بلخ می آمدند).

دره صوف تا پیش از سال ۱۳۴۳ ه. ش / ۱۹۶۴ م جزء ولایت بلخ بود و پس از آن به ولایت سمنگان پیوست بصیر احمد دولت آبادی به صفحات خویش نوشته است دره یوسف مقر دانشمندان و فقیهان بوده [ص ۸۸، ۹۱، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۸۵] معدن ذغال سنگ دره صوف شهرت بسیار دارد. در سال ۱۳۰۴ ه. ش ۱۸۸۶ م ذغال سنگ دره صوف در این منطقه کشف شد و استخراج آن از سال ۱۳۳۹ ه. ش ۱۹۶۰ م آغاز شد این معدن با داشتن (۱۰۲) میلیون تن ذغال سنگ، بزرگ ترین ذخیره طبیعی افغانستان به شمار می رود و موجب اهمیت اقتصادی این منطقه شد به همین سبب در سال ۱۳۴۹ ه. ش، ۱۹۷۰ م شهر (بازار) دره صوف ساخته شد گروتف (ص ۱۲۲، ۱۸۷) در سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۳ ش دره صوف تنها مرکز مسکونی و بازار عمده سمنگان بر شمرده می شد که نام

اصلی آن دره یوسف سرکاری و نام محلی آن دره صوف<sup>۱</sup> بوده است. پس از روی کار آمدن دولت کمونیستی افغانستان به ریاست نور محمد تره‌کی در سال ۱۹۷۸م ۱۳۵۷ه.ش اهالی دره صوف از پیشکسوتان جهاد و مقاومت در برابر دولت کمونیستها بودند و بیست پنج دلو ۱۳۵۷ه.ش بر ضد کمونیستها قیام کردند. هرچند این قیام در آغاز به شدت سرکوب شدند اما این قیام از دره صوف به شهرهای دیگر افغانستان به سرعت گسترش یافت. گروتف<sup>۲</sup> در کتاب خود (ص ۳۹۱، ۳۹۰) می‌نویسد: من به (میخائیل گورباچف) قیام مردم دره صوف را گزارش دادم برایش گوش زد کردم جنگ شما در برابر مردم فقیر، گرسنه و پا برهنه است، زنک خطر فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی را به دنبال خواهند داشت در دل آن شب من از طرف گر باچف شنیدم کاملاً مجاب شدم در آن زمان حکومت محلی خود مختار در دره صوف شکل گرفت که دره صوف یکی از مراکز مهم آن محسوب می‌شد)

در ۸ حوت سال ۱۳۷۷ه.ش جویبار نوید پیروزی از دامنه یی کوه پایه های برف گیر سر به فلک کشیده دره صوف شروع به رشد تکامل خویش

---

<sup>۱</sup> «صوف زی» نام یکی از بزرگان اقوام افغانستان از قوم پشتون است، دره یوسف به آن نام مسما شده.

<sup>۲</sup> گروتف خبرنگار روسی: در دویچه ولی آلمان گزارش دادند؛ شورش مردم دره صوف پایه های حکومت اتحادیه جماهیر شوروی را لرزاند من از آنجا شکست روس ها را با تمام وجودم احساس کردم صص ۳۹۱، ۳۹۰



نمود که جهان را به حیرت می انداخت و جهان محو تماشایی دره صوف شدند در سال ۱۹۹۹م ۱۳۷۸ه.ش دره صوف همواره از جمله مراکز مقاومت در برابر طالبان بود، که طالبان از تمام قوه قهریه کار گرفتند منازل، مغازه ها و بازارهای آنجا را به آتش کشیدند. گوتمن ص ۱۸۲ جوستوسی ص ۱۱۷ فهیم دشتی ص ۳۵ ولسوالی دره صوف بر اساس تقسیمات جدید به (۲) ولسوالی دره صوف بالا و دره صوف پایین تقسیم شده است. دره صوف بالا، در ۱۱۷ کیلومتری جنوب غربی شهر آبیک، مرکز ولایت سمنگان، و در ارتفاع ۱۳۳۷ متری از سطح بحر در منطقه ای کوهستانی و نیمه کوهستانی واقع شده است مساحت این ولسوالی ۹۱۱،۲ کیلومتر مربع است و بر اساس احصائیه تخمینی ریاست انکشاف ولایت سمنگان جمعیت آن ۱۰/۸۰۰۰۰ تن گزارش شده است شغل اکثر اهالی دره صوف بالا کشاورزی، دامداری و قالین بافی خامک دوزی و صنایع دستی از قبیل نجاری، حلبی سازی، مسگری، آهنگری است بصیر احمد دولت آبادی نویسنده شهیر و گزارش گر منطقه در (ص ۶۴، ۵۴) می نویسد: دره صوف و قریه های آن منبع ذخیره گاه گندم بوده و به کندوی گندم مشهور است و روستایی خواجه بلند کندوی گندم و مرکز دره صوف گدام گندم در گذشته ها بوده من شاهد این بودم بزرگان روستایی خواجه بلند یک میل اسلحه را به قیمت (۳۲۰) من و خروار گندم خریداری کردند و دره صوف در دهه اخیر پایگاه مقاومت سد مستحکم در برابر طالبان بودند.

ولسوالی دره صوف پایین در ۱۱۵ کیلومتری غرب شهر آبیگ و در ارتفاع ۲۴۸،۱ متری از سطح بحر واقع شده است مساحت این ولسوالی ۷۰۸،۱ کیلومتر مربع است و براساس سرشماری ریاست انکشاف ولایت سمنگان جمعیت آن بالاتر ۱۰۰۰۰ تن تخمین گزارش شده است. اکثر اهالی این ولسوالی نیز به کشاورزی، دامداری و برخی از صنایع دستی اشتغال دارند از مهم ترین محصولات کشاورزی دره صوف پایین گندم، جو و نخود است.

در مجموع دره صوف دارای معادن غنی چون طلا، سرب، زمرد، نفت و ذغال سنگ است که در نوع خود در جهان بینظیر است و حدود ۱۳ نوع ذغال سنگ از این معدن استخراج شده است و حتی در زمان جنگ های خونین نیز به فعالیت خود ادامه داده است.

بعضی از تجهیزات و وسایل افزار کار موجود در این معدن به حدود ۴۵ سال پیش بر می گردد که از طرف دولت اتریش به افغانستان داده شده بود. دره صوف سرزمین زراعتی با ظرفیت بالای دامداری است. براساس برخی آمارها حدود (۱،۴) میلیون گاو بز و گوسفند دارد نزدیک به ۲۵ درصد لبنیات مورد نیاز در داخل تولید می شود، صنایع زیادی در این ولسوالی وجود ندارد.

اماصنایع دستی مثل قالی بافی، فرش‌های دستی، گلیم، نم‌د یا نماد و جاجیم بافی، قغمه، نجاری و حلبی‌سازی به طور خود جوش موجود است. دره صوف به طور کلی از چهار قوم بزرگ هزاره، تاجیک، ازبک و ایماق و دیگر اقلیت‌های قومی تشکیل شده است. دره صوف (دره یوسف) از نقاط است که در مسیر جاده ابریشم رفت، آمد و مهاجرت انسان‌ها قرار داشته است. باستان‌شناسان شواهدی در مناطق خواجه بلند، خم حوض بابر تیارک (تیرک) و بعضی جاهای دیگر به دست آورده‌اند از سکونت انسان‌ها که هزاران سال پیش از میلاد مسیح به دست آورده‌اند. نخستین تمدن شهری ممکن است در این قلمرو در بین دو هزار تا سه هزار سال پیش از میلاد آغاز شده باشد.

دره صوف از نظر معادن و ذخایر طبیعی زیر زمینی، لوی و لوسوالی به شمار می‌رود. اما بیشتر این ذخایر بنا بر مشکلات داخلی از جمله جنگ و اقتصاد ضعیف دست نخورده باقی مانده است. به گفته مقامات وزارت معادن افغانستان این ولسوالی هنوز تنها در مورد ۲,۲ درصد از مواد معدنی و یک درصد از منابع نفت و گاز خود آگاهی دارند.

تحقیقات اخیر که توسط بخش زمین‌شناسی سازمان فضایی آمریکا (ناسا) در مناطق مختلف دره صوف انجام شد نشان می‌دهد که میزان منابع زیر زمینی نفت هشت تا یازده برابر و منابع گاز سه تا پنج برابر بیشتر از بر

آورد های قبلی است و میزان دیگر ذخایر زیر زمینی از جمله معادن ذغال سنگ، حدود ۲۴ برابر بیشتر از مقداری است که پیش از این تخمین زده شده بود گرچه امروز دره صوف به سرزمین سوخته معروف شده و یاد می شود این لکه ننگ بر جبین دولت مداران افغانستان نشسته است. این لوی ولسوالی دره صوف [دره یوسف] از قدیم الایام و از نگاه واحد اداری درست به شکل دسته بندی شده بود بیشتر جمعیت قومی و سمتی را به خود می گرفت به شمول ولسوالی دره صوف بالا و پائین هیچ وقت از نگاه دسته بندی واحد اداری مشکلات به میان نمی آمدند. دره صوف بر سر راه های مهم بلخ بوده و سرحدات مرز ایران و توران قدیم قرار داشته است ادبا، فضلاء و شعراء بزرگی را در دامان خویش پرورانده است. نام و یادی از آنها در خاطره ها زنده است. در کتاب حدود العالم من المشرق الی المغرب، تصحیح دکتر منوچهر ستوده، معجم البلدان یاقوت الحموی، شاهنامه شاهکار بزرگ فردوسی و طوسی به مراتب نام برده است.

## وجه تسمیه دره صوف

ویژگی های تاریخی و موقعیت جغرافیای دره صوف را در یافتیم، اما چرا؟ دره صوف و یا دره یوسف خوانده اند؟ آیا نام وجه تسمیه دارند یاخیر؟

بیشتر پژوهشگران در باره کار برد این که دو نام یا دو واژه کدام پیشینهٔ تاریخی دارند خیر، که به دره یوسف اکتفا نمودند.

گاهی این و گاهی آن کلمه را به کار می‌برند زمانی دره یوسف را پارینه تر از دره صوف می‌دانند اما بررسی و شناخت آثار جایگاه فرهنگ پارینهٔ این سرزمین و به گفتهٔ عامه مردم این مطلب روشن می‌شود.

می‌گویند دره صوف از دره یوسف گرفته شده است و گفته می‌شود دره یوسف مخفف چشم انتظار مردم به مقدم عالم زمان شیخ امام ابو یوسف الدین لؤلؤیی بوده است به دعوت عامه مردم و به دستور سید برکه اندخوی به ملک جبل البلخ آمده است. بنا بر این آن‌ها «چشم انتظار در راه ابو یوسف» بودند. و لیک گفتند و سید برکه در طومار خود ملک جبل البلخ را ملک دره یوسف ذکر کرده اند. و مردم این ملک چشم در راه یوسف بودند.

با گذشت روزگار جهت سادگی تلفظ، حرف «ا» از کار افتاد در راه تبدیل به دره شد و در رَه یوسف در کلمات ذکر شده است. دره یوسف در گنج واژه بلخ به معنی مهد آمده است این واژه نام محلی نیست، اگر این واژه را ترکی بدانیم طوری که برخی گفته اند، در آن صورت می‌توان به «آوای» در ترکی توجه کرد که به معنی دوست و چشم انتظار

بزرگ است در کلمات ترکی درّه به معنی ناگهان آمدن و ناگاه سر زدن هر دو معنی مقدس است.

در لغتنامه مرحوم دهخدا آمده مهد گستردن و فراشی رد پای را خوانده اند که مردم به آن اعتقاد داشتن. حدود العالم کوه شرق جبل البلیخ را گز دره، خشک دره، طولندره، جو دره و جوسف دره ذکر کرده اند که همه ریشه در زبان ترکی دارند.

می گویند این منطقه در پارینه زمان محلی تبدیلی امرا و فرمانده هان شان بوده است. و سران قوم انتظار و چشم به راه امرا خویش بودند بالاخره این واژه به همان سر زمین اطلاق می شدند دره یوسف، و دسته های سمتی دره صوف خود گواه اثبات نام تاریخی خویش استند، دسته یوسفی...!

### **دسته های سمتی ولسوالی دره صوف**

۱- دسته دایمیرداد

۲- دسته سرولنگ مرکز دره صوف

۳- دسته یوسفی هزاره

۴- دسته یوسفی تاجیکیه

۵- دسته مقصود

۶- دسته علی دوستی

۷- دسته فولاد

۸- دسته ایماق

## میراث فرهنگی آبدات تاریخی دره صوف

یکی از ویژگی های خاص دره صوف (دره یوسف) در پارینه زمان تأثیر پذیری و رشد فرهنگ ها در آن بوده است. انسان های کمون نخستین بار در یافت مکان مناسب نیازمند های شرایط زیست زندگانی خود در آن محل برگزیدند. بنا ها و معابدی برای پرورش انسانها ایجاد کردند، آثار شواهد که از گذشته های دور باقی ماندن به روشنی باز گو کننده مؤید این امر است. ولی تا هنوز کاوش و جستجوی برای شناسایی باز یابی و چگونگی زیستن انسان ها در آن ساحه صورت نگرفته است.

اطلس جغرافیای عمومی افغانستان<sup>۱</sup> آثار باستانی کندهار و دره یوسف ماقبل از تاریخ است. اثبات قول ما موجودیت اماکنی، کتیبه و سنگ نبشته های است که تا کنون پژوهشگران از آن آگاهی ندارند. گهگاهی کنده کاری های غیر فنی صورت گرفته کتیبه و سنگ نبشته های هویدا شده است. برخی آثار دیگر وجود دارند به علت عدم آگاهی مردم از اهمیت

---

<sup>۱</sup> اطلس جغرافیای عمومی افغانستان تالیف: وگرد آورنده عباس سحاب چاپ یونیسیف سال ۱۳۴۳ ه. ش. دهلی.

آن و یادور بودن آن از انظار عمومی در میان دره ها و کوه پایه ها در دل خاک پنهان و ناشناخته باقی مانده اند. در همین رابطه، کار شناسان فرهنگی در دره صوف از موجودیت اثرها و آبدیه های ارزشمند بسیار پیش و پس از اسلام در این ولسوالی یاد آوری می کند و می گویند که هم اکنون بیشتر این اثرها و آبدیه های تاریخی در خطر نابودی قرار دارد. مع الأسف این اماکن به مرور زمان تخریب گردیده است، برای تکمیل این مطالب نا گذیر به اماکن نیز اشاره به آن خواهند کرد.

۱- **قلعه زاغان:** در منطقه چوبکی مغاره های شگفت انگیز تراشیده شده در پیکر کوه به شکل اطاق ها و مغاره ها در پهلوی هم قرار گرفته است.

۲- **قلعه خواجه بلند:** در منطقه خواجه بلند چهار تپه خاکی دست ساز بشر به ارتفاع ۱۱۰ متر وجود دارند، مناره ها، دیوار گیلی، سموج ها، سنگ نبشته ها و کتیبه های ساسانی در آن محل نیز موجود است که تاکنون آثار تاریخی آن هویدا است.

۳- **اوج قدوق:** در جنوب خواجه بلند و خواجه گنج قرار دارد دشت سرسبز وسیع را احاطه نموده و در بطنی خود دو قدوق (چاه) آب را جای داده و در آخر دشت در بلندای کوه چاه نیل به گفته مردم بومی



هر کسی وارد این غار می‌شود پس از مدت بیماری و فلج و دچار تکلیف اعصاب روانی می‌شوند.

۴- **درهٔ چهل مس:** در منطقه علی خیل مغاره‌ها، خشت پخته، استخوان‌های کمون هنوز پیدا می‌شود و چشمه به نام چشمه گاوان بوده که به زیبای این منطقه می‌افزاید.

۵- **قلعهٔ خم حوض (حوض بابر) تیرک:** در منطقه تیرک قلعه کهن باستانی و حوض سنگی شراب، سدی وجود دارد که بعد از بند امیر دومین جهیل افغانستان می‌توان شمرد و این قلعه را مهر نگار دخترانو شیروان عادل بنا نهاده است.

۶- **کوه چهل دختران:** در منطقه شیخه که به تعداد چهل دختر بعد از فتح قلعه ظلم آباد دوران امیر عبدالرحمان خان از تاشقرغان بلخ فراری شده در غار کوه غایب می‌شود و هنوز زیورآلات زنانه هم از داخل غار پیدا می‌شود.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> این قصر با باغ‌هایش از سازه‌های تاریخی ولایت سمنگان در قرن نوزدهم و یا هم ولایت بلخ کنونی است. این بنا که در منطقه خلم موقعیت دارد. قرار می‌گیرد، به جعل تاریخ توسط عبدالرحی حبیبی نویسنده دربار حکومت وقت به دوره امیر عبدالرحمان خان نسبت داده می‌شود. امیر عبدالرحمان خان تمام آبدات تاریخی را ویران و حتی مردمش را قتل عام کرد که تاریخ از ذکرش شرم دارد. نام خلم بیشتر از آن به تاشقرغان بوده. ◀

۷- **حوال دیک ریز:** در منطقه سرخ شهر تعداد از دیکدان ها و آتشکده نعلی مثلثی که در ظاهر به ساخت دیک و سایر افزار گیلی ... از آن استفاده می نمودند وجود دارند.

۸- **دره گاو خانه:** در منطقه دروازه و غوجور تو غاری وجود دارد هرگاه با نزدیک شدن به غار توأم با وزریدن نسیم صحرا صدای

---

► قرار متون پیشنه نگاری این قصر در سال ۱۸۵۷م ۱۲۳۶ه.ش بازسازی شده قدامت آن بیش از این است این قصر باگنبد به گونه کلاه رستم اعمار شده است. امیر عبدالرحمان خان فرمان ترمیم و مرمت سازی این قصر را صادر نمود روزانه صد ها نفر کارگر در این قصر به کار گماشته شده بودند و کارگران خسته از کار را در لایه های دیوار زنده به گور کردند. چهل دختر ملبس به لباس کارگر داخل کار می شود در اثنای کار سردسته کارگران عبیدگل بیک از قوم خروتی مرد ظالم بود، وقت گلچهره در رأس دختران کار را شروع نمودند با یک فرمان سر دسته کارگران را در لایه های دیوار پنهان می کند. بعد از آن دختران به کوه ها فراری می شوند لشکر امیر به تعقیب دختران چهل شب و روز به ملک دره یوسف رسیدند به کوه (زلخا، زلفا یا شویخا) که شیخه کنونی است. گلچهره و همراهان او و سپا امیر نبرد خونین پیش می آیند دختران بعد از نبرد سخت بالای این کوه در درون غار پنهان می شوند مدت چهل شب و روز می گذرند. وقت سر لشکر سپاه امیر داخل غار می شود فقط چادر نه گله یی هزارگی از آن دختران قهرمان باقی مانده بود. بعد از آن حادثه خونین دلخراش این کوه به بلندای خود گواه حماسه های تاریخی چهل دختران است. که اکنون به آن مسمی شده است. کوه چهل دختران شیخه کاج التواریخ ص ۱۵۴. امروزه این کوه سر به فلک کشیده شاهد حماسه های دره صوفیان است بر بلندای تاریخ فریاد می کشد.

گوساله گاو از درون غار خیالاً به گوش می‌رسد در سال ۱۳۸۵ ه.ش. مسترجا نگین از درون غار زین طلا و مجسمه بودا را پیدا کرده است.

۹- **گوله حصار:** در منطقه گردنه در ارتفاع بلندی کوه غاری وجود دارد پر از گنج با نزدیک شدن به غار، طلسم مانع و رود به غار می‌شود مانند تند باد، چکا چک شمشیر هم به گوش می‌رسد که بر وحشت این غار افزوده می‌گردد.

۱۰- **دره جمالک:** در منطقه دایکندی دره استراتژیک وجود دارد این دره در دوران قیام مردم دره صوف مرکز قیام و مقاومت مردم دره صوف بوده و در فصل بهار منظره زیبا و سرسبز دارد.

۱۱- **خوال چمچوغلی:** در منطقه نوامد حفره های آتشدان و کره های ظریف آهنگری به چشم می‌خورند. و چشمه سار طبیعت با آب اندک شور و در آب آن کرم زالو نیز وجود دارد، و زالو در علم طبابت خیلی مؤثر است.

۱۲- **قلعه خاکستر ریل:** در منطقه قرغنه قلعه بنا شده به ساخت سه ضلعی خشت های سرخ پخته شده دارای هفت برج ترصدی است که هنوز آثار آن هویدا می‌باشد.

۱۳- **کوه جلجلی:** در منطقه شباشک چشمه یی بر فراز کوه موجود است که با طلوع آفتاب درخشش و زیبایی خاص خود را دارد و غاری در این کوه نهفته که انتهای آنرا تاکنون کسی پیدا نکرده است.

۱۴- **خوال آسمان خوال:** در منطقه دره چیلی و زیدوری محل کاروان سرا بوده و ده ها آثار تاریخی از آن پیدا شده که کشف کتاب تاریخی با حروف لاتینی لباس و کفش های پوستی از آن جمله می باشد.

۱۵- **آبشار شر شره:** در منطقه خواجه گنج آبشار وجود دارد که در سپیده دم صبح با گذر انسان ها هزاران کبوتر رنگارنگ با شر شر آب به هوا پرواز می کند. بنا بر بعضی اقوال گنجینه یی باختر در این منطقه دفن است.

۱۶- **قلعه دیوالک:** در منطقه شیره دایمیرداد قلعه وجود دارد که از آن قلعه ده ها آثار تاریخی از جمله تیر و کمان پیدا نموده اند که متأسفانه توسط کاوشگران غیر فنی به یغما و تاراج رفته است.

۱۷- **دشت ایچرگو:** در منطقه چهارده دشت سر سبز و جهیل گونه یی وجود دارد که در فصل بهار مملو از آب بوده که محل بود و باش پرندگان می باشد و در فصل پاییز با کم شدن آب به دشت سرسبز تبدیل شده که به محل چراگاهی مالداران مبدل می شود.

۱۸- **گم آب:** جهیل ایستاده در منطقه دره تره بلاق تفریحگاه بزرگ طبیعی را به خود اختصاص داده است که به صیدگاه ماهیان تبدیل شده که عمق آب ۱۵۰ متری را به وجود آورده است.

۱۹- **قره ناور:** در منطقه ليله بند آبی طبیعی وجود دارد که به نام جهیل قره ناور یاد می‌گردد که دیدنی و تفریحی در ولسوالی دره صوف به شمار می‌رود که بخش بزرگ از در یای خروشان دره صوف را تشکیل می‌دهند.

۲۰- **منبر غریب:** در منطقه سرولنگ پشت قشلاق بهسودی ها، کوه و تپه های سر سبز در موقع بهار، جایگاه تفریحی را به خود اختصاص داده. و سنگ های پراکنده از کوه جدا شده در میان دره به وجود آورده و در انتهای دره مردم در ماه محرم شب ها بدون چراغ به عزاداری ایام عاشورای حسینی علیه السلام با یک دنیا ترس وحشت می‌پرداختند. و در بلندی تپه ها چند نگهبانی می‌گذاشتند فقط با یک اشاره مردم را از آمدن مأمورین دولتی اطلاع بدهند؛ گویا حکایت از دوره سیاه امیر عبدالرحمان خان وحیب الله خان جابر دارد. که ملا غلام علی کربلای خواجه بلند و خدای رحیم در آن زمان بطوری پنهانی (تقیه) عزاداری

می کردند. که امروزه به محل تجمعات و زیارتگاه عمومی تبدیل شده است!

۲۱- **جولان تپه:** در مناطق شیخه تپه یی به ارتفاع ۲۵۰ متر در بلندای کوهی قرار گرفته در گذشته محل صف آرای لشکر لهراسب بوده اسلحه گرم آن روز به وفور از این ناحیه پیدا می شود مانند شمشیر، تیرکمان و نیزه لهراسب اسب خود را در بلندای این تپه جولان می دادند برای همه قابل مشاهده بودند تا مورال لشکر قوی گردد.

در این کتاب فرصت بیشتر این را نداریم که تمام مناطق آثار باستانی و آبدات تاریخی دره صوف را به معرفی بگیریم؛ صرف اختصار به ذکر نام اکتفا نمودیم و در چاپ بعدی مفصل به وقایع قلعه ها و بناهای تاریخی به تذکرات آن خواهیم پرداخت.

---

<sup>۱</sup> ملا غلام علی کربلای خواجه بلند؛ در سال ۱۲۸۳ ه.ش در زمان حکومت جابر امیر عبدالرحمان خان و حبیب الله خان شب ها در ایام ماه محرم در دامنه جر پشت قشلاق بهسودی ها روضه می خواندند و خدای رحیم گریه می کرد، فقط دو نفر با هم بودند. هیچ کسی از عزاداری اینها مدت ها خبر نبودند، بعد ها مردم شب ها گرد هم می آمدند به عزاداری خویش می پرداختند.

## تخریب آثار تاریخی در دره صوف

دره صوف سرزمینی مقاومت و دلاوری علیرغم داشتن معادن ذغال سنگ وافر که سالانه میلیونها دالر به جیب دولت عواید پولی به بار می آورند با داشتن سابقه تاریخی چندین هزار ساله از آثار تاریخی بس مهمی برخوردار می باشند که سارقان آثار تاریخی با کاوشهای غیر فنی خویش صدها قلم آثار تاریخی را از این دره سرسبز به سرقت برده اند و در بازارهای جهانی به فروش رسانده اند که از جمله می توان به چندین مورد اشاره نمود.

۱- کشف ۱۸ جوره لباس ابریشمی تاریخی که با آب طلا زerkوب شده بودند و با عطرهاى بسیار خوشبو معطر گردیده بودند که با گذشت صدها سال هنوز بوی عطر آن مشام هر بیننده را معطر می نمودند.

۲- موجودیت يك ورق كتاب که شاید لیست تمام آثار به دست آمده در آن درج شده باشد که در آن زمان آن ورق کتاب را هیچکس نتوانست بخواند زیرا آن ورق از کتابت بسیار سابقه بر خور دار بود و آن ورق کتاب تاریخی قدیمی بود.

۳- تاج طلای بسیار قیمتی و ارزشمند

۴- مجسمه طلای با قدامتی تاریخی

و ده ها قلم جنس دیگر که متأسفانه مخفیانه کشیده شدند و توسط سارقین آثار تاریخی از کشور خارج گردیدند. تمام این آثار تاریخی در

سال ۱۳۷۹ ه.ش از دره حسنی بدست آمدند که قیمت مجموعی آن آثار توسط قاچاقبران آثار عتیقه ۴۲ میلیون دالر برآورد شده بودند.

این آثار از یک غار بدست آمد که در نقطه یی کوهستانی به نام «چوبک» که بسیار باریک و غیر قابل عبور و مرور می باشد در تنگی حسنی موقعیت دارد که در دستمالی بسته بندی شده بود تا از خوردن مور یانه و گذشت زمان از بین نروند این غار از بیرون با ظرافت خاصی کاهگیل و پنهان شده بود تا مانع ورود برف و باران در درون آن شوند. و شاید صد ها سال از گذاشتن این آثار تاریخی در آن نقطه می گذرد.

با کمال تأسف این آثار نه تنها در جای نگهداری نشد بلکه توسط افراد زور مند محلی چور و چپاول شدند و هر کس به قدر زور و قدرت خود از آن آثار تاریخی استفاده شخصی نمودند.

#### ۵ - کشف جسد اسکلیت های مومیای شده

جسد اسکلیت های مومیای شده از چهارده دره صوف بدست آمده بود که قدامت تاریخی این جسد ها بر می گردد به دوره های دو هزار الی سه هزار پیش در عصری که شاهان کوشانی مرده هایشان را مومیای نموده دفن می نمودند. این آثار بدست آمده توسط سارقان آثار تاریخی با قیمت بسیار نازل در بازار جهانی به فروش رسیدند. و هرگز مطبوعات و رسانه ها از این سرقتها آگهی نیافتند.



## تخریب قلعه چنگیز خان در دره صوف

قلعه چنگیز خان در دره صوف یکی از بزرگترین آثار تاریخی آن ساحه به شمار می‌رود که بد بختانه دولتهای گذشته با بی میلی و بی تفاوتی بسیار آشکار از کنار آن گذشته و این قلعه تاریخی به مرور زمان توسط مردم تخریب گردیده است.

این قلعه تاریخی در قریه «صد مرده» دره صوف موقعیت داشته و در بالای تپه بلندی اعمار گردیده بود ولی در باره تاریخ بنای آن و اینکه چه کسی این قلعه را اعمار نموده است معلوماتی دقیق در دسترس نمی‌باشد. آیا چنگیز خان. خان بزرگ مغول این قلعه را ساخته است یا شخصی دیگری..؟ در این باره در تاریخ چیزی نیامده است، با وصف آنکه تا به امروز مردم این قلعه را بنام چنگیز خان می‌شناسند. در حول و حوش این قلعه چندین نقطه مهم تاریخی دیگر موجود است که با این قلعه ارتباط زنجیره ای با همی داشته و دارند.

۱- قلعه ای در دهن تور، دره صوف که در سال ۱۳۳۷ه.ش توسط دولت وقت تخریب و به جای آن کلوپ معدن و مراکزی جهت کار کنان معادن ذغال سنگ ساخته شدند.

۲- حوض چنگیز خان در بالای کوه قور غو در غرب قلعه چنگیز خان.

۳- وجود غارهای کلان در قسمت بالای کوه قورغو که مراکزی مهمی برای عساکر و لشکریان چنگیز خان بوده است.

این قلعه مستحکم نه تنها مرکزسوق الجیشی نیروهای جنگی چنگیز خان بوده بلکه صد ها مرد جنگی در این قلعه حضور فزیکتی نظامی داشته که از حریم دره محافظت می نموده و به مرور زمان این منطقه به نام صد مرده معروف شده است. زیرا یکی از دسته های لشکر چنگیز خان را صد مرد جنگی تشکیل می داده است. بدین مناسبت این قریه به نام صد مرده معروف شده است که صد مرد جنگی در این قلعه حضور فزیکتی داشته است؛ دیگر اینکه موجودیت پناه گاه های کوهستانی و حوض چنگیز خان در بالای کوه قورغو که امروز به موزیم طبیعی تبدیل شده است حکایت از موقعیت استراتژیکی این نقطه را می نماید. یکی از برجهای این قلعه سالها پا برجا بود و از گزند حوادث مصون مانده بود. که این برج تاریخی توسط کاوشگران غیر فنی آثار تاریخی تخریب گردیده است که بدین سان آخرین برج باقی مانده قلعه چنگیز خان در دره صوف فرو ریخته شد که تخریب این برج ضایعه بس بزرگی در آثار تاریخی این کشور می باشند.

## زیارتگاه دره صوف

فرهنگ زیارت: علاوه بر ثواب های که در احادیث برای زائران ائمه علیهم السلام و اولیاء خدا علیهم السلام بیان شده، کار کرد ها و آثار تربیتی نیز همراه دارد! از

جمله فوائد تربیتی زیارت می‌توان به این مسائل اشاره کرد: افزایش معرفت زائر و آموختن معارف دینی از خلال زیارتنامه‌ها؛ آشنایی با مقام زیارت، تحکیم رابطه‌ای درونی انسان با اولیاء خدا ﷺ زیارت عملی عبادی است. به معنای حضور در پیشگاه پیشوایان دینی، دیدار از مکان مقدس برای اظهار ارادت و احترام و کسب فیض معنوی، زیارت همواره از اعمال پسندیده‌ای اسلام بوده و در طول تاریخ مسلمانان به زیارات عنایت و اهتمام خاص داشته اند.<sup>۱</sup>

از این رو ما به زیارات در مناطق دره صوف اشاره می‌نمایم که در طول سالیان دراز در بین مردم مورد احترام؛ و مردم به دیده‌ای قداست و بزرگواری به مزار آنان می‌نگرند، و زیارتگاهها محل عبادت، راز و نیاز با خداوند ﷻ می‌باشند، زیارتگاه‌های که در قریه و قصبات دره صوف وجود دارد قرار ذیل اند:

○ زیارت: شاه علی مردان - نوامد

---

<sup>۱</sup> وسائل الشیعه ج ۱۴ ص ۳۳۲

جواهرالکلام ج ۲۰ ص ۳۹۷

بحار النوار ج ۱۰۰ صص ۲۳، ۲۵

کشف الغطاء ج ۴ ص ۶۲

الحدائق الناضره ج ۴ صص ۳۹، ۵۹۱

- زیارت: شاه سید احمد - بند نوامد
- زیارت: شاه سید ابراهیم - تگاب نوامد
- زیارت: حضرت ابوالفضل العباس (علیه السلام) - خواجه گنج
- زیارت: خواجه الماس - سرشوراب
- زیارت: شاه سید امیر - شباشک
- زیارت: خواجه گل - علی خیل
- زیارت: خواجه بلند - خواجه بلند، ددک
- زیارت: چهار اولیا - دایکلان، موشک
- زیارت: اشترسنگ - تیوه تاش
- زیارت: سید مسلم شاه - تیوه تاش، پشت آب
- زیارت: چهل دختران - شیخه
- زیارت: حضرت پهلوان - تگاب شیخه
- زیارت: دوازده امام - دامن کوه چهلتن شیخه
- زیارت: خواجه گل - تیرک
- زیارت: سبزگل - کته نو
- زیارت: منبرغریب - سرولنگ - بهسودی ها
- زیارت: شاه عبدالله آغا - صد مرده
- زیارت: قویی - رشک

- زیارت: شیردرواز - ظهرا
- زیارت: چهلتن - روم
- زیارت: بابایی ولی - دایکندی
- زیارت: سُم دُلْدُل - سرخ قدوق
- زیارت: آب چکان - چکاب، لبابی
- زیارت: سید مراد بخش - ليله
- زیارت: داود نبی (علیه السلام) - داود
- زیارت: شاه حسین - دره بید، زردسنگ
- زیارت: سُم دُلْدُل - تگاب، حسنی
- زیارت: سید شفا آغا - حسنی برج
- زیارت: پنج تن آل عبا (علیهم السلام) - پیتاوک نوالی
- زیارت: پنجه شاه - زیرکی
- زیارت: ده دل (ده تن) - مقصود
- زیارت: بند ارچه - حسنی
- زیارت: قدمگاه حضرت علی (علیه السلام) - حسنی برج (اوزون) پایین.
- زیارت: قوش ارچه - تنگی موشک

آفت و بلایی در شرایط فعلی، در کلی کشور به وجود آمده! پس از پیروزی مجاهدین و روی کار آمدن دولت قانونی؛ حامد کرزی و

اشرف غنی احمد زی عمل نا پسندی به راه افتاده است! با تبلیغات وسیع این قبرها را انگلیسها درست نموده، نبش قبر با دستهای پنهانی صورت می‌گیرد! هر قبری دارای پسوند یا پیشوند همانند: خواجه و شاه و قدامت تاریخی را دارا باشند بیشتر در معرض خطر نبش قرار دارد.

از این جهت مردم ناگاه از قدامت تاریخی آن و قاچاقچیان بین المللی و حرفه ای اشیاء عتیقه و باستانی را می‌ربایند؛ به عقیده شان اینکه خواجه‌ها و شاهان با اشیاء ارزشمندشان دفن شده است. دست یابی به آن صاحب ثروت عظیم می‌شود! اکثر زیارتگاه‌های دره صوف نبش و تخریب شده است و اشیاء گران بهاء آن به یغما رفته است.

## مناطق تفریحی دره صوف

☉ دیو کمر و طلا کمر: در مناطق بلوچ.

☉ شاکل: یا شاه کل در مناطق دروازه محل سر سبز و تپه‌های بلند را تشکیل می‌دهد و تخت نشینی شاه کل گشتاسب بوده که دارای معادن ذغال سنگ و افر می‌باشد.

☉ شیر دروازه: مغاره است که با نزدیک انسان به آن صدای تک تک چوبک آسیاب به گوش می‌رسد.

دره قورغو: در مناطق ليله تفریگاه سر سبز و دلگشاہ وجود دارد که به نام دره قور غویاد می شود.

بند بادپکه: در مناطق علم سنگ و دایکندی است که درخت ارچه تبدیل به سنک شده است.

دره تاریکک: طرف شرق خواجه بلند دره عمیق و وسیع سر سبز تفریگاه که در موسم بهار استخر بزرگی را به وجود می آورد و غار بزرگ اژد ها را در قلب خود دارد که هر بیننده را وحشت می اندازد و در فصل زمستان پرندگان زیادی در عمق این دره جمع می شوند و صید گاه شکار چیان می باشد و گیاه مشک آهو ختن نیز در این دره پیدا می شود.

سنگ سُلّاخ: در مناطق طور تپه مهم سوق الجیشی است که در زمان قیام مردم ولسوالی دره صوف از این ناحیه مردم صدای فیر توپ را می شنند و نیروهای مهاجم را هدف قرار می دادند.

کوتل کدنیکک گلوانسای: کوتل صعب العبور است که یک پارچه از سنگ کوه تشکیل شده است فرهاد به عشق شیرین از دل این کوه برای عبور و مرور انسان ها راه درست کرده است که این جهت معروف به فرهاد کوهکن شده است، سرانجام فرهاد به شیرین هم نرسید.

● کله شمشیرسنگ: در مناطق المللی کوهی است همانند شمشیر در دامنه این کوه محل صف آراییی لشکر حبیب الله خان سقو بوده و تفریحگاه بهاری را در خود اختصاص داده است.

## دره صوف سر زمین گردشگران

سر زمین افغانستان به رغم مشکلات و نابسامانی های که در طی سه چهار دهه با آن ها دست به گریبان بوده است، سرزمینی است مرد پرور، مرد خیزو سرشار از خیر و برکت های فرهنگی و معنوی؛ هر نقطه ای از این سر زمین را که نام ببریم، یاد و نام های تاریخی و فرهنگی بسیاری را به یاد می آوریم. ایکاش می شد در یک پروژه فرهنگی، پژوهشی تمام ولایات و ولسوالی ها و مناطق دور و نزدیک آن را معرفی می کردیم و در یک دایره المعارف جامع در اختیار مردم کشور و جهانیان می گذاشتیم. اما به گفته مولانا جلال الدین محمد بلخی:

آب در یا را اگر نتوان کشید      هم به قدر تشنگی باید چشید

در این نوشته به معرفی ولسوالی دره صوف می پردازیم، به این دلیل که دره صوف هم دارای سابقه تاریخی بسیار است و هم شخصیت های برجسته مانند حضرات [آیت الله حاج شیخ میرزا حسین (آخوندحاجی)، آیت الله شیخ علی جمعه نوالی، آیت الله شیخ محمد موسی اخلاقی، آیت الله



عبدالحسین (آخوند زوار)، آیت الله حاج شیخ عطاالله توسلی، آیت الله شیخ علی جمعه رضایی، آیت الله شیخ محمد حسین مجاهد، آیت الله سید حیدر نجفی و مولوی علی نظر] و... از این سر زمین بر خاسته اند.

در ضمن با این نوشته می خواهیم از گرد شگران و سیاحان و هموطنان خود که در فصل تابستان فرصتی برای گردشگری به دست می آورند، برای باز دید و استفاده از آب و هوا و طبیعت بکر و معادن دره صوف دیدن نمایند دره صوف هم از لحاظ آب و هوا و طبیعت یکی از مناطق کم نظیر در شمال کشور است. از طرفی به حکم این که خود در این ولسوالی زاده شده ام و با محیط آن کاملاً آشنا هستم، وظیفه خود می دانم که در باره این خطه مرد خیز و زرخیز اطلاعات لازم را در اختیار دوستان و هموطنان خویش بگذارم.

#### جغرافیای دره صوف:

نام دره صوف (دره یوسف) با نام بلخ باستان گره خورده است؛ زیرا دره صوف (دره یوسف) یعنی آب بلخ، دریای بلخ که منبع آبادانی بلخ، حیات مردم آن و باروری دشت های فراخ آن و سرسبزی و شادابی سر زمین های وسیع بلخ است از دره صوف و بلخاب می آید. در واقع منبع آبادانی و نعمت و فراوانی و سرسبزی بلخ شده است. گرچه بخشی از دریای بلخ از بند امیر در یکاولنگ سر چشمه می گیرد اما یک بخش از این دریا

از کوه ها و دره های دره صوف (دره یوسف) می جوشد و به سمت بلخ سرازیر می شوند.

دره صوف، در جنوب ولایت بلخ و غرب سمنگان، واقع شده است. از مرکز کشور یعنی هزارستان اگر وارد شویم و به سمت شمال برویم، نقطه آخر هزارستان یکاولنگ و شروع شمال دره صوف است. خلاصه که دره صوف در مرز بین ولایات شمال کشور با مناطق مرکزی قرار گرفته است در عین حال که جزء از لوی ولسوالی های ولایات شمال کشور مان به حساب می آید. ولایت سمنگان به شمول مرکز آبیگ به تعداد (۷) ولسوالی دارد که دره صوف یکی از بزرگ ترین و پر نفوس ترین ولسوالی ولایت سمنگان به شمار می رود.

#### طبیعت دره صوف:

دامنه هایی رشته کوه بابا از مناطق مرکزی افغانستان به طرف شمال کشیده شده است و تا نزدیک بلخ امتداد می یابد. در فراز و نشیب های مختلف این رشته کوه های سربه فلک کشیده، یک دره تاریخی و در عین حال طولانی وجود دارد. این دره از یکاولنگ شروع می شود و تا خود بلخ و مزار شریف تداوم پیدا می کند. کسانی که از مسیر چشمه شفا به شولگر (بوینه قره، دره گز) یا کشنده سفر کرده باشند، متوجه شده اند که ولسوالی شولگره (بوینه قره، دره گز) در یک دره کم عمق واقع شده است. در واقع

شولگر و حدود چشمه شفا آخر دره یی است که از یکاؤلنگ آغاز می شود و به مزار شریف پایان می یابد. طول این دره تقریباً ۲۸۰ کیلومتر تخمین زده می شود. عرض این دره، یک سان نیست، در جایی وسعت پیدا می کند و در جای دیگری تنگ باریک می شود. دره صوف قسمتی از این دره طولانی و تاریخی است و در حد اوسط این دره قرار دارد و شاید عمیق ترین قسمت این دره، دره صوف باشد. پس دره صوف (دره یوسف) دره عمیق و درازی است که از سر تا به پایش تقریباً هفتاد الی صد و ده کیلومتر درازا دارد. به اضافه این که دره های کوچک و بزرگ بسیاری هم در خود دره صوف وجود دارند.

در کتاب حدود العالم من المشرق الی المغرب (ص ۲۶) چنین آمده است: (رود بلخ است از حدود بامیان بگشاید بر حدود مدور، رباط و دره یوسف بگذرد به بلخ رسد و این آب همه اندر کشت و بذر بلخ بکار شود از حد گوزگانان (جوزجانان) عبور نماید.)

و دو طرف این دره، کوه های بلندی است که سر بر آسمان می ساینند و نظاره گر حماسه های جاویدان مردمان دره صوف (دره یوسف) اند. در دل این کوه ها، زمین های زراعتی گسترده شده و معادن خدادادی طلای سیاه (ذغال سنگ) وجود دارد بیلاق ها، در روستا های بسیاری هم در لابلای این

کوه ها و دره ها وجود دارد که مردمان آن ها به زراعت و دامپروری مشغول هستند.

### دریای دره صوف:

دریای دره صوف در واقع همان دریای بلخ است. یعنی آب این دریا یکی از دریا های تاریخی است که در بسیاری از منابع تاریخی کهن از آن به نیکی نام برده شده است. برای معرفی بهتر این دریایی حیات بخش از برخی منابع معتبر کهن یاری می گیریم.

در کتاب معروف فضائل بلخ اثر ابو عبدالله محمد بن داود واعظ بلخی که در اوایل قرن هفتم نوشته شده است در باره دره یوسف یا همان دریای بلخ چنین می گوید: [آبادانی این شهر بدان بود که حق تعالی بی دستبرد هیچ مخلوقی، آبی لطیف و گواه را بر روی زمین هموار کرده است. نه چنان که در دیگر بلاد خراسان و غیر آن است که به تکلیف بسیار و زحمت بی شمار کاریزها کنند و در بعضی جاها رنج های صعب، تا آب بر روی زمین روان شود. منبع و مخرج این، از چشمه های خوش و سنگ های پاکیزه بیرون می آید تا آنگاه که به فضای صحرای زمین دهی، کشنده دره گز، بوینه قره بلخ می رسد.] در منابع اسلامی دریای که به نام باکتروس، تجن، واوچوس، جوجی، و جوسف نام گذاری شده بود با نام دره یوسف یا رود بلخ شناخته شده است نام معروف تر دریای دره یوسف (دهاوس)

بوده است. ابن حوقل جغرافیا نویس دوره اسلامی می نویسد: (دهاؤس به معنی آنچه سنگ آسیاب را بگرداند. این نهر از دروازه تنگی یعقوب زوار علی، چوبکی دهی چپچل می گذرد و روستاهای آن را تا کشنده (دره گز) را سیراب می کند.)

این دریا از نشیب شمالی انتهای غربی کوه بابا و حصار منبع می گیرد. کوه بابا در بین کوه های منطقه وضعیت مرکزی دارد. پوشیدگی قله های این کوه از برف، شرایط خوب ذخیره آب را به وجود آورده و از این جهت رود هایی که از این کوه سرچشمه می گیرند، اغلب دارای آب دائمی هستند و دره صوف (دره یوسف) از نشیب شمال این کوه سرچشمه می گیرد. وقت که به حوالی شهر بلخ (مزار شریف) امروزی هم می رسد، زمین های اطراف خود را آبیاری می نماید و با آب دریا که از بلخاب سرازیر می شود یکجا از تنگه چشمه شفا عبور نموده و هژده نهر مزار شریف را تشکیل می دهند. ابن واضح یعقوبی مورخ و جغرافیا نویس عرب می نویسد: (دریای بلخ از چشمه های میان کوه ها جنوب بیرون می آید و میان دهانه آن و شهر بلخ یازده منزل راه است.)

یکی از ویژگی های دریای دره صوف (دره یوسف) شیرینی صاف و خالص بودن آن است. این دریا تا به بلخ و مزار شریف می رسد بیش از ۲۶۰ کیلومتر راه طی می کند. و بنا بر این در این مسیر طولانی صیقل می خورد

و خالص می‌شود. مهمتر این که تمام این مسیر طولانی کوه و سنگلاخ و دره است این دریا در مسیر خود دائماً با سنگ‌ها و صخره‌ها و سنگلاخ‌ها برخورد می‌کند، موج بر می‌دارد موج‌ها به هم می‌خورند کف می‌کنند می‌خروشند و به پیش می‌روند. دیگر این که مسیر دراز دریا یکسره سرایشی است، آن هم سرایشی بسیار تند. از قریه کوتاه دره صوف تا خود مزار شریف تقریباً زمین همواری وجود ندارد. به خاطر این ویژگی هاست که دریای دره صوف (دره یوسف) با دریای بلخاب یکجا شده به پاکیزگی و خلوص ممتاز شده وارد بلخ می‌شود.

برخی آن را از جمله آب‌های معدنی و طبی به شمار آورده‌اند. واعظ بلخی در کتاب فضائل بلخ در این مورد می‌نویسد: [آنچه حکما در اوصاف آب گفته‌اند، در این آب موجود است اول آن که شدید الجاری است و منبعش دور و ممر آب، بر جای پاک است و با کبریت و زاج و ملح مختلط نیست و از جای عفن نیست و... چنان که اشاره کردیم سرچشمه دریای بلخ دره صوف (دره یوسف) بلخاب از رشته کوه بابا است.]

در ناحیه دره صوف (دره یوسف) دریا‌های دیگری نیز وجود دارد که از کوه‌های اطراف دره صوف (دره یوسف) سرچشمه می‌گیرند و از دره‌های کوچک و بزرگ سرازیر می‌شوند. که با دریای خروشان دره صوف یکجا می‌شوند. مهمترین آن‌ها یکی دریایی است که از کوه‌های لیل، جهیل

دره صوف در گذر بحران تاریخ ————— توسلی - طلوع ۶ - / ۷۱

قره ناور، طور، شیخه، تیرک و خواجه بلند به پایین می‌ریزند و از دره چپچل گذشته در ناحیه سیزده قریه (تُنَج) به دریای بلخاب می‌پیوندند.

در قسمتی از همین شاخه از رود دره صوف (دره یوسف) در جایی دیگر به نام «قریه ليله» بند یا سد طبیعی وجود دارد به نام (قره ناور) که زیبایی خاصی را به منطقه بخشیده است. این سد طبیعی حدود یک کیلومتر طول و نیم کیلومتر عرض دارد. اطراف آن را نیزارها و چمنزارهای وسیع احاطه کرده است، کسی که آن را بار اول می‌بیند، احساس می‌کند که قطعه‌یی از زمین بهشت را می‌بیند آب این جهیل نیز به دریای دره صوف ملحق می‌شوند.



مجاهدین سال ۱۳۵۷ ه. ش مردم دره صوف



دور نمایی از ولسوالی دره صوف پایین



دره صوف در گذر بحران تاریخ ————— توسلی - طلوع ۶ - / ۷۳



نقشه ولایت سمنگان



دور نمایی مرکز ولسوالی دره صوف بالا

## فصل دوم

قیام، رشادت های مردم دره صوف



## دره صوف (دره یوسف)

### نام آشنایی در صفحات شمال کشور

دره صوف (دره یوسف) در صفحات شمال کشور نام آشنایی است که بیش از هزار سال می شود که بر این سر زمین اطلاق می گردد. در معتبر ترین تواریخ بعد از اسلام از جمله [تاریخ بلعمی، تاریخ بیهقی و تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد البشر، روایت های زیادی برای اثبات دره صوف (دره یوسف) می خوانیم. بعضی نوشته است بیش از یک هزار سال می شود که این نام به این سر زمین اطلاق می گردد]، بیگمان نام دره یوسف بر این وادی سر سبز گذاشته شده که لفظ (پارسی، ازبکی) در سخن گفتن مردم آن معمول است عمر زبان پارسی را می توان از (۱۵۰۰، ۲۰۰۰) سال تخمین زد نام دره یوسف باید در قرون بالا باشد.

زمان تغییر نام (دره یوسف) به دره صوف به درستی مشخص نیست که گویا از دو قرن پیش تجاوز نمی کند. زمان که وزیر محمد گل خان مهمند به حیث نائب الحکومه در ترکستان زمین گماشته شد از بدخشان تا فاریاب و بادغیس فرمانروای می کرد. حضور قدرتمندانه وزیر محمد گل خان مهمند

در شمال افغانستان باعث شد؛ تا نام بسیاری از مکان‌ها و محلات تاریخی کشور را به زبان پشتو تغییر نام داد. و خیلی از محلات و مکان‌های تاریخی را ویران نمود از جمله دره یوسف را به دره صوف تغییر نام داد که (صوف زی) نام پدر کلان وزیر محمد گل خان مهمند است و خیلی از جا‌های دیگر را تغییر نام داد (توردیقل میمنگی) می‌نویسد: بالا حصار تاریخی شهر میمنه را که مسمی به قلعه سیف الملوک شهزاده مصری بود و قدامت ایجاد آن به ادوار بس کهن تاریخ می‌رسید، بیرحمانه وزیر محمد گل خان مهمند ویران نمود و تغییر نام داد.

هنوز مردمان دره صوف از لحاظ طبقه بندی اداری سابق به نام دسته‌های یوسفی هزاره و دسته یوسفی تاجیک یاد می‌شوند قدامت نام تاریخی دره یوسف را خود نمایان می‌سازد که پرده از راز و رمز تاریخ بر می‌دارد. در کتاب تورک‌ها در گستره تاریخ<sup>۱</sup> (ج ۱ ص ۵۲۸) چنین می‌خوانیم (تپه‌یی تاریخی میمنه و ده‌ها محلات تاریخی دیگر که در ترکستان زمین توسط وزیر محمد گل خان مهمند ویران و تغییر نام داد). او یکی از چهره‌های فرهنگ ستیز و متعصب قبیلوی بود که ده‌ها محلات تاریخی ترکستان زمین

---

<sup>۱</sup> ترک‌ها در گستره تاریخ مولف: عبدالصبور اوتلوغ بیک، غلام سخی و کیل زاده اندخوی چاپ دهلی ۱۳۳۵ه.ش.

را تخریب و تغییر نام داد و کتابخانه های تاریخی و مذهبی را از دم تیغ سانسورجهالت گذراندند و آتش زدند!؟

وکیل ملا محمد موسی دره گز (بوینه قره) در خاطرات خود نوشته است [وزیر محمد گل خان مهمند از سال ۱۳۱۱ تا سال ۱۳۲۷ ه.ش از طرف وزارت داخله در دوره صدرات محمد هاشم خان به عنوان نائب الحکومه سمت شمال از بدخشان الی فاریاب و بادغیس منصوب شد و هر چه دلش می خواست انجام می داد.

در سال ۱۳۱۳ ه.ش وزیر محمد گل خان مهمند سفر تاریخی به بوینه قره داشت و در علاقه داری کشنده جلسه یی ترتیب داد، در آن جلسه بین ما و او جدال لفظی پیش آمد در آنجا بلا فاصله حکم صادر نمود با قهر، عصیت و تعصب فریاد کشید از این که در رکاب همسفران ما قرار داری از کشتنت صرف نظر می نمایم اما به مدت سیزده سال با تمام فامیل خود به ولسوالی اندخوی فاریاب تبعید هستی. و دستور داد که باید نام این منطقه کننده تغییر کند بوینه قره (دره گز) را به شولگره تغییر نام داد و همه نام مناطق را از نزد بزرگان قوم خواستند و همه یی بزرگان قوم نام های مناطق شان را پیشکش کردند.]

در آن جلسه روی موضوعات گوناگون بحث صورت گرفت تمام میشران و بزرگان قوم حضور داشتند و خاصتاً روی موضوع جمع آوری

مالیات همه مناطق (زمین، مواشی، کله پولی، روغن کته پای وریزه پای، سر چربی، بی بی، چادر ملکه و خوشی خریدی) بدتر از همه مالیات ولادت ها، ازدواج ها و میراث ها بالای مردم بی بضاعت تحمیل شده بود<sup>۱</sup> گفت: از اعلی حضرت والا مقام مکتوب ارقام گسیل شده است که هر چه زود تر جمع آوری مالیات آغاز گردد. و خیلی از مناطق بوینه قره تغییر نام پیدا کرد و هر روز در هر منطقه و قشلاق جار چیان جار می زدند.

اگر کسی نام منطقه که جدیداً که از طرف شخصی اعلی حضرت تغییر نام پیدا کرده نداند جریمه و مابس (محبس) می شود و زیاد تر مردم با نام جدید نا آشنا بودند که به یک رأس گوسپند، مرکب، اسپ و به مقدار هفت خروار گندم جریمه می شدند، بخاطر ندانستن نام محلی تغییر نام پیدا کرده مردم روانه زندان می کردند. وزیر محمد گل خان مهمند از کشتن من صرف نظر نمود گفت: (ده لیوانی ده اومجنون سری او پاکل دی سری) خنده مردم قاه قاه قاه!!! و کیل ملا محمد موسی شعری با آواز بلند خواند مضمون شعری و کیل ملا محمد موسی بوینه قره چنین است.

شاه جهان به ترکستان عجب مسخره شد

صد پیسه داد باز هم بوینه قره شد

---

<sup>۱</sup> همه مالیات از طرف وزیر محمد گل خان مهمند بر مردم تحمیل می شدند و مردم لاجرم باید پرداخت نمایند. و اگر نه به حبس آن تمام می شد.

بعد از جلسه در علاقه داری کشنده (گزر) روانه ملک و علاقه داری دره یوسف شدیم ابتدا به قریه ولنک رسیدیم علاقه دار دره یوسف را تبدیل نمود بجایش باغبان باشی گل از قوم خروتی طایفه یی احمد زایی تعیین شد سپس به منطقه ای ریشک، تیوریش، قراحمد و شیوشیک به دشت سر سبز وله گیتی خیمه زد به مدت ۷۵ روز اطراق و بیتوته کرد و نام دشت سر سبز وله گیتی را به دشت قیبرافغان تغییر داد و چند تا قبر ساختگی هم درست کردند. مناطق لرشیت، لرخیت بالا پائین را به پسقل و پیشقل و منطقه قرقورم را به مقصود، منطقه وله میش رابه بوشی، منطقه نریمان به تاچی، منطقه تیوریش به تیوه تاش و منطقه ساکک را به زندان قدوق<sup>۱</sup> دهها محلات و مکان های دیگر را از جمله علاقه داری در یوسف را به دره صوف تغییر نام دادند. دشت سر سبز وله گیتی در جنوب مناطق شباشک است و اکنون مردم این دشت سر سبز و حاصلخیز را به نام دشت قبر افغان می شناسند.

---

<sup>۱</sup> ساکک، منطقه کوهستانی است که حدود کمتر از ۳۲ کیلومتر از مرکز دره صوف به طرف شرق فاصله دارد. در منطقه ساکک وزیر محمد گل خان مومند سیاه چاهی حفر نمودند. (سیاه چاه، سیاه چال زندانی صحرائی است) هر کی از فرمان امیر سر پیچی می کردند بلا موقع در داخل سیاه چاه زندانی می شدند، انواع شکنجه هابر او تحمیل می شدند و سر انجام به مرگ شان منجر می گردید. کاج التواریخ ص ۸۵ و امروزه مردم، این منطقه، را غافل از گذشته به نام زندان قدوق یاد می کنند و می شناسند و حتی براسناد( قباله) های شرعی زمین شان هم زندان قدوق نوشته شده است.



## شکل گیری قیام دره صوف

در ۲۲ سنبله ۱۳۵۷ ه. ش. مأمورین حکومت کمونیستی در شب قدر ماه مبارک رمضان اقدام بدست گیری علما و بزرگان مردم دره صوف نمودند که به تعداد (۱۶) نفر از علما و بزرگان مردم دره صوف را دستگیر و روانه زندان سمنگان نمودند.

در اول ماه جدی ۱۳۵۷ ه. ش. مأمورین حکومت کمونیستی اقدام جدی تری روی دست گرفت و در نتیجه قیام مردم دره صوف رقم خورد که باعث قتل عام تعداد زیادی از افراد مردم مظلوم دره صوف شد که در گورهای دست جمعی مدفون شدند.

بدنبال آن قیام سرتا سری مردم دره صوف آغاز کردید که با دفاع و مسئله جهاد و تمسک به آیات قرآن کریم عجین شد ﴿وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا﴾<sup>۱</sup> در راه خدا، با کسانی که با شما می جنگند نبرد کنید. و دفاع از حریم مقدس خویش نماید طبق فرموده یی قرآن کریم: ﴿أذنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ﴾<sup>۲</sup> به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل گردیده اند، اجازه جهاد داده شده است؛ چرا که مورد

---

<sup>۱</sup> بقره / ۱۹۰

<sup>۲</sup> حج / ۳۹

ستم قرار گرفته اند، خداوند بر یاری آنها تواناست، جهاد و مقاومت پایمردی مردم دره صوف در تاریخ انکارناپذیر است.

قیام مردمی دره صوف در ۲۵/دلو/۱۳۵۷ه.ش با رهبری تعداد از علما، بزرگان و محاسن سفیدان دره صوف از جمله رئیس ناطقی<sup>۱</sup> شیخ محمد کاظم جعفری، شیخ براتعلی حمیدی، احمدعلی احمدی، سید جواد نجفی، شیخ عطاالله توسلی، سید شاهزاده، سید شاه عوض، سید حاجی حسن و کیل، محمد حسین تحویلدار رسول میرگن و خلیفه محمد نبی و تعداد زیادی از علما، بزرگان و متفدین قومی شکل گرفت.

قبل از تشکیل قیام مردم دره صوف تعداد زیادی از علما در حوزه علمیه قریه حسنی برج دست به اعتراض مسالمت آمیز مدنی زدند. بدنبال آن تعدادی زیادی از علما، بزرگان و متفدین دره صوف دستگیر و روانه سیاه چال های زندان و شکنجه شدند تعداد کمی آنها از زندان رها شدند اما از سرنوشت تعدادی زیادی از آنها تا امروز خبری در دست نیست.

علما دره صوف در مدرسه کمچ جلسه اضطراری را تشکیل دادند که تعداد زیادی از علما و بزرگان متفدین قوم در آنجا حضور داشتن ابتداء شیخ علی اکبر نهضت با ایراد سخنرانی حماسی مردم را به قیام علیه دولت کمونیستی خلق و پرچم فرا خواند. سپس سخنرانی پرشور و آتشین و هیجان

---

<sup>۱</sup> شیخ عبدالله کربلای توسلی، داکتر محمد عیسی رحیمی، غلام سخی زوار «خواجه بلند»

انگیز انقلابی توسط استاد شیخ عطاالله توسلی ایراد گردید. که بعد از این جلسه علما و بزرگان دره صوف توسط جاسوسان خلق و پرچم شناسایی و بعداً تحت تعقیب قرار گرفتند از جمله شیخ علی اکبر نهضت دستگیر بعداً شهید شدند و بقیه بناء به اوضاع نا بسامان منطقه از صحنه متواری شدند. مأموران دولتی شیخ عطاالله توسلی را به شدت تحت تعقیب امنیت (خاد) کمونیستی قرار دادند که بعد از این قضیه علما و بزرگان دره صوف یکی پی دیگری شناسایی، دستگیر و روانه زندان شدند. تنها شیخ عطاالله توسلی را که نام ایشان را جاسوسان دولتی فراموش کرده بودند فقط به ملای (کوندولانی)<sup>۱</sup> یاد می نمودند سخت تحت تعقیب امنیت (خاد) دولت وقت قرار دادند و ایشان از این توطئه جان سالم بدر بردند.

فجایعی که توسط حکومت کمونیستی خلق و پرچم در سال ۱۳۵۸ ه.ش رخ داده است. گورهای دست جمعی است که به تعداد از آنها در ذیل اشاره می شود، دره صوف سر زمین در گذر بحران تاریخ است.

---

<sup>۱</sup> شیخ عبدالله کربلای برادر بزرگ، مرحوم آیت الله حاج شیخ عطاالله توسلی «خواجه

## قتل عام اهالی دره صوف توسط حکومت خلق و پرچم

در روز گارانی که موج انقلاب هنوز گسترش نیافته، و رایحه ای به مشام نمی‌رسید دولت کمونیستی طی یک کودتای خونین سکوی قدرت را به دست گرفت. از نخستین اقدامات این دولت، تصفیه خونین و دست‌گیری علما، روشنفکران، و افراد متنفذی بود که نسبت به آنها احساس خطر می‌کرد در همه ای شهر های کشور این ترفند به کار برده شد و افراد نخبه، سرشناس را دستگیر زندانی و سپس اعدام می‌نمودند؛ سراسر کشور در هاله ابهام فرو رفت یکی از آن مناطق که در دولت مارکسیستی اقدام به ربودن افراد سرشناس کرد دره صوف بود؛ تعداد بسیار از مردم بیگانه را دستگیر به شهادت رساندند و گور های دست جمعی به وجود آوردن، تعداد هم به شهر سمنگان انتقال و در آنجا زنده زنده به گور شدند در اطراف و نقاط مختلف دره صوف گور های دست جمعی به وجود آوردن و خیلی از شهدا گمنام باقی ماندند و از سر نوشت شان تا به امروز خبر نیست.

بعد از کوتای هفت ثور و قیام مردم دره صوف علیه کمونیست ها در ۲۵ دلو ۱۳۵۷ ه.ش دولت کمونیستی در سال ۱۳۵۸ ه.ش دست به قتل عام های جمعی مردم و محاسن سفیدان ولسوالی دره صوف زدند. در مناطق مختلف ولسوالی دره صوف گور های دست جمعی را به وجود آوردند از جمله:

- ۲- دهن گوساله خانه به تعداد [۸۸] نفر
  - ۳- قریه سرچهارتوت به تعداد [۴۰] نفر
  - ۴- دهن قوریق سای به تعداد [۴۸] نفر
  - ۵- در کوتل کدنیکیک گلوانسای به تعداد [۶۸] نفر
  - ۶- کمچ به تعداد [۷۰] نفر محاسن سفیدان قریه حسنی
  - ۷- در بلاک دوم معدن ذغال به تعداد [۸۶] نفر کارگران معادن ذغال سنگ قریه حسنی و...
  - ۸- در سمنگان تعداد [۹۲] نفر را زنده به گور نمودند از جمله چهار نفر زنده موفق به فرار شدند و بقیه تا کنون از سرنوشت آنها خبر در دسترس نیست.
- ما یقین داریم که بانیان و مسیبان اصلی این قتل ها و کشتارهای فجیعانه، روزی در دادگاه عدل الهی پاسخگو خواهند بود. قرآن از همه ای آنهای که به جان مردم رحم نمی کنند، می پرسد «بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ؟!»<sup>۱</sup>
- واقعاً! چه کسی می تواند پاسخ دهد که این همه انسان مظلوم و بی گناه به کدام جرم و گناه کشته شدند؟!]
- گم شدهٔ دارم چه کسی داردخبر؟ از شقایق های لاله گونی مفقودالاشتر

قوماندان (فرمانده) دولت کمونیستی به سربازش دستور می‌دهد همه اسیران که از دره صوف آورده اند رگبار کنند که احدی زنده نماند، اما آن سرباز وطن دوست در دهانه چاه اسیران را به رگبار گلوله بستند، گرد و خاک که زیادی به هوا بلند شدند و بعداً صدا زدند برویم کار تمام شده است و داخل چاه را بررسی ننموده است که چه قدر تلفات دارد و چه کسی زنده مانده است؟ مأموران دولتی همه رفتند. تعداد اندکی که زنده مانده بودند شبانگاه با استفاده از تاریکی شب موفق به فرار شدند و به کوه های اطراف سمنگان پناه بردند و بعد از چند شبانه روز با شکم گرسنه خود را به ولسوالی دره صوف رساندند.

### دره صوف سر آغاز بیداری ملت ها

دره صوف یکی از ولسوالی های ولایت سمنگان در شمال افغانستان است که در آن معدن زغال سنگ و سایر مواد معدنی وجود دارد. اکثریت ساکنان این منطقه را شیعیان هزاره تشکیل می‌دهند که با برادران سنی مذهب تاجیک، ازبیک همزیستی مسالمت آمیز دارند.

قیام مردم دره صوف اولین قیام بیداری ملیت ها بود که تمام مردم افغانستان را بیدار کرد و پس از آن صدای آزادی خواهی در گوش همه ساکنان کشور طنین انداز شد. قیام دره صوف به رهبری افرادی چون شیخ

خادم حسین ناطقی، محمد کاظم جعفری، شیخ احمد علی احمدی، شیخ برات علی حمیدی، شیخ عطا الله توسلی و سید جوادی سید سکندر زمانی آغاز شد که جامعه افغانستان در حالت نیمه جان قرار داشت حکومت کمونیستی علما، بزرگان را یکی پی دیگری دستگیر روانه سیاه چال های زندان می کردند. در نطقه حساس زمان باید جریقه یی پیدا می شد تا ملت های خفته را آگاه سازند که مردم دره صوف سر آغاز بیداری ملیت ها قرار گرفت.

در چنین شرایطی زمانی بود که نام دره صوف لرزه بر اندام حکومت ظالم وقت انداخت دولت کمونیستی با تمام امکانات دست داشته خویش در پانزدهم حوت ۱۳۵۷ه.ش خواستند قیام مردم دره صوف را خاموش نمایند اما وعده خدا چیزی دیگر بود دشمنان زبون باروی سیاه از دره صوف خارج شدند تا ابد نام شان محو بد نامی تاریخ گردید.

مردم دره صوف بار دیگر به رهبری علمای مبارز و بزرگان قیام کردند آمریت معدن زغال سنگ را در ۲۷ حمل ۱۳۵۸ه.ش تصرف نمودند که حدود ششصد سرباز و ملیشه هایی دولتی را دستگیر نمودند.

دکتر حق شناس نویسنده: تاریخ صفحات شمال کشور در رابطه با قیام مردم دره صوف این گونه می نویسند: قیام مردم دره صوف که نقطه ی عطف در تاریخ جهاد و مقاومت ملت مجاهد افغانستان علیه متجاوزین روسی و ایادی آن ها به شمار می رود (به تاریخ ۶ حوت ۱۳۵۷ه.ش فریاد الله اکبر و

شیپور انقلاب اسلامی و انتقام سرتاسر دره صوف را فرا گرفت. و مردمان شجاع و با ایمان آن علیه سالاران بیخدایان به پاخواستند و پیکار خونینی بین ایشان و قوای اعزامی تره کی در گرفت که تا آن تاریخ سابقه بی نداشتند. اما دشمن با تمام امکانات هوایی و زمینی وارد کار زار شدند و جنبش قهرمانانه بی مردان و زنان شیر صولت و تهی دست دره صوف را درهم شکستند. جنایات و کشتاری که اجیران روس در دره صوف انجام دادند از جمله کارهای ننگینی است که شرح آن نگفته قابل ذکر است.

در قیام دره صوف برادران اهل سنت و اهل تشیع اشتراک مساعی داشتند از جمله مولوی صاحب سید سردار، و کیل قیام الدین و مولوی محمد امیرفرقانی نیز سهم فعال داشتند.

انقلاب مسلحانه و حیرت انگیز از قریه (طور) آغاز گردید. «۱۵» روز بعد از قیام دره صوف مردم علاقه داری چهارکنت درسی کیلومتری جنوب شهر مزار شریف به تاریخ سوم حوت ۱۳۵۷ ه. ش قیام کردند. به دنبال آن در تاریخ ۲۱ حوت ۱۳۵۷ ه. ش مردم فراه و ارزگان شورش کردند و در تاریخ ۲۴ حوت ۱۳۵۷ ه. ش قیام خونین هرات به وقوع پیوست و این روند همچنان ادامه یافت و قیام مردم دره صوف سر فصل آغاز بیداری ملیت ها گردید.



## قیام مردم دره صوف

هیأتی مرکب از مأمور مالیه و شاروال (شهرداری) با تعدادی سربازان دولتی برای دستگیری و سرکوب مردم به خصوص روحانیون به قریه یی چهارده دایمیرداد از سوی دولت اعزام شدند. مردم مسلمان قریه یی مذکور به دفاع از خود پرداختند و نیروهای مهاجم را مجبور به عقب نشینی کردند همزمان با این حادثه در تاریخ ۲۵ دلو ۱۳۵۷ ه. ش مردم دلیر و شجاع قریه طور به همکاری تعداد زیادی از کارگران معدن به شمول شیخ خادم حسین ناطقی، محمد حسین تحویلدار، محمد نبی مبارز، رسول میرگن، نبی زوار و بقیه بزرگان قریه طور بالای بلاک دوم معدن حمله نمودند. که در نتیجه تعداد از انجیران و کارگران معدن کشته شدند. بعد از آن بالای کلوپ معدن حمله نمودند که تعداد از مأموران خلقی و انجیران معدن را به قتل رساندند. فردای آن روز نیروهای ضربتی کماندوی کوبایی با سلاح ها و تجهیزات مدرن روز و مجهز به منظوری سرکوبی مردم دره صوف از مرکز ولایت سمنگان به سوی معدن زغال سنگ در قریه (طور) حرکت کردند. این نیروها پس از آن که به قریه مذکور نزدیک شدند با مقاومت مسلحانه یی مردم مواجه گردیدند. که نبرد شدیدی به وقوع پیوست که در نتیجه یی آن هشت نفر از مجاهدین به شهادت رسیدند. اما مردم موفق شدند که با کشتن (۲۴) نفر پرسونل نیروهای مهاجم کمونیستی از جمله قوماندان امنیه ولایت سمنگان،

دره صوف در گذر بحران تاریخ ————— توسلی - طلوعی - ۹۰ / -

قوماندان امنیه علاقه داری خُلم و ولسوال دره صوف را به قتل رساندند. اداره معدن زغال سنگ کلوپ معدن و قریه های اطراف آن را از دست نیروهای دولتی خارج ساختند.

دو روز بعد به تاریخ ۲۸ دلو ۱۳۵۷ ه.ش نیروی سه هزار نفری مسلح با تانک و توپ به فرماندهی هاشم خان دقیق مستوفی ولایت سمنگان و معاون اول کمیته حزبی ولایت سمنگان اکبر بیخدا جگتورن (سروان) هزارگل خان و قوماندان عمومی نیروهای امنیتی کابل، از مرکز ولایت سمنگان به دره صوف فرستاده شدند. نیروهای دولتی در عرض راه توسط سیداحمد خان از برادران ازبیک در منطقه بی زیرکی و قزل توپچاق به کمین مواجه شدند جنگ شدید صورت گرفت که در نتیجه تعداد از افراد هر دو طرف کشته و زخمی شدند که در نتیجه سید احمد خان به شهادت رسیده اما نیروی های دولتی توانستند خود را به مرکز دره صوف رسانند و معدن طور را تحت کنترل خود در آورند.

مجاهدین مجبور به عقب نشینی گردیدند اما نیروهای دولتی پس از عقب نشینی مجاهدین به غارت اموال و دارایی های مردم پرداختند آن ها (۴۰) خانه را در قریه بی کمج و (۶۰) خانه را در قریه بی حسنی تاراج و به آتش کشیدند و در قریه مرک تعداد زیادی از خانه های مردم را آتش زدند که در جمله دو مسجد و حسینیه و هشت خانه ی دیگر را به آتش کشیدند.

کمونیست ها در این تهاجم به تاراج و تخریب منازل مسکونی بسنده نکردند بلکه تعداد از شخصیت های اجتماعی دره صوف را نیز دستگیر نمودند و تعداد از آنها را به شهادت رساندند. نیروهای دولتی اداره معدن کلوپ معدن و ولسوالی دره صوف را به دست گرفتند. اما نتوانستند شعله های قیام مردم دره صوف را خاموش سازند.

این روند همچنان ادامه یافت دلیل تأثیرگذاری و صدور حرکت جهاد از دره صوف به سایر ولسوالی ها و ولایات وصل بودن این قیام به اندیشه های دینی و الهام گرفته از احادیث و قرآن کریم می باشد که بعد از شکل گیری قیام مردم دره صوف قیام های متعدد در سراسر کشور به وقوع پیوست که منجر به جنگ فراگیر ملی علیه دولت خلق و پرچم گردید.

### **تحریم هزارستان؛ تحریم دره صوف**

طالبان که خود را لشکر خدا در زمین می دانند، لشکریان خدا چنان ترس وحشت، فقر، گرسنگی تورم مواد ارتزاقی قتل و کشتار فجیعی را در کشور به خصوص دره صوف به ارمغان آورده بود تاریخ از ذکرش شرم دارد. در سال ۱۳۷۸ه.ش طالبان با شروع تداوم جنگ تحمیلی علیه مردم هزاره و روی دست گرفتن پلان شوم باداران خارجی شان دره صوف را

تحت محاصره شدید نظامی، اقتصادی و سیاسی و از سوی هم، خشک سالی طبیعت توأم و تورم مواد ارتزاقی قراردادند.

تقریباً چند سال از ورود طالبان به افغانستان می گذشت اما طالبان موفق به تسخیر هزارستان نشده بودند آنها به ناچار راه دوم یعنی تحریم هزارستان را آغاز کردند، تحریم علیه هزاره ها تقریباً سه سال به طول انجامید در این تحریم مردم هزاره با هیچ یک از شهرهای تجاری افغانستان ارتباط نداشتند و از ورود هر نوع مواد ارتزاقی (پوشاک، خوراک و دیگر وسیله ها) به داخل هزارستان جلوگیری صورت می گرفت. اگر شخصی به طوری پنهانی مواد اولیه را به هزارستان انتقال می دادن به شکل فجیع از طرف گروه طالبان مجازات به اعدام می شدند خدا رحمت کند علی جمعه زوار ترخوج همراه پنج نفر با موترش در عین انتقال مواد خوراکی به دره صوف در بازار نیک یکاؤلنگک زنده آتش زده شد. دیگر کسی جرأت چنین کار را نداشتند تا این که سر انجام در سال ۱۳۷۸ه.ش بامیان به دست گروه طالبان سقوط کرد. بدین گونه تمام هزارستان یک باره بدست طالبان افتاد، و در مدت دو سال که طالبان در هزارستان حاکم بودند تمام جنایت های امیر عبدالرحمان خان را علیه مردم هزاره از سر گرفتند اما تشکیلات هزاره ها همچنان در تعامل با سایر احزاب های سیاسی قرار داشته و به مقاومت خویش ادامه دادند. با آنکه دره صوف کندوی گندم سمت شمال افغانستان نامیده می شود در دوران

رژیم طالبان تحریم شان تا حد کار کرده بود درصوفی ها به ستوه آمده بودند فی سیرگندم سرخه (۸۰۰۰۰۰، ۹۰۰۰۰۰) لک افغانی به حدی اعظمی قیمت خود رسیده بود قحطی و خشک سالی تورم مواد اولیه به اوج گرانی رسیده بودند و پامردی و مقاومت مردم دره صوف همچنان سر به آسمان می سائید. مردم دره صوف با دادن خسارات مالی و جانی تسلیم نشدند تمام خانه، کاشانه، مساجد، منابر، باغها و اشجار مردم دره صوف از طرف طالبان به آتش کشیده شدند و حتی درختان مردم دره صوف را هم از ریشه قطع (پی) کردند. سرزمین دره صوف کاملاً به سر زمین سوخته تبدیل شدند طالبان هر نوع جنایت را در حق هزاره صرفه جوی نکردند؛ اما مردم دره صوف جنگ خویش را علیه طالبان ادامه دادند. علیرغم ادامه جنگ، مردم دره صوف به ناچار گروه گروه راه مهاجرت را در پیش گرفتند و سر زمین زیبای دره صوف را ترک کردند.

دنیای مهاجرت نوید تازه ای برای هزاره ها بود فرزندانش تاحدی به تحصیل پرداخته راه تکامل را نیز پیمودند.

مصاحبه بی اختصاصی مرحوم دگر جنرال محمد یاسین و شهید سردار محمد حسین جهانی و استاد حاجی محمد محقق در بی بی سی، روزنامه العالم و دویجه ولی صدای آلمان صورت گرفته بودند. ایشان می گفتند که طالبان وجود شان برای آحاد مردم افغانستان قابل قبول نیست و نخواهد بود

این صدای استاد حاج محمد محقق صدای میلیون ها مردم دردمند، رنج دیده، آواره در هر کوه دشت و برزن بود که مردم با چکامه های ظلم و اجحاف طالبان خفه شده بودند که از حنجره استاد حاج محمد محقق بلند بود که در جان آدم نیمه جان روح تازه می دمید.

بعد از سقوط بامیان طالبان بالای ولسوالی دره صوف «۱۴۲» بارتجدید قوای تشکیلات نظامی داده بودند و «۱۴۵۶» مراتبه از زمین و هوا بالای مجاهدین و مردم دره صوف حملات و تهاجمات سنگین نموده بودند. ولی به کمک خدای بزرگ مثل تصادف آب با صخره سخت عقب رانده و شکست فاحش را متقبل می شدند.

مردم دره صوف قهرمانانه پا بر جا و استوار همانند کوه بابا نستوه و نشکن ایستاده شده بودند خم به ابرو نمی آوردند طالبان مجبور شدند محاصره سیاسی و اقتصادی دره صوف را در پیش گرفتند. ولی محاصره اقتصادی طالبان گرچه روح و روان مردم را می آزارید، غیرت و شجاعت پایمردی مردم دره صوف همچنان بر جا بود خم به ابرو نمی آورد.

## تهدید دره صوف توسط طالبان از چهار سمت

بهار ۱۳۷۸ ه. ش بهار پیروزی مجاهدین در جبهه شمال بود آنها توانسته بودند که سنگرهای دفاعی خویش رامستحکم نموده و از عزت و ناموس تا پای جان مردانه وار دفاع نمایند.

در بهاری ۱۳۷۸ ه. ش بود که دره صوف از چهار سمت مورد تهدید جدی طالبان قرار گرفت و چهار سمت دره صوف را طالبان کاملاً محاصره نظامی و اقتصادی نموده بودند و هر لحظه امکان حمله سنگین بالای ولسوالی دره صوف از هر طرف وجود داشت.

۱- وجود مولوی اسلام در ولسوالی روی دو آب باعث تحرکات وسیع طالبان از این ناحیه بیشتر احساس می شدند.

۲- وجود ملازوی و منگل حسین خطر دیگری بود در ولسوالی کهمرد و سیغان ولایت بامیان و امکان حمله از طریق منطقه دیوالک و سرغازی بالای دره صوف وجود داشت.

۳- وجود سید صوفی گردیزی در یکا و لنگ گهگاهی خطر از این ناحیه هم احساس می شد.

۴- جبهه اصلی جنگ در مناطق شمال و شمالشرق دره صوف چپچل، سفید کوتل، دایکندی، دمکی، خواجه بلند، چهار اولیا، تیرک، الملی و قرغنه بود.

در شرق دره صوف جنگ رو در رو هر لحظه از زمین و هوا ادامه داشت با آب شدن، برف های زمستانی و رسیدن فصل گرما در دره صوف خطرات حمله دشمن بالای دره صوف زیادتر می شدند جبهه های جدید از چهار سمت دره صوف در حال شکل گیری بود با وصف عدم امکانات و تسلیحات لوژستیکی و تخریکی، تمام اکمالات لوژستیکی و تخریکی از طرف مردم بی بضاعت دره صوف تهیه و تدارک دیده می شد و هلیکوپتر های از طرف احمد شاه مسعود فقط ماه یک بار به صورت پنهانی در دامنه های صبحدم به دره صوف می آمدند. اما توانای حل مشکلات مالی جبهه مردمی دره صوف را نداشتند اکثر داد و ستد مردم ولسوالی دره صوف از طریق حواله جات به طوری پنهانی به دور از چشم جاسوسان تحریک طالبان خارج از دره صوف صورت می گرفتند.

با گرم شدن هوا خطر حمله طالبان به دره صوف از چهار سمت بیشتر احساس می شدند با ابتکار شورای تصمیم گیری شمال احزاب سیاسی و مردم دره صوف تحرکات وسیع طالبان تحت کنترل قرار گرفتند. جهت مقابله علیه تهدید های طالبان در اطراف دره صوف جبهه های وسیعی تشکیل شدند.



تمام مردم قراء و قصبات دایمیرداد و قوماندان های نظامی شان در سرحدات کوتل باد خانه به امنیت مسیر سرک یکاولنگ دره صوف مصروف شدند.

تمام مردم قریه های شیخه، شباشک دروازه، داود و خاک باد و قوماندانان نظامی شان مسیر راه کهمرد و سیغان تا سرحدات سرغازی و کله یی شمشیر سنگ و دشت قبر افغان سنگر های دفاعی خویش را افزاز نمودند.

تمام مردم قریه های حسنی برج تگاب حسنی، برنگر، خیرآباد و بقیه به استقامت کوه های اطراف حسنی (کوه های بیلاق هزارمنی) سوق داده شده بودند.

تمام مردم قریه های، چهاراولیاء دایکلان، تگاب نوامد، سرخ شهر و مرکز دره صوف و قوماندانان نظامی شان به مناطق بیانان، کوه تیرک، دمکی، سفید کوتل و گلوانسای و شمال دره صوف را سنگر های دفاعی خویش را افزاز کردند.

تمام مردم قریه های بند نوامد، خواجه بلند، جرس الملی، تیرک، قرغنه و زندان قدوق طرف شرق دره صوف که با ولسوالی روی دوآب هم مرز است در حالت دفاعی قرار گرفتند زیرا خطر بسیار بزرگی از این ناحیه مردم را تهدید می کردند. و قوماندانان نظامی شان

در کوه آسمان خوال، کوه گله قدوق، قرغنه و اجریم سنگرهای دفاعی خویش را افزا کرده بودند.

### حملات شدید طالبان در شرق دره صوف

طالبان بعد از این که دره صوف را در محاصره نظامی و اقتصادی شدید خویش قرار داده بودن صدای شیپور طبل جنگ از هر طرف به گوش می‌رسید، طالبان از ساحات شمال، غرب و جنوب دره صوف حملات شدید خود را انجام دادند که به شکست سختی مواجه شدند. طالبان تصمیم گرفتن به کمک مولوی اسلام محمدی تاتار ولسوالی روی دو آب و کرنیل های (جنرال) پاکستان به کمیت [۲۵۰۰] نفر با تجهیزات وسایط مجهز مدرن روز سد استقامت مردم را از ناحیه‌ای شرق دره صوف در هم بشکنند و جنگ های خونین را از این ساحه آغاز کردند.

جنگ طالبان در شرق دره صوف مدت دو سال ادامه پیدا کرد در تاریخ ۱۵ جوزا ۱۳۷۸ ه.ش ساعت ۱۲:۱۰ روز از طرف ملا قیوم بای در منطقه یی حبش تاتار توسط مخابره به دستگاه مخابره داکتر محمد عیسی رحیمی که فرمانده جنگ شرق دره صوف را به عهده داشت ارتباط بر قرار می‌کند و به ایشان اطلاع می‌دهد که طالبان قصد حمله بالای ولسوالی

دره صوف را دارند. اما سران جبهه‌یی شرق دره صوف فوراً جلسه‌یی اضطراری را بر گزار می‌نمایند که قوماندانان جنگ قرار ذیل اند.

داکتر محمد عیسی رحیمی، آمرسلطان، طاهر ملا امیر، حاج طالب حسین، ظاهر برسلی، باقر زنجیر، شیخ غلام رسول امینی جرس و جنرال خیرالله فهیمی بودند، از طرف جلسه پیشنهاد می‌گردد که جبهه باید به «کوه رامدل» عقب نشینی تکتیکی را انجام دهد اما داکتر محمد عیسی رحیمی با عقبی نشینی تکتیکی موافقه نمی‌کند و می‌گوید که همه ما در این قله شماخ آسمان خوال یکجا باید مدفن شویم عقب نشینی تکتیکی در کوه رامدل مرگ تدریجی را به بار خواهد آورد؛ جنرال فهیمی با تأیید حرف داکتر رحیمی عقب نشینی تکتیکی اصلاً صلاح نیست. که همان پروژه متروکه ای امیر عبدالرحمان خانی تلویحاً تکرار می‌شود عقب نشینی باعث می‌شود که خیلی از مناطق شرق دره صوف را بدون کدام جنگ و درگیری به دشمن تسلیم نمائیم! دشمنی که نه به طفل و کبیر ما رحم دارد و معلوم نیست که سرنوشت آن مردم چه خواهد شد؟!

سنگرهای شرق دره صوف از نگاه استراتژیک نقطه عطف دره صوف به حساب می‌آیند اگر کوه آسمان خوال سقوط می‌کرد که دیگر دره صوفی وجود نداشت فاجعه سفاک امیر عبدالرحمان خان بار دیگر بر ملت مظلوم هزاره تکرار می‌گردید. که در رأس گروپ جنگی قریه خواجه بلند قوماندان

دره صوف در گذر بحران تاریخ ————— توسلی - طلوع - ۱۰۰/

سید احمد فتاح زوار بود که به منطقه تاقچی سنگرهای دفاعی داشت از این ناحیه فوراً به شرق دره صوف نقل مکان نمود و شبانگاه خطوط جنگ شمال را به مقصد شرق دره صوف ترک می کند گرچه همه مردم دره صوف سنگرهای شان نوبتی بودند. تا مردم به کار بار خود برسند و خط مقدم جبهه هم حفظ شود و خط جنگ در مناطق بند آسمان خوال گله قدوق و قرغنه قرار گرفت. و در طرف مقابل ملا قیوم بای در منطقه حبش و تاتار در تپه خاکی، المللی و چیپ کنده وجود مولوی اسلام همراه فرماندهان ارشد طالبان صف آرای جبهه شرق و جنوب شرق طالبان را تشکیل می دادند. جنرال فهیمی، داکتر محمد عیسی رحیمی و قوماندان طاهر ملا امیر، آمرسلطان، امینی جرس، ظاهر برسلی، حاجی طالب حسین و محمد باقر زنجیردر رأس جبهه شرق دره صوف بودند.

فرمانده طالبان شخصی به نام قاری ملا و حیدگل موسی زی از قوم کاکر و از طائفه غلجای قندهاری بود که تازه از پاکستان برای جنگ در شمال آمده بود ایشان داو طلبانه فرمانده نیروهای «۳۵۰۰» نفری طالبان را بدوش گرفته بودن که بعد از سه هفته جنگ های پیاپی خونین و کشته شدن فرمانده طالبان به نام ملا وحیدگل موسی زی. طالبان شکست سختی را متقبل شدند و از منطقه المللی به تپه خاکی فرار نمودند.

دره صوف در گذر بحران تاریخ ————— توسلی - طلوع ۶ - / ۱۰۱

شب ۱۵ جوزا ۱۳۷۸ ه. ش سکوت سهمگین قله بلندی کوه آسمان خوال را فرا گرفته بود نسیم خنک بهاری توأم با بوته ها زوزه می کشیدن همانند هبهب پای سیاه هیولای هر لحظه بر وحشت این کوه افزوده می شدند بوته های رنگارنگ و علف های سر سبز که زینت بخش کوه کمر در روز بودند با سیاهی شب چنان دست در دست هم داده بودند که گویا زمین آدم را می بلعد و هر لحظه بر سنگر های مجاهدین وحشت گرگ بیابان در ظاهر به نام آدم اضافه می شدند، مرد می بایست که باید جلو این همه وحشت را بگیرد.

تهاجم سنگین طالبان ساعت ۱۱:۳۰ شب از منطقه المللی، قشقه غوله و تپه خاکی بالای سنگر های مجاهدین و کوه آسمان خوال گله قدوق با حمایه زمینی و هوای آغاز شدند. جنگ در ساعت ۱۱:۳۰ شب شروع شد تا ساعت ۴:۰۰ بامداد همان شب به شدت تمام جریان داشت که دشمن با سلاح های سنگین و سبک از زمین و هوا سنگر های مجاهدین را در هم می کوبیدند اما مردم با خلوص عشق و ایمان و پایمردی از ننگ عزت، ناموس شرف خویش دفاع می کردند که در این جنگ تحمیلی از مجاهدین دره صوف دو نفر شهید به نام ناظر حسین، طالب حسین و چهار نفر زخمی شدند. و طالبان با دادن ده ها نفر تلفات جانی و خسارات مالی شکست فاحشی را متقبل شدند.

دره صوف در گذر بحران تاریخ ————— توسلی - طلوع / ۱۰۲

شب و روز سنگر های مجاهدین مورد اصابت سلاح ثقیله و حملات هوایی طیاره طالبان قرار می گرفتند و هر لحظه صدای خمپاره طالبان به رعب و وحشت مردم افزوده می شدند.

با بروز تهدیدهای طالبان مردم قریه الملی کاملاً قریه خویش را تخلیه نموده بودند اما خط دفاعی جنگ مردم خواجه بلند در شرق و شمال شرق دره صوف کاملاً پا برجا بود که مناطق ده مکی، دایکندی، تاقچی و بیانان را در بر می گرفت با وصف بروز تهدیدات و حجم جنگ در شمال و شمال شرق دره صوف مردم خواجه بلند، نوامد، شیخه و جرس از عزت و ناموس خویش در برابر طالبان دفاع می نمودند.

مردم دره صوف یک پارچه تبدیل به آهن داغ و آتشین شده بودند به هیچ چیز دیگر فکر نمی کردند جز دفاع از حیثیت، ننگ، عزت، ناموس و شرف خویش همه به طوری خود جوش حاضر به قربانی بودند تا لکه سیاه ننگین دوران سفله پرور امیر عبدالرحمان خان بار دیگر تکرار نشود مردم چنان بسیج شده بودند که یک پارچه خشم در مقابل خصم زبون شده بودند محاصره اقتصادی طالبان چندان تأثیر بر روحیه مردم نداشت ولی همه مردم دره صوف تمام امکانات لوژیستیکی و تخنیکی جبهه گرم جنگ را تأمین می کردند. در این راستا استاد سردار محمد حسین جهانی به جانفشانی مردم شرق دره صوف ارج نهاده چنین ابیات را سروده است.

طالبان از راه روی دو آب آمده طالبان از راه قشقه و غولاب آمده  
فتاده دشمنان در خاک ننگین شکست خوردند لیکن سخت سنگین  
جوانان شرق دره صوف شیرتاریخ به سنگرها بود شمشیر تاریخ  
دلاناظر حسین پرواز خون کرد به غیرت دشمن از خاکش بیرن کرد  
که ملا ضرب علی مرد مجاهد خدا یارو مدد کار مجاهد  
ملا امیر بیبا، طاهر دلاور زخود رازی نموده حی داور  
رحیمی دآسمان خوال سنگر گرفته شکست طالبان را در سر گرفته  
آمر سلطان ها، جنرال فهیمی به تن کردند قبائی رزمی جنگی  
رئیس مختار، خیرالله قوماندان زقشلاق بگک همراه یاران  
طالبان از راه الملی حمله موکنه قد توپ تانگک خو سربله موکنه

### حضور جامعه جهانی در افغانستان

هزاره ها بعد از سرنگونی رژیم طالبان و حضور جامعه جهانی در افغانستان از تمامی پروسه های صلح و آشتی ملی به گرمی استقبال نمودند و اولین گروه های نظامی که حاضر به همکاری با پروسه خلع سلاح DDR شدند گروه های مسلح غیر مسؤول هزاره ها بودند.

هزاره ها در اجلاس بن، لوی جرگه اضطراری، آمدن صلح و ثبات در افغانستان از همکاران عمده جامعه بین المللی به حساب می آمدند که این

پروسه منجر به تبدیل شدن هزارستان به امن ترین مناطق افغانستان به شمار می رود و در ایجاد نظم جدید سیاسی اجتماعی مناطق هزاره نشین پیشگام گردیدند.

هزاره ها بعد از سقوط طالبان توانستند هویت ملی خویش را به سرعت باز یابند و هویت ملی خویش را احیا نمایند. توجه جدی هزاره ها به علم و تحصیل، دروازه های جدیدی برای نسل نو هزاره ها باز نمود. امن بودن هزاره جات، عدم معضله مواد مخدر و مبارزه جدی با تروریسم بین المللی در این مناطق تأثیر عمده ای در رشد روز افزون طبقه عامه مردم هزاره داشته است. به نظر می رسد اکنون نوابغ سیاسی جامعه هزاره ها می کوشند تا نهضت عدالت خواهی که تئوری آن را «شهید وحدت ملی» استاد شهید عبدالعلی مزاری رحمته الله علیه پایه گذاری کرده بودند در عمل پیاده نمایند.

تأسیس مکاتب و دانشگاه های با کیفیت عالی و حضور اساتید با درجه کادر علمی بالا که در هیچ یک از مراکز دیگر آموزشی نمی توان یافت مراکز آموزشی هزاره ها را به یکی از با کیفیت ترین مراکز کشور تبدیل کرده است و در بسیاری از همین مراکز رجال سیاسی، نمایندگان پارلمان نیز مشغول به تحصیل هستند. جمعیت بالای تحصیل کرده گان و دانشگاهیان نیروی فکری و متخصص لازم برای این مردم به صورت خاص و برای افغانستان به صورت عام فراهم نموده است. سیاست مداران هزاره موفق به



ایجاد نظم جدید سیاسی در مناطق هزاره جات تاحدی شده اند. همچنان که این کشور در تلاش است تا بعد از چهار دهه جنگ، خود را بازسازی کند، بسیاری بر این باورند که هزاره جات در این زمینه می‌تواند بهترین الگو باشند. بیشتر از یک سوم کسانی که در آزمون ورودی دانشگاه شرکت می‌کنند از دانش آموزان هزاره هستند و این تعداد هر روز بیشتر می‌شود.

هزاره‌ها اکنون ایستگاه‌های تلویزیونی مخصوص به خود دارند. و حتی نیروی تکنیکی و فکری لازم برای نظام و رسانه‌هایی، سایر مردم افغانستان را هم تأمین می‌کنند. طبقه متوسط هزاره‌ها با آن هم مشکلات اقتصادی به سرعت رشد می‌کنند. فرزندان هزاره‌ها هم اکنون از پیشرفته‌ترین سازه‌های بشر مثل اینترنت بخوبی می‌توانند استفاده کنند. هم اکنون بیش از ۶۰٪ کاربران اینترنت افغانستان را هزاره‌ها تشکیل می‌دهند و مدیران بیش از ۷۰٪ سایتها و بلاگهای افغانستان از نویسندگان هزاره‌ها هستند. هم اکنون هیچ سمیناری در مراکز عمده کابل، بلخ و هرات بدون سخنرانی کادرهای مسلکی هزاره‌ها برگزار نمی‌گردد. تحولات اساسی و مهاجرت‌های اجباری در جامعه هزاره‌ها باعث گردید تا هزاره‌ها اکنون به یکی از مهره‌های تعادل و تناسب قدرت در معادلات سیاسی بدل گردند. هزاره‌ها می‌کوشند تا دروازه آموزش را برای نسل‌های کنونی و آینده افغانستان باز کنند. و این دقت عمومی باعث گردیده تا فقیرترین خانواده هزاره

هم از تحصیل فرزندان و به ویژه دختران شان غفلت نورزند، راه عبور از بحران را به آینده در تحصیل می بینند. سیاست مداران هزاره ها نیز با توجه به حال و آینده هم در حمایت از دولت فعلی قدم بر می دارند و هم در نظام فعلی [اردوی ملی، پولیس ملی و امنیت ملی] در ائتلاف های اصلاح طلبانه مشارکت ملی فعال سیاسی دارند. اردوی ملی افغانستان پس از فروپاشی طالبان به تدریج شروع به باز شکل گیری کرد. در سال ۱۳۸۵ ه.ش نیروی هوایی این کشور رسماً آغاز به کار کرد. پیلوت محمد رضا شریفی از قریه خواجه بلند دره صوف موفقانه در یک روز (۲۵) بار پرواز و انجام وظیفه نمودند که این نیز از افتخارات نسل جوان هزاره هاست.



ذخیره گاه تپه بی شیخک خواجه بلند



آثار مسکوکات - خواجه بلند



دورنمایی، - خواجه بلند و زیارت خواجه بلند



تپه ای شیخک جری خوال خواجه بلند

## فصل سوم

قدامت تاریخی - خواجه بلند



## گذارش مختصری - خواجه بلند

خواجه بلند یکی از قراء معروف و دور افتاده دره صوف بالا و از مربوطات ولایت سمنگان است که از آغاز تشکیلات در افغانستان به عنوان یکی از قریه های مهم و پرنفوس و باج ده (مالیات) بده<sup>۱</sup> به دولت وقت به حساب می آمدند. این قریه از نگاه موقعیت جغرافیای کاملاً کوهستانی بوده و در حدود کمتر از (۲۴) کیلو متر از مرکز دره صوف بالا به طرف جنوب شرق دره صوف فاصله دارد. در زمان جنگ علیه گروه طالبان خواجه بلند را تنها سپری دفاعی دره صوف می توان گفت.

موقعیت اراضی آن را کاملاً تپه های خاکی و جنگلات احاطه نموده آثار باستانی، مغاره ها، کوره های آهنگری، زیارتی به نام زیارتگاه خواجه سید محمد را در خود اختصاص داده است. که توجه توریستها و گردشگران را در هر موسم سال با خود دارد.

---

<sup>۱</sup> مالیات بده، به دولت وقت از تمام حاصلات زمین، زمینی که به اساس جریب کوه دشت از طرف دولت تعیین و قید ذمت شخص شده بود.

خواجه بلند دره صوف قدامت تاریخی پر بار و زیستگاه شاهان بزرگ و پهلوانان سترگ که شاهان پیشدادی و کیانی همانند زال، رستم، سلسله سامانیان، غزنویان و غوریان بوده چنانچه کاوشگران و تحقیق باستان شناسان آثار مسکوکات خواجه بلند(خوج وبلند) قدیم را محل گم‌ند ها، وشاهان بزرگ نیز دانسته اند.

خَم حوض بابر، تیارک،(خُم حوض، تیرک فعلی) طیور یاش(تیوه تاش فعلی) شاهد موید مدعای ما است که محل زیست انسانها در عصر کمون اولیه بوده است. در آن دوره سرزمین دره صوف به (دره یوسف) یاد می شدند و تپه های قریه خوج و بلند قدیم و خواجه بلند امروزی دره صوف(دره یوسف) به خوبی معلوم است که طبیعی نیست زیرا در متن همین بلندی ها مناره ها تنها پارچه های سفالین، خشتهای پخته و تکه های ذغال بوفرت و خاگستر های انبوه دیده می شود.

عبدالرحیم تور دیقل میمنگی می نویسند (ص ۵۴ تا ۶۴) [خواجه بلند را محل زادگاه کاوه آهنگر دانسته است و کوره های آهنگری آن به خوبی معلوم است که محل ساخت اسلحه یی مدرن آن روز گاران بوده که به دستان توانمند کاوه آهنگر ساخته می شده است.]

در شناسنامه سمنگان آمده: تنگی تاشقرغان دارای دروازه یی بوده و راه عمومی آبیگ دره زندان و شمالک گذشته به استقامت خوج و بلند



دره یوسف، بامیان و کابل قدیم که مسیر حرکت کاروانها به طرف کابل بوده در مسیر راه کاروان سرای های نیز بوده که به مرور زمان از بین رفته است. سمنگان (سمنجان) از دوره های قدیم در ادوار قبل از تاریخ و دوره های اسلامی همیشه مرکز زندگانی انسانها بوده، سپس معلوم می شود که از نظر تاریخی و جغرافیایی موقعیت مهم داشته و دارد. همچنان گنبد سنگی سمنگان در مجاورت آن از یک پارچه سنگی در کوه بیچه، معبد آناهیتا و کتیبه آن در خوج و بلند (خواجه بلند) مغاره قره کمر، چقماق، استخوان ها و کشف آتشگاه در سرخ کوتل و هیکل تراشی دختر نوشیروان عادل در دره نگاره موهو و آب بند آبخورک جهیل سبز ایستاده در دامنه کوتل سبزک و ده ها محلات دیگر در عصر کوشانی ها در قرون اولیه مسیحی به تمام مناطق سمنگان (سمنجان) زمین سایه افکنده است.

از آنجای که خواجه بلند ولسوالی دره صوف بالا موقعیت مهم سوق الجیشی دارد همواره منحیث نقطه عطف توجه بزرگان بوده است. در اوائل انقلاب خواجه بلند پناهگاه علما و بزرگان دره صوف بودند. مانند: آیت الله شیخ محمد جواد نجفی شیخه، شیخ براتعلی حمیدی، شیخ علی اکبر نهضت، شیخ محمد کاظم جعفری، شیخ احمد علی احمدی، محمد حسین تحویلدار، سید حاجی داود و... بودند.

دره صوف در گذر بحران تاریخ ————— توسلی - طلوع /- ۱۱۴

بنا بر نوشته دکتر رنگین داد فرسپنتا در کتاب (روایت از درون ج ۲ ص ۱۴۷) (خواجه بلند) دژ تسخیر نا پذیر در طول تاریخ استقلال طلبانه یی کشور و همیشه حضور سبز اهالی این قریه را در کنار مردم دره صوف نشانگر پایدردی تقوا و پرهیزکاری ایشان ثابت شده است.

در برج قوس سال ۱۳۷۹ ه.ش قریه خواجه بلند زیر زره بین فوکس رسانه ها و خبر نگاران و در سرخط خبرها، جریده و روزنامه های افغانستان قرار گرفتند هفته نامه بیدار چاپ بلخ، قریه خواجه بلند را چنان باز تاب دادند که یک بار دیگر توجه توریست ها و گردشگران را به خود معطوف نمودند.

### نگاه به موقعیت جغرافیای - خواجه بلند

خواجه بلند از لحاظ جغرافیایی به قرآ و قصبات اطلاق می گردد که قرار ذیل است.

- **شمال:** به قریه تیوه تاش (خالنیا، پشت آب)
  - **شرق:** به قریه کته خم (بغک) و بند رحیم خان
  - **جنوب:** به قریه خواجه گنج (جرس، قراحمد)
  - **غرب:** به قریه سرخ قدوق (لخشک، بایا)
- روستای خواجه بلند به پنج (قشلاق) تقسیم شده است.

۱- قشلاق بهسود

۲- قشلاق ددک (دادمحمد)

۳- قشلاق راه بر

۴- قشلاق بایا

۵- قشلاق چشمه شریف

که تخمیناً «۶۵۰» خانه و فامیل در این قریه زندگی می نمایند. خواجه بلند دارای زمین حاصلخیز، آب شیرین و تپه های مرتفع خاکی می باشد. تماماً مردم زراعت پیشه، مالدار و (دامدار) است و حاصلات خوبی از زمین داری خواجه بلند بدست می آید که از قبیل محصولات: گندم، سرخه، جو، نخود، هندوانه، خربوزه، لوبیا، موشنگ، شفتالو، شلغم، پیاز، کچالو، سیر، کدو پلوی، کدو حلوای کنجید، زردالو، سنجید، بادام، اندو، زیغیر و هنگ<sup>۱</sup> و... حبوبات به دست می آیند مردمان این روستا بیشتر از طریق زراعت و مالداری امرار معاش می نمایند.

در کتاب معجم البلدان دانشنامه جغرافیا شناس عرب یاقوت الحموی<sup>۲</sup> (ج ۱ ص ۱۴۵) در این مورد چنین نوشته است: خوج و بلند از قصبه یی توابع

---

<sup>۱</sup> دهقانان خواجه بلند غلام رسول، عبدالکریم زوار، محمدعلی کربلای، غلام سخی زوار، تقی کربلای، عبدالرحمن، فاضل بای، جوادبای و صفدر علی کربلای.

<sup>۲</sup> معجم البلدان دانشنامه مؤلف یاقوت الحموی فرهنگ جغرافیای شناس عرب.

دره صوف در گذر بحران تاریخ ————— توسلی - طلو ۶ - / ۱۱۶

جبل البلخ است با کشت بذر بسیار آبادان جلگه های شاداب آب و هوای معتدل ۲۴۵ تن سکنه آب از قنات محصول آن غلات شغل اهالی مالداري و زراعت پيشه است و گنبد قابوس باستانی دارد.

پروژه انکشاف دهات و همبستگی ملی افغانستان در بخش (مالداري، سرک و چاه آب) به مبلغ (۱۲،۴۰۰،۰۰۰) افغانی به تعداد (۶) حلقه چاه آب و (۹) کیلومتر سرک را به طوری اساسی کردن کاری و جغل ریزی نموده، چاه آب و سرک را موفقانه به اتمام رسانیده اند.

دهها رأس گوسفند از طرف پروژه انکشاف دهات و همبستگی ملی در بخش (مالداري) به مردم فقیر و بی بضاعت از بخش کمک های جهانی WP به قریه خواجه بلند داده شده است. با وصفی که این کمک ها از طرف کمک های جهانی به مردم افغانستان داده شده بود. اما به صورت احسن به مردم نرسیده است.

### خواجه بلند

خواجه بلند یکی از کهن ترین قریه های ولسوالی دره صوف بالای ولایت سمنگان که در جغرافیای آن خواجه بلند (بهسود، ددک و رابر) یاد می شود. این قریه جات مانند سایر قریه های دیگر تاریخ پر فراز و نشیب های زیادی را پشت سر گذاشته اند و تجربه های تاریخی فراوان را در دل خود

مدفون ساخته است. یاد داشت مرحوم دهخدا، تورک ها در گسترهٔ یی تاریخ<sup>۱</sup> ج ۳ ص ۲۴۹ (خواجه بلند ترکیبی از دو واژه است "خوج" و "بلند" در زبان تات تورک که منطقه در گذشته بدان سخن می گفتند. به معنی "آشیانه یی عقاب" که در لاج "خوج" بلند " جنگلات انبوه تلنبار شده یی این مناطق باستانی) یاد می شود. در حال حاضر مردم بیشتر از همه به زبان دری فارسی تکلم می نمایند. هر چند در روایات در مورد این دو واژه با هم تفاوت دارد اما ریشه این دو واژه آرام آرام با تأیید گرفته از زبان اوستایی تاریخی باستانی پهلوی اشکانی و... اند.)

خواجه بلند سر زمینی است که برای اولین بار بشر در آنجا یک جانشینی را تجربه کرده است خواجه بلند دارای نگاره ها، دیوارها، غار های و سم (سموج ایوان) منقش شده و نگاره های به جا مانده از «۱۲» هزار سال پیش یافت شده است. مربوط به عصر نویسدگی است که البته در مورد قدامت آن تا هنوز تاریخ قابل استنادی مطرح نشده است و در مورد قدامت «۱۲» هزارساله آن شک و تردید بسیار وجود دارد به نظرمی رسد دور از واقعیت تاریخی باشد و در تپه یی شیخک جری خوال خواجه بلند آثار مسکوکات بدست آمده که عصر کوشانی ها را نشان می دهد و شاید هم در قرون اولیه باشد.

---

<sup>۱</sup> تورک ها در گسترهٔ تاریخ مولف: عبدالروف بیکریگی سال ۱۳۰۸ ه.ش چاپ دهلی.

دره صوف در گذر بحران تاریخ ————— توسلی - طلوع ۶ - ۱۱۸

خواجه بلند به ارتفاع (۱۴۰۰) متر مربع ارتفاع از سطح بحر موقعیت دارد غارها و آثار باستانی هم چون کوره آهنگری و سم (سموج) ایوان پر از نقش و نگاره ها و تپه های بلند مرتفع خاکی، حاصلخیز، مردمان خون گرم و مهمان نواز و سینه های فولادین در برابر مهاجمین (بیگانگان) را در خود جای داده است.

روزی ویکتور سیریانیدی کاوشگر روسی در سال ۱۹۷۸م ۱۳۵۷ه.ش با تیم کاری اش روی تپه های خاکی خواجه بلند قدم می زد نگاهی به مغاره های خواجه بلند انداخت دست به (بیل، کلند) برد تا اسراری از دل خاک پیدا کند که به عنوان سند تاریخی ۲۰۰۰ ساله در موزیم ملی افغانستان باشد سم، سموج (ایوان) را به مردم نشان دادند زمزمه های است جام طلای باختر را از همین ناحیه پیدا کرده است و فعلاً هم در موزیم ملی افغانستان موجود است.

دره صوف سرزمین پوشیده از کوه ها، صخره های بلند و عظیم است که عظمتش نه تنها طبیعت کوهستانی آن است. بلکه در پشت کار و اراده مردم آبدیده قدامت تاریخی این سرزمین اسطوره در برابر مهاجمان بوده است. ساکنان صبور و مقاوم خواجه بلند تنها مردم است که با غول های وحشی سردی، برودت، برف، باران از یک سو و از سوی دیگر با فشار و اختناق، فقر، گرسنگی و بینوائی دست و پنجه نرم نموده است.

بار های از مشکلات، بد بختی را بر فراز قتل و در اعماق دشت ها و دره های عمیق پر خم و پیچ و باریک سر سبز این خطه با ستانی بدوش می کشند و به سهولت با موانع رزم می دهند و در واقع فاتح تمام موانع و صخره های تسخیر ناپذیر دوران خویش هستند.

خواجه بلند سر زمین باستانی و تاریخی است. وقتی نامی از دره صوف می بریم همه به یاد قریه خواجه بلند، شیخه، طور و دایمیرداد و... از همه مهمتر به یاد حوض بزرگ زال در خم حوض می افسیم. نظر به گفته تاریخ نویسان خواجه بلند محل زادگاه و رشد کاوه آهنگر بوده است.

خواجه بلند در سال ۱۹۸۲م - ۱۳۶۱ه. ش وارد یک فاز جدید جنگ نا فرجام خونینی تحمیلی داخلی گردید گرچه تلفات و خسارات مالی و جانی هم در پی داشت سر انجام جنگ به نفع مجاهدین تمام شد.

در نصب نامه خطی خواجه سید محمد نوادگان خواجه سید محمد آصف نوشته<sup>۱</sup> شده است سید محمد آصف به ملک دره یوسف با اولاد و حشم خود جهت حفظ عقاید خود نسبت به سلاله پاک رسول الله مبارک ﷺ در سال ۸۷۱ ه. ق به دستور امیر تیمور صاحب قران هجرت کرد مردم

---

<sup>۱</sup> نصب نامه خطی خواجه سید محمد نوادگان خواجه سید محمد آصف نوشته بی سال

گاوکش<sup>۱</sup> عقیده خاص به خواجه صاحب داشت، چندین شب آنجا اطراق نمود بنا بر دعوت مردم خوج و بلند و خم حوض که جنوب دره شمالک قرار داشت لیک گفت و سال های زیادی آنجا اقامت گزین شد و خواجه صاحب به نشر احکام و پیروی قرآن پرداخت و خواجه صاحب در آنجا وفات نمود. مردم او را بسیار با احترام تدفین نمودند بر بلندای تپه یی به خاک سپردن. سپس خوج و بلند تبدیل شد به خواجه بلند و خواجه سید محمد چنین ابیات خواند.

بردل تپه یی سبز و قشنگ	خانه یی آباد و شد در و چنگ
منظرش زیباست چون یورت بهار	خیره می سازد خورشید اندر روزگار
مردم خوج برفراز تپه ایل	کاوه می گویند کجای ای لیل
مردم خوج و بلند، بر بلندای تپه یی	پیرمُرشیدش آصف خواجه یی
لیک گفتم من بر آنها ای شیب	هست ملا شاکر برایش ای حیب
ملک سرسبز و آباد ای وصال	قدر ما دائم بماند در ملک شمال
دست دعایم سوی ملک اندخویی	باد ها پیک ما را رسان اندر پی یی

---

<sup>۱</sup> به خاطر آن منطقه را گاوکش می گفتند که برای حمل و نقل، کار و بار خود از گاو استفاده می نمودند در مرور زمان به آن مسمی شدند.



## علل گسترش - خواجه بلند

ملیت هزاره یکی از بومی ترین اقوام ساکن در افغانستان است که گسترش زندگی آنها به ولایات شمالی کشور دلیل ظلم و اجحاف حکام وقت قلمداد شده است. راوی آن ملا غلام علی کربلای یکی از شخصیت های برجسته و نامدار قریه خواجه بلند است. علیرغم مشکلات که از ناحیه حکام وقت بر ملیت مظلوم هزاره اتفاق افتاده و حادثه هولناکی که حتی بر مال، جان و ناموس این مردم احترام نگذاشتند جنایات سپاهیان امیر عبدالرحمن خان<sup>۱</sup> بوده است.

---

⊞<sup>۱</sup> امیر عبدالرحمن خان به قتل عام ها و کشتار های بیرحمانه، تجاوز به نوامیس مردم اکتفا نکردند زنان، دختران و پسران جوان هزاره ها را در بازارهای کابل، قندهار، هند و حتی به نصرانی ها به عنوان برده و کنیز به فروش رساندند، بازارها مملو از زنان و دختران هزاره بودند، سربازان و افسران دولتی هر یک دو دختر جوان هزاره را به خوداختصاص داده بودند.

⊞ **داکتربیلیاس همیلتون** Dr. Lillias Anna Hamilton M.D طیب و عکاس در بار امیرمی گوید: من ۹۰۰۰۰ زن و ۱۱۰۰۰۰ مرد اسیر هزاره ها را در مریض "وبا" مصاب بود. در کتاب در بار، ثبت مریضان درج کرده بودم همه به عنوان کنیز و غلام به بهای اندک به فروش رسیدند.

⊞ **انواع جنایات و شکنجه های:** امیر عبدالرحمان خان بر مردم هزاره اعمال می نمودند عبارت: از انداختن داخل سیاه چال های زندان صحرائی، گنده، ولچک، زولانه، قین و قانه، تیل داغ، قطع اعضاء، بیدار خوابی، کوری چشم، سنگسار،<sup>۲</sup>

جنایات سپاهیان سفاک امیر عبدالرحمان خان برهمگان روشن است و سینه به سینه نقل هر محافل و مجالس بوده و هست، گرچه در آن زمان (۱۸۹۲م) ملا غلام علی کربلای پسر (۱۱ یا ۱۳) ساله بیشتر نبود که لشکریان

---

► به داخل پست گاو دوختند، به دار زدن، به دهن توپ پر اندند، به دم اسب بستن، توسط اره پاره کردند و...

👉 **میر غلام محمد غبار مورخ شهیر کشور می نویسد:** بعد از ختم حمله یی غائله یی سپاهیان امیر عبدالرحمان خان مردم هزاره به مساکن خویش برگشتند آنقدر کم بودند ۲۰۰۰ خانوار مردم هزاره یی بهسود به ۱۱۰۰ خانوار تقلیل یافته بودند.

👉 **پایمال شدن کرامت انسانی:** گرفتن برده و کنیز وطن داران توسط امیر زمانی بود که در دیگر اکناف عالم سرود رهایی سرداده می شدند. کلمه انسان بماهو انسان بدون در نظر گرفتن رنگ، مذهب و نژاد مقدس پنداشته می شدند و تفکر کل گرایانه ایی که فردیت انسان را هضم می کرد کاسه می شد، اما در عصر تکامل و اوج گیری خرد انسانی در گوشه یی از جهان به نام افغانستان چنان ظلمت ویرانگری حکم فرما بود که زنان و مردان هزاره به عنوان کنیز و غلام توسط فرمان امیر باصبغه مذهبی «به قیمت دو سیر جو، جواری و یک پیسه افغانی فروخته می شدند» **سراج التواریخ** شدت این امر چنان بود که بیشه تجارت گردیده بودند.

👉 **امیر قوی پنجه:** توانست با متمرکز کردن قدرت، ساختن اداره مستحکم اردوی پایدار نظام غلیظ قبیلوی را در جامعه یی متکثر افغانستانی به یادگار بگذارند. امیر عبدالرحمن خان باسرکوب های ننگین بدون حساب کتاب، درک حساب دهی تاریخی کرامت انسانی را پایمال و لقب ضیاء الملتة والدین را تصاحب کرد. این است سرنوشت مختم مردی که با ایجاد تفکر کور قبیلوی پیش برنده حرکت تاریخی افغانستان در دوره معاصر وقت شمرده می شدند.

بی رحم قصی القلب همانند حیوانات وحشی در ظاهر به نام آدم. بر ملیت مظلوم بی دفاع هزاره حمله و هجوم آوردند. از جمله حمله سپاهیان امیر عبدالرحمان خان بر قلعه چهار برجه دیوال قل حصه دوم بهسود می باشد که مردم آن قریه را قتل عام می کنند و تمام آبادانی مردم را با خاک یکسان می کنند. زنان و مردان هزاره را به اسارت می گیرند.

ملا غلام علی کربلای در آن حادثه اسیر می شود ملا غلام علی کربلای از آن حادثه خونین غم انگیز چنین نقل می کند: در منطقه باد آسیاب بهسود لشکریان امیر مردم را قتل عام کردند کشته ها پهلو در پهلو افتاده بودند ملا زوار علی و میر کاظم بیک با تعداد از مردم برای دفن شهدا قبر می کردند. در آن اثنا مرد جنگی امیر آمد گفت کلمه تان را بخوانید همه تان باید از دم تیغ نظر به فرمان امیر گذرانده شوید. کاظم بیک رو به ملا زوار علی کرد گفت ملا آیه تلخی آسان جان کندن را بخوان ﴿وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ﴾<sup>۱</sup> نا گهان بر زبان ملا آیه طول عمر جاری می شود ﴿الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيُبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾<sup>۲</sup> کاظم بیک گفت ملا تو چه می گویی؟! ملا گفت گرچه ما در چند قدمی مرگ قرار داریم ولی خبر از آینده ای درخشان مردم ما می دهند خواندن آیه طول

عمر در اختیارم نیست بر زبانم خود به خود جاری شد. روزی فرا خواهد رسید که مردم ما بر افتخارات بلندای سکوی تاریخی قرار خواهند گرفت. وقتی لشکریان امیر عبدالرحمان خان داخل منطقه شدند دست به تجاوز و غارت اموال و هجوم نا جوانمردانه هولناک زدند. لشکریان بیرحم امیر رمه، گله، زمین زراعتی و خانه های مردم را آتش زدند مردان و زنان را اسیر کردند و به عنوان برده و کنیز به همدیگر پیشکش می کردند و در بازارها به فروش می رساندند. (لشکریان امیر عبدالرحمان خان مدت چندین شب روز در مناطق هزاره ها تاخت و تاز نمودند و مردم را قتل عام و سلاخی کردند و خانه ها را توسط خود مردم به اجبار خراب کردند لشکر مهاجم اطفال هزاره ها را بر هوا پرتاب می کردند و شمشیر تیز بران در برابر اطفال معصوم قرار می دادند در برگشت به زمین دونیم می شدند بچه ها را پیش سگ آدم خوار می انداختند می گفتند به آل علی علیه السلام سب و ناسزا بگویند. اما مردم هزاره حاضر بودند جان بدهند و فرزندانشان تکه تکه شوند ولی سب و ناسزا به آل علی علیه السلام نگویند...

مردم به لعن و ناسزا گفتن حاضر نشدند همه یی اسیران مرد و زن و اطفال را بریک ریسمان بسته کرده بودند (یکصد و پنجاه) دختران جوان هزاره را از بین اسیر شده گان شناسایی کرده بودند. تا این دختران جوان را تحفه بخاطر کام روایی به قصر امیر عبدالرحمان خان ببرند. وقت که اسیران

را به دروازه کابل رساندند دختران جوان را ازین اسیرها جدا کردند تمام دختران جوان را بر یک ریسمان بسته بودند (بیگم) دختر فتحعلی در رأس دختران بود دختر باقدی بلند موهای سرش سیاه تا کمرش ژاله ژاله آویزان شده بود خوب یادم است. (امیربیگم) دختری فتحعلی رو به غزالان و اهل کاروان اسراء هزاره کرد صدا زد مرگ بر ما رواست تا ما را برای کام روایی و عیاشی به دربار امیر عبدالرحمان خان ببرند. ننگی تلخ تر از این نیست ما به عنوان برده و کنیز در قصر و بازار باشیم همه غزالان در سکوی بلندای پل قرار گرفتند. درسرپل کابل (پل آرتل) تمام غزالان پریشان و دخترهای جوان هزاره را بایک ریسمان بسته بودند آنها با یک صدا یا ابوالفضل العباس علیه السلام همه از سرپل خویشان را به دریای خروشان کابل انداختند. درآب چنان تولایی می کنند گاهی زیرآب و گاهی سرآب صدای التجاء یا ابوالفضل العباس علیه السلام از همه شان شنیده می شدند و درآب دریا کابل غرق می شدند، تا دیگر از چنگال اسیری خلاص شوند و عفت شجاعت زن هزاره را به جهان نمایش دهند.

یکصد و پنجاه دختر جلودار اسیران هزاره در حرکت بودند امیر بیگم با تهور و شهامت باور نکردنی که می خواهد جرس کاروان پاسدار نوامیس

---

<sup>۱</sup>خاطرات: مرحوم ملا موسی مرویج / قصه های شب دیجور ملا غلام علی کربلای

دختران و زنان اسراء هزاره باشند از راهی که دراز ترین راه از راه دلدل گذر عبور دادند تا رسیدند به دروازه کابل دختران و غزالان را از قافله جدا کردند می خواستند که اسرائی هزاره که پنجاو یکمین دسته یی اسراهزاره است وارد کابل می شوند. در پل کابل توقف دادند و در کتاب حکومتی ثبت کردند. دختران و غزالان عقابان بلند پرواز هزاره دست در دست هم دادند از بلندای پل کابل پرواز کردند و بال گشودند و با شکوه و شگرف بی مانند به پایین پل فرود آمدند. دریای خروشان کابل همانند صخره یی سخت و تیغ مانند کوه آنان را به گرمی استقبال و در آغوش کشید همه با یک ریسمان بسته شده بودند مثل ماهی در آب دریا شناور شدند همه اسراء و لشکریان غزالان در بند را تماشا می کردند. نا باورانه شاهد زیبا ترین مرگ خود خواسته دختران آزاد و سر بلند هزاره بودند آنان در قعر دریا به جای ابدی و جاویدانه خود رسیده بودند.

امواج دریای خروشان کابل غرق در خون به بلندای تاریخ فریاد می کشید و دامنش را برای فرود عقابان خانه زاد خود می گشود و بلند پروازان هزاره را به آرامی در حالی که همه بایک ریسمان بسته بودند استقبال نموده آنها چنان دست همدیگر را به سختی فشرده بودند. و تن به خواب ناز ابدی داده بودند. که دشمنان با دیدن این شکوه و شگرف بی همتا حیرت زده شده

بودند آنها سر افکنده به کابل باز گشتند. این فاجعه آن قدر درد آور و هولناک و غم انگیز رخ داده بود که دوست و دشمن را به گریه انداخته بود. عجب گل خان چرخ سرلشکر، سپاه امیر عبدالرحمان خان تا آخر عمر شب ها بدون کابوس به خواب نمی رفت، روز ها را با تلخی و تیره روزی سپری می نمود و دیوانه وار با خود حرف می زد و گاهی دور از چشم مردم بر خود فریاد می کشید سر به دیوار می کوبید. اما در طرف دیگر امیر بیگم و یارانش در شب تلخ خیانت و دهشت امیر در زیر نور مهتاب هزاره در دامنه یی کوه چنداول کابل رنگ خونین چادر حجاب خاک بر سر کشید و به خواب ناز ابدی فرو رفت و به تاریخ خونین و درد ناک هزارستان پیوند خورد.

هنگامیکه رسیدیم به پل یک روپیکی<sup>۱</sup> کابل ساعت ها منتظر ورود به قصر بودیم، مدت چندین شب و روز در کابل اسیری سپری نمودیم و بعداً لشکر امیر عبدالرحمان خان به سرگردگی تازه گل خان خلازی این دسته اسراء هزاره ها را به منطقه تگاب ولایت کاپیسا<sup>۲</sup> انتقال دادند مدت (۱۴) سال از این اسیری در تگاب کاپیسا گذشت. وقتی آتش فتنه امیر عبدالرحمان

---

<sup>۱</sup> پل معروف محمود خان امروزی که تمام زن دختر هزاره از همین جا به بردگی فروخته می شده به قیمت یک رویه مشهور به پول یک روپیکی (افغانی).

<sup>۲</sup> ولایت کاپیسا یکی از سی و چهارمین ولایات افغانستان است.

خان کم کم خاموش شد مردان و زنان اسیر هزاره ها در شبی از شبهای روشن در تگاب کاپیسا به دامن کوه (لالیم الیسای) گرد هم آمدند و به یاد (یکصد و پنجا) تن غزالان هزاره که در دریای کابل غرق شده بودند نوحه و محته خوانی کردند. سرانجام کاروان اسراء هزاره (ملا غلام علی کربلای) بعد از سال ها سرگردانی، آوارگی، در بدری و خانه بدوشی از قریه خواجه بلند ولسوالی دره صوف (دره یوسف) سر در آوردند. بعد از گذشت یکصد و سی و پنج سال اکنون خاطرات تلخ آن روز گاران را فرزندان شان ثبت و درج تاریخ می نمایند. دهها نفر این قصه های شب دیجور را از زبان ملا غلام علی کربلای شنیده اند که حادثه درد آور و هولناک حمله سپاهیان امیر عبد الرحمان خان را به یاد دارند؛ محمد نبی زوار، داکتر محمد عیسی رحیمی، شیخ عبدالله کربلایی، میر حسین سرخیل، صفدر علی کربلایی، غلام محی الدین شریفی و بابه مسلم هر کدام از این شخصیت ها راوی این حادثه از زبان ملا غلام علی کربلایی هستند. چنین شعر جانسوز را که از عمق قلب ملا غلام علی کربلای بر آمده بود حکایت می کنند.

صد و پنجاه غزالان پر کشیدند	داغ تازه را از نو کشیدند !!!
در آن موج خروشی دریای کابل	امیر بیگم پری از نو کشیدند
شوی تار مُو! روی ما تو نشسته	گلی لالک د روی او نشسته
حجاب خاک روی سر کشیده!	غمی بیگم بدل نیشتر کشیده



روز آزره مثل شو سیاه شد	صدو پنجا غزالان دست دعا شد
شار کابله!! وا ویلا کدی مو	شوی تاریک، مخته کدی مو
دما تم شی بسی غوغا کدی مو	غزالان را سوی دریا کشیدند!
بلدی مردم داغ آوله کدی مو	ده دست هر کدام شی نامهٔ سرخ
جگرسوخته بلدی آغه کدی مو <sup>۱</sup>	صدو پنجا دختر د شار کابل!

\*\*\*

بیاد آن، گاه بیگاه گریه کردم	عزیزان روز شب ها گریه کردم <sup>۲</sup>
بیاد آن، قدر عنا گریه کردم	امیر بیگم را بدیدم بر لب او
بیاد آن، چشم شهلا گریه کردم	بدیدم تصویری آهوی ختن را
بیاد آن، روی چون ماه گریه کردم	شب چارده قمر دیدم عزیزان
بیاد آن، هر دو قاشا گریه کردم	اگر رستم کمان دیدم به هر جای
بیاد آن، تولا ها گریه کردم	لطف های گل دیدم بدریای کابل

---

<sup>۱</sup> این گوشه یی مظلومیت های هزاره ها است در دوران امیر ضیا المله والدین. که در هیچ جای از تاریخ هزاره ها ثبت نشده است؛ هزاران تاریخ درد آور و حادثه هولناک هنوز در گوشه های سینه مردم ما خفته است کسی خبر از آن ندارد.

<sup>۲</sup> این شعر ۳۰ سال بعد از حادثهٔ غمبار امیر عبدالرحمان خان، با روی کار آمدن حکومت نادر شاه غدار بعد از غائله سقوی در سال ۱۳۰۸ ه.ش در سری پل کابل با چشمان پر از اشک توسط ملا غلام علی کربلای سروده شده است.

رسیدم برسری خاک غزالان      بیادآن، گریبان چاکها گریه کردم  
رسیدم برسری پل دریای کابل      بیادآن، سبک بالان گریه کردم  
گرفتم در بغل مزار هریکی را      بیادآن، شب مهتاب، چنداول گریه کردم  
به انتظار نشستم شام تاریک      بیادآن، زلف سیاه گریه کردم  
صدو پنجاه دختر بدیدم قعدریا      بیادآن، غزالان در بند گریه کردم  
بدیدم عزم راسخ را به هر جای      بیادآن، شهید پاک آزره<sup>۱</sup> گریه کردم  
همان پرواز بیگم ها یادو مایه      بیادآن، دَخَو و بیداری گریه کردم  
د ذهن مه نقش بسته زندگی ره      بیادآن، حرف هایت گریه کردم  
ردو کابل نشان غیرت دختران مو<sup>۲</sup>      بیادآن، شجاعان گریه کردم  
اما علل گسترش قریه خواجه بلند مسکن گزین شدن فراری های مردم  
هزاره از زمان حکومت امیر عبدالرحمان خان الی دوره حکومت نادرشاه خان  
بود تا بر شکوه قریه خواجه بلند کنونی افزوده شده است و زمین خواجه بلند؛  
بربلندایی آبادانی خویش افتخار دارند.

---

<sup>۱</sup> آزره کلمه محلی هزارگی است (هزاره)

بیادآن، پاک عفتان گریه کردم

<sup>۲</sup> آوی کابل نشان غیرت دختران مو

## جاذبه های تاریخی دره صوف

مناطق دره صوف زمین ها و جلگه های سر سبز و شادابی دارد که در امتداد کوه پایه های بابا و پامیر قرار دارند. دره صوف به دلیل بهره مندی از چشمه ها و سراب های گوناگون و معدن زرخیز طلای سیاه (ذغال سنگ) خدادادی از شهرت به سزای بر خوردار بوده است.

تاریخ و تمدن این دیار را سنگ نبشته ها و کوه ها در خود ثبت کرده اند. دره صوف میراث ماندگار تمدن چند هزار ساله افغانستان (خراسان زمین) است و جای جای این سر زمین نشانی از شکوه و عظمت تاریخ مردمانش را در سینه جای داده است، تاریخی که امروز در سیمای سنگ نبشته ها و نگاره ها از دل خاک هویداشده است نشان دهنده رد پای تاریخ در بناهای آبدات، باستانی دره صوف و منطقه خواجه بلند را آشکار می سازند.

«استوپه یی تپه شیخک جری خوال» مجموعه ای ارزشمند از اعماق تاریخ است که در سر زمین کهن دره صوف در قریه خواجه بلند به یادگار مانده است. این آثار در قلب استوپه سنگ منگی یکی از حیرت انگیز ترین آثار تاریخی است که در دل کوهی منگی (آهگی) به همین نام استوپه تپه (شیخک جری خوال) قرار گرفته و اثری خارق العاده از جایگاه پادشاهان ساسانی می باشد.

مهم ترین آثار در منطقه خواجه بلند، (جری خوال) تپه شیخک سموج (ایوان) بزرگ است که از نظر معماری اطلاعات بیشتری را در اختیار باز دیدکنندگان قرار می‌دهند. این سم، سموج (ایوان) به شکل فضای دایره ای است. درازی آن در حدودی (۳۰ الی ۴۰) متر و طول آن به اندازه (۸) متر ارتفاع (۶) متر دیوار انتهای ایوان به دو بخش تقسیم شده است. بخش اولی صحنه «تاج گذاری» شاهان ساسانی آن وقت را نشان می‌دهد روی دیوار طرف شرق سغه یی بلندی قرار گرفته که حاکم بر صحن سم، سموج (ایوان) است و در بخش دوم این سم خانه یی دیگر به انتهای (۳۰) متر نیز سوار کاری روی دیوار طرف شرق نقش شده است که مهارت صحنه ای جنگ های خونین را نشان می‌دهد.

در صحنه تاج گذاری، پادشاهان ساسانی با صورتی مستطیلی و محراب گونه تمام رخ بر روی سکویی ایستاده است که بینندگان همه بتوانند شاه را تماشا کنند.

اما در داخل سم، سموج (ایوان) سمت شرق، پیکره آناهیتا، با صورت و بدنی تمام رخ نقش شده که بر روی سکویی قرار گرفته. در دست چپ او سبوی آب و در دست راستش حلقه روبان داری دیده می‌شود که به طرف شاه دراز کرده است. او دارای صورتی گرد، چانه‌ای کوتاه و چشم بادامی است، بخشی از موهای سر او به صورت گیسوی بافته شده در دو طرف

صورت آویخته شده و بخش دیگری از آن به صورت انبوه بر روی شانه ها آویزان است.

طرف شمال، سموج دری بزرگ دیگری باز شده است که پذیرایی هزاران مهمانان است که در داخل به سمت سالن رهنمای می کنند. بسیاری از تاریخ دانان و نیز جغرافیا شناسان، نقش این اسب سوار را «کاوہ آهنگر» معرفی کرده اند که سوار بر اسب معروفش شبذیز است هر بیننده یی بار اول ببیند لات و مبهوت تماشای این سموج تاریخی می شود.

«قدوق بیچه» نماد استوار عشق در تاریخ خواجه بلند زمین است. و سنگ نگاره های تپه شیخک بالا و پائین، قدوق بیچه چشمه سار بر افراشته و سرشار از زیبایی طبیعت، در دل این کوه پایه ها ماندگار تاریخ شده است. این اثر ماندگار تاریخی در (۲۴) کیلو متری بازار دره صوف بالا واقع شده و به جرأت می توان کتیبه یی سنگی کاوه آهنگر را نمادی از فرهنگ، هنر و آداب و رسوم مردمان عصر ساسانی دانست.

از چشمه سار قدوق بیچه لوله های آب سفالین گیلی به طرف تپه یی قشلاق خواجه بلند کشیده شده که هنوز هم به چشم می خورد و در امتداد راه مردمان خواجه بلند که برای خویش خانه ساختند از زیر لایه های خاک چنین لوله های سفالین گیلی پیدا کرده اند.

خواجه بلند سر زمین کرانه های تاریخ است و نشانه هایی قبل از دوران ساسانیان در این سر زمین وجود دارد، یکی از این نشانه ها «کوزه پر از خاک سیاه ریخت شده» است. از نگاره ها آورده اند که خوجیان بلند و خواجه بلند بر فراز تپه شیخک برای خدایان شان در آسمان ها دعا می کنند. داکتر محمد عیسی رحیمی در مورد خواجه بلند چنین می گوید: (خواجه بلند دره صوف میراث دار آبدات تاریخی ولسوالی دره صوف ولایت سمنگان است) وی بیان می دارد: (قدامت این آثار تاریخی به (۱۱) هزار سال قبل می رسد و همچنین بر آثار مسکوکات باستانی، جاذبه گردشگری، طبیعت سرسبز دلگشا، بر اهمیت توریستی و گردشگری منطقه افزوده است. خواجه بلند علاوه بر جاذبه گردشگری در مسیرهای ارتباطی دروازه خراسان بزرگ، راه شاهی و جاده ابریشم قرار دارد که بیانگر فرهنگ و تمدن متنوع در این مناطق تفریحی و نیز دارای کاروان سراهای تاریخی است.

وی خواجه بلند را محل تبلور هنر و دانش ساسانیان دانسته و افزود: (استوپه تخت رستم زال در سمنگان نیز شرمسار عظمت و شکوه خواجه بلند است. و به جرأت می توان ادعا کرد که استوپه یی تخت رستم سمنگان به اندازه خواجه بلند جلوه و زیبایی ندارد و از هر سو به خواجه بلند بنگریم زیبایی، شکوه تاریخ و انحصار قدامت تاریخی را می بینیم).

خواجه بلند هنوز نا گفته های بسیاری دارد به اعتقاد گردشگران، ظرفیت خواجه بلند هنوز از دل خاک بیرون نیامده و نا گفته های بسیاری را از راز و رمز آن می طلبد که زمین های اطراف خواجه بلند نیاز به کاوشگری بیشتری دارد.

رحیمی بیان کرد: کتیبه خواجه بلند رمز گشای نا گفته های تاریخ است و اسرار ساسانیان را در دل خود پرورانده و نیز سند قدیمی ترین گاه شمار خراسان زمین در کتیبه ای سموج (ایوان) خواجه بلند است.

رحیمی بیان کرد: دانش زبان شناسی زمان می خواهد سموج (ایوان) کتیبه یی خواجه بلند را رمز گشایی کند و نیاز است که افرادی مسلط به زبان های باستانی و به ویژه زبان های ترکی، سانسکریت، هورامی و بابلی و... بر روی این کتیبه تحقیق و رمز گشایی کنند.

رحیمی: خواجه بلند را یکی از شگفت انگیز ترین آثار تاریخی اشاره کرد و گفت: با توجه به آزمایش سنگ ها و اتحاد جنس و معماری آن با فرهاد کوهکن تراوش دارد، فرهاد کوهکن معمار هر دو آثار بوده حتی گمان می رود معمار آثار نیمه کاره جایگاه ساسانیان است و در هر سنی که وجود دارد که ساسانی بودن آن محرز است و این آثار از نظر دوره زمانی با هم تناسب دارند. آثار داستان فرهاد کوهکن در مناطق دره باریک شمالک موقعیت دارد ولی با هم در ارتباط بوده است.

وی همچنين [کاروان سرای چشمه شریف و ایام] را از سالم ترین و منحصر به فرد آثار خواجه بلند در چشم اندازی بسیار زیبا عنوان کرد و افزود: چشمه شریف و ایام آب لطیف صاف گوارا و رود آرام نیز ظرفیتی دیگر در خواجه بلند است.

صفدر علی کربلای یکی از بزرگان قریه خواجه بلند، در گفتگو با خبر نگار بی بی سی، با اشاره به وجود آثار تاریخی بسیار در قریه خواجه بلند چنین اظهار داشت: خواجه بلند مأمنی از آثار سلوکیان، هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان، صفویه و... بوده است.

صفدر علی کربلای به وجود آثار بینظیر دوران پیش از تاریخ اسلام در خواجه بلند اشاره و اظهار کرد: خواجه بلند از ظرفیت و پتانسیل بالایی برای توسعه و رونق زراعتی و گردشگری و جاذبه‌ی تاریخی بر خوردار است.

معبد آناهیتا دومین بنای سنگی سمنگان پس از تخت رستم در خواجه بلند موقعیت دارد آناهیتا، نام معبدی بر گرفته از «الهه آب‌ها» است، دومین بنای سنگی سمنگان پس از تخت رستم که بر سر راه جاده تجارتي ابریشم - بامیان قدیم و قطغن زمین تخارستان قرار گرفته است که این بنای تاریخی در خواجه بلند وجود دارد.



دره صوف در گذر بحران تاریخ ————— توسلی - طلوع ۶ - / ۱۳۷

معبد آناهیتا بر دل تپه‌ای دست ساز بشر است با ارتفاع (۸۵) متر بیشتر ساخته شده است. نقشه بنای دایره ای است که هر دایره ای آن به شکل صفحه O به قطر ۸ متر است.

معبد آناهیتا متعلق به آناهیتا، الهه پاکی و محلی برای نیایش آب بوده که یکی از چهار عنصر مقدس و مورد احترام خراسان باستان زمین است. آناهیتا ایزد بانوی آب های روان، زیبایی طبیعت، فراوانی برکت در دوران پیش از اسلام بوده است.

در معبد آناهیتا شکل محراب گونه به طرف شرق کشیده شده است و طرف شمال آن دری از وسط این سموج (ایوان) باز شده گوی انتظار بزرگ بانوی را می کشد. دایره شکلی در راستای شرقی - غربی قرار دارد که آن هم با مجموعه ای از ردیف های محراب گونه سنگی محصور شده و به اعتقاد بسیاری از باستان شناسان جای اصلی معبد بوده است.

احمد علی حسنی ولسوال دره صوف معتقد است که معبد تاریخی آناهیتا به عنوان دومین بنای سنگی پس از تخت رستم از مهم ترین مجموعه های آثار تاریخی کشور است.

در سال ۱۳۷۱ ه. ش کاوشگران تپه یی شیخک پائین را از هر طرف تپه دست به کندن کاری غیر فنی زدند. و درهای سموج را پیدا کردند و در داخل همین سموج آثار عتیقه یی فراوان پیدا شد، اسکلیت و استخوان های

آدم های قرن حجر را پیدا کردند که همه رو به طرف شرق کشیده شده بودند و دست خط هنر ساسانیان به چشم می خوردند.

این آثار باستانی که در (۲۴) کیلومتری (جنوب، شرق) دره صوف و در منطقه خواجه بلند بر دل صخره‌ای معروف به «تپه شیخک جری خوال» قرار دارد. در سال ۱۳۹۳ ه.ش تلاش صورت گرفت تا آن را برای ثبت در فهرست آثار جهانی یونسکو به عنوان الحاقیه خواجه بلند ثبت و آماده کرد اما به دلیل وخامت امنیتی مسیر راه از ثبت یونسکو باز ماند.

طرف غرب قشلاق خواجه بلند (زیارت خواجه بلند) وجود دارد: تپه ای بر فرازی قله ای (بند) باریک قرار گرفته است که خود نمایان گر تاریخ چند هزار ساله ای خواجه بلند زمین است به طرف غرب این تپه چشمه ساری زمینی پر از لایه های گل سرخ وجود، دارد با وجود گل های ریاحین رنگا رنگ (گلخار) دل و چشم هر بیننده را می رباید که گویی قطعه از زمین بهشت است، از آسمان ستاره به زمین آمده و در مقابل هر عابری زمین خواجه بلند در هر موسم سال دلربای می کند و هر عابری محوی تماشای طبیعت فرح بخش خواجه بلند زمین می شود.



مردمان پرغرور زحمتکش دره صوف نهفته در قلب طلاسپاه



کوه چهل دختران شیخه نظاره گرماسه، بر بلندای تاریخ

## فصل چهارم

قیام مردم دره صوف سال ۱۳۵۷.ش



## حماسه قیام درخشان مردم دره صوف سال ۱۳۵۷.ش

هفت ثور روزی سیاه در تاریخ مردم افغانستان بود که هرگز فراموش نخواهد شد. روزی بود که برای اولین بار مزدوران اجنبی و کمونیست زمام امور را در یک کشور اسلامی بدست گرفتند و عده ای مفسد و منحرف به عنعنات اسلامی مردم مسلمان افغانستان را توهین و تحقیر نمودند. تعداد از مزدوران خلق و پرچم به طرفداری از حزب کمونیستی اتحاد جماهیر شوروی سابق شعار کمونیستی و هورا سر دادند و سخت اشتباه کردند و تصور نمودند که می توانند پلان کمونیستی را در این کشور اسلامی پیاده نمایند. اما آن یک خیال واهی بیش نبود.

حتی زمامداران کرملین بعد از هشت سال تجاوز به سرزمین اسلامی ما متوجه شدند که حمله به افغانستان اشتباه بزرگی بوده است که آنها مرتکب شده اند. بگذریم از اینکه جاسوسهای روس و مزدوران داخلی شان چه مصیبت های بر سر مردم افغانستان به بار آوردند و چه اشتباهات جبران ناپذیر را مرتکب شدند. از قتل عام ملاها، روشنفکران و مردم عوام الی گورهای دسته جمعی که تا هنوز زخم ناسور آن بر شانه های مردم افغانستان سنگینی می کند.

سر دمداران خلق و پرچم چنان ظلم و ستم را بر مردم مظلوم افغانستان وارد نمودند که در طول تاریخ این کشور سابقه نداشته ندارد، مردم بیچاره و مظلوم افغانستان مجبور به قیام در برابر این نظام ظالم شدند.

نور محمد تره کی که خود یک فرد عادی جامعه سنتی افغانستان بود و با رنج و مشقت فراوان توانسته بود نظام جمهوری را سرنگون ساخته و به اصطلاح خود شان نظام دیموکراتیک خلق را سر قدرت آورده بودند و خود را حامی کارگر به شمار می آوردند. اما چنان دشمنی آشتی ناپذیری در برابر خوانین، ملاها، روشنفکران، کربلایی، زوار، ارباب. از خود بروز دادند که بیحساب و کتاب بودند. خوانین، ملاها، اربابها، کربلایی، زوار و روشنفکران جامعه را به زندان انداختند زیرا از آنها سخت هراس داشتند که مبادا علیه نظام فاسد شان قیام کنند.

حزب خلق مدعی این بود که دستاورد های نوینی برای جامعه محروم و ستم دیده افغانستان به ارمغان آورده اند که از جمله کورس های سواد آموزی، صندوق کوپراتیفی، الغای مهر ازدواج، عسکر گیری اجباری صدها نقشه و طرحی که در سر داشتند می توان اشاره نمود.

اما هیچ کدام شان را نتوانستند در جامعه سنتی افغانستان پیاده نمایند و برای مردم افغانستان همین قدر کافی بود که درک کرده بودند که این نظام وابسته و مزدور خارجی است و خود شان با طرح پلانهای ناموفق زمینه قیام و

ایستادگی مردم را در برابر خویش فراهم ساختند. شکست خلقی ها در این بود که از جامعه سنتی افغانستان شناخت صحیح نداشتند و در اولین قدم با احساسات مذهبی و سنتی مردم برخورد مضحکانه نمودند و جامعه افغانستان را خوب مورد بررسی و بازرسی قرار نداده بودند که درک کنند مردم افغانستان آمادگی یک نظام کمونیستی را ندارند.

ملت افغانستان هزاران سال از زبان ملا و مولوی شان شنیده بودند که دینی غیر از دین اسلام کامل و جامع نیست و به خصوص در این سده اخیر همیشه روحانیون افغانستان تا توانسته بودند احساسات مردم را علیه روس و انگریزها شورانده بودند و به شدت علیه نظام کمونیستی عقده داشتند. و پیش از اینکه روس ها به افغانستان حمله نمایند. مردم افغانستان سخت علیه روس ها عقده مند بودند و آنها را دشمن دین و مردم خویش فکر می کردند و کافی بود که دولت مزدور خلق و پرچم اعلان کند که نظام کمونیستی در این کشور سر قدرت آمده است. اما این نظام برای مردم افغانستان قابل قبول نبودند.

حکومت خلق و پرچم شروع نمودند به تطبیق پلانهای شوم شان در افغانستان اول تر از همه به سراغ دین رفتند و دین را افیون جامعه لقب دادند و ضدیت خویش را با ملا و مولوی ها شروع نمودند. اکثریت ملا و مولوی ها را دستگیر و روانه زندان ساختند که از سرنوشت تعدادی از این جامعه بزرگ روحانیت تا هنوز خبری در دست نمی باشد. ملا های کابل را به زندان



انداختند. از جمله [شهید آیت الله سید سرور واعظ، شهید سید مصباح، آقای عالم، آیت الله محمد امین افشار، آیت الله شیخ سلطان مزاری، آیت الله سید نادر بحر العلوم، آیت الله محمد اسماعیل مبلغ، شیخ قربان مزاری] و دهها تن از بزرگان و نخبگان جامعه شیعه و سنی افغانستان از گوشه و کنار این کشور را دستگیر و روانه زندان پلچرخی نمودند.

حکومت مزدور دست نشانده به بهانه های مختلف به زجر و شکنجه روحی و روانی مردم افغانستان دست زدند که در جمله ملاها، اربابها و بزرگان ولسوالی دره صوف را در ماه مبارک رمضان شب قدر مصادف با ۲۲ ماه سنبله سال ۱۳۵۷ ه.ش در اولین قدم ۱۶ نفر از علما و محاسن سفیدان و اربابها را دستگیر و روانه زندان سمنگان نمودند. علت اصلی دستگیری علما این بود که آنها را اخوان الشیاطین نام گذاشته بودند و به آنها اتهام بسته بودند که ملا و مولوی ها مال مردم را خورده اند و اموال مردم را غصب نموده اند. دلیل دستگیری اربابها این بود که از اربابها هم ترس داشتند که مبادا علیه شان قیام کنند و مردم را علیه دولت تحریک کنند اربابها را نیز به اتهام فساد و رشوه خوری و شریک جرم ملا و مولوی ها قلمداد نموده بودند و آنها را نیز دستگیر نموده بودند.

دولت مزدور در ماه سنبله سال ۱۳۵۷ ه.ش عده ای زیادی از علما و اربابها را دستگیر و روانه زندان سمنگان نمودند که از جمله می توان به افراد ذیل اشاره نمود.

- ۱- آیت الله شیخ عبدالحسین (آخوند زوار) مدرس مدرسه علمیه حسنی
- ۲- شیخ محمد کاظم جعفری از جمله علما بزرگ دره صوف
- ۳- رئیس شیخ خادم حسین ناطقی
- ۴- امیر محمد ناصری دبیر زاده
- ۵- معلم صدرالدین قرین
- ۶- معلم سراج
- ۷- طالب حسین قریه دار
- ۸- معلم جهانگیر
- ۹- حاج عبدالوهاب واثق معروف به حاج قوماندان
- ۱۰- شیخ حسن از قریه کومه
- ۱۱- فیض محمد مدیر ترویج از مارمل مزارشریف
- ۱۲- حاجی حیدر از بینی منگ
- ۱۳- حاجی صفدر
- ۱۴- عوض
- ۱۵- رستم

۱۶- باقرصاحب خان

۱۷- حاجی حسین از قریه زیرکی

این افراد را در ولایت سمنگان زندانی نمودند که در جمله استاد جعفری و طالب حسین قریه دار را زیاد شکنجه نموده بودند تا از پلان قیام شان با خبر شوند اما از این افراد هیچ چیزی نتوانستند بگیرند. این عده در حدود ۴۰ و یا ۵۰ روز در ولایت سمنگان زندانی ماندند که بعد از رهایی از زندان طالب حسین قریه دار از ولسوالی دره صوف مهاجرت نمود و به شکل مخفی در شهرهای کاپیسا، کابل و قندهار و یا هم پاکستان به سر می برد.

هر چند بعد از روی کار آمدن دولت خلق و پرچم در افغانستان در ولسوالی دره صوف در یک جمع وجماعت کلان کسی این دولت را کمونیست خطاب نکرده بود؛ اما مردم همه می دانستند که این دولت مزدور شوروی است و دولت کمونیستی است. دولت هم جهت مقابله با مردم در اولین قدم سرباز گیری را شروع نموده بود و منع گشت و گذاری قیودات شب گردی از این قریه به آن قریه را وضع نموده بود که باعث درد سر و جنجال برای کلیه مردم ولسوالی دره صوف شده بود. عده جاسوسی دولت را می نمودند که درد سر کلانی برای مردم قریه جات دره صوف شده بود. از مردم پول می گرفتند و مردم را دستگیر نموده به دولت تسلیم می دادند مردم

از دست این افراد خاین زیاد به ستوه آمده بودند. هر روز فشار دولت بالای مردم دره صوف زیاد شده می رفت.

بعد از رهایی استاد شیخ کاظم جعفری و طالب حسین قریدار و دیگر بزرگان دره صوف اینها آرام ننشسته و مردم را به قیام تشویق می نمودند. اما در این میان شیخ برات علی حمیدی و سید جوادی سید سکندر و کیل بیشتر مشوق مردم بود تا زمینه قیام را فراهم نمایند. مردم دره صوف از عملکرد منفی دولت کمونیستی خلق و پرچم سخت به ستوه آمده بودند. در هر گوشه و کنار جوی مخالفت علیه نظام کمونیستی علنی شده بود و نفرت و انزجار مردم روز به روز بیشتر شده می رفت به دنبال زندانی ساختن علما و بزرگان مردم دره صوف دنبال یک فرصت مناسب بودند تا قیام علیه این نظام فاسد را شروع کنند حزب خلق و پرچم از چندین سال پیش در پی شناسایی و دستگیری علما و بزرگان دره صوف بودند، چنانچه دستگیر پنجشیری وزیر فواید عامه وقت رفیق و همکارش اسماعیل دانش سر پرست ریاست معادن به طوری سری مناطق دره صوف را شناسایی کرده بودند.

دولت کمونیستی در اقدام بعدی خویش در تاریخ ۲۴ دلو ۱۳۵۷ ه.ش دست به جمع آوری و دستگیری روحانیون، بزرگان و محاسن سفیدان و تمام نقاط دره صوف زدند که از جمله:

۲. استا ناظر از چهارده
۳. شیخ باقر از چهارده
۴. ارباب بختیاری قریه دار از دهن کاردو
۵. سید میر حسین از دور مرکز
۶. محبوب از مردم صد مرده
۷. حاجی ابراهیم از گلوانسای
۸. میرزا ناصر از دور مرکز
۹. سید گولگ
۱۰. ملا برات از دهی
۱۱. شیخ علی اکبر نهضت از چهارده
۱۲. سید غفور از سادات دهی
۱۳. ملا عبدالاحد از دهی و...

این افراد را دستگیر و در ولایت سمنگان زندانی نمودند که در مجموع ۲۴ نفر بودند. یکی از محبوسین سمنگان این گونه نقل نمودند: [ساعت ۱۲:۰۰ شب ۲۴ دلو ۱۳۵۷ ه.ش ما در زندان نمناک و سرد بدون لباس و جامه گرم از شدت سرما و گرسنگی با خود می‌لرزیدیم و در انتظار مرگ خویش نشسته بودیم.<sup>۱</sup>] بعد از زندانی نمودن آنها را در اطراف تخت رستم سمنگان

در چاه می‌اندازد و بالایشان فیر می‌کنند که از آن چاه ارباب بختیاری قریه دار، شیخ باقر، سید میر حسین، سید گولگ، سید غفور زنده بیرون می‌شوند و بقیه در چاه به شهادت می‌رسند.

شاید این یک تصادف باشد که قرعه این فال نیک را به نام مردم مرد خیز دره صوف زده باشند که مردمان غیور این سرزمین با دستان خالی به جنک لشکر جنون رفتند و به ندایی غیبی مردم مظلوم افغانستان لیک گفتند و دوایی درد مردم زجر کشیده افغانستان شدند. مردم قهرمان دره صوف اولین جرقه قیام و خیزش مردمی را علیه این حکومت مزدور آغاز کردند.

### نقطه آغاز انقلاب در دره صوف

نقطه آغازین انقلاب و قیام از آنجا شروع می‌شود که هیئت دولت مرکب از مدیر معارف، مأمور مالیه و شاروال (شهردار) و تعدادی عسکرهای مسلح برای سرکوبی مردم قریه چهارده و تشکیل کمیته‌های دفاع به قریه چهارده دره صوف رفته بودند. از قریه نوآمد راپور به قریه چهارده رفته بود که مردم قریه نوآمد در جریان درس کورس سواد آموزی سر معلم مرکز را لت و کوب نموده بود و مردم چهارده به تاسی از مردم قریه نوآمد مدیر معارف را لت و کوب می‌کنند. این خبر به شدت در ولسوالی دره صوف پخش شد و مردم دره صوف را در یک مرحله حساس از بحران تاریخ کشاند.

همزمان با رفتن هیئت به قریه چهارده مردم قهرمان و دلیر قریه طور با بیل، کلند و سلاح گرم دست داشته شان بالای کلوپ بلاک دوم حمله نمودند که اولین قیام مسلحانه مردمی از قریه طور ولسوالی دره صوف در تاریخ ۲۵ دلو ۱۳۵۷ ه.ش آغاز شد که مردم قریه طور با همکاری کارگران معدن دست به قیام مسلحانه زدند که در نتیجه کلوپ معدن بلاک یک و بلاک دوم را به تصرف خود در آوردند و کنترل بازار دهن طور را به دست خویش گرفتند و به شمول مدیر معدن و چندین تن از انجیران معدن را به قتل رساندند.

سید آقا حسن عکاس در مورد قیام مردم دره صوف در سال ۱۳۵۷ ه.ش چنین می گوید: من در بلاک دوم کارگر بودم و به تعداد (۱۸) نفر کارگر زیر دستم کار می نمود که بیش از صد نفر از مردم طور، بابیل و کلند بالای معدن بلاک دوم حمله ور شدند کارگران معدن با مردم منطقه هماهنگ شدند. از جمله ملک احمد حسین، عبدالحسین، حاجی برق، رسول میرگن، چمن، غلام، حاجی قربان علی، یحیی، محب، سید صفدر شاه سلطان نواسه حاج میرزا از طور محمد برادرش، نبی زوار، خلیفه محمد نبی مبارز و... دو نفر از خلقی ها را بابیل زدند به قتل رساندند. من همراه صوفی هادی در دهن طور آمدم که رئیس ناطقی با تفنگچه دست داشته خویش فیر می نمود که در این درگیری در دهن بلاک یک مدیر معدن همراه انجیر عزیز کشته شد در این

درگیری بیش از ده نفر از خلقی ها از جمله سلطان میر مأمور حاضری کارگران مأمور حسن نگران عمومی کارگران مأمور قربان و... کشته شدند.

رئیس خادام حسین ناطقی به ما را دستور دادند که بروید تنگی حسنی را در کنترل بگیرید من همراه ملا بارکش کربلای و عبدالحمید بای از قومای حسنی در دهن تنگی حسنی رفتیم تا مانع حمله دولت به قریه حسنی و طور شویم. دو روز باییل و کلند در تنگی حسنی موضع گرفتیم اما قوای دولت نیامدند. مردم معدن را متصرف شده بودند.

بعد از دو روز قوای مسلح دولت به کلوپ معدن رسیدند، محاسن سفیدان قریه حسنی و کمچ در حدود چهل نفر را در معدن جلب نمودند بنده همراه حاج خدا نظر، امین بای، هاشم بای، ذکی بای، عبدالحمیدبای و بارکش کربلای به مدیریت معدن رفتیم. مدیر معدن از ما سوال نمودند که چرا علیه دولت قیام نمودید...!!؟

از بزرگان قریه طور کسی در جلسه حاضر نبودند ما در جواب مدیر معدن گفتیم مردم طور قیام نموده است. ما را تا دو بجه یی بعد از ظهر نزد خود نگه داشتند دو نفر را در پیش چشمان مان شهید نمودند یک نفر از قوم حاج میرزا و دومی خلیفه گردی. از من سوال نمود که از قریه طور کی ها را می شناسی در جواب گفتم همه را می شناسم و گفت آنها را حاضر می توانی گفتم



بلی. حاج عبدالعلی از محاسن سفیدان قریه حسنی با من جنجال نمود که او سید تو کسی را حاضر نمی‌توانی چرا به گردن می‌گیری...؟

بعد از دو بجه بعد از ظهر همه را رها نمودند. مدیر معدن به محاسن سفیدان چنین گفت: وقت شما به خانه تان رفتید برای تمام کار گران بگویید: فردا جهت اخذ معاش های تان به کلوپ معدن حاضر شوید. شب هنگام تمام کار گران را خبر نمودم که فردا به معدن نروید که حکومت خلقی همه شما را می‌کشند. از این که من از متن قضیه آگاه بودم در معدن حاضر نشدم اما کار گران از قضیه بی‌خبر بودند به کلوپ معدن حاضر شدند همه شان را دسته بسته به شهادت رسانیدند.

مجله پیام مستضعفین مربوط سازمان نصر<sup>۱</sup> شماره ۵ سال ۱۳۵۸ ه.ش در مورد قیام مردم دره صوف چنین می‌نویسد: (به تاریخ ۲۵ دلو سال ۱۳۵۷ ه.ش قوای ضربتی حارندوی از ولایت سمنگان با سلاح ها و تجهیزات کامل تحت فرماندهی قوماندان امنیه ولایت و قوماندان دره صوف و قوماندان خلم جهت سرکوبی قیام مردمی دره صوف اعزام و به سوی معدن ذغال سنگ در قریه طور سوق داده می‌شود و چون مردم سلحشور قریه طور از پیش خود را آماده مبارزه ساخته بودند به محض رسیدن قوای دولتی به معدن ذغال سنگ بین مردم به سرکردگی رئیس شیخ خادم حسین ناطقی، محمد حسین تحویلدار،

---

<sup>۱</sup>مجله پیام مستضعفین سال ۱۳۵۸ چاپ تهران.

رسول میرگن و خلیفه محمد نبی مبارز و متباقی مجاهدین و قوای مسلح رژیم کمونیستی جنگ مسلحانه در می گیرد که در این نبرد نا برابر ۸ نفر به شهادت می رسد و ۲۴ نفر از کمونیستها از جمله قوماندان امنیه ولایت، قوماندان امنیه دره صوف، قوماندان امنیه خلم، ولسوال دره صوف، رحیم حیران و مدیر معدن و چند تن از انجینران کشته می شود و ۸ عسکر دستگیر می شود که بعد ها رها می شود.

پس از این شکست رژیم ضد خلقی روسی تجدید قوا می کند و به تاریخ ۲۸ دلو ۱۳۵۷ ه.ش به کمیت دو هزار [۲۰۰۰] نفر عسکر مسلح و مجهز به چندین ضرب توپ ابوس دیسی، به تعداد «۳۴۰» عراده تانگ، وسایط زرهی مختلف النوع و هشت بال هلیکوپتر و ۴ فروند میگ جیت جنگی که حمایه ای هوایی نمودند، به فرماندهی مستوفی ولایت، معاون اول کمیته حزبی سمنگان (هاشم دقیق) قوماندان اکبر بیخدا و جگتورن هزار گل خان و قوماندان عمومی حارندوی کابل از ولایت سمنگان به دره صوف اعزام شدند. در عرض راه مسلمانان غیور ازبیک قریه مقصود سر راه قوای دولتی را می گیرد که قوای دولتی دو دسته می شود. یک دسته به زد و خورد با مردم قریه مقصود می پردازد که در این درگیری یک نفر کمونیست کشته می شود و ۱۲ نفر عسکر دستگیر می گردد که بعد ها آزاد می شود و از مجاهدین ۶ نفر به شهادت

می‌رسند و یک کودک و دو زن نیز آماج گلوله های توپ و خمپاره قرار می‌گیرد و به شهادت می‌رسند و دو در بند حوالی طعمه حریق می‌گردد.

دسته دوم خود را به مرکز دره صوف می‌رساند و به معدن طور می‌رود که چون مجاهدین قدرت و سلاح مقاومت را در خود نمی‌بینند مجبور به عقب نشینی می‌شوند و قوای کمونیستی دست به چور و چپاول و غارت اموال مردم می‌زنند و ۲ حسینه و ۸۰ حوالی را به آتش می‌کشند و در قریه کمچ ۴۰ خانه و در قریه حسنی ۶۰ خانه را به غارت می‌برند.

بعد از کنترل مجدد دولت به قریه طور و در اختیار گرفتن کلوپ معدن دولت اعلان آتش بس می‌کند و چند نفر خود فروخته و مزدوران خویش را جهت فریب در میان مردم می‌فرستند که این افسونگران خود فروخته مردم را خاموش می‌کنند که بعد از این واقعه دولت خائن ۱۸۵ نفر مردم بیگناه را از قریه های دایمیرداد، طور، حسنی، کمچ، بینی منگ، رشک، نوامد، مقصود و اطراف مرکز را دستگیر می‌کنند که اکثر اینان را به شهادت می‌رسانند. به تعداد ۹۲ نفر از زندانیان سیاسی را در زندان سمنگان محبوس می‌کنند که تاکنون از سر نوشت شان معلوم نیست. بعد از این حوادث شوم و هولناک دولت خائن اداره کلوپ معدن را به دست گرفته و در حدود عنقریب به سه ماه مردم قریه طور در کوه ها متواری و علیه دولت سنگر دفاعی داشتند.

حاج غلام سخی کربلایی یکی از بزرگان قوم قریه نوامد جنگ و قیام مردم دره صوف را چنین نقل می کند: ( ماه دلو بود مزار شریف بودم ولسوال محمد رحیم حیران باگارد محافظ خویش نیز در مزارشریف بود. قاسم خان وکیل از عسکری فرار کرده بود از سمنگان آمده بود به مزارشریف در هوتل جیحون با هم رو به رو شدیم.

همراه ولسوال با یک عراده موترجیب روسی به دره صوف رفتیم. در دره صوف به مدرسه سرولنگ به دیدن استاد شیخ محمد کاظم جعفری و شیخ احمدی علی احمدی و شیخ براتعلی حمیدی رفتم آنها در مقابل دولت خلق و پرچم سخن می گفتند اما زیاد می ترسیدند و با کسانی که اطمینان نداشتند حرف نمی زدند و سکوت اختیار می نمودند. آقای سید جواد، سید سکندر سخترانیهای آتشی علیه دولت می نمودند. مردم قریه سرولنگ جمع شده بودند که بالای مرکز دره صوف حمله نمایند و هرشب در طاقچی خانه جمع می شدند تا بالای ولسوالی حمله نمایند از جمله در طرح حمله و جنگ قاسم خان وکیل زیاد پافشاری داشت. زیرا از عسکری فرار کرده بود. قاسم خان وکیل می گفت برویم بازار دره صوف را بگیریم؛ عسکرها را خلع سلاح نمائیم. سید جواد برادر سید حیدر نجفی مخالف جنگ بود او می گفت: زمستان سرد است. مردم بیچاره و غریب تباه می شود بگذارید بهار فرا برسد و در بهار جنگ را شرع نمایم سید جواد از طرف حزب اسلامی گلبدین

دره صوف در گذر بحران تاریخ ————— توسلی - طلوع / ۱۵۷

حکمتیار از شهر مزارشریف آمده بود می گفت: برادرها انقلاب سخت است در بدهری دارد. آوارگی دارد فعلاً زمستان است. صبر کنید که بهار شود که تا زن و فرزند و اولاد های مردم از گرسنگی تلف نشوند.

### تحولات قبل از قیام در ساحه نو آمد

در قریه نوامد حسن علی حیدر بیک و حاجی علی محمد و کیل مخالف قیام بودند. آنها مردم را به آرامش فرا می خواندند و حتی مردم سنی مذهب دره صوف را نیز همین افراد از قیام منع می کردند. تنها شخصی که طرف دار حمله بالای ولسوالی دره صوف بود قاسم خان و کیل بود.

شیخ برات علی حمیدی هم حرف سید جواد را قبول نموده بود که باید صبر نمود تا زمستان سپری شود و بهار فرا رسد. بزرگان قریه نوامد به چنین فیصله رسیدند که مردم اطراف ولسوالی و مردم شرق دره صوف بالای ولسوالی دره صوف حمله نمایند. و مردم قریه طور و کمج بالای کلوپ معدن حمله نمایند. لذا قاسم خان و کیل را از تگاب نوامد به قریه طور فرستادند تا مردم قریه طور را به انقلاب و قیام تشویق نمایند و تصمیم مردم مرکز را به گوش آنها برساند قاسم خان و کیل در قریه طور رفت و گفت که شما مردم آرام نشسته اید طالب خان قریه دار از کابل آمده و مردم مرکز ولسوالی دره صوف را تصرف شده و بازار دره صوف را گرفته اند.

در اینجا بود که مردم طور باشور وشعف بالای مدیر معدن حمله ور شدند مدیر معدن و ولسوال دره صوف را کشتند و کلوپ معدن را به تصرف خود در آوردند. بعد از کشته شدن مدیر معدن و ولسوال قوای دولت به دره صوف آمد و در تنگی حسنی شهید خلیفه محمد نبی مبارز راه دولت را گرفت که بعد از جنگ و درگیری خونین و خلاص شدن تجهیزات و مرمی هایش شهید محمد نبی مبارز در تنگی حسنی شهید شد. جریان شهادت شهید محمد نبی مبارز قرار ذیل است.

شهید محمد نبی مبارز از قریه زیرکی به طرف معدن طور در حرکت بود، در تنگی حسنی با قوای دولتی مواجه شده جلو قوای دولت را می گیرد و با ۵ عدد مرمی اش در برابر قوای دولت مقاومت می کند شهید محمد نبی مبارز سید علی حسین را دنبال مرمی روان نموده بود. هنگامی که سید علی حسین بر می گردد و فشار قوای دولت زیاد می شود شهید محمد نبی مبارز مرمی هایش ختم می شود سلاحش را به سنگ می کوبد تا سالم بدست دشمن نیفتد و خودش به استقبال مرگ می رود. و سید علی حسین به طرف کوه های حسنی فرار می کند.

مردم از ترس جنگ به کوه های اطراف پناه برده بودند هنگامی که قوای دولت به بازار طور و کلوپ معدن می رسد. اطلاعیه پخش می کند که به خانه های تان باز گردید دولت به شما کار ندارند. اما وقتی مردم از کوه ها به خانه

هایشان بر گشتند. دولت فریب کار مردم چهارده و دایمیرداد را از خانه های شان دستگیر کردند و در حدود ۸۰ نفر را در قریه (دهن کاردو) به شهادت رساندند و خانه حاجی باز محمد سناتور را چور و چپاول نمودند.

### اقدامات دولت در ساحه شرق دره صوف

به تاریخ ۸ حوت سال ۱۳۵۷ ه. ش هیئت دولت به سرکردگی حسین ضامن از بند تورپغلی به طرف قریه نوامد آمدند و یک عده افراد دولت اطراف خانه بچه حاجی رجب علی بیگ را گرفتند. گل قریه دار به طرف کوه ها فرار نمود و بچه گل قریه دار را دست بسته تا دکان صابری بردند تا شب زندانی نمودند که بعداً آزاد کردند، دولت خلق و پرچم شب هنگام بالای خانه های مردم قریه نوامد حمله نمودند که در جمله.

قاسم خان وکیل، حسن علی حیدر بیگ، حاجی علی محمد وکیل را شب هنگام دستگیر نموده با خود در مزکر دره صوف آوردند. اما حاجی علی محمد وکیل را آزاد ساختند تا برود مانع قیام مردم در شرق دره صوف شوند. ولی قاسم خان وکیل، حسن علی حیدر بیگ، حاجی علی حسین را زندانی ساختند. در قریه نوامد دره صوف تا خیلی مدت ها قوای دولت نیامدند تا اینکه عده ای زیادی از طرف ولسوالی جلب شدند که عبارت اند:

۲. حاجی محمد رحیم
۳. سید حافظ فیض محمد
۴. استا محمد رضا تیرک
۵. ملا علی حسین عالمی
۶. حاج مقصود بای
۷. غلام محی الدین شریفی
۸. ملا حیدر
۹. غلام نبی کربلایی قریه دارجرس
۱۰. سید حاجی تیمور
۱۱. محمد علی زوار
۱۲. ملا امیر
۱۳. ملا صفدر علی کربلای «خواجه بلند»
۱۴. میر حسین سرخیل
۱۵. ملا رضا رضوی
۱۶. شیخ اسماعیل جمران
۱۷. ملا محسن مشهور به بابہ مسلم
۱۸. حاج غلام رضا



اینها را زندانی نمودند و می‌خواستند که بکشند که محمد رحیم حیران ولسوال دره صوف کشته شد و ولسوال جدید آمد که او هم به زودی تبدیل شد و به جایش عبدالحی رمزی آمد که همان ولسوال آخری بود. و چون تازه آمده بود گفت شما مردم را دولت به دست خود یاغی نموده است اما ایشان با مردم رویه خوبی را در پیش گرفت و زندانیان را رها نمودند که سرانجام خودش نیز فرار نمود.

ولسوال برای اینکه احساسات مردم را پایین بیاورد زندانیان را رها نمود بعد از آزادی محبوسین مردم قریه نوامد دو شب پیاپی در خانه حاجی محمد رحیم جلسه نمودند. و شب سوم درخوال (چمچوغلی) جمع شدند که من (حاجی غلام سخی کربلایی) هم رفتم و همه مردم علیه دولت سخن می‌گفتند تاریخ ۲۴ دلو ۱۳۵۷ ه. ش بود حسن علی حیدر بیک شب در خانه سید میر حسین سید جواد بود که مأموران دولتی حاجی ابراهیم و میرزا ناصر را دستگیر نکرده با خود می‌برد و حسن علی حیدر بیک از بازار دره صوف الی قریه نوامد از دست این دولت شکایت می‌کند شب چهارشنبه ۲۴ دلو آمد مرا خبر نموده بود که اوضاع خراب است بیا از منطقه بیرون شویم. میرزا ناصر و حاجی ابراهیم را دولت زندانی نموده است. حسن علی حیدر بیک از خود بازار دره صوف الی قریه چهار اولیا و دایکلان هر کس را دیده بود تبلیغ نموده

بود که این دولت کمونیست است کسی را آرام نمی گذارند باید علیه این دولت قیام نمائیم و دست به اسلحه ببریم.

روز جمعه ۲۶ دلو سال ۱۳۵۷ ه.ش رفتیم خانه غلام سخی حیدر بیک در آنجا جلسه تشکیل دادیم، عده ای زیادی از بزرگان قریه نوامد در جلسه حضور داشت از جمله حسن علی حیدر بیک، شراف علی بیک، رجب علی بیک، ملا حیدر تیرک، حسن جوره، حاجی غلام سخی کربلایی (راوی این حکایت) در این جلسه گفته شد ملا براتعلی حمیدی نفر فرستاده به قریه جات بوبکی، زیرکی، دایکندی، تیرک، خواجه بلند، زیدوری و زندان قدوق بروید تا مردم را تشویق به قیام نماید. در این جلسه علی جمعه حیدر بیک روی خود را به مردم نمود و گفت: شما مردم ما را آرام نمی گذارید. ما مردم را به کشتن می دهید. بنده (حاجی غلام سخی کربلایی) گفتم: ما نیامده ایم خانه شما. قاصد شما دنبال ما آمده بود قاصد شما به قریه جات زیرکی، تیرک، پشت تنگی شیخه، جرس و خواجه بلند رفته بود. این مجلس بهم خورد. هیچگونه تصمیم گیری نشد و گفته شد کسی نمی تواند علیه دولت قیام کند. و تنها این سخن از زبان ملا حیدر تیرک گفته شد که: (برادرها اگر عسکر دولت آمد خود را به گیر ندهید به کوه ها پناه ببرید). عامل پراکندی مردم در این جلسه علی جمعه حیدر بیک بود. وقتی از جلسه بیرون شدم بنده رفتم به طرف

(آیته) که سواری باشتاب از روبه روی می آمد آن فرد گل قریه دار بود وقتی به من رسید گفت: برادر ها قیام کنید دولت می خواهد همه را بکشند.

در اول انقلاب در قریه نوامد افرادی که زیاد کوشش و جان فشانی نمودند و مردم را به قیام فرا می خواندند گل قریه دار، ملا علی حسین عالمی، ملا محفوظ و ملا صفدر علی کربلای خواجه بلند بود که به عنوان مبلغان در قیام نقش به سزایی داشتند و سید سخیداد از مردم چهار اولیا هم بسیار کوشش می نمود که مردم قیام کنند اما موانع زیادی وجود داشتند.

جلسه بعدی مردم قریه نوامد در پایان زیارتگاه (شاه علی مردان در کوتل کرم بریده) گرفته شد در این جلسه کسی که مردم را منصرف نمود حاجی علی محمد وکیل بود که می گفت با دولت جنگ نمی شود. روز به روز فشار دولت زیاد می شد کسی از خانه اش بر آمده نمی توانست.

شب را در خانه ملا غلام علی کربلای در قریه خواجه بلند ماندم فردا صبح وقت قاسم خان وکیل و غلام به خانه ملا غلام علی کربلای آمده بود احوال آورده بودند که اقبال ملک خدا بخش از قریه طور آمده مردم قریه طور مدیر معدن و انجینران را کشته است، بیائید برویم بازار دره صوف را تصرف نمائیم. ملا غلام علی کربلای زیاد سر و صدا نمود و از دست تول گلگ زیاد شکایت نمودند؛ فرمود: جهاد بر ملت مسلمان افغانستان واجب است و اینها مردم را نمی گذارند قیام نمایند و مانع مردم می شوند. سرانجام

بزرگان (تول گلگک) نیز آماده قیام شدند که در نتیجه گل قریه دار را در بین مردم ازبیک و هزاره های تاجیکیه دره صوف فرستادند تا مردم را آماده قیام نمایند. سید محسن را در بین مردم تیوه تاش فرستاده بودند. آرزو قریه دار در بین مردم بگک و زیدوری رفته بود. و در قریه نوامد جلسه یی بزرگ ترتیب داده شده بود تا پیرامون قیام مردم دره صوف تصمیم بگیرند. از مردم اهل سنت غلام نبی روزی در جلسه آمده بود، صفدر علی کربلای، عبدالکریم میرگن و علی رضا بابه از خواجه بلند، حیتلی بیک از خواجه گنج، از پشت تنکی شیخه ملک خدا بخش ولنک حاجی خدا نظر، از قریه دروازه طوطی، علی جمعه قریه دار، رجب کربلایی آمده بودند. باز این جلسه نتیجه نداد و حاجی علی محمد و کیل مردم را پراکنده ساخت و مانع جنگ و قیام در شرق دره صوف شدند.

مردم قریه طور از ۲۵ دلو ۱۳۵۷ الی ۷ ثور ۱۳۵۸ ه.ش تماماً در کوه ها به سر می بردند و با دولت خلق و پرچم جنگ داشتند و در کوه (سرغوچی) در یک غار زندگی می کردند که علیه دولت سنگردفاعی داشتند و از سنگرهای خود پایان نشدند. زمانی که مردم طور دست از جنگ برداشتند دولت دستور داده بود مردم طور را هرکجا شناسایی نمودید دستگیر نمائید. از قریه طور یک نفر در قریه نوامد آمده بود و خود را از قرم قول معرفی نموده بود من

دره صوف در گذر بحران تاریخ ————— توسلی - طلو ۶ - / ۱۶۵

به ایشان گفتم ای مرد خدا قرم قول هزاره ندارد من می دانم که تو از قریه طور هستی اما در اینجا کسی به شما کار ندارند.

### جلسه نهایی مردمی قریه نو آمد قبل از قیام

بار دیگر مردم قریه نو آمد در شب ۵ ثور سال ۱۳۵۸ ه.ش در خانه حاجی محمدرحیم جمع شدند عهد و قسم و قرآن نمودند و مردم خواجه بلند، تیوتاش، چهار اولیا و دایکلان با مردم قریه نو آمد برای هماهنگی بیشتر در خوال (چمچوغلی) جمع شدند.

در این جلسه ملا محفوظ دعا کرد و سرداران این جلسه شیخ عطاالله توسلی، صفدر علی کربلای، ملاموسی مرویج، ملا علی حسین عالمی، گل قریه دار، شراف علی بیگ، ملا غلام الدین شریفی، ملا محسن، غلام نبی قریه دار، سید حاجی داود، میر حسین سرخیل، شیخ اسماعیل چمران و حاجی محمد رحیم بای بود. در این جلسه عده ای از طرفداران دولت هم حضور داشتند که راپور بنده را شخصی به بازار انتقال داده بود که حاجی غلام سخی کربلایی هم قرآن نموده است.

سرانجام مردم قریه نو آمد در تاریخ ۶ ثور سال ۱۳۵۸ ه.ش به خاطر حمایه و پشتیبانی از مردم طور به سمت قریه طور حرکت کردند و با مردم قریه طور هماهنگ شدند افرادی که به حمایت و پشتیبانی مردم قریه طور رفتند عبارتند:

۱. گل قریه دار
۲. شیخ عطاالله توسلی
۳. ملا علی حسین عالمی
۴. حاجی محمد رحیم
۵. غلام علی
۶. سرور
۷. محفوظ بای
۸. سید غوله
۹. غلام حسن
۱۰. رجب بای
۱۱. صفدر علی کربلای بادو مرکب باروت سیاه انفجاری سُرم
۱۲. ملا محسن (بابه مسلم)
۱۳. عبدالکریم زوارمیرگن
۱۴. غلام محی الدین شریفی
۱۵. غلام نبی قریه دار جرس
۱۶. آرزو قریه دار از قوم بغک
۱۷. شیخ عبدالله کربلای
۱۸. حیتلی بیک از خواجه گنج

که در رأس این افراد گل قریه دار قرار داشت. اینها برای حمایت و پشتیبانی مردم قریه طور به کمک و حمایت آنها رفتند. مردم قریه شیخه چند ماه پیش از مردم طور حمایت کرده بودند و با دولت جنگ داشتند این بار نیز فعالانه شرکت نموده بودند. از برادران اهل سنت از قریه بوشی و بازارک مولوی سردار با بیست نفر برای کمک به مردم طور برای جنگ آمده بودند و تعدادی زیادی از مردم بلخاب نیز به رهبری سید سجادی و براتعلی خان به کمک مردم دره صوف آمده بودند. حاجی غلام سخی کربلای چنین نقل می کند: که (در روز ۷ ثور ۱۳۵۸ ه. ش بنده در بازار دره صوف در جشن ۷ ثور بودم بچه مرا برای سرود خوانی به بازار برده بودند. من شب هنگام روز ۸ ثور بچه خود را گرفته فرار نمودم و در روز نهم ماه ثور در جنگ در تنگی حسنی شرکت نمودم) تعدادی از مردم به طرف دره خدام رفته بودند.

قوای دولت برای سومین بار از سمنگان به دره صوف آمده بودند. مردم قریه جات طور، نو آمد، پسقل، حسنی، شیخه، خواجه بلند به شمول مردم که با مولوی سردار از بوشی و بازارک آمده بودند. مردم دایمیرداد و پسقل که در رأس شان سید شهزاده بود، دره تنگی حسنی (دره مقاومت) را خوب ترین نقطه جنگی انتخاب نموده بودند و مردم قریه حسنی با کمک مردم طور و سران جبهه نقطه بالای تنگی حسنی را مواد انفجاری (باروت سیاه، سرم) جا به

جا نموده بودند که از بالای دره با انفجار باروت و کوه دولت را زمینگیر نمایند. در این کار مردم قریه حسنی هریک:

شهید سیف الله مختار، ظاهر، شهید خلیفه نوروز، عبدالحمید معروف به خان، حاجی خدا نظر، امین بای، هاشم بای، ارباب قربان، غلام نبی بیگ، عوض بای، ارباب محمد، حاجی یوسف اخلاقی، ملا بارکش کربلای، ملا حسن سلمان، عبدالحمید بای و سید آغا حسن عکاس و تمام محاسن سفیدان قریه حسنی نقش کلیدی داشتند.

قوماندان عمومی جنگ گل قریه داربود، گل قریه دار به تمام افراد نظامی دستور داده بودند تا نیروها و عساکر دولتی بین تنگی حسنی نرسیده است کسی حق فیر را ندارند وقتی قوای دولت در وسط دره رسیدند در یک بعد از ظهر جنگ شدیدی بین قوای دولت و مردم دره صوف صورت گرفتند. در اولین قدم ۳۴۰ عراده وسایط مختلف النوع دولت تخریب شدند و دو عراده تانگ دشمن ذریعه (سُرم) و انفجار باروت سیاه از کار افتادند. قوای دولتی تلفات مالی و جانی سختی را در تنگی حسنی متحمل شدند و مجبور به شکست شدند و به سمت ولسوالی دره صوف فرار نمودند. وسایر تجهیزات، مهمات و مواد ارتزاقی لوژستیک و سلاح خفیفه و ثقیله زیادی بدست مجاهدین افتادند. بیش از ۳۴۰ عراده واسطه (موتر) در بین دره حسنی زیر خروارها سنگ و کوه تخریب شدند و سه ضرب توپ D-۳۰ ابوس بدست مجاهدین افتادند



دره صوف در گذر بحران تاریخ ————— توسلی - طلوع ۶ - / ۱۶۹

وصد ها نفر از عساکر دولت کشته و زخمی شدند و سی عراده تانگ T-۶۵ دشمن تخریب شدند.

سرانجام مجاهدین پیروز شدند، در این جنگ نا برابر شهید بابه نوروز و شمس الدین از قریه حسنی شهید شدند فردای آن روز در جنگ حسن قوماندان شهید شد مجاهدین دره صوف به فرماندهی رئیس شیخ خادم حسین ناطقی، گل قریه دار و باقی بزرگان در این جنگ موفقانه پیروز میدان محاربه شدند و با گرفتند سه ضرب توب ۳۰-D ابوس فردای آن روز عملیات بالای معدن ذغال سنگ و کلوپ معدن را شروع کردند که در آن جنگ نیز کلیه مجاهدین اشتراک مساعی داشتند و در کلوپ معدن صد ها نفر از نیروهای خلق و پرچم در محاصره مردم و مجاهدین قرارداشتند.

از جمله هزار گل خان در کلوپ معدن در محاصره مجاهدین بود که بعد از یک روز جنگ با خیانت خوانین آن وقت کارگران و معدنچیان و خلقیها از تاریکی شب استفاده نموده به سمت ییلاق هزار منی و کوه های قریه حسنی فرار نمودند. که در فردای آن روز مجاهدین از قریه حسنی، سر شوراب و دهن شوراب سید سجادی رهبر و براتعلی خان باجگاه که از بلخاب برای کمک مجاهدین دره صوف آمده بودند دشمن را زمینگیر نمودند صد ها تن را کشته و دهها تن را، اسیر نمودند که تعدادی زیادی از اسرا را بعد از شناسایی رها نمودند و هزار گل خان در ییلاق حسنی کشته شد.

دره صوف در گذر بحران تاریخ ————— توسلی - طلوع ۶ - / ۱۷۰

مجاهدین مردمی در تاریخ ۱۲ ثور سال ۱۳۵۸ ه. ش معدن ذغال سنگ و کلوپ معدن را از لوٹ وجود خلقیها پاک سازی نمودند اما بعد از پیروزی به اثر نبود مدیریت سالم و رهبری واحد اداری در آن زمان تمام وسایل و سامان آلات افزار کاری کلوپ معدن متأسفانه توسط مردم غیر فنی و مسلکی به تاراج رفتند و معدن ذغال سنگ را به آتش کشیدند که تا هنوز دامنه های آتش سوزی در درون معدن زغال سنگ و با گذشت چهل سال به مشاهده می رسد.

### طرح حمله بالای ولسوالی دره صوف

مجاهدین مردمی دره صوف با همکاری و همدلی شان بعد از فتح کلوپ معدن طور و گرفتن سلاح و مهمات مختلف النوع فراوان در اولین فرصت در صدد حمله بالای ولسوالی دره صوف را طرح ریزی نمودند و در تاریخ ۱۳ ثور سال ۱۳۵۸ ه. ش مردم و مجاهدین که در رأس شان علما و بزرگان آن وقت رئیس خادم حسین ناطقی شیخ کاظم جعفری، شیخ احمد علی احمدی، شیخ عطا الله توسلی، شیخ براتعلی حمیدی، شیخ محب غفاری، گل قریه دار، قوماندان حاج عبدالله گلوانسای، سجادی رهبر، آقای جوادی و باقی بزرگان دره صوف بودند در دامن باغ سرو لنگ جلسه یی گرفتن و طرح حمله بالای ولسوالی دره صوف را ریختند.

مردم و مجاهدین در بین باغ سرکاری جلسه بزرگی را آماده ساختن و قرار بر این شد که کوتل و بند تور پغلی و بند کوتل قلا (قلعه) دشت خیلمی را به مردم قریه نوامد و خواجه بلند وا گذار نمایند، بند تاقچی خانه را مردم سرولنگ و زیرکی سنگر بگیرند، کوه بکچوک را به مردم گوله، بوشی و بازارک وا گذار نمایند و تعدادی از مجاهدین در کوه الغانها جابجا شده بودند. چنین فیصله شده بود تا از کوه الغانها صدای فیر بلند نشود کسی حق فیر را ندارند.

مجاهدین چنان با خلوص نیت پاک دفاع از ننگ و ناموس و عزت خویش نمودند. بنا بر قولی مأمورین حکومتی مشت و دروش برابر نسیت و سران حکومتی خلق و پرچم عقاید ملت افغانستان را به سخریه گرفته بودند، که به زودی نابودی همین حکومت رقم خوردند. و مأمورین حکومتی هر روز مردم را در بازار دره صوف تهدید می کردند و می گفتند: با دولت نمی شود جنگید مشت و دروش برابر نیست.

شب هنگام حمله بالای ولسوالی دره صوف شروع شد و مستوفی ولایت سمنگان و دیگر خلقیها شکست خوردند و به سمت سمنگان فرار نمودند ولسوالی دره صوف به تصرف مجاهدین مردمی درآمدند.

## طرح حمله بالای ولایت سمنگان

قوای دولتی در مسیر فرار به سمت سمنگان توسط سید احمد خان در قریه زیرکی گاوکش به کمین مواجه شده و تار و مار شدند این حادثه در ۱۵ ماه ثور سال ۱۳۵۸ ه.ش صورت گرفت. این در حالی بود که تمام ولسوالی دره صوف توسط مجاهدین فتح شده بود و از اینجا بود که با هماهنگی و همدلی برادران شیعه و سنی طرح حمله بالای ولایت سمنگان ریخته شد و مجاهدین به قریه قزل توپچاق رفتند و از آنجا روانه گور دره شدند و با هماهنگی و همسویی مردمان ازبیک سمنگان مجاهدین مستقیم به تخت رستم و میدان بزکشی سنگر گرفتند. مجاهدین در اولین قدم شروع به سنگر کردن نمودند و ایجاد مواضع دفاعی برای خود. فردای آن روز جنگ شروع شد و مجاهدین یک موضع خلیها را به آتش کشیدند که در این جنگ یازده نفر از مجاهدین شهید شدند و ۷ نفر از قوای دولتی کشته شدند. سه نفر از قوای دولتی تفنگهای شان بدست مجاهدین بنام عبدالکریم زوار میرگن، غلام سخی زوار استا نوروز و خادم زوار رضایی از خواجه بلند (یک میل نیکی، یک میل پیشه و یک میل موشکش) افتادند. هوا گرم شده بود و بعد از درگیری شدید و شهادت فرمانده مجاهدین دره صوف متوجه شدیم که کمک لوژستیگی و غذای گرم به ما نمی رسد مجبور به عقب نشینی شدیم مجاهدین در این جنگ چند نفر شهید دادند که عبارت اند:

۱. شهید موسی خزانه دار (فرمانده جنگ)

۲. شهید نور علی

۳. شهید ابراهیم

۴. شهید حسن

۵. شهید ملا رلی و...

مجاهدین بعد از حمله بالای شهر آبیگ سمنگان به قریه قزل قویچاق عقب نشینی تکتیکی نمودند و پل گور دره را انفجار دادند که به دنبال آن قوای دولت به دره صوف حمله کردند در این حمله بیش از ۷۴ عراده وسایط مختلف النوع دولت با تمام قوا و عسکر به بازار دره صوف حمله نمودند که قوای دولت توسط چندین بال هلیکوپتر حمایه هوایی می شدند که به اثر فیرهای زیاد مجاهدین. به خصوص توسط فیر مرمی مستقیم غلام نبی قریه دارجرس یک بال هلیکوپتر سقوط داده شد که قرار شنا در این هلیکوپتر جاسوسان دولت به شمول حاجی تولی با بچه خورد سالش بوده است که در این هلیکوپتر ۵ نفر کشته شدند و این باعث شد که دیگر در دره صوف هلیکوپتر دولت نیاید و جتهای جنگی دولت می آمدند و به سرعت از منطقه دور می شدند که بمبهای خود را بالای خانه های مردم می انداختند و فرار می کردند.

## قزل توپچاق مرکز نظامی مجاهدین

در ماه جوزا سال ۱۳۵۸ ه.ش رئیس خادم حسین ناطقی و با مجاهدین تحت فرمانش به گور دره رفتند (من حاجی غلام سخی) به همراه جنرال خیرالله فهیمی، سید باقر مرتضوی، سید جوادی، قاسم چریک، شهید امامی بودم که قوای دولت آمدند و سنگرهای مجاهدین را زیر رگبار شدید مسلسل از هوا و زمین گرفتند و بعداً به سمت سمنگان فرار نمودند. مجاهدین در حدود یک سال در قزل توپچاق سنگر هایی دفاع داشتند که کربلای شیخ عبدالله توسلی از قریه خواجه بلند مسئولیت لوژستیک جبهه را بدوش داشتند و عبدالهادی توفیق از قریه حسنی به عنوان مسلک توپچی ایفای وظیفه می نمودند. بعد از اینکه مردم از قزل توپچاق پراکنده شدند دولت چندین بار به قزل توپچاق حمله نمودند. اما موفق به شکست مجاهدین نشدند سر انجام دولت با همکاری حاجی عبدالمناف با آوردن ۱۶۵ عراده تانگ محاربوی، تجهیزات و امکانات نظامی در بیگ محمد قدوق پوسته ایجاد نمودند و حاجی عبدالمناف از طرف دولت در بیگ محمد قدوق به صفت ولسوال دره صوف تعیین شدند.

تعدادی افراد منافق و مرموز باعث نفاق در بین مجاهدین شدند که شوکت و اقتدار مجاهدین را از هم پاشیدند و زمانی که رئیس شیخ خادم حسین ناطقی با همکاری مردم محل و مجاهدین همراهش شهید امامی، جنرال

خیرالله فهیمی، قاسم چریک، سید باقر مرتضوی، قریه بیگ محمد قدوق را فتح نمودند مردم شایعه نمودند. که حاجی عبدالمناف همکاری نموده است که این حرف یک تبلیغات خالی محض بود و حاجی عبدالمناف با دولت خلق و پرچم همکار بود که بار دیگر دولت با نیروی مجهز بیش از ۱۷ عراده وسایط مختلف النوع نظامی به دره صوف حمله نمودند.

چنین پلان داشتند که گل سرخ سال ۱۳۵۹ ه.ش را در دره صوف جشن بگیرند. در این مرحله مجاهدین عقب نشینی نمودند و قوای دولتی بازار دره صوف را تصرف نمودند و از بازار دره صوف مستقیم به معدن طور رفتند که در تنگی حسنی یک نفر کشته شد و قوای دولتی از پل معدن بازگشتند. در این مرحله قوای دولت به طرف قریه نوامد، خواجه بلند و شیخه هم حمله نمودند تا تنگی فیضک؛ قریه خواجه بلند و تیوه تاش پیش رفتند به اثر استقامت مردمی، دولت شکست فاحشی را متقبل شدند در این جنگ که از سمت قریه حسنی یک فروند هلیکوپتر دشمن به طور حمایه آمد و در قریه نوامد و بند تورپغلی دچار سانحه هوای شدند به زمین نشست که مجاهدین به فرماندهی غلام نبی قریه دار جرس شب هنگام زیاد تلاش کردند که این طیاره را به غنیمت بگیرند. اما قوای هوایی دشمن چندین بار بالای این هلیکوپتر نفر پیاده نمودند که مردم قریه نوامد نتوانستند این طیاره را به تصرف خویش

دره صوف در گذر بحران تاریخ ————— توسلی - طلوع ۱۷۶ /-

بیاورند و فردای آن روز قوای دولتی این هلیکوپتر را با خود بردند. این آخرین حمله دشمن در سال ۱۳۵۸ ه.ش بالای ولسوالی دره صوف بود.

### حمله قوای دولتی در سال ۱۳۵۹ به دره صوف

قوای دولتی در اواخر سال ۱۳۵۹ ه.ش بار دیگر از راه ولسوالی کشنده و دره چپچل بالای ولسوالی دره صوف حمله نمودند این در حالی بود که مجاهدین توانسته بودند به تجهیزات خویش بیفزایند و دو بار روحانیون که نمایندگان احزاب سیاسی بودند از خارج به دره صوف سلاح آورده بودند. بار اول توسط شهید عبدالعلی جاوید که مربوط حزب فدائیان اسلام بود. مرحله دوم توسط شهید سید حسین حسینی که یکی از بنیانگذاران سازمان نصر بود. مجاهدین کاملاً مسلح شده بودند و احزاب نو ظهور در دره صوف به احداث پایگاه نظامی اقدام نموده بودند. صف بندیهای سیاسی و نظامی در دره صوف تازه شکل گرفته بودند در این مرحله حساس قوای دولتی از طریق ولایت بلخ به ولسوالی دره صوف حمله نمودند. که از طرف مجاهدین بالای قوای دولتی در دره چپچل حمله صورت گرفت که بعد از حمله مجاهدین به ولسوالی دره صوف برگشتند. فردای آن روز قوای دولتی به دنبال مجاهدین به ولسوالی دره صوف حمله نمودند که در این حمله مجاهدین غافلگیر شدند که جنگ شدیدی بین مجاهدین و قوای دولت صورت گرفت در این جنگ



شهید عبدالعلی جاوید با تعدادی از یارانش در کوتل قلعه (قلا) توسط عساکر دولتی به شهادت رسیدند. شهید عبدالعلی جاوید در بازار دره صوف با هشت تن از یارانش به محاصره دشمن درآمدند که بعد از جنگ شدید با تمام یارانش به شهادت رسیدند. اسامی شهدای که با شهید جاوید به شهادت رسیده اند قرارذیل است.

۱. شهید عبدالاحمد (حمید) ولد عاشور

۲. شهید سید امیر شاه

۳. شهید شیخ اسماعیل چمران از قریه شباشک

۴. شهید شیخ اسماعیل

۵. شهید یحیی فرزند رجب کربلایی

۶. شهید ضابط از گردنه

۷. شهید سید حسن

۸. شهید اسحاق زوار

۹. شهید سید کلبی

۱۰. شهید حجت الاسلام عبدالعلی جاوید

۱۱. شهید اسدالله ولد رجب از قریه دروازه

وقتی شهید جاوید به شهادت رسید؛ تا شب هنگام بین مجاهدین و قوای

دولتی جنگ صورت نگرفت و مجاهدین در اطراف بازار دره صوف در حال

استحکامات نظامی خویش بودند که بار دیگر شب هنگام در گیری از سر گرفته شد که در این جنگ چند تن از افراد سازمان نصر هم شهید شدند و قوای دولتی از دره صوف عقب نشینی نموده به سمت دره چبچل فرار نمودند و به مزار شریف باز گشتند.

### رقابتهای منفی احزاب در ولسوالی دره صوف

فعالیت احزاب اسلامی در دره صوف هر روز رنگ و بوی تازه یی به خود می گرفت و رقابت های منفی علیه ملا ها و اربابها. حضور ملا های تازه نفس و نیز جذب کمک به احزاب سیاسی نو ظهور یکی از معضلاتی بود که در دره صوف در حال شکل گرفتن بود. رقابت های سیاسی بین ارباب ها و سازمان نصر روز بر روز به اوج رسیده بو، اربابها سازمان نصر را متهم به طرفداری از آمریکا می نمودند و می گفتند که اینها از آمریکا سلاح آورده است. سید جوادی سید سکندر به شدت علیه سازمان نصر موضع گرفته بود و آنها را متهم به غرب گرایی می کردند. روز به روز اتهامات و جنجال درونی در بین احزاب زیاد شده بود و تخم نفاق در حال بارور شدن بود، احزاب علیه هم دیگر دسیسه می کردند. ولسوالی دره صوف در تصرف مجاهدین بود. دولت خلقیها دیگر توان مقابله با مردم دره صوف را از دست داده بودند دره صوف را به حال خود رها نموده بودند. رقابت های منفی بین ملا ها و

دره صوف در گذر بحران تاریخ ————— توسلی - طلوع ۶ - / ۱۷۹

اربابها باعث تنشهای زیادی شده بود که از جمله شیخ کاظم جعفری در ۱۷ ثور سال ۱۳۵۹ ه.ش با کمین مخالفین مواجه شدند که در این کمین سه نفر از مجاهدین سازمان نصر شهید شدند؛ شهید معلم قیام از جمله این شهدا به شمار می‌رود.

همزمان با این کمین بار دیگر قوایی دولت به دره صوف حمله نمودند و تنها نیروی که در برابر قوای دولتی جنگ نمودند افراد و چریکهای سازمان نصر بودند و دیگران به کوه‌ها فرار نموده و شاهد معرکه خونین بودند و به این قسم چریک‌های سازمان نصر به مردم دره صوف ثابت کردند که سازمان نصر و گروههای مسلحش طرف دار غرب نیستند.

در این مرحله قوای دولت در زیرکی گاوکش توسط نظام وکیل پذیرایی شدند و در آن ساحه پوسته نظامی افزای نمودند و نظام وکیل عملاً به دولت پیوست و قوای دولتی تا حمل ۱۳۶۰ ه.ش دیگر به دره صوف حمله نمود.

بار دیگر قوای دولتی به شکل ناگهانی به دره صوف حمله نمود که در این جنگ بین قوای دولتی و روسها یک جیب آنها با ماین کنار جاده بر خورد نمودند و منفجر شد. نیروهای مشترک روس و قوای دولتی با از دست دادن چند نفر کشته عقب نشینی نمودند.

بعد از چند ماه بار دیگر قوای دولت و روسها بالای ولسوالی دره صوف حمله نمودند که در این مرحله قوای مشترک روس و دولت در بازار دهی پوسته نظامی افزاز نمودند و مدتی هم در این بازار ماندگار شدند. اتحاد و هماهنگی مردم و بزرگان دره صوف از هم پاشیده بودند احزاب و تنظیم های نوظهور جهادی هر کدام به سهم خویش در جنگ های خونین نقش کلیدی داشتند.

همزمان با ایجاد پوسته نظامی در بازار دهی قوای دولت و روسها چندین بار توسط مجاهدین مورد حمله قرار گرفتند که در این میان چندین بار چریکهای سازمان نصر بالای پوسته قوای دولت و روسها حمله کردند که چند نفر از مجاهدین سازمان نصر شهید شدند از جمله فردی به نام حبیب الله در این جنگ شهید شدند و از مردم قریه نوامد فردی به نام انور در این جنگ شهید شدند.

بار دیگر با هماهنگی نیروهای مردمی طالب حسین قریه دار بالای پوسته روسها و دولت حمله کردند. اما سرانجام پوسته قوای روسها و دولت توسط برادران اهل سنت مولوی جمعه خان از قریه دمکی تار و مار شدند. قرار راپوهای مردمی به همراه قوای دولتی افراد مطرح و مهمی از طرف دولت خلق و پرچم آمده بودند که به نام چند تن آن اشاره می شود:

۱. حاجی نعیم

۲. میرزا محمد قریه دار

۳. عبدالله کشمند، برادر سلطان علی کشمند

بنا به گفته مردم محل این افراد از طریق قریه بیانان به قریه نوامد به دیدن طالب حسین خان قریه دار آمده بودند که این افراد به قریه نوامد خانه حاجی شکور مهمان شدند و از آنجا به خانه طالب حسین خان قریه دار آمده بودند و دو سه شب مهمان طالب خان قریه دار بودند که بعداً به کابل برگشتند و بعد از این ملاقات جنگهای داخلی در دره صوف شروع شدند.

سر انجام قوای دولت و روس ها کار خویش را خصمانه آغاز نمودند مزدوران و جاسوسان خویش را در دره صوف پرورش دادند و مردم ولسوالی دره صوف را به حال خود رها ساختند که می توان گفت بعد از فتح کامل ولسوالی دره صوف توسط مجاهدین سال ها در این ولسوالی جنگ خانگی (تنظیمی، ارباب و ملاها) ادامه داشت که باعث کشتار صد ها تن از مردم بیگناه شدند.

در جنگ های کور داخلی دره صوف بهترین شخصیت ها و رهبران سیاسی مردم ما کشته شدند که می توان به تعداد از بزرگان و نخبگان آن دوره و زمان اشاره نمود.

شیخ براتعلی حمیدی، شیخ محب غفاری، گل قریه دار، قاسم خان وکیل، سید شهزاده، حاجی طاهر، قاسم، اختر قوماندان، سلمان قوماندان، سید حیدری، طاهر رضایی از خواجه بلند، سیف الله مختار از قریه حسنی، ضابط غلام حسین، معلم سراج، معلم کمال، دهقان، ملا یاسر صداقت، شیخ محمد یونس خواجه بلند، مبشیر، عبد الرزاق، عبد المنان قوماندان، شراف بیک، داملا عبدالکریم ایماق، آمر صوفی علی یار، حنیف بیک از قریه تاقچی، ظاهر خان زیدوری. و صدها تن دیگر که این مقال گنجایش اسامی آنها را ندارند.

— [ولسوالی دره صوف از سال ۱۳۵۸ ه. ش الی سال ۱۳۷۷ ه. ش یکی از اولین ولسوالی های آزاد شده تحت اداره مجاهدین و احزاب های سیاسی بود.

— ولسوالی دره صوف از سال ۱۳۷۷ ه. ش الی سال ۱۳۸۰ ه. ش سال مرکز مقاومت و جنگ علیه طالبان و تروریستهای بین المللی بود.

— ولسوالی دره صوف از سال ۱۳۸۰ ه. ش الی سال ۱۳۹۹ ه. ش تحت اداره دولت جمهوری اسلامی افغانستان قرار داشت.

— ولسوالی دره صوف از ۲۹ اسد سال ۱۴۰۰ ه. ش به مدت ... تحت تصرف طالبان قرار داشت.]



منار شهدا نماد از ایثار و فداکاری مقاومت مردم دره صوف



دور نمایی - تکاب اصلی، مرکز دره صوف



انفجار معدن شاکل شباشک



## بامیان - سمنگان

ساختمان سرک یکاولنگ-دره صوف  
۲۷ فیصد پیشرفت کاری دارد



فصل پنجم  
سخن از مقاومت  
[دره صوف کلید فتح صفحات شمال]



## دره صوف در یک نگاه

ولسوالی دره صوف یکی از ولسوالی های پر جمعیت ولایت سمنگان می باشد که در صفحات شمال افغانستان موقعیت دارد. دره صوف دره سر سبز و زیبا و دیدنی است که از ولسوالی کشنده ولایت بلخ شروع و سرحد آن قریه (کوته دایمیرداد) است که به تیر بند ترکستان وصل می شود.

دره صوف از شمال به ولایت بلخ متصل از طرف جنوب به ولسوالی یکاؤلنگ ولایت بامیان. از طرف شرق به ولسوالی روی دو آب ولایت سمنگان و از طرف غرب به ولسوالی امرخ و زاری ولایت بلخ و از طرف جنوب غرب به ولسوالی بلخاب ولایت سر پل متصل است.

دره صوف با داشتن ذخایر بزرگ ذغال سنگ و دو بار مرکز مقاومت مجاهدین افغانستان از شهرت فوق العاده ای بر خور دار می باشد.

قیام ۲۵ دلو ۱۳۵۷ ه. ش مردم دره صوف حماسه فراموش ناشدنی است که بر صفحات زرین تاریخ قیام های مردمی در افغانستان نقش بسته است. مردمی که در قلب زمستان سرد ۱۳۵۷ ه. ش با دستان خالی؛ با چوب، تبر، تفنگ، موشکش و نیکی به جنگ دشمن خطرناک رفتند و معدن ذغال سنگ ولسوالی دره صوف را از لوٹ وجود خلقی ها پاک سازی نمودند

و در حدود چهار ماه در سردی زمستان آواره و مهاجر در کوه ها در برابر دولت خلقی ها مقاومت نمودند. اما حکومت خلقی ها را نپذیرفتند و با دستان خالی در برابر دشمن جنگیدند و در اخیر پیروز شدند، چه پیروزی که ۴۳ سال حاکمیت مجاهدین در آن خطه سبز گون و آزادی تمام افغانستان ثمره یی آن بود.

اما پدیده ای طالب و طالب نماها موجی طوفان زایی دیگری بود که دامنگیر کلیه نقاط افغانستان شدند و با سقوط مزار شریف در ۱۷ اسد سال ۱۳۷۶ ه.ش توسط طالبان، دره صوف در زیر گام های سپاهیان دهشت انگیز طالبان این دوره غمبار، در واقع صفحه سیاه و تراژدی در تاریخ کشور و دره صوف بود یک بار دیگر نام ولسوالی دره صوف بر سر زبانها و در امواج راد یوها طنین انداز شدن. مجاهدین که از مزار شریف شکست خورده بودند راه دور و دزار دره صوف را در پیش گرفته و سنگرهای دفاعی خویش را در کوه پایه های دره صوف مستحکم نموده بودند.

دره صوف مرکز مقاومت مجاهدین شدند و تحریک طالبان پشت دروازه های دره صوف رسیدند. مجاهدین کمر بند دفاعی قوی در برابر تحریک طالبان در دره صوف تشکیل دادند.

استاد حاج محمد محقق، کلیه مجاهدین حزب وحدت و حرکت اسلامی و سایر گروه های جهادی از مزار شریف به دره صوف عقب نشینی تکتیکی

دره صوف در گذر بحران تاریخ ————— توسلی - طلوع ۶ - / ۱۸۹

نمودند. دره صوف مرکز ثقل مجاهدین شدند. مقاومت مردمی در برابر تحریک طالبان در دره صوف تشکیل شده بود. پیروزی مجاهدین مردم در دره صوف در حقیقت پیروزی هزاره ها در افغانستان بود و شکست در این جنگ در حقیقت شکست هزاره ها از صحنه سیاسی، نظامی و اجتماعی به حساب می آمدند.

استاد حاج محمد محقق دره صوف را به دژ تسخیر ناپذیر تبدیل نموده بود و استاد محمد کریم خلیلی جنگ فرسایشی شکننده را در دره های هزارستان و بامیان ادامه داده بودند.

تقریباً بعد از یک ماه مقاومت در ۲۲ سنبله ۱۳۷۶ ه. ش حمله بالای طالبان در دره صوف شروع شد مجاهدین حزب وحدت و حرکت اسلامی از استقامت بازار مرکزی دره صوف بالای گذرگاه چیچل و سفید کوتل نیروهای طالبان را مورد حمله قرار دادند و در اولین ساعات حمله طالبان شکست خورده به سوی ولسوالی کشنده و سمنگان فرار نمودند.

اما بعد از چندین ساعت در گیری و پیروزی چشم گیر مجاهدین در جبهه دره صوف ساعت ۱۱:۳۰ دقیقه شب از جبهه مرکزی بامیان خبر رسید که خط مقدم جبهه بامیان در آقرباط شکست خورده و طالبان به سوی مرکز شهر بامیان در حال پیشروی می باشند.

دره صوف در گذر بحران تاریخ ————— توسلی - طلوع ۶ - / ۱۹۰

استاد محمد کریم خلیلی و باقی قوماندانهای حزب وحدت به کوهها فرار نموده بودند. این خبر حاج محمد محقق را سخت تکان داد تا دنبال راه و چاره ای باشد. محمد کریم خلیلی و حاج محمد محقق و باقی قوماندانها از سرحدات دره صوف و یکاولنگ ذریعه طیاره به خارج از کشور فرار نمودند. اما مردم خسته از جنگ را در دره های بامیان و دره صوف تنها گذاشتند و مردمان این دیار مدتها متواری کوه ها بودند که سرانجام گروه متحجر تحریک طالبان به ولسوالی دره صوف مسلط گردیدند.

مرکز دره صوف به تصرف طالبان درآمد و قاسم خان سمنگانی برای آرامش روحی مردم و خلع سلاح عمومی به دره صوف آمدند. قاسم خان از قوم پشتون بود؛ اما با طالبان همکار شده بود او با مردم دره صوف با روحیه نرم و ملایم برخورد نمود، مردمی که از خانه های شان مهاجر شده بودند به خانه های شان باز گشتند.

هیولای تحریک طالبانی خطرناک و کشنده بود همه مردم به کوه ها فرار نموده بودند. مردم دره صوف از انقلاب ۱۳۵۷ ه.ش به اندازه کافی تجربه داشتند آنها دیگر حاضر نبودند مفت خود را به دام دشمن اندازند. لذا در کوه ها متواری شدند و طالبان بخش اعظمی دره صوف را به تصرف خود در آوردند و بعد از آن به التیام روحی مردم پرداختند و خلع سلاح را به راه انداختند تا تنفر مردم از سلاح زیاد شوند و تبلیغ نمودند که هر کس

سلاحی خود را تسلیم امارت طالبان نمایند کسی به او کار ندارد. جمع آوری سلاح یکی از شعارهای مهم طالبان بود.

گروه طالبان چنان بالای روحیه مردم حاکم شده بودند که در یک ولسوالی پر جمعیتی همانند دره صوف نیروهای طالبان از ۵۰ الی ۶۰ نفر بیشتر نبودند. مردم از طالبان سخت هراس داشتند و هر کس نمی توانست دلیرانه به بازار مرکزی دره صوف بروند فرامین طالبان در مورد امر به معروف و نهی از منکر به شدت تمام اعمال می شدند.

شورای تصمیم گیری ولسوالی دره صوف در آغاز پیروزی تحریک طالبان با طالبان همکاری شدند طالب حسین خان قریه دار، رئیس تمسکی، ظاهر وحدت و حاجی عبدالوهاب معروف به حاجی قوماندان از حرکت اسلامی پیشاپیش طالبان مردم را وادار به تسلیمی می نمودند. با وصفی که تا چند روز پیش آنها در خط مقدم با طالبان می جنگیدند.

مناطق دایمیرداد نقطه کوهستانی دره صوف است که از معدن ذغال سنگ طور شروع می شود. قوماندانهای دایمیرداد با طالبان همکاری نشدند؛ نه اعلان جنگ دادند و نه سلاح خویش را تسلیم طالبان نمودند. قوماندان سید داود از حرکت اسلامی و حاج خلیل مرد دلیر و شجاع نترس از حزب وحدت و ده ها قوماندان دیگر سلاح خویش را حفظ نموده بودند.

دره صوف در گذر بحران تاریخ ————— توسلی - طلو ۶ - / ۱۹۲

قریه پسقول مرکز سوق و اداره حاجی سید داود بود او با روحیه عالی در بین مردم زندگی می کرد و یک میل زیو ۲۲ mm (دو میله) پیش خانه اش در پسقول ایستاده بود.

حاج خلیل قوماندان دیگری است که در قریه (رشک) دایمیرداد زندگی می کرد و یک میل زیو ۲۲ mm (دو میله) در پیش خانه اش در لابه لای برگ درختان پنهان کرده بود همه می دانستند که او سلاح دارد پیکا، راکت و صد ها میل کلاشنکوف و... او نه تنها سلاح خود را تسلیم ننموده بود بلکه صد ها نفر افراد مسلح مناطق دیگر در ولسوالی دره صوف حضور داشتند که در کوه ها زندگی می کردند.

آنها منتظریک تحول جدید بودند همه فکر می کردند که حکومت طالبان شکست خواهند خورد اما هیچ کس فکر نمی کردند که حکومت طالبان به این زودی ها نابود شوند؟!!

ولسوالی بلخاب ولایت سرپل در غرب ولسوالی دره صوف تا هنوز تسلیم طالبان نشده بودند آنها به قوماندانهای دره صوف مکتوب فرستاده بودند که از طریق میانجگری شما ما به طالبان تسلیم می شویم ولی بزرگان دره صوف در مورد هیچ کدام مشوره با هم نکرده بودند.

زمستان سرد و برفگیر کوهستانهای دره صوف و بلخاب پیشروی بودند لذا طالبان به فکر سرحدات دره صوف و بلخاب نبودند، طالبان از آمدن



دره صوف در گذر بحران تاریخ ————— توسلی - طلوع /- ۱۹۳

زمستان هراس داشتند و می ترسیدند که مبادا مردم شورش کنند و جبهه جدیدی در این سر زمین تشکیل شوند. به هر حال دره صوف و ولسوالی بلخاب را به حال خود رها نموده بودند و منتظر جنگهای تخار و بدخشان بودند و لذا گروه طالبان قضیه دره صوف را خاتمه یافته تلقی می کردند.

زمستان ۱۳۷۶ ه.ش با آرامشی نسبی گذشت اما فرامین تحریک طالبان یکی پی دیگریبه شدت عملی می شدند زکات، عشر، محصول موتر، اجاره داری بازار دره صوف، محصول ذغال سنگ دستوراتی بودند که یکی پی هم عملی می شدند.

## آغاز جنگ در دره صوف

در آغاز سال ۱۳۷۷ ه.ش قوماندان غلام (میرکه) جنگ را بر ضد گروه تحریک طالبان شروع نمودند، قوماندان غلام که مشهور به غلامک بود در غرب ولسوالی دره صوف از موقعیت نظامی بالایی بر خور دار بودند قریه جات قره جنگل، زاغ، فولاد و میرکه مناطقی هستند که در غرب ولسوالی دره صوف موقعیت دارد و قوماندان غلام در آن ساحات نفوذ از موقعیت مهمی بر خور دار بودند. در مناطق غرب دریای دره صوف تاجیک ها (هزاره های سنی) مذهب زندگی می کنند. احمد شاه مسعود با تحرکات وسیعی جنگی در صدد جبهه جدید علیه طالبان در شمال کشور بر آمده بود

دره صوف در گذر بحران تاریخ ————— توسلی - طلوع /- ۱۹۴

و دره صوف می توانست آغاز کمر بند و وسیع جنگی باشد که احمد شاه مسعود به دنبال آن بودن. لذا حمایت و پشتیبانی از قوماندان غلام (میر که) در ولسوالی دره صوف انتخاب مناسبی بود که می توانست طالبان را در شمال افغانستان مصروف نمایند.

قوماندان غلام جنگ علیه طالبان را شروع نمود و طالبان در آغاز جنگ تلاش سختی را به خرج دادند که جلو جنگهای غلامک را بگیرند اما جنگ ادامه یافت و قوماندان غلام ضربات مهلک و کشنده را در غرب ولسوالی دره صوف بالای نیروهای طالبان وارد نمودند. جنگ قوماندان غلام شور و شوق زاید الوصفی را برای هزاره های دره صوف به وجود آوردند.

آنها هم منتظر چنین روزی بودند از حکومت طالبان نفرت داشتند اما هیچکاری نمی توانستند اخبار جنگ های فرسایشی در تخار و بدخشان برای مردم دره صوف امید بخش بودند. لذا همه مردم به راد یوها گوش می دادند و تحولات جنگ را لحظه به لحظه دنبال می نمودند. اما جنگ غلام علیه طالبان در غرب دره صوف نوید تازه ای دیگری بود که مردم دره صوف سخت تشنه چنین روزی بودند.

## برگشت استاد حاج محمد محقق به بلخاب

استاد حاج محمد محقق قوماندان معروف حزب وحدت اسلامی در صفحات شمال افغانستان بود که بعد از سقوط بامیان جهت سروسامان دادن جبهه به خارج رفته بود در چهارده جوزای سال ۱۳۷۷ه.ش توسط دو فروند هلیکوپتر فرمانده احمد شاه مسعود از جبل السراج به ولسوالی بلخاب ولایت سرپل آمدند حاج محمد محقق در اولین قدم علیه طالبان اعلان جنگ داد و مردم بلخاب و سنگچارک با استاد حاج محمد محقق همکاری نمودند که سنگرهای دفاعی مردم بلخاب تا سرحدات سنگچارک آب کلان امتداد یافتند و اکمالات جبهه توسط استاد حاج محمد محقق صورت می گرفتند.

برگشت استاد حاج محمد محقق به ولسوالی بلخاب جرقه امیدی بود به کلیه نیروهای رزمی حزب وحدت اسلامی در دره صوف و بلخاب، همه ای مردم اطراف بلخاب از آمدن استاد حاج محمد محقق سخت استقبال گرم نمودند. حضوری فزینگی او در بلخاب همانند بمبی بود که در میان مردم دره صوف و بلخاب منفجر شده بود، تعدادی زیادی از مردم دره صوف با شور و شوق روانه بلخاب شدند وعده یی با اسلحه های شان راه بلخاب را در پیش گرفتند و جمع دیگری مردم با اسلحه های شان آماده ای جنگ با طالبان بودند.

استاد حاج محمد محقق از حضور بیش از حد مردم و قوماندان های جهادی سخت استقبال نمودند. پول و اسلحه در اختیار شان قرار می دادند. دره تنگ و کوچک بلخاب به بازار پول و اسلحه تبدیل شده بود همگان از بلخاب پول و اسلحه می آوردند و استاد حاج محمد محقق برای قوماندانهای جهادی سلاح، مهمات و تجهیزات نظامی توزیع می کردند.

برای مردم دره صوف و تمام هزارستان، قوماندان ها، جلاب اسلحه، مجاهدین، و جوانان عادت شده بود که یکبار خود را به بلخاب (ترخوج) رسانده و از امداد های مالی و تسلیحاتی استاد حاج محمد محقق برخوردار شوند، استاد حاج محمد محقق «حسن صباح» دومی بود که آشیانه عقاب را در بلندایی کوه های تسخیر ناپذیر قله های بلخاب ساخته بود.

باز گشت حاج محمد محقق به ولسوالی بلخاب در حقیقت نوید جویبار امید بخشی بود که بار دیگر تمام مردم هزارستان را به تحرک و جنبش در آورده بود. صف آرائی و آرایش جبهه نظامی و سیاسی خویش را در برابر تحریک طالبان نشان دهند و ثقل این مرکزیت شخص استاد حاج محمد محقق در بلخاب بود که توانست در اولین قدم ولسوالی یکاولنگ ولایت بامیان را به تصرف خویش در آوردند اما چه عواملی باعث سقوط مجدد یکاولنگ شد باشد برای وقت دیگر...

توجه بیش از حد دره صوفیها در بخش همکاری با استاد حاج محمد محقق و روانه شدن صدها جوان و پیرمردی دره صوفی به ولسوالی بلخاب به معنی اعلان همکاری و کشاندن جنگ به ولسوالی دره صوف بود که یگانه خواستگاه فرمانده احمد شاه مسعود همین بود. احمدشاه مسعود قوماندان معروف جهادی سخت تلاش داشت تا جبهه جدیدی در هزارستان و سمت شمال باز نمایند که از فشار جنگ در تخار، پنجشیر و بدخشان کاسته شوند تا تحریک طالبان در چندین نقطه در گیر و مصروف جنگ شوند.

آمدن استاد حاج محمد محقق به ولسوالی بلخاب ولایت سرپل در واقع بر آوردن آرزوهای دیرینه فرمانده احمدشاه مسعود بود و حاج محمد محقق توانست جبهه بلخاب را حفظ نموده و دامنه های جنگ را در دیگر مناطق بکشانند تا فشار جنگ از مناطق تحت اداره فرمانده احمدشاه مسعود کاسته شود. علیرغمی که اختلاف سلیقه ای و خواسته های متفاوت بین فرمانده احمد شاه مسعود و استاد حاج محمد محقق وجود داشت ولی باز هم استاد حاج محمد محقق خود را سپر بلا ساخت و همچنان مردم هزاره، ازبیک و تاجیک بلخاب را از حصار تنگ و تاریک طالبانی نجات دادند که در آن شرایط حساس تاریخی تحول بزرگی در شرف به وقوع بود جبهه ضد طالبانی در ولسوالی بلخاب شکل گرفته بود. تمام رسانه های دنیا از بازگشت استاد حاج محمد محقق به بلخاب گزارش می دادند.

دره صوف در گذر بحران تاریخ ————— توسلی - طلوع ۶ - ۱۹۸

فرمانده احمدشاه مسعود تلاش نمود که حاج محمد محقق را کمک مالی و تسلیحاتی نمایند و از طریق هوایی اکمالات نظامی و پولی به وی بفرستند اما هر دو جناح هیچگاه از پالیسی حزبی خویش عقب نشینی ننمود احمدشاه مسعود قوماندان حاجی محمدرحیم سنگچارگی را در بلخاب فرستاده بود که جبهه حزبی جمعیت اسلامی در ساحه ولایت سرپل فعال باشند.

من (عبدالؤمن طلوع) هنگامیکه در ماه سرطان سال ۱۳۷۸ ه. ش به ولسوال بلخاب مسافرت نمودم تا استاد حاج محمد محقق را دیدار نمایم صد ها قوماندان از احزاب جهادی و مردمی را در ولسوالی بلخاب دیدم، قوماندان عبدالحسین باقری از حرکت اسلامی که پایگاه نظامی داشت و صد ها مردی جنگی را در دره تنگ بلخاب گرد آورده بود. قوماندان لعل محمد قوماندان فرقه هفتادحیرتان از جنبش ملی اسلامی، قوماندان عبدالرحمان سرچنگ از جنبش ملی اسلامی و قوماندان باز محمد جوهری از حزب وحدت و نماینده استاد محمد کریم خلیلی و دهها قوماندان دیگر که همگان در آنجا جمع شده بودند و دنبال تحولات بعدی می گشتند.

فرمانده احمد شاه مسعود با تکتیک بسیار قوی و مناسب خوب ترین نقطه را برای آغاز تحولات جدید در عرصه یی نظامی انتخاب نموده بود و تمام افراد مؤثر و نظامی که در چهار سمت بلخاب تأثیر داشت به بلخاب

دره صوف در گذر بحران تاریخ ————— توسلی - طلوع - ۱۹۹۰

فرستاده بود؛ تا با استاد حاج محمد محقق کمک نمایند و جبهه جدید را تقویت بخشند. با آمدن حاج محمد محقق در بلخاب در چندین نقطه جنگهای چریکی و نظامی رو در روی با طالبان شروع شدند که پیامد آن نوید پیروزی تازه برای مردم افغانستان داشتند.

ولسوالی بلخاب تبدیل به یک مرکزیت قوی نظامی جنگی و سوق الجیشی شده بود استاد حاج محمد محقق که در تشکیلات دولت برهان الدین ربانی سمت وزارت داخله را داشت، مرکزیت وزارت داخله را به همراهی یک فرقه نظامی در ولسوالی بلخاب آورده بود که برای هر دو نهاد مرکزیت مستقلی در نظر گرفته شده بود. وزارت داخله در یک نقطه بود و فرقه نظامی در نقطه دیگر قرار داشت. حضور فیزیکی استاد حاج محمد محقق مؤثریت او در ولسوالی بلخاب خطر بسیار بزرگی برای طالبان بود اما جنگ قوماندان غلام میر که در دره صوف تمام هوش و حواس طالبان را به خود معطوف داشته بود. لذا تحریک طالبان مجالی نیافتن که زیاد در مورد جبهه نو تشکیل بلخاب فکر نمایند.

### سردار اره دار محمد حسین جهانی

استاد حاج محمد محقق در اولین اقدام نظامی قوماندان سردار محمد حسین جهانی را با بیش از صد نفر مرد جنگی در ماه عقرب ۱۳۷۷ ه.ش به

ولسوالی دره صوف فرستادند. سردار جهانی که مرد با تدبیری بود برای خود شمشیر اره و تبر ساخته بود. و آنها را در اردوی جراری صد نفری خویش حمل می نمودند تا خوراک تبلیغاتی علیه دشمن و طالبان باشند. جهانی را سردار اره دار می گفتند و شعری دور و درازی برایش بسته بودند که در ذیل به آن اشاره می شود.

جهانی عزم و ایثاری دره صوف	قشون سبز و جراری دره صوف
ز بلخاب، با تبر آغاز کردی!	همای، بخت بیداری دره صوف
نمودی اره را ثبت نظامی!!	رجال شیر مردان دره صوف
فرح بخشیده یی راهی پدر را	راه و رسم نیاکان دره صوف

سردار محمد حسین جهانی در زمستان سرد با اره و تبر و شمشیر و قشون جرار خویش به ولسوالی دره صوف آمده بودند. مردم قریه جات دایمیرداد و طور دره صوف که هم سرحد با ولسوالی بلخاب هستند استقبال خوبی از سردار جهانی نمودند، اما مردم مرکز دره صوف چندین دفعه مشترکاً به دیدار سردار جهانی رفتند و خواستار بازگشت او به ولسوالی بلخاب شدند؛ زیرا آنها مخالف جنگ بودند ولی سردار جهانی تمام استدلال آنها را رد نموده و حتی تهدید به جنگ نمودند. استخبارات طالبان قاری مولوی قذیف مشهور به (قاری جمیل) به طالبان اطلاع دادند که نیروهای جنگی حاج محمد محقق به دره صوف رسیده اما طالبان مراقب اوضاع ولسوالی دره صوف بودند. لذا



دره صوف در گذر بحران تاریخ ————— توسلی - طلوع ۶ - / ۲۰۱

دست به استحکام نیروهایش زدند. قبل از رسیدن نیروهای تازه نفس طالبان به دره صوف قوماندانهای سابقه حزب وحدت و حرکت اسلامی با همکاری سردار محمد حسین جهانی به تاریخ ۸ حوت ۱۳۷۷ه.ش جنگ و عملیات جنگی خویش را بالای ولسوالی دره صوف شروع نمودند. که تقریباً بعد از ۱۰ ساعت درگیری نیروهای طالبان شکست خوردند و بازار مرکزی ولسوالی دره صوف به تصرف قوماندان سردار محمد حسین جهانی و باقی قوماندان های مجاهدین دره صوف افتادند که در این جنگ خونین ۱۰ ساعته بیش از دهها طالب کشته و زخمی شدند از جمله قوماندان امنیه طالبان کشته شدند، و ولسوال دره صوف مولوی فضل ربی از پشتون های قندهار با تعدادی دیگر که در جمله ۲۲ نفر بودند به اسارت مجاهدین افتادند.

شام همان روز نیروهای کمکی طالبان از ولایت سمنگان به ولسوالی دره صوف رسیدند و در بالایی قله استراتژیک سفید کوتل مسلط شدند که نقطه استراتژیکی، نظامی در مناطق شمال دره صوف به حساب می آید، در اولین جنگ رو یا روی جبهه مجاهدین عقب نشینی تکتیکی نمودند که در اثر این جنگ تعدادی از مجاهدین شهید شدند از جمله قوماندان رزمجو یکی از بهترین قوماندانهای قریه بینی منگ دره صوف به شهادت رسید. و بازار مرکزی ولسوالی دره صوف، قریه جات تنگی یعقوب، سیدآباد، دهن کشکک و سرولنگ و... به تصرف طالبان در آمدند.

دره صوف در گذر بحران تاریخ ————— توسلی - طلوع / - ۲۰۲

مجاهدین حزب وحدت و حرکت اسلامی قریه حسنی و تنگی حسنی را مرکز نظامی و سیاسی خویش انتخاب نمودند و کمر بندی دفاعی خویش را در تنگی حسنی متمرکز ساختند. طالبان از سه استقامت پیشروی خویش را شروع نمودند.

- خط اول: نیروهای تحریک طالبان از تگاب مرکزی دره صوف به استقامت قریه جات سرولنگ، زیرکی، حسنی و بند تور پغلی در حال پیشروی بودند.

- خط دوم: نیروهای مسلح طالبان در استقامت غرب دریایی دره صوف از قریه هشتلیز و کوتل عباسک در حال پیشروی بودند.

- خط سوم: نیروهای طالبان از مناطق شرق دره صوف قریه جات چهار اولیا دایکلان، خواجه بلند، دمکی، تیوتاش، زیدوری و کوه تیرک را مورد حملات تهاجمی خویش قرار دادند.

مجاهدین در یک بن بست شدید جنگی قرار گرفته بودند. عدم امکانات تسلیحاتی نظامی و سلاح ثقیله باعث تشویش مردم شده بود. امکانات جنگی و مواد لوژیستیکی و تخریکی جبهه را مردم تهیه و تدارک می دیدند. مردم دره صوف در یک بن بست شدید نظامی و جنگی و لوژیستیکی قرار گرفته بودند. اما مجاهدین دره صوف سر سخترانه می جنگیدند و در فکر هیچ چیز دیگری جز پیروزی و شکست

دره صوف در گذر بحران تاریخ ————— توسلی - طلوع ۶ - / ۲۰۳

طالبان نبودند؛ که در نتیجه جلوی پیشروی طالبان را گرفتند و مجاهدین توانستند تجدید قوا نمایند.

فرمانده احمد شاه مسعود به مرام خویش رسیده بود و آن بازگشایی جبهه جدید علیه طالبان در صفحات شمال بود تا فشار جنگ از تخار و بدخشان و پنجشیر کاسته شود.

## آغاز جنگ فراگیر در دره صوف

همزمان با شروع جنگ در دره صوف نماینده خاص فرمانده احمد شاه مسعود (مولانا فرید قربان) با تعداد دیگر که در رأس آنها شخصی به نام آقای محمدی بود به ولسوالی دره صوف آمده بودند. آنها در پشت جبهه موقعیت لوژستیکی و تخریبی جبهه را در دست داشتند.

مولانا فرید قربان نماینده خاص احمد شاه مسعود و آقای محمدی از پنجشیر آمده بودند آنها مأموریت پیشبرد امورات مالی و تسلیحاتی جبهه را در دست داشتند. من (عبدالؤمن طلوع) هر روز این افراد را در مرکزیت بازار حسنی می دیدم. آنها مستقیماً اکمالات جبهه را به عهده داشتند.

قریه حسنی منطقه کوهستانی و سوق الجیشی در حصار کوهی قرار دارد که مناسب ترین جای برای مرکز مقاومت در دره صوف انتخاب شده بود. قریه حسنی همچنان که در آغاز انقلاب مرکز مقاومت مجاهدین در

دره صوف در گذر بحران تاریخ ————— توسلی - طلوع /- ۲۰۴

دره صوف بود اکنون یک بار دیگر مورد توجه مجاهدین و طالبان قرار گرفتند. نیروهای طالبان تا نزدیکی های قریه حسنی پیشروی نمودند. اما قادر نشدند که قریه حسنی را تسخیر نمایند مجاهدین هیچ هراسی از پیشروی طالبان نداشتند، تنها تشویش مجاهدین کمبود مهمات و به خصوص مرمی راکت انداز RPG-۷ بود که در جنگها نقش کلیدی داشتند.

مولانا فرید قربان و آقای محمدی سخت سرگرم تجهیزات جبهه نو تشکیل دره صوف بودند آنها مستقیماً جبهه را اکمال می نمودند قوماندان های جبهه مستقیماً از مولانا فرید قربان و محمدی پول می گرفتند و مهمات می خریدند.

بازار نو تشکیل حسنی به مرکز فروش انواع و اقسام تسلیحات نظامی مبدل شده بود هر نوع تجهیزات نظامی پیدا می شد و در بین مردم داد و ستد می شدند.

اکمالات لوژستیکی و تخنیکی جبهه نو تشکیل دره صوف را خود مردم تهیه و تدارک می دیدند، در اکثری جنگ های خونین دره صوف مردم مهمات و تجهیزات جبهه را فراهم می نمودند. مهمات و تجهیزات که از طرف مولانا فرید قربان برای جبهه دره صوف داده می شد نیازمندی های جبهه را مرفوع نمی کرد.

## اعزام دگر جنرال محمد یاسین به دره صوف

جبهه نو تشکیل دره صوف اشد ضرورت به سر و سامان داشت. در چنین مرحله سخت زمستانی که هر روز برف و باران شدید می‌بارد با وصفی آنکه هزاران فامیل دره صوفی از نقاط مرکزی دره صوف سرولنگ، زیرکی، تنگی یعقوب، سیدآباد، دهن شوراب مهاجر شده بودند و در نقاط کوهستانی دره صوف منطقه دایمیرداد، خواجه بلند و حسنی پناه آورده بودند و از سوی دیگر قوای عظیم طالبان نقاط مرکزی دره صوف را متصرف شده بودند و هر لحظه امکان پیشروی طالبان به سوی قریه حسنی متصور بود. در چنین لحظات حساس سخت جنگی قوماندان دگر جنرال محمد یاسین با بیش از دو صد نفر مسلح از طرف مرکزیت استاد حاج محمد محقق در بلخاب (دهانه) به مرکز حسنی رسیدند آنها چندین شبانه روز پیاده روی نموده بودند چشم‌های شان را برف برده و پاهای شان را آبله زده بودند.

حضور دگر جنرال قوماندان محمد یاسین به دره صوف در آن شرایط حساس نوید بخش آرامش قلبی به جبهه دره صوف بود.

دگر جنرال قوماندان محمد یاسین قوماندان فرقه (۰۳۰) حزب وحدت در شهر مزار شریف بود. او به دره صوف آمده تا جبهه نو بنیاد تازه تشکیل دره صوف را سوق و اداره نماید. دگر جنرال قوماندان محمد یاسین مرد مؤمن و مجاهد پاک سیرتی بود که حاج محمد محقق به او سخت احترام داشت و

دره صوف در گذر بحران تاریخ ————— توسلی - طلوع / - ۲۰۶

او را شائسته قوماندانی جبهه دره صوف می‌دانستند. دگر جنرال قوماندان محمد یاسین بعد از چند روز استراحت و آرامش قلبی در اولین فرصت نیروهای رزمی اش را به خط مقدم جبهه در قریه زیرکی فرستادند. او با تمام مجاهدین و سنگر داران خویش به خط مقدم جبهه رفتند تا معاینه پروای تکتیکی نظامی را انجام دهند.

چند روز بعد از حضور دگر جنرال قوماندان محمد یاسین در خط مقدم جبهه هیأتی مرکب از (معلم عبد الرزاق و معلم عبدالمؤمن طلوع) از طرف نماینده وزارت دفاع دولت اسلامی مولانا فرید قربان مأمور و سروی جبهه مرکزی دره صوف شدند.

سروی مصادف شد با آرایش پروای نظامی دگر جنرال قوماندان محمد یاسین در قریه زیرکی جنگل قول من (عبدالمؤمن طلوع) قوماندان محمد یاسین را در (جنگل قول) ملاقات نمودم، او شخصی بسیار خوش اخلاق و خوش برخورد، متین و شکسته ای بود افراد نظامی خویش را تعلیمات تکتیکی نظامی، ضبط و فروت یاد می‌دادند و تمرینات نظامی داشتند. آنها برای یک جنگ پیروز مندانه آمادگی می‌گرفتند. افراد تحت فرماندهی دگر جنرال قوماندان محمد یاسین به تعداد (۲۵۰) نفر بودند که در همایش رژه نظامی او اشتراک نموده بودند. جبهه مرکزی دره صوف را سروی نمودیم بیش از ۵۰۰ نفر مسلح در خط مقدم جبهه به استقامت دو کوه مهم و

استراتژیک کوه خواجه حاجت در شرق و کوه اوشقول در غرب و در تگاب اصلی دره صوف سنگرهای دفاعی داشتند. شایان ذکر است که سه کمر بند دفاعی در برابر طالبان تشکیل شده بودند که عبارت اند:

أ. جبهه مرکزی و تگاب اصلی دره صوف

ب. جبهه شرق دره صوف که از قریه نوآمد و شیخه و خواجه بلند شروع می شود و به استقامت شرق دره صوف الی کوه (تیرک) خطوط جبهه امتداد یافته بود.

ج. جبهه غرب دره صوف در استقامت هشتلیز، کوتل عباسک، کوتل لیجو و بیلاق حسنی امتداد داشت.

بعد از برگشتن از خط مقدم جبهه راپور خویش را به مولانا فرید قربان تسلیم نمودیم و در اولین قدم از طرف نماینده وزارت دفاع مرکزیت مشترک لوژیستیکی برای اعاشه مجاهدین در تگاب حسنی به وجود آمد که مرکزیت لوژیستیک در بازار حسنی نقش بسیار مهم و ارزنده در نظم و نسق امورات مجاهدین قرار داشت. ضرب المثل معروف است. که می گوید ظفر از معده سرباز می گذرد، مرکزیت اصلی لوژیستیکی جبهه در بازار حسنی بود و مرکزیت دوم آن را مجاهدین در خط مقدم جبهه تشکیل داده بودند. کارها به سرعت در حال شکل گرفتن بود؛ جنگ مردم ما جنگ دفاعی بود و لذا همه مردم در آن سهم بارز داشتند.

ترکیب هیئت لوژستیک مشترکاً از احزاب (وحدت و حرکت) تشکیل شده بودند. ضابط ظاهر آمر لوژستیک، معلم عبد الرزاق معاون لوژستیک، معلم عبدالمؤمن طلوع آمر اعاشه جبهه دره صوف بودند. همزمان با تشکیل مرکزیت لوژستیکی و نزدیک شدن ماه محرم از طرف شورای تصمیم گیری ولسوالی دره صوف به تمام نقاط دره صوف هیأت تبلیغی فرستاده شده بود تا کمک های مالی و جنسی مردم را جلب و جذب نمایند.

مردم شریف دره صوف علیرغمی محاصره اقتصادی و کمبود مواد غذایی و... ده ها مال و گوسفند و گاو و صد ها سیر مزار گندم را به جبهه دره صوف کمک نمودند که بعد از تنظیم توسط مرکزیت لوژستیک به خطوط مقدم جبهه فرستاده می شدند و شخصاً «عبدالمؤمن طلوع» مسؤل توزیع و انتقال اعاشه به خط مقدم جبهه بودند.

مولانا فرید قربان اعاشه ۵۰۰ نفر جنگی را در پانزده روز مبلغ یازده صد و بیست پنج لگ افغانی منظور نموده بود که با حضور داشت کارمندان لوژستیک مبلغ مذکور را از مولانا فرید قربان در یافت کردند و بعد از آن اعضاء لوژیستک عملاً کار خویش را شروع نمودند و مرکزیت لوژستیک وظیفه داشتند در آغاز اعاشه گرم به خط مقدم جبهه بفرستند که روزانه پنج سیر مزار گوشت پخته و به تعداد دو هزار قرص نان به جبهه فرستاده می شد.



دره صوف در گذر بحران تاریخ ————— توسلی - طلو ۶ - / ۲۰۹

آمریت اعاشه لوژیستیک در پهلوی اعاشه گرم روزانه ۱۲ کیلو روغن و ۲ سیر مزار برنج و چندین قوطی بطری مخابره و دو کیلو چای خشک نیز به خط مقدم جبهه منتقل می نمودند.

نیروهای جنگی دگر جنرال قوماندان محمد یاسین علیرغمی که در خط مقدم جبهه جا به جا شده بودند. و از طرف مرکزیت لوژیستیک جبهه اعاشه گرم در یافت می نمودند. اما برای نیروهایش لوژیستیک ریزف مستقل ساخته بود که تحت نام لوژیستیک فرقه کار می نمودند. انجینر علیجان جاوید و سید حبیب الله در رأس لوژیستیک فرقه قرار داشتند و کارهای اعاشوی جبهه را به پیش می بردند. ما هر روز همدیگر را در مسیر راه یا در بازار حسنی ملاقات می نمودیم.

وسایل نقلیه وجود نداشت برای حمل و نقل مواد خوراکی و اعاشه گرم مجاهدین از اسب و الاغ کرایه استفاده می کردیم.

در آغاز حضور دگر جنرال قوماندان محمد یاسین به جبهه دره صوف ایشان یک پایه زیکو یک (سلاح ثقیله) ضد طیاره را در کوه خواجه حاجت انتقال دادند که می توانست پشتیبان خوبی برای نیروهای پیاده جنگی باشند در پهلوی آن دو پایه زیو (۲۲mm) دو میله از حاج خلیل و حاج حسین (برادر سید حاج داود) کمکی بزرگی برای جبهه دره صوف بودند.

دگر جنرال قوماندان محمد یاسین اولین حملات جنگی خویش را بالای پوسته های طالبان در ماه محرم سال ۱۳۷۸ ه.ش شروع کردند که در اولین قدم دشمن شکست خورده دست به فرار زده و مناطقی زیرکی، دهن شوراب، سرولنگ، بازار مرکزی دره صوف، تحتجوی، سیدآباد، تنگی یعقوب، کوه کافری، کوه الغانا، کوه مخاברה، بند بکچوک و ازبیک پریده به تصرف مجاهدین درآمدند. فتوحات جدید مجاهدین باعث تقویه جبهه و تقویه روحیه مجاهدین شدند در این جنگ مهمات زیادی به غنیمت مجاهدین در آمدند از جمله چندین عراده موتر و یک عراده صرف که مربوط قوماندان مجید پاد شاه خان تاشقرغانی فرمانده ارشد طالبان بود نیز از جمله غنایمی بود که به تصرف مجاهدین افتاد. در این جنگ مجید پادشاه خان عنقریب اسیر شده بود اما با حيله و مکاری عجیبی از صحنه جنگی گریخته بود.

تصرف مرکز دره صوف تحولی بزرگی بود که در آغاز سال ۱۳۷۸ اتفاق افتاد. مردم دره صوف در ماه محرم در کلیه تکیه خانه ها و مساجد دعا می کردند که مجاهدین پیروز شوند و طالبان شکست بخورند. اما شکست طالبان در این مرحله شکست اساسی و مهمی بودند طالبان در گرداب سختی گیر مانده بودند. جبهه دره صوف یک گام به پیش رفته بود و دشمن قوی در این صحنه ناکام مانده و زمین گیر شده بودند.

مناطق هزاره نشین ولسوالی دره صوف به کلی پاک سازی شده بودند، آزادی تمام نقاط هزاره نشین دره صوف فصل امید بخشی بود به کلیه مجاهدین که در دره صوف جمع شده بودند. هزاره های دره صوف سر سختانه از عزت و ناموس خویش دفاع می کردند آنها به یک جنگ ناخواسته سوق داده شده بودند. اما اینکه مفاد این جنگ به جیب چه کسی آب می خورد اصلاً مد نظر نداشتند تنها دفاع از عزت و ناموس یگانه آرمان بزرگ این مردم بودند.

جبهه غرب دره صوف را قوماندان غلام و ملا صبغه از جمعیت اسلامی در اختیار داشتند که نقاط زاغ و فولاد و میر که در اختیار آنها بودند. پیشروی نیروهای حزب وحدت و حرکت اسلامی تا ساحه سفید کوتل برای مردم دره صوف پیروزی بزرگی بودند آنها تمام نقاط هزاره نشین را در کنترل خویش داشتند. هزاره ها و تاجیکهای دره صوف به جنگ ناخواسته کشانده شده بودند. ازبیکهای شرق دره صوف سرسختانه با طالبان همکار بودند که بزرگترین مانع پیشروی مجاهدین به سوی مزار شریف به شمار می رفتند.

مولوی سعدی، مولوی اکرم و قوماندان حاج اسلم از جمله افراد سر سخت طالبان بودند که در شمال شرق دره صوف حاکمیت داشتند و یگانه مانع پیشروی مجاهدین به حساب می آمدند مجاهدین در دره صوف در محاصره اقتصادی و نظامی باقی مانده بودند.

قله‌یی استراتژیکی سفید کوتل و گذرگاه معروف چیچل در اختیار حاج اسلم بود؛ حاج اسلم در قریه مقصود دره صوف صدها مرد جنگی داشت و از طالبان حمایت می نمودند.

سفید کوتل و گذرگاه چیچل دو نقطه مهم در شمال افغانستان می باشد که در حقیقت حاکمیت بالای سفید کوتل و گذرگاه چیچل به معنای حاکمیت بالای مزار شریف و شمال افغانستان به شمار می روند. این دو نقطه استراتژیکی در اختیار حاج اسلم، مولوی اکرم و مولوی سعدی بود و طالبان با همکاری این دو قوماندان ازبیک با مردم هزاره و تاجیک (هزاره های سنی مذهب) دره صوف می جنگیدند.

جنگ دره صوف در حقیقت جنگ با تحریک طالبانی منطوقی بود؛ در دره صوف پشتون های قندهاری نبودند که می جنگیدن بلکه همین مردمی بومی خود دره صوف بودند که خاری چشم شده بود و جلو رشد جبهه جدید در دره صوف را گرفته بودند و دیگر راه پیشروی هم وجود نداشتند بارها سفید کوتل و گذرگاه چیچل به دست مجاهدین سقوط نموده بود اما از چیچل و سفید کوتل الی شولگره (بوینه قره) و مزار شریف مناطقی جزیره ای در مسیر راه وجود دارد که اکثریت آن مناطق ازبیک نشین است عدم همکاری این مردم باعث دوام مقاومت در دره صوف شده بود در

صورتی که این مردم با جبهه دره صوف همکاری می نمودند طالبان در هیچ نقطه ای از شمال افغانستان نمی توانستند مقاومت نمایند.

بهار ۱۳۷۸ه.ش بهار پیروزی برای مردم هزاره دره صوف بودند. هزاره ها در جنگ با طالبان سر بلند و پیروز شده بودند تمام نقاط دره صوف به جنگ کشانده شده بودند. تعداد زیاد قوماندان های شرق دره صوف یعنی قوماندانهای ازبیک ها هم به مرکز حسنی آمده بودند که جبهه جدیدی ضد طالبان را در شرق و شمال شرق دره صوف باز نمایند. از جمله قوماندان ظاهر دایکندی قوماندان عجب خان سمنگانی.

مردم دره صوف برای بقا و عزت خویش سرسختانه می جنگیدند. هزاره های دره صوف نقش تعیین کننده در این جنگ داشتند. کابوس وحشتناک طالبان در دره صوف درهم شکسته بود طالبان در باتلاق جنگ دره صوف گیر مانده بودند. مردم دره صوف نفسی تازه می کشیدند آنها از یک قمار بزرگ پیروز برآمده بودند. شکست مردم دره صوف باعث قتل عام کلیه مناطق آن می شدند. و پیروزی آنها سر بلندی کلیه هزاره ها در سر تا سر افغانستان به حساب می آمدند. همگان قوماندان سردار محمد حسین جهانی و دگر جنرال قوماندان محمد یاسین را دعا می کردند و آنها را قهرمان این تراژدی بزرگ می دانستند.

## مبادله اسرای جنگی

جنگ دره صوف تکان سختی بود برای طالبان که آنها باید تاوان آن را می‌پرداختند، جبهه جدیدی در صفحات شمال کشور باز شده بود که در اولین جنگ بعد از حضور سردار محمد حسین جهانی و دگر جنرال قوماندان محمد یاسین به دره صوف ده ها تن از نیروهای طالبان کشته شدند و ده هاتن دیگر اسیر شدند که یکی از اسرا عربی عراقی به نام انجینر شهاب الدین که از عراق آمده بود او فارغ التحصیل دانشگاه بغداد از رشته اقتصاد فارغ شده بود. او از شهر بغداد و به جنگ کفار آمده بود به او گفته شده بود که اتحاد شمال کافر هستند. او معاون اسامه بن لادن در سمت شمال افغانستان بود.

تحریرک طالبان حاضر شده بودند که اسراء را تبادل نمایند و آنها اصرار داشتند که انجینر شهاب الدین و ولسوال دره صوف زود تر از همه تبادل شوند اما جبهه دره صوف پیشنهاد تبادل اسراء را پذیرفتند نه آنچه که طالبان می‌گفتند.

اولین نقطه برای تبادل اسراء حد فاصل بازار (دهی) و بازار مرکزی دره صوف تعیین شدند که تعداد زیادی مرده های طالبان در بازار دهی تبادل شدند و در مقابل تعدادی از اسیران مردم دره صوف آزاد شدند.

این اولین مرحله تبادل اسراء بودند که با موفقیت انجام شد و برای مقاومت دره صوف نقش بارزی داشتند که مشروعیت این جبهه را برای تمام مردم افغانستان ثابت ساختند و جهانیان هم به این باور رسیدند که جبهه جدیدی در برابر طالبان در شمال کشور تشکیل شده است. لذا طالبان از این ناحیه سخت نگران بودند که مشکل آنها زیاد شده است.

زیرا طالبان فکر می کردند که قضیه افغانستان خاتمه یافته است و آنها صد فیصد به این کشور مسلط شده اند. در حالی که هنوز ریشه های مقاومت در کوهستانات سمنگان، سرپل، بدخشان و تخار زنده بودند و در حال ریشه دواندن به صفحات شمال کشور بود که این حرکت جدید معضله بزرگی برای طالبان شده به شمار می رفت.

مرحله اول تبادل اسراء عملی شد اما آنچه طالبان می خواستند انجام نشد. لذا بار دیگر پیشنهاد تبادل اسیران جنگی را نمودند. آنها آزادی انجینر شهاب الدین را می خواستند اما جبهه دره صوف حاضر نبود این عرب عراقی را به این زودی ها آزاد سازند.

### **مرحله دوم تبادل اسیران جنگی**

مرحله دوم تبادل اسیران جنگی در نقطه دیگری به نام قریه گذره ولسوالی روی دو آب ولایت سمنگان خوب ترین نقطه انتخاب شده بود صورت گرفت که تحت تسلط مولوی اسلام تاتار بود.

مولوی اسلام در جنگ دره صوف از طالبان حمایت می نمود. این بار تبادل اسراء در حد فاصل بین دو ولسوالی در نقطه ای به نام قریه گذره والملی عملی شد که در برابر آزادی طالبان بیش از سی نفر از مجاهدین حزب وحدت و حرکت اسلامی از محبس قندهار آزاد شدند.

اسیران طالبان اکثریت پشتون های وردک بودند که زبان فارسی را خوب بلد بود و با مردم دره صوف برخورد نیک و انسانی داشتند. آنها در آغاز جنگ دره صوف اسیر شده بودند که شامل ولسوال دره صوف و ۲۱ نفر دیگر بودند که در ۸ حوت ۱۳۷۷ه.ش اسیر شده بودند و در مرکزیت حسنی نگهداری می شدند و بعداً به مدرسه کمج منتقل شدند. در برابر آزادی این ۲۲ نفر افراد طالبان اشخاص ذیل از محبس قندهار آزاد شدند که عبارت اند:

- ۱- حاج ذبیح الله مسؤل شورای ولایتی بغلان حزب وحدت
- ۲- آقای موسوی بغلانی عضو شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی و عضو شورای ولایتی بغلان حزب وحدت
- ۳- جنرال مرتضی معاون فرقه پنج حزب وحدت از ولسوالی چارکنت ولایت بلخ
- ۴- داکتر محمد ابراهیم بیدار از قریه سرولنگ دره صوف



۵- قوماندان قیس معاون گار نیزیون شهری مزار شریف از مرکز

بازار دره صوف

۶- کربلای خلیفه جمعه از چمتال بلخ

و ده ها تن افراد غیر نظامی و نظامی دیگر که بعد از سالها حبس در زندان قندهار رها شدند که در بین آنها سه نفر از ولایت بامیان بودند.

رهایی اسراء از زندان قندهار برای تحریک طالبان سخت تگان دهنده و مشکل تمام شد. آنها درک نموده بودند که دره صوف مرکز ثقل مقاومت دیگری علیه طالبان در شمال ایجاد شده بود.

[قیام هزاره ها بیخ و بنیاد طالبان را خواهند کند] اصطلاحی بود که همه ای هزاره ها آنرا شعار می دادند زیرا مردم هزاره سخت مردم مقاوم و غیور هستند و حکومت افراط گرایی طالبانی را نمی خواستند.

اسرائی مردم دره صوف به شکل بسیار عالی استقبال شدند، روز نهم ماه محرم ۱۳۷۸ه.ش به مرکزیت حسنی رسیدند، رهایی محبوسین چشم روشنی بزرگی برای مردم هزاره سمت شمال بودند.

زندانیان هزاره قصه های تلخی از زندانهای مزار شریف الی قندهار می نمودند از شکنجه های طاقت فرسا شلاق، خفه کردن، برق دادن، بیخوابی، سر به پائین آویزان نمودن و ده ها شکنجه ای دیگر و... آنها می گفتند ما هم

شنیده بودیم که ولسوالی دره صوف در مقابل طالبان قیام نموده اند اما این قدر امید وار نبودیم که روزی توسط جنگ دره صوف تبادل و آزاد شویم. هر لحظه مرگ را پیشروی خود احساس می کردیم هنگامی که درب مخوف زندان را باز می کردند و نام های ما را می خواندند همه روحیه خود را می باختیم و کلمه خود را می خواندیم که به دنبال ما آمده و همه را خواهند کشت. هیچ باور نمی کردیم که به این سادگی از آن زندان وحشتناک قرون وسطایی طالبان آزاد شویم. این لطف خداوند بود که به همت و مردانگی مردم دره صوف بار دیگر زنده شدیم و به جمع خانواده پیوستیم.

آنها همه شاد و خندان بودند و از شوق گریه می کردند اما در مقابل فامیل های شان نیز اشک شوق می ریختند و بی اندازه شاد مان بودند که آنها آزاد شده اند و به جمع فامیل شان پیوسته اند.

آنها از زندان قندهار جز وحشت و ترس دیگر چیزی نمی گفتند و خاطراتی تلخی داشتند اما در مقابل از مقاومت مردم هزاره دره صوف و بلخاب بی اندازه تمجید می نمودند که باعث آزادی آنها شده است. حاج ذبیح الله و آقای موسوی خانواده هایشان در خارج از کشور مهاجر بودند لذا آنها بعد از سپری شدن ماه محرم ۱۳۷۸ ه.ش جهت باز دید از مرکزیت حزب وحدت در بلخاب راهی ولسوالی بلخاب مرکز فرماندهی استاد حاج محمد محقق شدند.

## تصرف سفید کوتل

سفید کوتل نقطه حاکم بالای ولسوالی دره صوف است که در تصرف حاج اسلم و مولوی سعدی قرار داشت. دگر جنرال قوماندان محمد یاسین در اولین جنگی رویا روی با طالبان داشت جهت تصرف سفید کوتل و چیچل حمله بالای طالبان را آغاز نمودند، او خواستار سقوط سفید کوتل و گذرگاه چیچل بود تا دشمن را از ساحه ولسوالی دره صوف دور ساخته و جنگ را به ولسوالی کشنده ولایت بلخ بکشاند. مجاهدین حزب وحدت و حرکت اسلامی پیشروی خویش را از ساحه مرکز ولسوالی دره صوف شروع نمودند که در اولین فرصت سفید کوتل، قریه مقصود و قریه گلوانسای را فتح نمودند و از جانب غرب دره صوف ملا صبغه و قوماندان غلام گذرگاه چیچل را متصرف شدند و از ساحه شرق دره صوف مناطق لبابی سرخوی و بیانان. به تصرف مجاهدین قریه خواجه بلند و دایکلان درآمدند که فرماندهی جنگ را معلم ابراهیم توسلی، قوماندان امیری، آمرسلطان، جنرال شجاعی و... به عهده داشتند در این جنگ نا برابر از جمله یک ضرب توپ ۸۲mm، یک پایه دهشکه روسی و سه ضرب هاوان ۶۰ mm دو میل زیو ۲۳ mm و یک پایه چهل میله و یک فروند هلیکوپتر و مقدار زیادی مهمات مختلف النوع به غنیمت مجاهدین درآمدند و پنج نفر از نیروهای طالبان اسیر شدند. اسیران طالبان عبارت از پیلوت عبد الحمید و ملا عبد الباری قوماندان ارشد

دره صوف در گذر بحران تاریخ ————— توسلی - طلوع ۶ - / ۲۲۰

طالبان بود. آنها بعد از اسارت در اولین قدم ذریعه هلیکوپتر به مرکز حسنی منتقل شدند. این هلیکوپتر توسط پیلوت عبد الحمید و ملا عبد الباری مهمات و اعاشه گرم و امکانات مالی برای طالبان آورده بودند آنها بدون اطلاع قبلی نزدیک سنگرهای مجاهدین در سفید کوتل به زمین نشسته بودند که توسط قوماندانان هریک معلم ابراهیم توسلی، امیری، ظاهر قوماندان، آمرسلطان، جنرال محمد علی شجاعی، امیری دایکلان و نسیم حاجی هاشم به غنیمت گرفته شده بود.

ساعت ده قبل از ظهر مردم قریه حسنی و کلیه مردم مهاجر سخت پریشان و مظطرب بودند که چطور امکان دارد یک بال هلیکوپتر از بلندای کوه های دره حسنی نمایان شود، مردم حسنی و کلیه مردم بازار بسیار پریشان شدند که نکنند جبهه شکست خورده باشند و طالبان به مناطق مرکزی تگاب دره صوف مسلط شده باشند که طیاره اش این قدر پایان پرواز نموده است. اما هلیکوپتر فضای قریه حسنی را دور زد و در نزدیکی مدرسه تگاب حسنی به زمین نشست نفس ها در سینه حبس شده بود تمام مردم نگران بودند و منتظر باز شدن دروازه هلیکوپتر بودن که ناگهان نسیم قوماندان با فریاد الله اکبر سکوت سهمگین جمعیت مردمی را شکستن و همزمان تمام جمعیت با سرور و خوشحالی فریادالله اکبر سردادند آنها خوشحال بودند که مجاهدین پیروز شده و یک بال هلیکوپتر را به مرکز حسنی منتقل کرده اند که در آن

ساعات روز آمدن هلیکوپتر در ارتفاع پایین به مرکز حسنی غیر قابل تصور بود. قوماندان نسیم از مردم تقاضا نمود از دور و بر هلیکوپتر دور شوند. آنگاه همه فهمیدند که هلیکوپتر را مجاهدین به غنیمت گرفته است. مردم بازار و صد ها دکاندار پیر و جوان با شور و شوق به دیدن هلیکوپتر آمده بودند تا اولین موفقیت مجاهدین را تماشا نمایند و به آنها مبارک باد گویند، مردم شعار می دادند، الله اکبر زنده باد مجاهدین و... همه شاد و خوشحال بودند.

پیلوت عبد الحمید و ملا عبد الباری در این طیاره اسیر شده بودند. پیلوت عبد الحمید پشتون قد بلند، خوش قواره، با ریش دراز، کلاه سفید به سر داشت، خرسند و خوشحال به نظر می رسید. به سوی مردم دست تکان می داد اما بر عکس ملا عبد الباری دستهایش پشت سرش بسته بود و همانند اسیر جنگی با او بر خورد شده بود.

ملا عبدالباری فرد مهمی در حکومت طالبان بود زیرا او تنها در این پرواز به دره صوف آمده بود بدون بادیگارد و محافظ امنیتی. او قوماندان ارشد طالبان بود و در حقیقت می خواست که جبهه دره صوف را به شکل اساسی سرو سامان دهد و موقعیت جنگی جبهه را کنترل نماید اما در این جنگ او به اسارت نیروهای مجاهدین در آمده بود.

آنها را به مدرسه حسنی انتقال دادند تا اندکی خستگی خویش را بگیرند اما پیلوت عبد الحمید به مسئولین دره صوف گفته بود که طیاره را در جای امن منتقل نمایند زیرا همین لحظه امکان دارد جتهای جنگی طالبان از راه رسند و منطقه را بمباردمان نمایند. که در آن صورت هلیکوپتر هم از بین خواهد رفت.

شورای تصمیم گیری شمال بعد از تشکیل جلسه اضطراری و تماس با حاج محمد محقق فیصله نمودند که پیلوت عبدالحمید ذریعه هلیکوپتر به بلخاب فرستاده شود اما ملا عبدالباری جهت تحقیقات بیشتر در دره صوف باقی بماند. پیلوت عبد الحمید ذریعه طیاره به بلخاب فرستاده شد عقربه ساعت نزدیکی های ۱۲:۰۰ ظهر را نشان می داد که دو جت سفید رنگ بالای آسمان نیلگون دره صوف ظاهر شدند فضای آرام؛ قریه های حسنی، نو آمد، شیخه، پسقول، خواجه بلند و دایمیرداد در هم شکستن و دور زد اما اثری از هلیکوپتر در ساحه دره صوف پیدا نتوانستند.

جتها رفتند اما یک ساعت بعد بار دیگر غرش جتهای جنگی طالبان فضای آرام دره صوف را درهم شکستند. جتهای جنگی تمام نقاط مرکزی دره صوف، سنگر های مجاهدین را یکی پی دیگری دور می زدند و به دقت نظر اندازی می نمودند. اما اثری از هلیکوپتر پیدا نکردند، جتها چندین نقطه یی دره صوف را بمباردمان کردند.

## ملا عبد الباری یا ملا داد الله

ملا عبدالباری یکی از قو ماندانهای مشهور طالبان در شمال افغانستان بود که در جنگ دره صوف بعد از رسیدن به خط مقدم جبهه یکجا با پیلوت عبدالحمید دستگیر شده بودند. او تنها به دره صوف آمده بود ملا عبدالباری از ولایت هلمند بود. مرد میان سال با ریش انبوه و سیاه و چشمان کبود داشت. با وصفی آنکه یک پایش در جنگها قطع شده بود و از پای مصنوعی کار می گرفت. او برای جبهه طالبان کار می کرد. اسارت برای ملا عبدالباری سخت تمام شده بود زیرا او شباهت زیادی به شخصی داشت که در کنار عکس رهبر شهید استاد عبدالعلی مزاری رحمته الله علیه قرار داشت هنگامی که او را اسیر گرفته بودند و شکنجه داده بودند دیده می شد. من (عبدال مؤمن طلوع) او را ملا عبدالباری خطاب می کردم زیرا در پاسپورت او ملا عبد الباری نوشته شده بود.

از او سوال نمودیم که شما ملا عبدالباری هستید یا ملا دادالله؟ او در جواب گفت: من ملا عبدالباری هستم در پاسپورتم همان چیز نوشته شده است. از او سوال شد که چرا تنها در هلیکوپتر به دره صوف آمدی؟ او در جواب گفت: برای سیاحت و تفریح در این طیاره آمده ام؛ من مسافر هستم و این هم پاسپورتم. من آمدم دره صوف را بینم که چه قسم جای است ولی

اسیر شدم. شورای تصمیم گیری شمال حزب وحدت حاج محسنی ولسوال سابقه شولگره را مسئول تحقیق از ملا عبدالباری تعیین نمودند.

شایعه سختی بین مردم پخش شد که ملا دادالله معروف به ملا دادالله لنگ دستگیر شده است. او یکی از قاتلین رهبر خردمند هزاره ها شهید استاد عبدالعلی مزاری رحمته الله علیه بود. او حالا در مدرسه حسنی در زندان به سر می برد. روزانه ده ها نفر به دیدن این طالب می آمدند تا او را از نزدیک ببینند. او شخصی بود که در شهادت شهید مزاری دست داشت و عکس او را در حالی گرفته بودند که شهید استاد عبدالعلی مزاری رحمته الله علیه را شکنجه می دادند به کلیه مردم وظیفه داده شد بود تا این عکس را پیدا نمایند. ما به سختی عکس اسارت رهبر شهید استاد عبدالعلی مزاری رحمته الله علیه را پیدا کردیم که در آن عکس دو طالب را نشان می داد که بالای سر رهبر شهید استاد عبدالعلی مزاری رحمته الله علیه ایستاده بودند و او را شکنجه می دادند. شباهت زیادی بین ملا دادالله و ملا عبدالباری وجود داشت. از ملا عبدالباری سوال نمودیم که این عکس را می شناسی...؟ او در جواب گفت: نه این عکس را نمی شناسم این عکس از کسیت. به او گفته شد که شما در شهادت رهبر شهید استاد عبدالعلی مزاری رحمته الله علیه دست داشته اید...؟ اما او این حرف را قبول نداشت.

به هر حال شاید حدسهای مردم صحیح بود و او واقعاً ملا دادالله لنگ بود که در پاسپورت ملا عبدالباری نوشته شده بود اما آنچه از لابلائی تحقیقات



دره صوف در گذر بحران تاریخ ————— توسلی - طلوعه - / ۲۲۵

ملا عبد الباری بدست آمد قابل یاد آوری است. ملا عبدالباری یا ملا دادالله از جمله قوماندانهای مهم طالبان بود که در فتح سفید کوتل اسیر شده بود.

## ملا عبد الباری مسؤل انتقالات طالبان در شمال کشور

این شخص هر کسی بود آدمی مهم و کلان طالبان به شمار می رفت و اسارت او شکستی بزرگی برای طالبان در جبهه دره صوف بود. بعد از فتح سفید کوتل و اسارت ملا عبدالباری و غنیمت یک بال هلیکوپتر شام همان روز حاج محمد محقق از بلخاب با رادیو بی بی سی (BBC) رادیو دری مشهد و دویچه ولی صدای آلمان مصاحبه نمود و فتح سفید کوتل و اسارت دو نفر طالب و غنیمت یک بال هلیکوپتر را تأیید نمودند حاج محمد محقق نامی از حزب وحدت نبردند و تنها به کلمه نیروهای جبهه متحد اکتفا نمود. صدای حاج محمد محقق از بلخاب جرقه امیدی به دل هزاران هزاره دل شکسته و سرگردان خانه بدوش بود که طنین صدای رسای استاد حاج محمد محقق نوید بخش آینده درخشانی برای هزاره های افغانستان بودند. این صدا مفهومی دیگری را باز گو می نمود که "ریشه های ما هنوز زنده اند" و پروژۀ متروکه ای امیر عبدالرحمان خانی در حال خشکیدن هستند صدای او صدای اعتراض ده میلیون هزاره ای بود که تحت ستم و ظلم تحریک طالبان زندگی می نمودند و این اولین بانگی اعتراض علیه طالبان بود. صدای

استاد حاج محمد محقق حنجره میلیونها هزاره ای بود که چنین روزی را انتظار می کشیدند تا خون تازه ای در شاهرگ هر انسان آزادی خواه جریان پیدا کند.

پیلوت عبد الحمید مدتها در بلخاب به عنوان اسیر جنگی نگهداری می شد. اما ملا عبد الباری بعد از تحقیقات مفصل چندین هفته بعد ذریعه الاغ به بلخاب فرستاده شد. پیلوت عبد الحمید تبادل شد اما چندین ماه در اسارت حزب وحدت اسلامی قرار داشت.

بعد از اسارت ملا عبد الباری طالبان چندین بار به دره صوف حمله هوای و زمینی نمودند اما هر بار شکست می خوردند و ناکام عقب نشینی نمودند.

### حمله طالبان به ولسوالی بلخاب

طالبان در سمت شمال افغانستان به بن بست نظامی مواجه شده بودند و تشکیل جبهه دره صوف و بلخاب را خطری بزرگی برای خود به شمار می آوردند. لذا در صدد خنثی سازی مرکزیت نظامی حزب وحدت افتادند و اولین حمله نظامی خود را بعد از آمدن حاج محمد محقق به بلخاب شروع نمودند. طالبان با تجهیز بیش از هشت هزار نفر حملات شدیدی را از هوا و زمین از استقامت سنگچارک، آبکلان بالای ولسوالی بلخاب آغاز نمودند.

هدف عمده طالبان تصرف ولسوالی بلخاب و از بین بردن مرکزیت فرماندهی حاج محمد محقق و باقی قوماندانها در بلخاب بود. در بلخاب ده ها قوماندان خورد و کلان گرد هم آمده بودند و آنها دره تنگ و باریک بلخاب را خوب ترین پناهگاه خویش احساس می کردند. در بلخاب از جمله قوماندان های معروف: لعل قوماندان، قوماندان فرقه ۷۰ حیرتان، عبد الرحمن سر جنگ، مولوی ظریف از سنگچارک، رئیس خیر محمد از آمرخ و زارع، عبدالحسین باقری از حرکت اسلامی مسؤل ولسوالی سنگچارک، آمر یونس، انور قوماندان، حاج ابراهیم چمتال، محمد عبده، استاد حاج محمد محقق و... دیگران همه جمع شده بودند و جبهه ضد طالبان را رهبری می کردند.

مشهور ترین قوماندانهای ازبیک، تاجیک و هزاره ها در آن خطه مشهود بود و هر روز می توانستی آنها را در بازار ترخوج ببینی و طالبان به خاطر نابودی مرکزیت اصلی آنها به بلخاب هجوم آورده بودند. قوای طالبان با پوشش هوایی مجهز و بمباردمان پیاپی و شدید و در دست داشتن وسایل جنگی قوی و مهمات و چندین عراده جات ثقیله از جمله چهار پایه زیو ۲۳mm و دهها میل راکت انداز حملات خویش را از استقامت آبکلان، دزدان دره، باجگاه به استقامت بازار ترخوج شروع کرده بودند.

به سرعت مناطق مذکور را تصرف نمودند. آنها در اولین قدم نقاط مذکور را پشت سر گذاشتند و بعد از آتش زدن منبر مردم باجگاه بلخاب که

دره صوف در گذر بحران تاریخ ————— توسلی - طلو ۶ - / ۲۲۸

در مسیر راه اییلاقی آنها قرار داشتند خود را به قم کوتل رساندند جنگ سختی در گرفت مجاهدین را طالبان با شدت تمام از زمین وهوا مورد حملات خود قرار می دادند.

## جنگ در قم کوتل

قم کوتل، کوتل عبوری و گذرگاه اصلی بلخاب از استقامت سنگچارک می باشد عبور از این کوتل به معنی تصرف تکاب اصلی بلخاب می باشد. طالبان در قم کوتل با مقاومت شدیدی مجاهدین مواجه شدند. اما بمبارد شدید و دیسانت کردن تعدادی زیادی نیروهای جنگی طالبان توسط هلیکوپتر در کوه های جنوبی بلخاب که به نام کوه (روغنی) یاد می شود. خطوط مقدم جبهه مجاهدین شکست خورد و پیشروی طالبان به استقامت قم کوتل و (کیل کوه) و (قلعه چه) ادامه یافتند که نزدیک ترین نقطه به بازار مرکزی بلخاب (ترخوج) می باشد طالبان توسط موترهای داتسن و نیسان با سرعت تمام پیش آمدند. در نزدیکی بازار ترخوج که به نام قلعه چه یاد می شود خانه های مردم را به آتش کشیدند.

حاج محمد محقق و باقی قوماندانها از مرکز اصلی خویش در ترخوج که به نام (دهانه) یاد می شود عقب نشینی تکتیکی نمودند. تنها نقطه ای که

جلو پیشروی طالبان را مسدود نموده بودند پل چوبی بود که قلعه چه را به بازار ترخوج وصل می نمود. این پل توسط مجاهدین کشیده شده بود. مجاهدین حزب وحدت و جنبش ملی به فرماندهی آچل قوماندان در وسط درختان انبوه موضع دفاعی گرفته بود با رسیدن طالبان در این نقطه ناگهان مجاهدین با حملات شدید بالای طالبان کشته و زخمی شدن تعداد زیادی از نیروهای طالبان آنها مجبور به فرار شدند در این جنگ آچل قوماندان به شهادت رسیدند.

مجاهدین و پرسونل نظامی همراه با حاج محمد محقق به طرف ولسوالی دره صوف عقب نشینی نموده بودند. صد ها نفر از بلخاب پیاده یا سواره خود را از صحنه جنگ کشیدند به دره صوف آمده بودند از جمله حاج ذبیح الله و موسوی بغلانی که تازه به دیدار حاج محمد محقق رفته بودند بار دیگر به مرکز حسنی باز گشتند.

عده ای از مجاهدین در مسیر راه حین فرار از بلخاب با کمین برخورد نمودند که دو نفر از این مجاهدین شهید شدند آن دو نفر اولی طلبه ای به نام اسد الله حبیب زاده و شخصی دیگر علی جمعه یاد می شد که هر دو از دره صوف بودند.

آنها در یک کاروان بزرگ نظامی حرکت می نمودند که در مسیر راه با دزدان مسلح رو به رو شدند. مخالفین حاج محمد محقق فکر نموده بودند

که حاج محمد محقق از بلخاب می‌گریزد او نباید زنده از بلخاب فرار نماید. لذا در مسیر راه در قریه (لرکت) راه او را گرفته بودند که از قضا در این کمین قیس فصیحی قوماندان امنیه سابق ولایت بلخ و بختیاری قریه دار، اسدالله حبیب زاده و علی جمعه با تعدادی از مجاهدین به سمت دره صوف حرکت می‌کردند که با کمین رو به رو شدند و بعد از درگیریهای چند ساعته اسدالله حبیب زاده و علی جمعه شهید شدند و قیس فصیحی و تعدادی از مجاهدین زخمی شدند و دزدان مسلح از صحنه متواری شدند فصیحی و کاروان شکست خورده او سوگوار به دره صوف رسیدند.

آنها حاج محمد محقق را تنها گذاشتند و خود جان شیرین خویش را نجات دادند. حاج محمد محقق تنها یک قدم عقب نشینی نمود و آن اسقرار در قریه (ووش) بلخاب بود.

جنگ بلخاب ادامه پیدا نمود هر چند شکستی های این جنگ فکر نمودند که کار همه خاتمه یافته و بلخاب سقوط خواهند نمود و دره صوف بدون جنگ تسلیم طالبان خواهند شد و لی در بلخاب دو قهرمان بزرگ جنگ های چریکی وجود داشتند که تسلیمی برای آنها بسیار مشکل بود. آن دو قوماندان آقای فهیمی و آقای صفایی بود. آقای فهیمی و آقای صفایی بلخاب را خوب آشنا بودند و با محیط آن کاملاً آگاهی داشتند آنها کوه و کمر بلخاب را خوب بلد بودند، اینک هر دو در کنار حاج محمد محقق

متحدانه سنگر دفاعی علیه طالبان باز نموده بودند. آنها از حاج محمد محقق حمایت می کردند؛ حملات طالبان به بلخاب برای آنها چندان اهمیت نداشت چون می دانستند که دره های پر پیچ و خم بلخاب غیر قابل تسخیر می باشند. آنها پلان جنگ چریکی و شیخون بالای سنگر های مرکز فرماندهی طالبان را طرح ریزی نمودند. شب هنگام گروه ضربتی آقای فهیمی خود را روی قم کوتل رسانده و مرکز فرماندهی طالبان را هدف قرار دادند و تمام راه های عقب نشینی طالبان را ماین گذاری نمودند. این شیخون شبانه شکستی سختی به طالبان وارد نمود که در فردای همان روز هشت هزار لشکر طالبان از بلخاب فرار نمودند که در مسیر راه ملا فضیل لوی درستیز طالبان موترش با ماین برخورد نمود و ملا فضیل به شدت زخمی شده بود.

مولوی نعمت الله هلمندی طالب دیگری بود که جسدش روی قم کوتل افتاده بود و از جمله قوماندانهای کلان طالبان بود که در دره بلخاب کشته شده بود. در جنگ بلخاب ملا برادر قوماندان مشهور طالبان فرمانده عملیات جنگی طالبان را به عهده داشت. او در فردای حمله طالبان بالایی بلخاب به طالبان گفته بود که در بلخاب جز کوه چیزی دیگری دیده نمی شود و اگر صد ها هزار لشکر را به بلخاب بیاوریم بلخاب را تسخیر نمی توانیم لذا فرمان عقب نشینی را داده بودند.



زراعت کاری مردم دره صوف



همت مردم درکار و تلاش او نهفته است





قریه چقیلک تیو تاش



خمی حوض بابر تیرک، زادگاه بابر

## فصل ششم

حضور قوماندانان جهادی به دره صوف



## آمدن احمد خان سمنگانی به دره صوف

قوماندان احمد خان سمنگانی و حاج حبیب الله از شولگره، قوماندان حکیم جرمن در بهار سال ۱۳۷۸ ه.ش از طرف جنرال عبدالرشید دوستم به دره صوف آمدند. احمد خان و حاج حبیب الله از قوماندانهای ارشد جنرال دوستم به شمار می‌رفتند. احمد خان از طرف مردم هزاره دره صوف مورد استقبال چشمگیری و در مرکز حسنی از او پذیرایی گرمی صورت گرفت.

احمد خان چند روزی در مرکز حسنی به صورت مهمان حضور داشت و در اولین فرصت مرکزیت نظامی خود را به حیدر کوتل نزدیک بازار مرکزی دره صوف منتقل نمود، احمد خان قوماندان مشهور ازبیک در شمال بود او به دره صوف آمده بود تا موانعی را که در خط مقدم جبهه علیه اتحاد شمال وجود داشت بر دارند.

احمد خان از همکاری حاج اسلم و مولوی سعدی بیانان با طالبان سخت ناراض بود، او فکر می‌کرد که شاید این مشکل توسط حضور فزیکمی او در دره صوف حل شود و ازبیک های دره صوف دست از

همکاری با طالبان بردارند و در جنگ علیه طالبان سهم بگیرند، اما متأسفانه نه تنها تغییرات در سطح جبهه دره صوف به استقامت چپچل و سفید کوتل و دایکندی پیش نیامد بلکه حملات طالبان زیاد تر گسترش پیدا نمود و ولسوالی دره صوف از زمین و هوا مورد تهاجم طالبان قرار گرفتند و جنگ های بسیار سختی در مناطق مرکزی دره صوف صورت گرفت و مرکز دره صوف چندین بار دست به دست شدند و طالبان به سمت تگاب اصلی دره صوف پیشروی نمودن. اما خوشبختانه طالبان هر بار با تلفات سنگین شکست می خوردند.

با آمدن احمد خان سمنگانی به دره صوف صد ها مرد جنگی از بیک تبار از خانه های شان فرار نمودند و خود را به احمد خان سمنگانی رساندند حلف وفاداری یاد نمودند و دور و بر احمد خان سمنگانی را گرفتند و عملاً جبهه جدیدی علیه طالبان در شرق دره صوف تشکیل بود. علیرغم که گفتگوهای پنهانی بین احمد خان و حاج اسلم صورت گرفته بود و چندین بار احمد خان نماینده خویش را نزد حاج اسلم فرستاده و از او خواسته بود که از موضع فعلی خود دست بردارند اما حاج اسلم از موضع خویش عقب نشینی ننمود و هیچ گونه تغییراتی در جبهه چپچل و سفید کوتل رو نما نشدند و حاج اسلم حاضر نشد که نقاط مذکور را به نفع احمد خان و اتحاد شمال سقوط دهند.

احمد خان در اولین فرصت نیروهای جنگی خویش را منسجم نمود و جنگ علیه طالبان را در ۱۰ ثور سال ۱۳۷۸ ه.ش در قریه های پنج قریه، زیدوری، دمکی، دایکندی، لبابی، گور دره و کوه تیرک شروع نمودند. حملات پیاپی و جنگ های چریکی او منجر به فتح کلیه مناطق ازبیک نشین شرق دره صوف شدند و حتی جنگهای احمد خان به شهر آبیک مرکز سمنگان کشانده شد که هراز گاهی شهر آبیک و مراکز نظامی طالبان توسط نیروهای احمد خان موشک باران می شدند.

کوه های اطراف تخت رستم و شهر آبیک به تصرف احمد خان سمنگانی درآمده بود، با آمدن احمد خان جبهه قوی دیگری علیه طالبان در شرق دره صوف باز شد که احمد خان با استقامت های درخشان خود توانست به شاهراه مزار شریف، پلخمری ولایت بغلان مسلط شده و این شاهرگ حیاتی را به نفع اتحاد شمال سقوط دهند.

### **آمدن قوماندان استاد عطا محمد نور به دره صوف**

عطا محمد نور نماینده با صلاحیت فرمانده احمد شاه مسعود در ماه جوزای ۱۳۷۸ ه.ش به دره صوف آمده بود. با آمدن عطا محمد مصادف شد با پیوستن قوماندان غلام (میرکه) با تمام نیروهایش به صفوف طالبان در غرب دریا که باعث شد مناطق زاغ و فولاد و میرکه به نفع طالبان سقوط نماید. دلیل اصلی و اساسی پیوستن قوماندان غلام به طالبان بی

توجهی فرمانده احمدشاه مسعود به او و نادیده گرفتن تمام فداکاری هایش بود.

در آغاز جنگ علیه طالبان قوماندان غلام اولین گلوله را علیه طالبان شلیک نموده بود و فرستادن استاد عطا محمد به عنوان نماینده مخصوص و با صلاحیت به دره صوف برای قوماندان غلام غیر قابل قبول بود. لذا قوماندان غلام آغاز گر جرقه جنگ در دره صوف با طالبان هماهنگ و همنا شد و حاضر نشد تا فرمانهای استاد عطا محمد را به عنوان آمر با صلاحیت خویش قبول نماید.

در آغاز جنگ شخصی دیگری به نام مولانا فرید قربان نماینده فرمانده احمد شاه مسعود به دره صوف آمده بود اما بعد از یک سال دوره کاری او تمام شد و او به پنجشیر بازگشت.

مولانا فرید قربان بیش از آن که یک فرد نظامی باشد بیشتر شبیه به یک دیپلمات سیاسی می ماند. لذا ضرورت به آن بود که شخصی با نفوذ و معتبر و آشنا به جغرافیای نظامی و سیاسی شمال به دره صوف بیاید و آن شخص استاد عطا محمد نور بود.

قوماندان غلام روابط نیک و حسنه با مولانا فرید قربان داشت اما از استاد عطا محمد دل خوش نداشت و همین مسأله باعث تسلیم شدن او به طالبان شد، با پیوستن قوماندان غلام (میرکه) مردم تاجیکیه غرب در یای با

ازبیکها در شرق دریا دره صوف هماهنگ شده جنگ بسیار خطرناکی را سازماندهی نمودند که منجر به سقوط سفید کوتل، بازار مرکزی دره صوف، دهن شوراب، زیرکی تا نزدیکی های تنگی حسنی شد، مرکزیت اصلی جبهه در بازار حسنی مورد تهدید جدی طالبان قرار گرفت مناطق هشتلیز، گل دره، ارغوک، کوتل عباسک در غرب دره صوف به تصرف طالبان در آمد؛ دو کوه استراتژیک و سوق الجیشی در تکاب زیرکی به نامهای کوه (خواجه حاجت) در شرق دریا و کوه (اوشقول) در غرب دریای به تصرف طالبان در آمدند، بندی تورپغلی، تنگی موشک و کوه تیرک مورد تهدی طالبان قرار گرفت، طالبان برق آسا پیشروی می نمودند.

اما مردم دره صوف پیر و جوان آماده جانبازی شده بودند و نیروهای مردمی در برابر هر گونه تجاوز آماده دفاع از خود شده بودند. دره صوف به مرکز جنگهای سخت نظامی تبدیل شده بود طالبان با پشتوانه مردمی ازبیک و تاجیک (هزاره های اهل سنت) به جنگ آمده بودند نیروهای طالبان منطوقوی خطر بزرگی بود که سقوط سراسر نقاط دره صوف را هر لحظه در پیش چشمان هر فرد دره صوفی مجسم می نمود دره استراتژیک حسنی و کوه های اطراف آن مراکز اصلی دفاع علیه طالبان انتخاب شده بود، با تصرف تنگی حسنی و قریه حسنی توسط طالبان جنگ خاتمه یافته اعلان می شد.



پیشروی طالبان عکس العمل جدی داشت صد ها مرد جنگی با سلاح دست داشته خویش از سرتاسر دره صوف به مرکز حسنی آمده بودند تا در جنگ علیه طالبان شرکت ورزند.

دگر جنرال قوماندان محمد یاسین، استاد عطا محمد نور، سردار محمد حسین جهانی، ظاهر وحدت، حاج عبد الوهاب، نسیم حاجی هاشم، جنرال محمد علی شجاعی، خیر الله فهیمی، قوماندان افتخاری، داکتر محمد عیسی رحیمی، سید عبدالواحد، حاجی ذبیح الله، قوماندان ظاهر، قوماندان ظریف، سید احمد فتاح زوار، قوماندان امیری، آمر سلطان و قوماندان مالک از جمله قوماندان های اصلی در گیر جنگ بودند. آنها با تمام قوت می جنگیدند تا مانع پیشروی طالبان شوند، اما طالبان نتوانستند مراکز اصلی سوق و اداره جنگ قریه حسنی را تصرف نمایند و به پیشروی خود ادامه دهند.

آنها جلو پیشرونیروهای طالبان را گرفتند و به طالبان درس فراموش ناشدنی دادند. تمام نقاط که نیروهای طالبان تصرف نموده بودند در اسرع وقت از نیروهای طالبان باز پس گرفته شدند و نیروهای طالبان با تلفات سنگین به سنگرهای قبلی خود فرار نمودند.

پیروزی دو باره مردم دره صوف به نیروهای طالبان ثابت نمود که دره صوف دژ تسخیر ناپذیر است؛ با وصفی که قوماندان غلام به طالبان

پیوسته بود اما مردم باز هم مصمم بودند، تا در برابر طالبان به هر قسم که بود ایستادگی نمایند.

استاد عطا محمد نور در قریه شیخه دره صوف برای خود مرکزیت نظامی انتخاب نموده بود و قوماندان ظاهر وحدت از او حمایت می نمود با آمدن استاد عطا محمد نور جنگ های دره صوف فروکش نمود، جنگ نظامی تبدیل به جنگ های سیاسی نظامی شد رنگ جبهه عوض شد و سمت بندی های سابقه یی حزبی دو باره زنده شد.

مردم هزاره و تاجکیه (هزاره اهل سنت) دره صوف پیش از آن یک پارچه و متحدانه علیه نیروهای طالبان می جنگیدند؛ اما بعد از حضور قوماندان عطا محمد نور در دره صوف حزب وحدت به دوشاخه (استاد شهید عبدالعلی مزاری رحمته) حزب وحدت (شاخه اکبری) و حزب حرکت اسلامی (شیخ آصف محسنی) تبدیل شده بود، دره صوف به میدان موضع گیریهای سیاسی احزاب و نفاق درون قومی بین برادران اهل سنت، شیعه تبدیل شده بودند، حضور قوماندان عطا محمد نور در دره صوف باعث جنگالها، مشکلات و پیامد های ناگواری شده بود.

## ۱- پاکسازی حزبی

استاد عطا محمد نور اولین توجه خود را معطوف خریدن قوماندانهای جهادی نمود از حزب وحدت، حرکت اسلامی و باقی قوماندانهای جهادی

وقوماندانهای طالبان نمود، او تلاش سخت نمود که جبهه دره صوف را توسط پول بخرد نه از طریق جنگ؛ برای استادعطا محمد نور پول های زیادی ماهوار از طرف فرمانده احمدشاه مسعود از پنجشیر می آمد.

استادعطا محمد نور تلاش نمود که نبض جنگ را به دست داشته باشند و از این طریق از محبوبیت دیگران بکاهد. در این راه آن قدر تلاش نمود که حتی حاضر نشد اعاشه دگر جنرال قوماندان محمد یاسین را پرداخت نماید تا فرقه ۰۳۰ حزب وحدت تضعیف شود و نیروهای تحت قومنده خود را پرورش می داد و تقویه می نمود.

## ۲- نفاق حزبی

قوماندان عطا محمد نور نه تنها در جهت نفاق حزبی تلاش نمود بلکه نفاق درون حزبی را نیز دامن زد که این عمل کرد منفی او باعث مشکلات زیادی در جبهه دره صوف شد قوماندان عطا محمد نور تلاش سخت نمود که نفاق حزبی را در بین هزاره ها دامن بزند و این پالیسی و طرز العمل او تا اندازه ای موفق هم شد؛ زیرا او حزب حرکت اسلامی و حزب وحدت اکبری را زیاد تر تقویه و اکمال می نمود، تا حزب وحدت شاخه (استادشهید عبدالعلی مزاری رحمته) که حاج محمد محقق قوماندان ارشد نظامی آن بود که در نتیجه باعث تضعیف آن شوند، اما این تحریم

دره صوف در گذر بحران تاریخ ————— توسلی - طلوع ۶ - / ۲۴۴

چندان اثری در روحیه ای مردم نگذاشته بود حزب وحدت اسلامی روی بازوان مردم بیشتر تکیه داشت.

### ۳- بایکوت جبهه

قوماندان عطا محمد نور با امکانات دست داشته خود نه تنها در جهت پیشبرد جبهه دره صوف تلاش نمود بلکه باعث بایکوت شدن جبهه جنگی شد، او نمی خواست که افتخارات جبهه و جنگ بعد از این به نام حزب وحدت و دگر جنرال قوماندان محمد یاسین ختم شود علیرغم که جنگ یک ساله مردم دره صوف علیه طالبان باعث ترقی جنگ و شکست عظیم طالبان در این ساحه شده بود، در آغاز جنگ مردم دره صوف تنها دو پایه زیو (۲۳mm) سلاح ضد طیاره داشتند اما همزمان با آمدن استاد عطا محمد نور جبهه دره صوف در طی جنگ های مکرر بیش از سی پایه زیو ۲۳mm از طالبان به غنیمت گرفته بودند و صد ها افتخار دیگر که همه آنها در ساحه وحدت و هماهنگی قومی و منطقوی حاصل شده بود نه کشمکشهای حزبی و...

بی توجهی قوماندان عطا محمد نور به جبهه دره صوف باعث شد که حتی قوماندانهای قریه شیخه علیه قوماندان عطا محمد نور بسیج شود و عنقریب او را از منطقه خود بیرون نمایند که این تصمیم در بدل پول به

عنوان حق السکوت ماهوار به قوماندانهای قریه شیخه پرداخت می شد تا آنها مسکوت بماند.

قوماندان عطا محمد نور مرکزیت نظامی و سوق الجیشی خود را در قریه شیخه دره صوف حفظ نمود و هرماه یک بار کمک های مالی و تسلیحاتی فراوانی توسط هلیکوپتر از پنجشیر برایش می آمد. هلیکوپترها صبح بسیار زود خود را به شیخه می رساندند و بعد از تخلیه محموله های شان بلا فاصله از میان دره ها و کوه های دره صوف به پنجشیر بر می گشتند.

سیاست بازی های استاد عطا محمد خان در ولسوالی دره صوف هرچه بود و نبود؛ اما حضور فزیکتی استاد عطا محمد خان باعث شده بود که اعتماد آمر صاحب احمد شاه مسعود فرمانده ارشد جبهه ضد طالبانی را جلب و ماهوار توسط دو بال هلیکوپتر اکمالات نظامی به این ولسوالی ارسال می شد.

حضور استاد عطا محمد نور جبهه مقاومت دیگری بود در بین مردم مناطق شرق و غرب دریای دره صوف که مربوطین به حزب جمعیت اسلامی بودند (هزاره های اهل سنت و ازبیک ها).

فرستادن هلیکوپترها به دره صوف به تعقیب هلیکوپترها طیاره های جنگی طالبان آسمان نیلگون دره صوف را دور زده و بعضی مناطق را

بمبارد می نمودند و بر می گشتند اما پرواز مکرر ماهوار هلیکوپترها از جبل السراج و پنجشیر به دره صوف باعث آمدن دهها قوماندان از جبهه پنجشیر به دره صوف شده بودند قوماندانها از ساحات مختلف افغانستان بودند که برای جنگ علیه طالبان به ولسوالی دره صوف آمده بودند.

قوماندان قمبر معروف به قمبر لنگ از قوماندانهای جنگهای کابل به دره صوف آمده بود تا خود علیه طالبان جبهه باز نماید و در جنگ مشترک مردمی علیه طالبان سهیم شوند، قوماندان انوردولت آبادی، قوماندان سید ظاهر از چمتال مزار شریف، قوماندان میرحسن معروف به میر حسن کله میده و سید عبدالواحد و... آمده بودند.

قوماندان های جهادی یکی بعد دیگری هر روز به جبهه دره صوف سرازیر می شدند و دره تنگ و باریک حسنی هر روز شاهد حادثه و تحول جدید بود هرکسی می آمد و آمدنش برای مردم تازگی داشت و در این مورد روزها تبصره می شد که فلانی قوماندان به حسنی آمده است.

از میان قوماندانهای معروف جهادی قوماندان قمبر در جنگ های دره صوف در منطقه گلوانسای در ششم محرم جام شهادت نوشید، جنازه شهید قمبر را در قریه حسنی دفن نمودند که امروزه زیارتگاه عام و خاص می باشد.

## بازگشت استاد حاج محمد محقق به دره صوف

در ۲۵ قوس سال ۱۳۷۸ ه. ش استاد حاج محمد محقق جهت بازدید از خط مقدم جبهه و مورال بخشیدن نیروی های رزمی مجاهدین در آبکلان نزدیک ولسوالی سنگچار رفت سپس، از بلخاب به دره صوف آمدند استاد حاج محمد محقق در بلخاب مخالفان زیادی داشت که هر کدام شان در کمین نشسته بودند که چگونه بتوانند او را ترور نمایند. قرار راپور که از منابع موثق شنیده می شد زیاد تر از یازده نفر از جمله افرادی بودند که بنابه دستور باداران خارجی شان باید ترور می شدند که استاد حاج محمد محقق و لعل قوماندان یکی از آن یازده نفر بودند.

کمین به جان تعدادی از قوماندانها در قریه (لرکت) بلخاب از جمله کار های تروریستی بود که علیه جان فرماندهان جهادی صورت گرفته بود اما هدف کسانی دیگر قرار گرفتند. تروریستها فکر می کردند که استاد حاج محمد محقق در این کاروان شامل است، اما هدف شان خطا رفت و تعدادی دیگر مظلومانه به شهادت رسیدند.

استاد حاج محمد محقق جبهه بلخاب ولایت سرپل را تجهیز، اکمال و سنگرهای مجاهدین را مستحکم نموده بود، و از آنجا عازم دره صوف شد از آمدن استاد حاج محمد محقق به دره صوف استقبال گرم و چشم

گیری صورت گرفت حاج محمد محقق مدرسه علمیه کمج را مرکز سوق و اداره نیروهایش انتخاب نمود.

استاد حاج محمد محقق بعد از دید و باز دید با مردم و گفتگو با شخصیت های جهادی دیداری از خط مقدم جبهه داشتند و در امتداد آن سخنرانی آتیشینی او در بازار حسنی باز تاب بیشتری در بین مردم داشت. او در سخنانش اشاره ای به کشتار های دسته جمعی مردم هزاره در دشت های لیلی شبرغان و حیرتان داشت که نکات برجسته سخنان حاج محمد محقق را تشکیل می داد.

ایشان اشاره به سخنان ملا محمد نیازی سخنگوی طالبان در مسجد روضه شریف شهر مزارشریف نمود که گفته بود: هزاره ها سه راه در پیش دارند.

— یا همگی باید کشته شوند.

— یا همگی از کشور خارج شوند.

— و یا مذهبی حنفی را اختیار نمایند.

موارد فوق از جمله سخنان حاج محمد محقق بود که به مردم ولسوالی دره صوف بیان نمودند و گفت ما هرگز آن روزها را فراموش نخواهیم کرد و از مقاومت مردم دره صوف در مقابل نیروهای طالبان به نیکی یاد نمودند و همگان را به اتحاد و وحدت ملی دعوت نمودند و



خواستار ادامه راه شهید استاد عبدالعلی مزاری رحمته شدند که از جمله آرمانهای ملی هزاره ها به شمار می روند.

با آمدن حاج محمد محقق به دره صوف جنگ های دوامداری با نیروهای طالبان صورت گرفت و بر حجم حملات طالبان افزوده شد و طالبان از زمین و هوا هر روزه نقاط مختلف دره صوف را مورد هدف قرار می دادند آتش جنگ ها زیاد ترشعله ور شده بود و جنگ های هر روزه دره صوف دستاورد های خوبی برای مردم دره صوف داشت از جمله چندین عراده تانگ چین دار، بیردیم و شلیکا و چند پایه زیو و بیش از پنجاه عراده موتر جیف و سرف و پیژارو، و... به غنیمت جبهه مردمی دره صوف در آمده بوند. درختم جنگ قوماندان عظامحمد نور خواستار تحویل سلاح های ثقیله در لواء، قول اردوی وزارت دفاع دولت اسلامی برهان الدین ربانی شدند.

- اما کدام لواء...!!!

- کدام قول اردو...!!!

- کدام وزارت دفاع...!!!

با درخواست قوماندان عظامحمد نور مخالفت های شدیدی صورت گرفت اما بعد از مدت ها مذاکره و گفتگو، سر انجام قوماندانهای حرکت اسلامی زود تسلیم شدند تانگ ها و سلاح های ثقیله خود را تسلیم

قوماندان عطا محمد نور نمودند. ولی دگر جنرال قوماندان محمد یاسین به هیچ وجه حاضر نشد که تانگها و سلاح ثقیله خود را تسلیم نمایند. حاضر شد گرسنه در سنگرهای نمناک بخوابد ولی حاضر نشد که تانگها و سلاح خود را را تسلیم نمایند. تقریباً دو ماه این کار ادامه پیدا نمود، استاد عطا محمد نور نماینده احمد شاه مسعود اعاشه دگر جنرال قوماندان یاسین را وضع نمود و دگر جنرال قوماندان محمد یاسین با این کار مقابله نمود و تانگها را تسلیم نداد. رکودی سختی در جبهات ولسوالی دره صوف حاکم شده بود و جنگ ها فروکش نموده بود دیگر کسی حاضر به جنگ نبود و دگر جنرال قوماندان محمد یاسین هم توان جنگ را نداشت. بیش از دو ماه شده بود که اعاشه فرقه ۰۳۰ حزب وحدت اسلامی قطع نموده بودند، در آخر با وساطت زیاد استاد حاج محمد محقق تانگهارا به قوماندان استاد عطا محمد نور تسلیم دادند. همچنان که چند ماه قبل استاد حاج محمد محقق هلیکوپتری که در جنگهای دره صوف به غنیمت گرفته شده بود نیز به احمد شاه مسعود تسلیم دادند تا در حمل و نقل و انتقالات جبهه از آن کار گرفته شود.

دگر جنرال قوماندان محمد یاسین دیگر چاره ای ندید جز تسلیم در برابر فشار قوماندان استاد عطا محمد نور یا باید جبهه را رها می کرد و یا باید تانگها را به قوماندان عطا محمد خان تسلیم می داد که در اخیر تانگها

را به قوماندان بابہ سعید یکی از قوماندان های جهادی قول اردوی دولت اسلامی استاد برهان الدین ربانی در دره صوف تسلیم دادند.

فرمانده احمد شاه مسعود و قوماندان استاد عطا محمد نور در شمال هماهنگ عمل می نمودند آنها نمی خواستند که بعد از این کسی به نام این و آن اردوی قومی داشته باشند و یا سلاح ثقیله در اختیار داشته باشند. بدین لحاظ پاکسازی حزبی و گروهی را شروع نموده بودند و شعار می دادند که کسی حق ندارد به غیر از دولت آقای برهان الدین ربانی سلاح ثقیله، اردوی قومی و یا گروهی داشته باشند، لذا با پلان دست داشته خود با آنها رفتار می نمودند و با این سوژه خواستار مشروعیت حکومت آقای ربانی بودند.

استاد حاج محمد محقق جهت شکست نیروهای طالبان و بیرون شدن از این مخمصه و پیشروی جبهه به سمت مزار شریف همه طرح ها و نقشه های احمد شاه مسعود و نماینده او را قبول نموده بود تا بتوانند در آینده نقشه کاری خوبی را از خود ترسیم نمایند. چند عراده تانگ مهم نبود تا باعث اختلاف شود اما شکست جبهه و خالی شدن سنگرها خیلی مهم بودند و گرسنه ماندن مجاهدین اهمیت زیاد داشت که در آن قسمت توجه جدی باید صورت می گرفت که این مشکل را حاج محمد محقق حل نمودند و بایکوت جبهه از طرف استاد عطا محمد خان را حل نمودند.

یک فاز عقب نشینی برای مردم هزاره ولسوالی دره صوف بسیار سخت تمام شد به خصوص برای مجاهدین که با رشادت های فراوان در آن شرایط تانگ ها را از نیروهای طالبان به غنیمت گرفته بودند و مفت در اختیار نیروهای قوماندان عطا محمد خان قرار دادند؛ برای مجاهدین حزب وحدت سخت تمام شد اما سوق و اداره جبهه دره صوف مهم تر از همه چیز بودند.

## وضعیت اقتصادی مردم دره صوف در سال ۱۳۷۸

سال ۱۳۷۸ ه.ش برای مردم دره صوف سال بسیار سختی بود اکثریت آنها نتوانسته بودند زمینهای زراعتی شان را کِشت نمایند و اگر کسی هم کشت نموده بود نتوانستند جمع نمایند زیرا در نقاط جنگ و یا در بین دو سنگر قرار داشتند که کسی نمی توانستند به آن نقاط بروند، مردم قریه جات سر ولنگ، زیرکی، دهن شوراب، هشتلیز، گل دره، بند علی میران، خواجه بلند، چهار اولیا دایکلان و... همه مهاجر و آواره شده بودند و برای آنها مقدور نبودند که زمینهای شان را کِشت و زراعت نمایند و اگر کشت هم نموده بودند در میان صحنه جنگی قادر به جمع آوری نشدند؛ عواملی که روح و روان مردم دره صوف را سخت افسرده ساخته بودند و باید در برابر آنها مقاومت می نمودند قرار ذیل می باشد:

- ۱- بایکوت جبهه توسط قوماندان استاد عطا محمد نور
  - ۲- همکاری قوماندان حاج اسلم و حضور نیروهای منطقوی (ازبیک و تاجک) هزاره های اهل سنت در سفید کوتل در صوف طالبان
  - ۳- محاصره اقتصادی دره صوف از چهار سمت
  - ۴- زمستان سخت و برف گیر دره صوف
  - ۵- آوردن پول دال و یا «دی» از طرف استاد عطا محمد نور، حاج محمد محقق، احمد خان سمنگانی و... به دره صوف که این پول غیر گردش «چلند» و کاغذ سفیدی بیش نبود.
  - ۶- ادامه جنگ و فشارهای بیش از حد طالبان جهت تصرف ولسوالی دره صوف. این ها عواملی بودند که مردم ولسوالی دره صوف را سخت رنج می دادند. اما مردم در برابر این فشارها هیچ کاری نمی توانستند جز مقاومت و پایداری که باید می ساختند و می سوختند و تمام فشار های اقتصادی و نظامی را متحمل می شدند.
- یگانه راه بقا و عزت مردم دره صوف تحمل فشارهای بیش از حد جنگی و اقتصادی بود که مردم ولسوالی دره صوف از این امتحان مؤفّقانه بیرون آمدند.

## پول دال یا (دی)

پول کاغذی شماره یک «دی» و شماره دو «دی» پولی بود که بعد از سقوط مزار شریف در سال ۱۳۷۶ ه.ش به چاپ رسیده بود و هیچ ارزشی قانونی نداشتند این پول بعد از شروع دو باره جنگ با طالبان به دره صوف آورده شده بود تا بتواند نیازمندی های جبهه دره صوف را بر طرف نمایند. پول «دال یا» آهسته آهسته در بازار حسنی و دیگر مناطق دره صوف به گردش (چلند) افتاد اما بعد از مدتی ارزش آن تنزل نمود و مردم در معاملات روزانه شان تفاوت قائل شدند و یک هزار پول (دال یا) برابر با ۱۲۰۰ افغانی پول جنبشی بود و در برابر پول دولتی چندین برابر معامله می شدند. روند تنزل پول (دال یا) زود هویدا شد که این پول در هیچ جای کشور گردش و (چلند) نداشته، طالبان و باقی مردم این پول را غیر قانونی اعلان نمود و در معاملات روزانه در هیچ نقطه افغانستان گردش و (چلند) نداشت و ارزش آن به اندازه کاغذ پاره سفید بیش نبودند. مردم دره صوف در بازار های محلی قریه حسنی، شیخه و بینی منگ در بن بست شدید اقتصادی قرار گرفته بودند.

پول اصلی (دولتی) خویش را با پول بی ارزش و غیر قانونی تبادله نموده بودند و کاغذ سفید ناچل را در دست داشتند. مردم همه دچار مشکلات زیادی شده بودند پول دولتی و جنبشی خود را در بدل پول نا

چل که از ولایت تخار و پنجشیر آورده شده بودند بدل نموده بودند و این پول به غیر از بازار حسنی در هیچ بازاری قابل معامله و چلش نبودند و تفاوت این پول به اندازه ای بالا رفت که ۲ صد هزار پول (دال یا) برابر با یک میلیون پول (دال ه) معامله می شدند. در میان مردم هر روز پول (دال ه) جنبشی کم چین شده می رفت و معاملات روزانه مردم در بازار حسنی و شیخه به کلی با پول (دال یا) صورت می گرفت. پول دولتی شماره پایین و پول جنبشی شماره مسلسل (دال ه) بسیار کم چین شده بودند. قیمت اجناس روزانه به شکل سر سام آور بالا می رفت کسی قادر به کنترل آن نبودند. یک سیر مزار گندم سه میلیون افغانی شده و یک قوطی روغن شانزده کیلویی سه میلیون ششصد هزار افغانی معامله می شده وضعیت دشوار و خطرناکی در میان مردم پدیدار شده بود ترازو گندم در مندوی بسته شده بود و گندم در مندوی بازار حسنی پیدا نمی شدند. این وضع شرایط بس ناگواری را متوجه مردم ساخته بود. پول (دال یا) توسط قوماندانان جهادی از ولایت تخار و پنجشیر به دره صوف آورده شده بود که مبلغ آن در حدود هشتاد میلیارد افغانی برآورد شده بود این پول تنها در مناطق بازار حسنی، شیخه، بلخاب، «مغزار» باجگاه بلخاب گردش (چلند) داشت و در مناطق بازار دهی (دهی) که بازار تاجیک ها و ازبیک های دره صوف می باشند در معاملات و داد و ستد روزانه ناچل اعلام

شده بودند علیرغم که همین قوماندانهای ازبیک و تاجیکها بودند که این پول را به دره صوف آورده بودند؛ اما حاضر نبودند که در نقاط مسکونی خود شان آن را به گردش و (چلند) اندازند، با وصفی که گهگاهی بازار (دهی) در تصرف مجاهدین می افتاد و نیروهای قوماندان استاد عطا محمد نور در آن بازار تسلط داشتند.

همچنان در شرایط جنگی بازاری جدیدی در قریه مقصود ازبیکه دره صوف روی کار شده بود که به بازار (تقسن) معروف بود، با کمال تأسف این پول در آن بازار به گردش نیافتادن و مردم ازبیکه دره صوف با این پول مخالفت های شدید کردند؛ انگار این پول مخصوص برای تباهی مردم هزاره دره صوف آورده شده بود، محاصره اقتصادی مردم دره صوف، فشار جنگ با وجود پول (دال یا) که به پول سفیدک مشهور شده بود حیات اقتصادی مردم را به شدت متزلزل ساخته بود.

مردم دره صوف تمام زندگی شان را در بدل پول نا چل فروخته بودند و هرگاه متوجه این کار نا عاقلانه خود می شدند سخت در اضطراب به سر می بردند که با این ترفند جدید چگونه مقابله نمایند...؟!

### انتشار ماهنامه "یاد"

در سال ۱۳۷۸ ه. ش بازار پر جمع وجوش حسنی من (عبدالمؤمن طلوع) را مجبور نمود که دست به ابتکاری نو بزنم و لذا با طرح یک



جریده به شکل ابتدایی هر ۱۵ روز یک شماره باعث شد که هم خودم تشویق شوم و هم تعدادی مردم از اخبار و گذارشات روز و ماهوار با خبر شوند. من هر ۱۵ روز یک شماره بولتن خبری دیواری " یاد " را در بین بازار حسنی نصب می نمودم که این کار من باعث حساسیت شورای تصمیم گیری شمال را در قبال داشت که در برابر کار من عکس العمل جدی نشان دادند و از طرف شوراتصمیم گیری قوماندان افتخاری وظیفه دارشدند تا ماهنامه دیواری مرا بازرسی نمایند، تا حرفی به رد سیاستهای جبهه متحد تبارز نمایند. ایشان همین کار را نمود این کار ناشی از شبنامه ای بود که در بازار مزدحم حسنی پخش شده بود. در آن شبنامه از سیاست حزب وحدت انتقاد شده بود و قوماندانهای جهادی دره صوف را متهم به همکاری با بیکانگان نموده بودند به فرمانده احمد شاه مسعود و برهان الدین ربانی و طرفدارانش توهین شده بود این شبنامه را کار من می دانستند که من به شدت در مقابل آن ایستاد شدم و این کار را تقبیح نمودم، به تعقیب این قضیه من به شورای تصمیم گیری رفتم و رسماً از ریاست شورا امر رسمی جواز نامه دریافت نمودم و جوازنامه ریاست شورا به شکل ذیل تحریر شده است.

پیشنهاد:

به مقام محترم شورای عالی تصمیم گیری شمال السلام علیکم.

دره صوف در گذر بحران تاریخ ————— توسلی - طلوع ۶ - / ۲۵۸

بعداً خدمت شما نگاهشته می شود که جریده دیواری یاد نیاز به مجوز  
نامه دارد از مقام شما خواهشمندیم که مجوز نامه ای برای جریده دیواری  
یاد عنایت فرمایند.

والسلام

عبدالمومن طلوع

۱۱/۶/۱۳۷۹

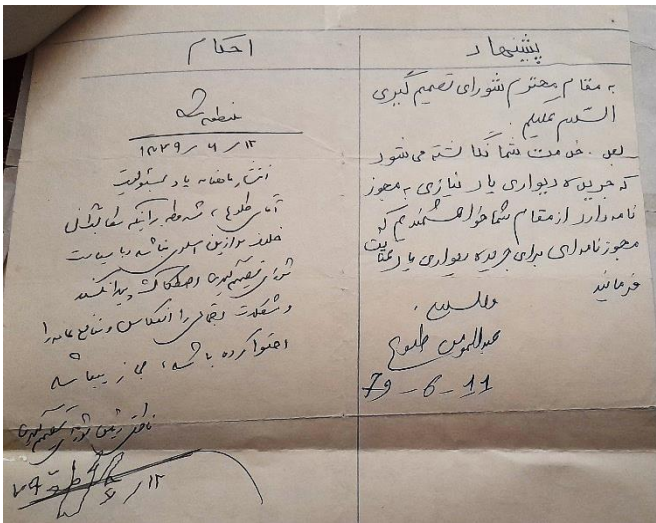
به دنبال این پیشنهاد جناب آقای رئیس خادم حسین ناطقی چنین  
احکام نمودند.

"ملاحظه شد"

انتشار ماهنامه یاد به مسئولیت آقای عبدالمؤمن طلوع مشروط بر  
اینکه مطالب آن خلاف موازین اسلامی نباشند و با سیاستهای شورای  
تصمیم گیری شمال اصطکاک پیدا نکند و مشکلات اجتماعی و فرهنگی  
را انعکاس و منافع عامه را احتوا کرده باشد مجاز می باشد.

ناطقى رئیس شورای تصمیم گیری

۱۲/۶/۱۳۷۹



مردم بازار حسنی و اذهان عامه به این باور بودند که شبنامه ها توسط عبد المؤمن طلوع پخش شده است هر چند من این اتهام را رد نمودم اما کسی قبول نمی کرد که به غیر از من کسی دیگر این کار را نموده باشد.

من در اولین شماره جدید " یاد " شبنامه ها را رد نمودم و خلاف اصول و پرنسیب جریده دیواری یاد به شمار آوردم اما از طرف اعضاء شورا همیشه مورد تعقیب قرار داشتم و تعدادی در درون شورا همیشه علیه من دسیسه می نمودند تا مانع کارهای فرهنگی من شوند.

## مظاهره مردم در بازار حسنی دره صوف

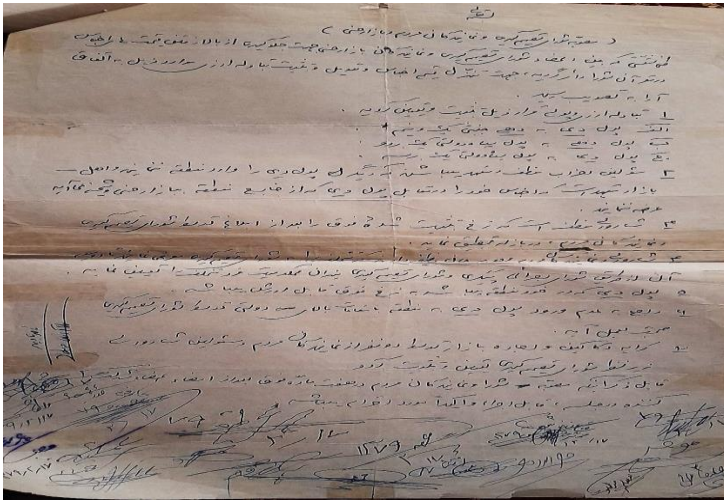
مردم در بازار حسنی در برابر قیمتی اجناس و پول ناچل سفیدک دست به مظاهره و اعتراض زدند. صد ها نفر در مقر شورای تصمیم گیری شمال در (مدرسه حسنی) جمع شدند و خواستار راه حل اقتصادی برای این کار شدند. همه مردم اموال شان را در برابر پول ناچل معامله نموده بودند که اینک جز مشتی کاغذ سفید و بی ارزش چیزی دیگری در دست نداشتند. تمام اموال و اجناس شان از دست رفته بودند لذا حیران مانده بودند که چه کار کنند...؟! مردم در مقر شورا تجمع نموده بودند تا با مسئولین شورا صحبت نمایند و از آنها خواستار راه حل شوند.

در حدود سه صد نفر از مردم قریه و مهاجرین و کسبه کاران بازار حسنی جمع شده بودند و کلیه مردم دکانهای شان را قفل و بسته نموده بودند و به شورا آمده بودند آنها از وضعیت پیش آمده سخت ناراض شده بودند و می خواستند که به این فاجعه پایان داده شود و مردم از این بن بست محاصره و فشار اقتصادی نجات پیدا کنند.

مردم در مقر شورا تجمع نموده بودند تا با مسئولین دره صوف صحبت نمایند و از آنها خواستار راه حل شوند اما شورا در برابر تصمیم مردم سخت دست و پاچه شده بودند و از هجوم مردم هراس داشتند؛ بلا فاصله تشکیل جلسه فوری داده بودند و بعد از شورو مشوره فراوان با

گذشت نیم ساعت جناب آقای امیر محمد ناصری دبیرزاده را به حیث نماینده در بین مردم فرستادند تا مردم را قانع نمایند که شورا در مورد این مسئله بی تفاوت نبوده و از مردم خواستند تا از بین خود تعدادی نماینده بگیرند، نمایندگان مردم با همکاری شورای تصمیم گیری راه حل معقولی را جستجو نمایند.

از میان اهالی بازار شش نفر نماینده انتخاب شده بودند که بنده (عبد المؤمن طلوع) یکی از نمایندگان بازار بودم و با شورا بعد از جر و بحث زیاد به این نتیجه رسیدیم که نتایج کار ما مصوبه ای بود که تحت عنوان مصوبه شورا با نمایندگان بازار در جلسه عمومی عاجلی که در بازار حسنی گرفته شد بود به اطلاع مردم در بازار قریه های حسنی، شیخه و بینی منگ رسانیده شدند. شورای تصمیم گیری شمال و شاروالی بازار حسنی قادر به اجرایی مصوبه نشدند و مردم هم نتوانستند که دست از معامله این پول بکشند تا این که دکانداران بازار حسنی تصمیم به عدم گردش و چلند پول (دال یا) گرفتند.



این پولها تقریباً بعد از مدتی در معاملات روزانه مردم از گردش (چلند) افتادند و اکثراً در صرافیها جمع شدند و مردم در معاملات سابقه از آن استفاده می نمودند؛ پول (دال یا)، (دی) تا چاپ پول جدید در افغانستان در بازارهای حسنی، بلخاب، مغزار، امرخ در گردش (چلند) بود و مردم مناطق مذکور اکثراً با آن پول ها داد و ستد داشتند با نشر پول جدید در افغانستان متأسفانه هیچ مرجعی این پول را در بانک مرکزی افغانستان مبادله ننمودند و این پول بلا تکلیف به دست مردم بیچاره دره صوف، بلخاب باقی ماندند و هیچ شخصی به فکر این مردم نیافتادند و با کمال تأسف از این ناحیه ضربه بزرگی اقتصادی به مردم دره صوف و بلخاب وارد شدند و آنها میلیونها افغانی متضرر شدند بدون اینکه کسی مشکل آنها را حل کرده باشند.

از این پول (سفیدک) بین مردم میلیونها افغانی باقی ماندند و دولت آقای حامد کرزی تنها در بدل ضرر اقتصادی مردم تعدادی مکاتب در ولسوالی دره صوف و بلخاب اعمار نمودند که در این مکاتب هم از مصالح ساختمانی اساسی و پخته کار گرفته نشده بودند و با خشت و گیل خام اعمار گردیده بودند. لذا به مرور زمان تخریب شدند فقط پول (بودجه‌یی اختصاصی) در این مکاتب به مصرف رسیده بودند هر چند در آن زمان مردم دره صوف به ارزش اعمار مکاتب اهمیت قایل نشدند اما از اینکه فرزندان مردم دره صوف از نعمت سواد بهره مند شدند کار بس بزرگی بود که صورت گرفته بود.

### دیدار مایکل سمپل از ولسوالی دره صوف

دیدار مایکل سمپل، هماهنگ کننده کمک های عاجل سازمان ملل متحد UNICHA در بخش هزارستان در آغاز سال ۱۳۷۹ ه.ش از ولسوالی دره صوف دیدار نمودند، با حضور مایکل سمپل در دره صوف عجالتاً سه تن مواد خورا که اطفال از قبیل بیسکویت، شیر خشک از طرف ملل متحد در قریه کوتاه دایمیرداد توسط طیاره با پراشوت به زمین انداخته شدند که کمک قابل ملاحظه ای بود برای اطفال دچار سوء تغذی با وجودی که مؤسسه (یونیچا) مربوط مایکل سمپل یک در باب کلینیک را

در مرکز حسنی دائر نموده بودند که کمک فوق العاده ای بود برای مردم دره صوف در آن زمان مردم دره صوف با طالبان جنگ داشتند.

مایکل سمپل تمام نقاط مختلف ولسوالی دره صوف را سروی نمود و وعده کمک عاجل به مردم دره صوف دادند که این کمک ها در اسرع وقت به مردم دره صوف رسیدند که شامل چهل عراده موتر کماز گندم بود که این کمک ها در ماه سنبله ۱۳۷۹ه.ش توسط مؤسسه مرکز تعاون افغانستان (CCA) از راه ولسوالی یکاولنگ ولایت بامیان به ولسوالی دره صوف انتقال داده شدند که در چهار حوزه جدا گانه به مردم دره صوف توزیع شدند. البته این کمک ها تنها به مردم فقیر منطقه داده شدند اما به اثر مداخله عمومی مردم و مشکل جنگ و محاصره اقتصادی بین کلیه مردم دره صوف چه فقیر و چه غنی توزیع شدند.

مؤسسه CCA یا مرکز تعاون افغانستان (متا) یک مؤسسه غیردولتی NGO است که بیشتر از ۳۵ سال شده که برای مردم جنگ زده افغانستان خدمات صحی، تعلیمی، حقوقی و کمک های عاجل و فوری را انجام داده و می دهند و این بار به کمک مردم مظلوم دره صوف آمده بودند. این مردم را به شکل احسن کمک کردند که در حدود ۵۰۰ تن گندم از مؤسسه WFP کمک گرفته بودند و به دره صوف آورده بودند. در پروسه توزیع گندم انجینر شهاب الدین، شهید سید سرور، استاد ضرغام، رسولی



و نجیب الله از ولسوالی یکاولنگ ولایت بامیان به دره صوف آمده بودند و این جانب (عبدالؤمن طلوع) طبق پیشنهاد انجینرشهاب الدین عضو کمیسیون توزیع گندم در قریه حسنی توظیف شدم که به دوستان CCA کمک می نمودم و داکتر محمد عیسی رحیمی درحوزه شرق دره صوف عضو کمیسیون و توزیع گندم در قریه جات خواجه بلند، تیوتاش، جرس، و خواجه گنج قرارداداشتند.

### مهاجرت صد ها فامیل از دره صوف

درسال ۱۳۷۹ه.ش صد ها فامیل و خانوار از ولسوالی دره صوف جهت فرار از جنگ و محاصره اقتصادی راه مهاجرت را در پیش گرفتند به اثر مسدود بودند راه موتر و خطر امکان ماین گذاری در مسیر سرکها مردم مظلوم دره صوف از کوه ها و راه های صعب العبور خود را به ولسوالی یکاولنگ ولایت بامیان و یا هم به قریه مدر ولسوالی کهمرد و سیغان ولایت بامیان می رساندند تا از دست جنگ و محاصره اقتصادی نجات یابند.

زندگی برای هر فرد دره صوفی در حقیقت زندگی و مرگ شده بود، آنها با مرگ و زندگی دست پنجه نرم می کردند هر روزی زندگی آنها با جنگ سپری می شدند و از چهار طرف در محاصره دشمن قرار

دره صوف در گذر بحران تاریخ ————— توسلی - طلوع ۶ - / ۲۶۶

داشتند. بسیار دل و جگر می‌خواست تا در این دره وحشتناک و مرگ جای زندگی نمایند که جز خداوند کسی دیگر به فریادت نرسد. در آن شرایط مهاجرت و فرار از جنگ تنها راه حل بود.

در ماه میزان سال ۱۳۷۹ ه. ش مردم دره صوف به جمع آوری کشت و کار خویش پایان داده بودند، در این ماه صد ها فامیل و خانواده از ولسوالی دره صوف به خارج از کشور مهاجر شدند. صد ها فامیل با طی نمودند مسیر طولانی از راه های صعب العبور با پای پیاده و الاغهای کرایه همراه فامیل شان خود را به ولسوالی یکاؤلنگک و یا به (مدر) در ولسوالی کهمرد و سیغان ولایت بامیان می‌رساندند تا از آن طریق به پاکستان و ایران مهاجرت نمایند.

مهاجرین کسانی بودند که از وضعیت جنگ در دره صوف سخت متضرر شده بودند و طالبان تمام خانه و زندگی آنها را به آتش کشانده بودند و زندگی در دره صوف برای آنها به معنای خود کشی بود.

لذا تعدادی زیادی فامیل سر زمین جنگ زده خویش راتنها گذاشتند و دیار مهاجرت را در پیش گرفتند من (عبدالؤمن طلوع و محمد نایب علی توسلی) روزانه شاهد سرازیر شدن صد ها فامیل مهاجر از ولسوالی دره صوف به شهر غزنی بودم که روزانه آنها را در سرای چقورک و اده قندهار غزنی رسیده بودند.

## آتش زدن خانه و کاشانه بازار مرکزی دره صوف

در این برهه کوتاه، ابر سیاه و طوفان خشمگین طالبان در فضای نیلگون و سبز رنگ دره صوف سایه افکنده بود نبرد های سختی بین طالبان و مجاهدین به وقوع پیوسته بود، [طالبان که خود را لشکریان خدا در زمین می دانستند] دره صوف در زیر گام های سپاهیان جهل و جنون دهشت انگیز طالبان قرار گرفتند در تهاجمات خود سوزاندن خانه و کاشانه مردم را تلافی می کردند، گروه افراطی طالبان در تقابل پیروزی و شکست خویش در ولسوالی دره صوف قریه جات، تنگی یعقوب، سید آباد، تحتجوی، بازار دره صوف، دور مرکز، دهن کشکک، سرولنگ، دهن شوراب، جنگل قول، زیرکی، قریه چهاراولیا، حیدرآباد، دایکلان، تگاب نوامد، خواجه بلند، تیوتاش، بازار دره صوف، دکانها، هتل ها، سرایها و بیش از دهها هزار خانه را به کلی آتش زدند و تخریب نمودند که از جمله بازار مرکزی دره صوف با بیش از ۱۰۰۰ دکان و ۵۰ هتل و سرای تقریباً یک ماه در آتش قهر و تعصب طالبانی می سوختند. علیرغم که در آغاز جنگ تمام اموال و دارایی مردم در بازار دره صوف و اموال خانه های شان به دست طالبان افتادند و چور و چپاول به یغما رفتند، اما سوختن دکانها و خانه های شان ضربه دیگری بود که به این مردم وارد

شده بود و برای این مردم دیگرراه و چاره بی نمانده بود جز مهاجرت از دره صوف بدین لحاظ صدها فامیل روانه ایران و پاکستان شدند تا از شر جنگ و محاصره اقتصادی طالبانی خود را نجات دهند.

به این ترتیب صدها فامیل از خانه و کاشانه خویش راه مهاجرت را در پیش گرفتند. مهاجرت بیش از حد مردم باعث شد که شورای تصمیم گیری شمال جلویی رویه مهاجرت مردم را بگیرند.

استاد حاج محمد محقق و تمام قوماندانها و شورای تصمیم گیری شمال فیصله نمودند که کسی مهاجرت ننماید اما مردم به آنها گفتند که ما از دست بیکاری مهاجرت می‌نماییم و نداشتن سر پناه و وضعیت بد اقتصادی، محاصره نظامی، اقتصادی و جنگ دوامدار در دره صوف باعث مهاجرت مردم شده است. اگر شما مردم را کمک می‌توانید مردم از ولسوالی دره صوف مهاجرت نمی‌کنند. آنها مقاومت و ایستادگی در برابر طالبان را مثال می‌آوردند که مردم باید در برابر طالبان جنگ نمایند اما مردمی که دست به مهاجرت می‌زدند توانایی هیچ کاری را نداشتند و اولاد های آنها نان می‌خواستند و شکم گرسنه جنگ نمی‌شد و یک راه برای آنها باقی مانده بود و آنهم مهاجرت از دره صوف و رفتن به دیگر شهرها و یا خارج از کشور که می‌توانست روح روانی مردم دره صوف را آرام نمایند.

دره صوف در گذر بحران تاریخ ————— توسلی - طلوع - ۶ / ۲۶۹

شورای تصمیم‌گیری شمال نتوانستند جلو مهاجرت بیش از حد مردم را بگیرند و تعدادی زیادی مردم مهاجر شدند. روزگار مردم بسیار به حالت خراب و تکان‌دهنده رسیده بودند به جز تعدادی مردم ناتوان و غریب کسانی که توانایی مهاجرت را داشتند از دره صوف مهاجر شده بودند. مردمانی که مانده بودند روزگار خویشتن را با عطله‌ای جواری و نان جو می‌گذراندند و مردم زیاد مصیبت دیده بودند و روزگارشان خیلی خراب شده بودند.

### **بازگشت استاد محمد کریم خلیلی به دره صوف**

در سال ۱۳۷۹ ه.ش در زمستان سرد و برف‌گیر دره صوف استاد محمد کریم خلیلی رهبر حزب وحدت ذریعه سه‌بال هلیکوپتر از پنجشیر به دره صوف آمده بودند که مورد استقبال سخت و پور شور مردم ولسوالی دره صوف قرار گرفتند.

استاد محمد کریم خلیلی در قریه (کوته دایمیرداد) دره صوف از طیاره پایین شدند و در مسیر راه‌شان از دایمیرداد تا قریه حسنی که مرکز سیاسی و نظامی احزاب جهادی بودند ده‌ها رأس مال و گوسفند و گاو در استقبال از محمد کریم خلیلی ذبح شدند و از استاد محمد کریم خلیلی استقبال چشم‌گیری صورت گرفتند.

محمد کریم خلیلی بعد از رسیدن به قریه حسنی در مسجد بزرگ مدرسه حسنی به ایراد سخنرانی پرداختند و از شور و احساسات پر شور ملی مردم دره صوف و مقاومت دو ساله آنها تقدیر و تشکر نمودند و همچنان استاد محمد کریم خلیلی درسرخانش از دور بودن خویش از وطن ادامه مبارزه در مقابل طالبان و خواستار هماهنگی و انسجام بیش از پیش مردم هزاره های دره صوف شدند.

استاد محمد کریم خلیلی تقریباً بعد از یک ماه دیدی و باز دید با شخصیت های جهادی، قوماندانها و سنگر نشین های دره صوف به قریه سرحد دره صوف (کوته) دایمیرداد رفته و مرکزیت نظامی و سیاسی خویش را در آنجا مستقر نمودند و با همکاری قوماندانان ارشد جهادی قوماندان فکور، سردار محمد حسین جهانی، سید احمد فتاح زاور، حاج احسانی، طاهر زهیر، داکتر محمد عیسی رحیمی، آمرسلطان، داکتر حاجی بیدار، آخوند هدایت پلان های جنگی خود را جهت آزاد سازی بامیان و یکاولنگ روی دست گرفتند. تعدادی زیادی از مردم و قوماندانهای ولسوالی دره صوف در جهت همکاری با محمد کریم خلیلی هماهنگی و همکاری شایانی نمودند. صد ها نفر فدایی از مردم ولسوالی دره صوف در جنگ آزاد سازی ولسوالی یکاولنگ اشتراک مساعی فعالانه داشتند و

ده ها نفر از مردم دره صوف در آزاد سازی ولسوالی یکاولنگک به شهادت رسیدند از جمله طلبه جوان شهید آخوند هدایت.

استاد محمد کریم خلیلی ولسوالی یکاولنگک ولایت بامیان را آزاد نمود اما عدم سلاح ثقیله کافی باعث عقب نشینی تکتیکی نیروهای حزب وحدت شدند که در این جنگ ده ها نفر شهید شدند و بعد از سقوط مجدد ولسوالی یکاولنگک، طالبان به کشتار دست جمعی مردم یکاولنگک زدند که بعد از باز شدن جبهه جدید ضد طالبانی در ولسوالی یکاولنگک صد ها فامیل از ولسوالی یکاولنگک مهاجر و روانه کشورهای ایران و پاکستان شدند.

بازگشت استاد محمد کریم خلیلی به داخل کشور باعث باز شدن جبهات جدید ضد طالبانی در سرحدات هزارستان شدند. از جمله جنگ در ولسوالی کهمرد و سیغان ولایت بامیان علیه طالبان مجدداً شروع شدند و همزمان در ولسوالی خرم و سرباغ قاضی هاتف جنگ ضد طالبان را شروع نمودند و به دنبال آن قوماندان داکتر محمد ابراهیم در ولایت غور جنگ علیه طالبان ها را آغاز نمودند که منجر به گسترش جبهه جدید و آمدن قوماندان تورن امیر اسماعیل خان در ولایت غور و هرات شدند.

باز شدن چندین جبهه جدید جنگی علیه طالبان پیروزی بزرگی بود برای ائتلاف شمال زیرا ائتلاف شمال نام بیش نبود و هیچ گونه هماهنگی

بین آنها وجود نداشت و تنها هماهنگی آنها جبهه ضد طالبانی بود که در هر نقطه افغانستان باز شده بود و نوید پیروزی را می دادند.

### آمدن ستر جنرال عبدالرشید دوستم به دره صوف

ستر جنرال عبدالرشید دوستم پس از مدت ها دوری از وطن در بهار سال ۱۳۸۰ ه.ش<sup>۱</sup> توسط طیاره از مشهد ایران به کولاب تاجکستان و سپس به یفتل ولایت بدخشان همراه ۲۵ نفر آمدند ابتدا ملاقاتی با احمدشاه مسعود داشتند، پس از مدتی استقرار در یفتل بدخشان توسط هلیکوپتر به پنجشیر آمدند پس از مدت چهار الی شش روز در پنجشیر با یک تماس مخابرویی حاج محمد محقق پنجشیر<sup>۲</sup> را شبانه به مقصد بلخاب ترک کرد. ستر جنرال عبدالرشید دوستم در بلخاب مورد استقبال گرم مردم قرار گرفت، در حالی که آتش جنگ در بامیان و دره صوف زبانه می کشیدند، ستر جنرال عبدالرشید دوستم سخت در تلاش بود تا خود را از دره باریک بلخاب به دره صوف بکشانند و جنگ را در شمال گسترش دهد<sup>۳</sup> تعداد از قوماندان های جنبش ملی از هر طرف در بلخاب جمع شدند و هر نفر یک

---

<sup>۱</sup> آخرین سپه سالار: نوشته/ برایان گلین ویلیامز/ ترجمه اسدالله شفائی چاپ ۱۳۹۶

ص ۳۱۵

<sup>۲</sup> همان ص ۳۱۷

<sup>۳</sup> همان ص ۳۱۸



اسب سواری همراه داشتند، مانند: قوماندان لعل محمد، قوماندان کمال خان، قوماندان فقیر محمد و نظر محمد و... نیروی بیشتری که تا دیروز در صفوف طالبان بود و امروز سربازی است بر علیه طالبان می جنگد.

ستر جنرال عبدالرشید دوستم اولین عملیات نظامی خویش را از ولسوالی زارع و امرخ شروع نمودند و تلفات سخت بر نیروهای رزمی جنرال دوستم وارد گردید، سپس بعد از جنگ و درگیری با نیروهای طالبان به ولسوالی دره صوف آمدند.

بازگشت ستر جنرال عبدالرشید دوستم به شمال باعث تقویه روحی جبهه ائتلاف شمال و تضعیف نیروهای طالبان در دره صوف شدند، ستر جنرال عبدالرشید دوستم با استقرار مرکزیت نظامی خویش در قریه حسنی کارهای نظامی خویش را سرو سامان دادند. این قریه از نگاه نظامی به یک قلعه مستحکم می ماند و سپس در مرکز دره صوف جای گرفته و از آنجا نیروهای نظامی خویش را سوق و اداره می نمود.

سرانجام آمریکاییها با استاد حاج محمد محقق و ستر جنرال عبدالرشید دوستم ارتباط بر قرار کردند سپس تعداد از جنرال های آمریکایی جهت دید و باز دید و موافقه با حاج محمد محقق و ستر جنرال عبدالرشید دوستم ذریعه سه بال هلیکوپتر به دره صوف آمدند آنها جهت سرکوبی القاعده و طالبان دست به کار شدند.

ستر جنرال عبدالرشید دوستم<sup>۱</sup> سخت باور مند و عقیده داشت در چنین شرایط که طالبان نیروی بیشتری داشتند نمی‌تواند شمال افغانستان را تسخیر نمایند زیرا طالبان نیروی بیگانه و خارجی است، که تمام مجاهدین دره صوف چشم امید شان به طرف خدا و امداد های غیبی بود تا بتوانند مناطق شمال را یکی پی دیگر سقوط دهند.

### حوادث و رویداد های سال ۱۳۸۰

سال ۱۳۸۰ ه. ش مصادف بود با سفر فرمانده احمد شاه مسعود قوماندان معروف ضد طالبان به اروپا و بازگشت ستر جنرال عبدالرشید دوستم به افغانستان. قوماندان احمد شاه مسعود از طرف اتحادیه اروپا جهت باز دید از کشورهای اروپایی دعوت شده بود فرمانده احمد شاه مسعود با هیأت بلند پایه ای سفر خویش را آغاز نمودند که این سفر از اهمیت بسیار مهمی برخوردار بوده که بار دیگر باعث جلب توجه جامعه جهانی به مسأله افغانستان شد و حمایت اتحادیه اروپا از ائتلاف شمال علی الخصوص از شخصی احمد شاه مسعود بسیار حایز اهمیت بود او توانسته بود جبهه ضد طالبان را حفظ نموده و به مبارزه خویش علیه طالبان ادامه دهند سفر احمد شاه مسعود جامعه بین المللی را متوجه افغانستان ساختند که

حکومت خشن طالبان مشروعیت قانونی ندارند و این حکومت از بین خواهند رفت و ائتلاف شمال پیروز خواهند شد.

ستر جنرال عبدالرشید دوستم همگام با حزب وحدت اسلامی و حرکت اسلامی در اولین فرصت حملات نظامی خویش را بالای کوه تیرک در شرق دره صوف، سفید کوتل و گذرگاه چچل در شمالشرق ولسوالی دره صوف آغاز کردند که این مناطق یکی پی دیگری فتح شدند.

ستر جنرال عبدالرشید دوستم قبل از تصرف سفید کوتل پالیسی سیاسی را در برابر حاج اسلم شروع کرد که شاید از طریق سیاسی و مذاکره سفید کوتل سقوط نمایند اما حاج اسلم ازبیک دست از همکاری با طالبان بر نداشتند و سخت مقاومت نمودند تا اینکه در آخر سال ۱۳۸۰ ستر جنرال عبدالرشید دوستم همراه نیروهای حزب وحدت و حرکت اسلامی شخصاً فرماندهی جنگ را در دست گرفتند بعد از تقریباً هشت ساعت درگیری و جنگ های شدید پیاپی در آخر ساعت ده بجه روز سفید کوتل و قریه گلوانسای برای آخرین بار سقوط نمود و به تصرف نیروهای حزب وحدت و حرکت اسلامی در آمدند.

همچنان مردم در کوه پایه های دره صوف سخت در برابر طالبان از کیان خود دفاع کردند قوماندانان که در این جنگ ها از خود رشادت و

فداکاری زیادی به خرج دادند عبارتند از: محمد نسیم حاج هاشم، سید احمد فتاح زوار، داکتر محمد عیسی رحیمی، امیری دایکلان، کاکا حسن، جنرال خیرالله فهیمی، قوماندان ظاهر، و جنرال محمد علی شجاعی در این جنگ قوماندانان هریک نسیم حاج هاشم، امیری دایکلان حسن کاکا و فتاح زوار خواجه بلند با گرفتن چهار هزار دالر جایزه دشمن را شکست دادند و طالبان به سوی ولسوالی کشنده و شولگره فرار نمودند و جبهه دره صوف با فتح و پیروزی به سوی کشنده و شولگره عملیات نظامی خویش را ادامه دادند و قریه مقصود که همه ازبیک نشین هستند به تصرف نیروهای ائتلاف شمال درآمدند.

در آغاز سال ۱۳۸۰ ه. ش جبهه متحد شمال دو پیروزی بزرگ را از آن خود نمودند که منجر به شکست طالبان شدند پیروزی اول در عرصه سیاست جهانی بود که می‌توان به سفر احمد شاه مسعود به اروپا اشاره نمود، که یک بار دیگر اذهان جامعه جهانی را متوجه افغانستان ساختند و پیروزی دومی بازگشت سترجنرال عبدالرشید دوستم به افغانستان بود و به دنبال آن پیشروی سریع نیروهای مقاومت در ولسوالی دره صوف و فتح سفید کوتل و گذرگاه چپچل بود که بزرگترین مانع برای پیشروی جبهه مقاومت به شمار می‌رفتند و فتح این سنگر کلیدی بزرگترین ضربه نظامی را به طالبان وارد نمودند.

## انفجار مرکز تجارت جهانی در آمریکا

بازگشت فرمانده احمد شاه مسعود از اروپا و بدنبال آن ترورفرمانده احمد شاه مسعود در ۱۸ اسنبه سال ۱۳۸۰ ه.ش برابر با ۹ سپتامبر ۲۰۰۱ م توسط دو ژورنالیست عرب تبار و انفجار مرکز تجارت جهانی در آمریکا در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ م وضعیت سیاسی و نظامی افغانستان را به کلی تغییر داد و احمد شاه مسعود پر قدرت ترین قوماندان ضد طالبان کشته شدند و از سوی دیگر انفجار مرکز تجارت جهانی در آمریکا؛ خشم آمریکاییها را علیه طالبان برانگیختند و در این حمله مرگبار بیش از ۳/۰۰۰ سه هزار نفر کشته شدند این حملات تروریستی در آمریکا باعث زلزله سیاسی در جهان معاصر شد و اذهان جهانی را علیه القاعده و طالبان بسیج نمودند خشم ملل جهان علیه شبکه القاعده اسامه بن لادن و تروریستهای طالب نما برانگیخته شده بود.

لذا جورج بوش رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا در سخنرانی آتشین خویش تمام ملل جهان را برای مبارزه علیه تروریستهای شبکه القاعده و طالبان فرا خواندند و خواستار تحویل دادن اسامه بن لادن به آمریکا شدند.

آمریکاییها علناً طرف درگیر در قضیه افغانستان شدند و هدف آنها نابودی شبکه القاعده و حکومت طالبان در افغانستان بودند، لذا در اولین فرصت سه هلیکوپتر آمریکاییها به دره صوف نزد استاد حاج محمد محقق و سترجنرال عبدالرشید دوستم آمدند راه مذاکره را باز نمودند. در این هلیکوپترها هشت آمریکایی به دیدار استاد حاج محمد محقق و سترجنرال دوستم آمده بودند تا سیاست ائتلاف شمال را تثبیت کنند که چه پالیسی را آنها در آینده در پیش خواهند گرفت.

آمریکاییها در دره صوف باقی ماندند تا هنگامی که در هشت اکتوبر سال ۲۰۰۱ میلادی حملات مرگبار آمریکاییها علیه طالبان شروع شد، آمریکاییها در شامگاه هشت اکتوبر حملات شدید هوایی را علیه خطوط نظامی طالبان در افغانستان شروع نمودند، آمریکاییها خطوط مقدم طالبان را بمباردمان نمودند و تمام تأسیسات طالبان هدف موشک های کروز آمریکا قرار گرفتند.

دو شب قبل از (حملات نظامی) آمریکاییها در دره صوف هواپیمایی آمریکاییها بسته های غذا را برای مجاهدین در خطوط مقدم جبهه در ساحه کوه تیرک، بازار سوخته، بازار دهی، چیچل و سفید کوتل به زمین انداختند که این هشت آمریکایی در کوردنات منطقه هواپیماها را هدایت می دادند.

هشت اکتوبر روز مرگ طالبان در تمام نقاط افغانستان بودند، طالبان باید در این روز جزای سنگین جنایات چندین ساله ای خویش را پرداخت می نمودند. طالبان در دام مرگ گرفتار آمده بودند از زمین و هوا بالای شان رگبار گلوله می بارید و بهای سنگین کشتار هزاران نفر بی گناه در شبرغان، مزار شریف، یکاولنگ، زارع و امرخ، بامیان و... را باید پس می دادند.

بعد از هشت اکتوبر شهرهای افغانستان یکی پی هم به تصرف مجاهدین جبهه متحد شمال افتادند و نظام متعصب و خشن مذهبی طالبان نابود شدند، شهرهای مزار شریف، کابل، هرات و... به تصرف ائتلاف شمال در آمدند و بیش از شصت هزار نیروی طالبان در شهرهای مزار شریف، شبرغان، پلخمری، قندوز و... گیر مانده بودند. که اکثراً عربها، چینی، پاکستانی و نیروهای جمعه نمگانی از ازبکستان و... طالبانی پشتون بودند که از تمام نقاط افغانستان آمده بودند این نیروی ها در محاصره ائتلاف شمال در آمده بودند. اتحاد شمال با حمایه یی هوای و امکانات لوژیستیکی نیروهای آمریکاییها به پیش می رفتند تا آخرین سنگرهای مضمحل طالبان را نابود کنند و بار دیگر به شهرهای افغانستان مسلط شوند و حکومت دلخواه خویش را در کابل مستقر سازند که سر انجام وعده الهی تحقق پیدا کردند و مردم بزرگ دره صوف از این

آزمون بزرگ سر بلند و پیروز برآمدند طالبان سقوط نمودند و حکومت موقت مجاهدین در کابل مستقر شدند.

## تشکیل دولت موقت و حکومت انتقالی در افغانستان

با تشکیل دولت موقت و حکومت انتقالی استاد حاج محمد محقق به اساس فیصله بن به وزارت پلان دولت موقت انتخاب شد و سترجنرال دوستم نماینده خاص حامد کرزی در صفحات شمال کشور تعیین شدند. قوماندان عطا محمد نور مسئول قول اردوی نمبر هفت و مسؤل زون شمال جمعیت اسلامی و به مدت سیزده سال به حیث والی ولایت بلخ تعیین شدند و احمد خان به حیث والی سمنگان و دو دوره نماینده مردم ولایت سمنگان در پارلمان کشور انتخاب شدند، محمد کریم خلیلی دو بار به حیث معاون دوم ریاست جمهوری دولت تعیین شدند.

دولت قانونی در افغانستان حکم فرما شدند و امنیت نسبی در سراسر کشور تأمین گردید، مردم مسلمان افغانستان برای اولین بار انتخابات آزاد ریاست جمهوری را پشت سر گذاشتند؛ انتخابات شورای ملی را با موفقیت سپری نمودند و دولت منتخب و مردمی در افغانستان روی کار آمدند.



حکومت مردمی با داشتن پایه های وسیع قومی در این کشور تشکیل شدند. اینها همه ثمرات جنگها و فداکاری های مردم مسلمان افغانستان مخصوصاً رشادتها و پایدردی مردم ولسوالی دره صوف بودند که در برابر سیاست های تروریست های خارجی جامه عمل پوشیدند و نماد دیموکراسی برای اولین بار در این کشور رونما گردید.



گوشه یی از جنایات طالبان، آتش زدن وسایط باربری مردم دره صوف در مسیر شاه  
راه مزار شریف



کودکان، دره صوف در حال کار شاق، انتقال ذغال سنگ از داخل معدن  
به بیرون توسط الاغ



دورنمایی - مرکز دره صوف



دژ تسخیر نا پزیر دره - تنگی - حسنی

فصل هفتم  
جایگاه دره صوف در دنیای امروز



## وضعیت دره صوف در دوره حاکمیت حامد کرزی

بعد از روی کار آمدن حکومت جدید موقت در افغانستان ولسوالی دره صوف با داشتن بیش از دو صد هزار نفوس به دو ولسوالی دره صوف بالا و دره صوف پایان تقسیم شدند و در این قسمت تلاش می‌نماییم که مشکلات این دو ولسوالی را به حضور شما تقدیم نمایم تا با سیمایی دره صوف آشنا شده و خود فکر نمائید که این دو ولسوالی چه قدر در محرومیت به سر می‌برند.

دره صوف با داشتن معادن غنی طبیعی مثل ذغال سنگ، میس، گاز، نفت و... سرشار از ذغال سنگ و استخراج سرسام آور آن و بیش از حد از معادن از لحاظ اجتماعی و اقتصادی مردم آن در حد ابتدایی زندگی می‌نمایند فقر از درو دیوار آن می‌بارد و از سیمای هر دره صوفی آثار فقر نمایان است. و ضرور است که چهره دره صوف را از ابعاد مختلف مورد بحث قرار دهیم تا خوانندگان عزیز این سطور از ولسوالی دره صوف

معلومات اساسی داشته باشد تا در تمام عرصه ها کمک فوق العاده برای همگان باشند.

### دره صوف از لحاظ تعلیم و تربیه

ولسوالی دره صوف از لحاظ فرهنگی در حد بسیار ابتدایی قرار داشته و در این ولسوالی در قسمت تعلیمات ابتدایی کار چندان قابل توجه صورت نگرفته است و در ۳۰ سال گذشته از مردم دره صوف جز استفاده سیاسی و ابزاری در قسمت جنگ دیگر کاری برای این مردم در بخش تعلیم و تربیه نشده است و در سی سال گذشته مکاتب این ولسوالی از صنف ۶ بالا نرفته بود و بعد از حکومت انتقالی و منتخب هنوز هم مکاتب این ولسوالی از صنف ۱۲ فارغ نداده است و نتوانسته در بخش تعلیمات به پایه دیگر ولسوالی های افغانستان برسند.

ولسوالی دره صوف تنها دو لیسسه دارد که یکی در بازار مرکزی ولسوالی دره صوف بالا و دیگری در ولسوالی دره صوف پایان می باشد اما این دو لیسسه به نام لیسسه است و تاکنون نتوانسته یک دوره فارغ داشته باشند. در این دو ولسوالی رول ملاها زیاد تر می باشد تا مکاتب جدید سرکاری، در ولسوالی دره صوف مدارس دینی زیادی ساخته شده و

مردم اکثریت بچه های شان را به مکاتب دینی می فرستند تا مکاتب جدید دولتی.

در بخش معلمین مکاتب هم این دو ولسوالی همیشه محروم بوده اند و شخص با سواد و تحصیل کرده که به علوم جدید آشنایی داشته باشند در این دو ولسوالی کمتر به چشم می خورند که شاگردان مکاتب را درس بدهند تا چه رسد که این دو ولسوالی در حد دانشگاه شاگرد تربیه نمایند و سطح تحصیل مردم بالا بروند.

ولسوالی جاغوری ولایت غزنی هر ساله حد اوسط ۳۰۰ نفر محصل را به دانشگاه ها می فرستند که نسبت به دره صوف ها غیر قابل مقایسه می باشند، شاید از دره صوف سالانه ۱۰ نفر نتوانند به دانشگاه راه یابند اما مردم ولسوالی جاغوری به صد ها فارغ دانشگاه دارند که افتخار مردم افغانستان به شمار می روند.

در این دو ولسوالی تعدادی معلم اگر وجود داشت در طول سی سال انقلاب شهید شدند و یا به کارهای شخصی اقدام نمودند و پیشه معلمی را رها نمودند که این ضربه یی بزرگی بود به معارف مردم ولسوالی دره صوف بدین لحاظ مردم دره صوف شاگردان شان بی اندازه بی سواد باقی ماندند و درد و رنج این کار را امروز مردم دره صوف خوب احساس می کنند. ولسوالی دره صوف ولایت سمنگان یکی از



ولسوالی های دور دست این ولایت می باشند که فاصله آن از مرکز ولایت ۱۱۷ کیلومتر می باشد. این ولسوالی ها در گذشته یک ولسوالی بود اما اینک به دو ولسوالی دره صوف پایان و ولسوالی دره صوف بالا تقسیم شده است.

ولسوالی دره صوف بالا با دارا بودن ۱۰/۸۰۰۰۰ جمعیت اولین ولسوالی درجه اول در ولایت سمنگان به شمار می روند. در این ولسوالی اکثریت جمعیت آن را هزاره ها تشکیل می دهند که به ۳ دسته بزرگ هزاره ها تقسیم شده است.

### ۱- دسته یوسفی هزاره

این دسته از هزاره های دره صوف بیشتر در بخش شرق دره صوف سکونت دارند و مناطقی چون نوآمد، شیخه، اجریم، قرغنه، خواجه بلند، دایکلان، شباشک، قرمقول، تیوتاش، تیرک و دروازه و... به این هزاره ها، هزاره ترکمن و بهسود می گویند هزاره ترکمن از دره ترکمن ولایت پروان و هزاره بهسود از ولسوالی بهسود مهاجر شده اند.

قریه حسنی نیز یکی از قریه جات است که در آن اکثراً هزاره ترکمن زندگی می نمایند. هزاره های ترکمن در دره صوف جمعیت زیاد دارند.

## ۲- دسته دایمیرداد

هزاره های دایمیرداد در بخش جنوب دره صوف زندگی می کنند و ساحه بزرگی را تحت پوشش قرار می دهند هزاره های دایمیرداد از ولایت میدان وردک به ولسوالی دره صوف مهاجر شد اند. آنها در قریه جات طور، سر طور، چهار قشلاق، چهار ده، خوال آهنگران، کوته، پسقل و ... زندگی می کنند.

## ۳- دسته سرولنگ

مردم این دسته در مرکز دره صوف، سرولنگ، زیرکی، تنگی یعقوب، سید آباد، شوراب، سرشوراب و ... زندگی می کنند و بیشترین این دسته را قوم بهسود. غزنچی و بعضی اقوام پراکنده دیگر که به این ولسوالی آمده اند تشکیل می دهند. در ولسوالی دره صوف تعدادی مردمان بیات، قزلباش و افشاری زندگی می کنند که آنها هم ترکمن هستند و سادات مردمان مهاجری هستند که از بامیان و یکاولنگ به این ولسوالی آمده اند. شیعه های توری جمعیت اندکی دره صوف را تشکیل می دهند و بعضی قومای دیگر همانند جاغوریها در دره صوف زندگی می کنند که در قریه زرد سنگ و جاهای دیگر بود باشد دارد.

معارف در این ولسوالی سابقه چندان درخشان نداشته است مکاتب ولسوالی دره صوف تا سال ۱۳۸۷ ه.ش نتوانسته اند از صنف ۱۲ فارغ دهند.

دره صوف در گذر بحران تاریخ ————— توسلی - طلوع ۶ - / ۲۹۱

ارقام مدارس و مکاتب ولسوالی دره صوف بالا در سال ۱۳۹۹ه.ش قرار  
ذیل است<sup>۱</sup>.

مدارس دینی (۱۵)باب

مکاتب ابتدایی (۶) باب

متوسطه (۱۴) باب

لیسه (۲۶) باب

دارالعلوم (۱) باب

شفاخانه ۳۰ بستر (۱)باب

کلینیک (۷)باب

به تعداد (۴) پایه شبکه مخابراتی روشن، MTN، اتصالات و سلام

فعال است. ۶۰٪ خدمات دارند.

معارف در این ولسوالی کمتر رشد عالی داشته و تأثیرات جنگهای

داخلی و عدم توجه مسئولین این ولسوالی باعث شده است که این

ولسوالی در ساله ۱۳۸۷ه.ش فارغ صنف ۱۲ داشته باشند و برای اولین بار

در تاریخ این ولسوالی لیسسه مرکز دره صوف فارغ صنف ۱۲ داشت است.

معارف در ولسوالی دره صوف بعد از سال ۱۳۵۷ه.ش رونق گرفتند

معلم سید مدیر (سید یحیی) اولین کسی بود که بعد از انقلاب ۱۳۵۷ ه.ش

---

<sup>۱</sup> حاجی سلطان علی سلطانی، ولسوال دره صوف بالا

به فکر معارف دره صوف افتادند دیگران از پاکستان سلاح می آوردند اما سید مدیر با بوجیهای کتاب و قرطاسیه باب به مردم دره صوف سوغات می آورد و ایشان با تلاش پیگیر توانستند امر ۸ باب مکتب را از کمیته سویدن برای افغانستان از کشور پاکستان بیاورند و در سطح دو ولسوالی دره صوف ها ۸ باب مکتب را فعال نمایند که به سهم خود از تلاشهای سید مدیر تقدیر می نمایم.

در ولسوالی دره صوف انگیزه درس و مکتب در گذشته کمتر مورد توجه بودند اما بعد از سال ۱۳۸۰ ه.ش اشتیاق مردم به مکتب زیاد شدند و مردم اکثریت بچه هایشان را به مکتب فرستادند که امروزه صد ها نفر از فرزندان رشید این خطه یی قهرمان خیز در دانشگاه های داخل و خارج مصروف درس هستند و صد ها تن از فرزندان این مرز بوم از دانشگاه ها فارغ شده اند که مایه یی افتخار مردم ماهستند.

## ولسوالی دره صوف پایان

ولسوالی دره صوف پایان هم یکی از ولسوالی های درجه اول در ولایت سمنگان می باشند؛ در ولسوالی دره صوف پایان اقوام ازبیک، تاجیک، هزاره، سادات و... زندگی می کنند. اکثریت جمعیت به ازبیک

ها تعلق دارد ازبیکها بیشتر در قسمت شرق دره صوف زندگی می کنند  
قریه مقصود بزرگترین مرکزیت ازبیک ها می باشند.

در مرحله بعدی تاجیکها جمعیت بیشتری دارند؛ هزاره های شیعه  
مذهب در این ولسوالی کمتر می باشند. در این ولسوالی هزاره ها به دو  
کتگوری تقسیم شده است هزاره ۱۲ امامی و هزاره حنفی مذهب که بیشتر  
خود را تاجیک می گویند. به نظر من در ولسوالی دره صوف ما قومی به  
نام تاجیک نداریم. این هزاره ها بوده اند که به اثر ظلم امیر عبدالرحمان  
خان از مناطقی هزارستان فراری شده اند و در این ولسوالی جاگزین شده  
اند و به مرور زمان به خاطر ظلمی که به آنها روا داشته شده است مذهب  
خود را تغییر داده اند و امروزه خود را تاجیک می گویند.

وقتی به قهوار اندام آنها نظر اندازی چهره مغولی و ترکی در سیمای  
آنها دیده می شوند؛ اما وقتی پرسان می کنی می گویند که ما تاجیک  
هستیم؛ قهواره آنها با گفتار آنها مطابقت ندارند. آنها فکر می کنند که  
وقتی مذهب تغییر کرد قهوار، قیافه ه هم تغییر می کند و ملیت هم تغییر  
می خورد و... در حالی که این گونه نمی باشند هزاره می تواند هندو شوند.  
هزاره می توانند یهودی شوند اما هویت ملی خود را از دست داده نمی  
توانند. هزاره تاجیک و یا اوغان شده نمی توانند و برعکس اوغان تاجیک  
شده نمی توانند، هزاره هزاره است و اوغان اوغان می باشند.

هزاره های که خود را تاجیک می گویند در غرب دره صوف در قریه جات زاغ و فولاد، سردشت گوله چقورک، چکابی، هشتلیز، مرکز بازار دهی، چوبکی، در شرق دره صوف در قریه جات: لبابی، دایکندی، بغک، تقسن، دمکی وزیدوری و... زندگی می کنند. اکثریت هزاره های که خود را تاجیک می گویند قومیت نزدیک با هزاره های شیعی دارند و هنوز هم روابط فامیلی آنها ادامه دارند. اما بعد از اینکه مذهب شان تغییر نموده به ظاهر خود را تاجیک می گویند که معلوم نیست این پروسه تا بکی ادامه خواهد یافت!؟

اکثر نام های مناطق آنها نام هزاره گی می باشند همانند دایکندی، بغک، زاغ، فولاد و... نامهای که در هزاره جات به وفور می توان پیدا نمود. اجحافهایی که در جامعه امروزی افغانستان وجود دارد باید تغییر بخورد و مردمی که هویت ملی خود را فراموش نموده اند باید به واقعیت های عینی جامعه افغانستان پی ببرند و...؟

پس بنا بر این همه ای ملیت ها می توانند در کنار هم برادر وار زندگی نمایند و برای همدیگر احترام داشته باشند اما منکر هویت ملی خویش نباشند.

متأسفانه در ولسوالی دره صوف پایان هم معارف زیاد رشد نداشته است و در این ولسوالی در بعضی قریه ها اصلاً مکتب وجود ندارند و

دره صوف در گذر بحران تاریخ ————— توسلی - طلوع ۶ - / ۲۹۵

شاگردان مکاتب از نقاط دور دست در قریه جات که مکاتب هستند می آیند و حتی تشکیل مکاتب در بعضی قریه جات تاکنون از طرف دولت منظور نشده است.

ارقام مدارس و مکاتب در ولسوالی دره صوف پایان در سال ۱۳۹۹ قرار ذیل است.<sup>۱</sup>

مدارس دینی (۱۲)باب

مکاتب ابتدایی (۲۷) باب

متوسطه (۲۲)باب

لیسه (۱۲)باب

دارالعلوم (۱)باب

لیسه تخنیکی وزراعت (۱)باب

شفاخانه ۲۰ بستر (۱)باب

کلینیک (۶) باب

انجمن زراعتی (۵)

انجمن اجتماعی و صنایع دستی (۱)باب

خدمات مخابراتی در ولسوالی دره صوف بالا وپایان تفاوت ندارند

یک کسان خدمات دارند وشبکه انترنیتی ۳G فعال است.

---

<sup>۱</sup> قدرت الله بیگ، ولسوال دره صوف پایان

در ولسوالی دره صوف پایان به اثر طبیعت خشن و نبود اقتصاد خوب و عدم رفاه و آسودگی این ولسوالی هم رشد بطنی داشته است. اکثریت مردم به رزاعت للمی کاری مصروف هستند و عاید مردم بسیار پایان می‌باشند، لذا معارف در میان مردم اهمیت چندان نداشته و ندارد.

این ولسوالی هم تا کنون نتوانسته از لیسه موجود خود شاگرد صنف ۱۲ فارغ دهند و سطح تعلیم از صنف ۱۰ تا به حال بالا نرفته است. در این ولسوالی معلم امین در قسمت معارف زیاد زحمت کشیده است که در این جا از زحمات این مرد فرهنگی تقدیر می‌نمایم.

ولسوالی دره صوف ها به خاطر دور بودن از مرکز ولایت سمنگان و عدم توجه مقامات دولتی به این دو ولسوالی در محرومیت شدید به سر می‌برند، در ولایت سمنگان تنها ولسوالی که از عاید بلند و ذخایر عظیم ذغال برخوردار می‌باشند ولسوالی دره صوف هاست؛ معدن ذغال سنگ گوله در ولسوالی دره صوف پایان نیز معدنی بزرگی است که تاکنون مرحله استخراج خود را طی ننموده است و در آینده بی ولسوالی دره صوف پایان این معدن در محراق توجه مقامات دولتی قرار خواهند داشت به امیدی روزی که ولسوالی دره صوف ها به رشد و شکوفایی بلند برسند دیگر آتش دود و باروت بر مزاق کسی استشمام نشود.



## دره صوف از لحاظ سیاست و فرهنگ

دره صوف از لحاظ سیاست، فرهنگ و موقعیت اوپراتیفی در ردیف ولسوالی درجه اول ولسوالی های افغانستان به شمار می‌روند اما با این تفاوت که مردمان این ولسوالی از پشتوانه قوی دولتی برخوردار نبوده و شخصیت‌های اصیل این مردم به شکل بسیار محرومانه در بین مردم زندگی می‌کنند و دولت افغانستان هم به شکل سمبولیک به این مردم توجه حقوقی نکرده، تا این مردم را در یک گوشه دولت سهم داده باشد تا این مردم هم از محرومیت بیرون آیند.

اما متأسفانه حتی در سطح یک والی هم به این مردم توجه نشده اند و حق این مردم نادیده گرفته شده است. علیرغم که این مردم به دولت افغانستان خدمت بزرگی نموده است و سه سال مقاومت مردم در برابر طالبان و شبکه القاعده خود یک معمای لاینحل می‌باشند مردم دره صوف در این سه سال مقاومت تمام دارایی و دارو ندار زندگی خود را فدای جنگ نمودند و بهترین فرزندان خویش را قربانی جنگ ساختند متأسفانه دولت افغانستان حق سرخ این مردم را همیشه نادیده گرفته است.

بعد از پیروزی مجاهدین، دولت مردان افغانستان حتی از ذکر نام دره صوف اکراه داشتند و حتی نام دره صوف را در سخنانشان نمی‌آوردند.

این ولسوالی با جمعیت در حدود یکصد و پنجاه هزار نفر در جهان سیاست و فرهنگ در افغانستان شریک بوده و در چهار دهه اخیر از جمله ولسوالی های خبر ساز و سر نوشت ساز به شمار می رفت، متأسفانه مردم دره صوف برای خود هیچ کاری نتوانسته است و دیگران از این ولسوالی مفاد اعظمی را کمایی نموده اند.

### نویسنده گان و شاعران دره صوف

در ولسوالی دره صوف تعدادی زیادی افراد فرهنگی زندگی می نمایند که در نشر آثار فرهنگی توجه خاص داشته اند تعداد از آنها از خود آثار چاپی و قلمی به جا گذاشته اند. که به تعداد از این نویسندگان و شاعران به قرار ذیل اشاره می گردد.

☞ مرحوم مولانا شاکر - خواجه بلند شاعر قرن (۱۸)، [دیوان عالی مولانا

شاکر بلخی و کلیات برهان القاطع]

☞ مرحوم سید ابوالحسن مزاری معروف به سید کلنگگ متوفی ۱۳۸۳ ه.ش

[خنده ها از عشق گریه ها از غم، دیوان عالی فضائل و فریاد ملت]

☞ مرحوم آیت الله حاج شیخ عطاء الله توسلی متوفی ۱۳۹۳ ه.ش [اسلام

شناسی از دیدگاه غرب، عاشورا الگویی در جامعه امروزی، تحقیق فی

الخمس، ترجمه شرح لمعه، شرح المکاسب، تفسیر سوره حجرات،

جایگاه اهل بیت (علیهم السلام) در آیه ای تطهیر، جایگاه زن در اسلام، الوحدت  
المسلمین، وحدت در جامعه مسلمین و استاد شهید عبدالعلی مزاری (رحمته الله علیه)  
در آزمون زمان و...

آیت الله حاج شیخ نظام الدین شریفی دبیرزاده [زندگی نامه آیت الله  
حاج شیخ میرزا حسین دره یوسفی و...]

سید طالب ذکی [سیمای اهل بیت (علیهم السلام) در آینه تفاسیر فریقین، بررسی  
آراء جمع قرآن از منظر فریقین، ابعاد وجودی انسان ۱، ابعاد وجودی  
انسان ۲، بیایم هویت کاذب را بشکنیم، انتخابات؛ تجلی شعور ملی،  
بررسی مدارک و مستند نویسی واقعه عاشورا، رابطه خودشناسی و  
خداشناسی، بیوگرافی سید رضی (ره) گردآورنده نهج البلاغه، درآمدی  
بر قرآن پژوهی نظام مند و...]

شهید سرادر محمد حسین جهانی [دیوان عالی جهانی]

عبدالهادی شکیب [مزمه های جاویدانه ستاره فروزان در آسمان  
کشور]

محمد جواد پیکار [ادله اجتهاد و تقلید، عقدتورید برفقه جعفری]

حسین علی صابری [دره صوف گوهرتاریخ، راز پوشیده افشا سخن  
است]

دره صوف در گذر بحران تاریخ ————— توسلی - طلوع ۶ - / ۳۰۰

☞ سید حمیدالله جعفری / نویسنده و محقق [تصحیح سراج التوارخ و افغانستان در پنج قرن اخیر / تاریخ سیاسی افغانستان، جنبش مشروطیت

افغانستان، سیر در هزارجات و...]

☞ محمدرضا ضیائی [هزاره هادراسکاندیناوی]

☞ دین محمد جاوید (تاریخ زن)

☞ مرحوم اسدالله دهقانزاده

☞ سید میر حسین حسینی

☞ سید ذکریا سجادی (خورشید پشت ابر)

☞ حیات الله بیک [دره صوف سر زمین فراموش شده]

☞ ملا فقیر

☞ ملا محمد امین

☞ سید نور طهماسبی (گاهنامه)

☞ سید صادق موسوی نژاد

☞ ماستر کمال سخی زاده

☞ ماستر اسدالله امیری

☞ احمد الله نوید

☞ علی مظفری (داستان نویس)

☞ محمد حسین مجاهد (سر سرداران، از کربلا تا شام)

## نقش علماء در دره صوف

تعدادی زیادی شخصیت های مهمی در دره صوف ظهور نموده که نه تنها در دره صوف نقش بس مهمی داشته بلکه در سطح افغانستان از شهرت زیادی برخوردار می باشند که عبارتند:

۱- آیت الله حاج شیخ میرزا حسین مؤسس و بنیانگذار اولین مدرسه علمی و دینی، مدرسه ای سرولنگ در سطح هزارستان، در دوره حکومت شاه امان الله خان.

۲- ملا غلام علی کربلای

۳- آیت الله شیخ علی جمعه نوالی

۴- آیت الله شیخ محمد موسی اخلاقی

۵- آیت الله شیخ عطاء الله توسلی خواجه بلند

۶- حجت السلام والمسلمین سید حیدر نجفی

۷- شیخ امیر محمدناصری دبیر زاده

۸- آخوند عبدالحسین معروف به آخوند زوار

۹- مولوی علی نظر مدرس و مؤسس مدرسه حسنی برج

مولوی علی نظر فرزند غلام حیدر در سال ۱۲۹۰ه ش در قریه حسنی متولد شده بود. دوران طفولیت را در این قریه سپری نموده بود و در سنین جوانی توسط تشویق پدر در مدرسه علمیه قریه کمج نزد شیخ محمد نبی

دروس ابتدایه حوزه را شروع نمود و بعد از سالها درس و قرائت درسهای حوزه خود مدرس مجرب در دروس صرف و نحو و منطق شده بود سپس جهت ادامه تحصیل دروس حوزوی به مدرسه علمیه سرولنگ و سال ها نزد آیت الله حاج شیخ میرزا حسین تلمذ نموده بود، که به اثر تشویق بی شایبه مردم محل و به خصوص موی سفیدان قریه حسنی اقدام به تأسیس مدرسه دینی در قریه حسنی برج نمود که مرکز بزرگ فقه و اصول در عصر و زمان خود شدند.

آیت الله شیخ عبدالحسین معروف به آخوند زوار مدرس برجسته شمال در مدرسه قریه حسنی برج در مورد تأسیس مدرسه حسنی چنین نقل قول نموده بودند: در یک تابستان بسیار معتدل و سرد مردم قریه حسنی جشن میلاد نیمه شعبان تولد امام زمان علیه السلام را گرفته بودند و از من برای سخنرانی در این مراسم دعوت نموده بودند.

آنها این مراسم را در نزدیکی میدانی که معروف به (بید دوات) بود برگزار نموده بودند من در این مراسم سخنرانی نموده بودم و از میلاد امام زمان علیه السلام صحبت کردم بعد از جشن تمام مردم قریه حسنی حاضر بودند به خصوص مولوی علی نظر و ملا غلام رسول و باقی محاسن سفیدان، من به آنها سفارش نمودم که در این قریه مدرسه علمیه ای بسازند آنها حرف مرا

دره صوف در گذر بحران تاریخ ————— توسلی - طلوع /- ۳۰۳

قبول نمودند و در قریه حسنی مدرسه علمیه بنا نمودند که فقط به سه اتاق خلاصه می شد.

سال بعدش هوا زیاد گرم شده بود و من در قریه زیر کی تعدادی زیادی شاگرد داشتم که آنها را درس می دادم در هوای گرم تابستان درس ها را تعطیل نمودم و با فامیل به ایلاق رفتم.

ایلاق مردم حسنی بسیار یخ و طبیعت دلپذیر داشت من به ایلاق مردم حسنی رفتم. مولوی علی نظر و ملا غلام رسول هم در این ایلاق بودند آنها از من خواستند که در نزدیکی ما چپری (خیمه) خود را عیار نما من قبول نمودم و تابستان را با قومای حسنی سپری نمودم. مولوی علی نظر از من خواهش نمود که به قریه حسنی برج بیا یم و در مدرسه درس بدهم، طلبه ها از سراسر دره صوف جمع خواهند شد. همین کار را نمودم، بنده در سال ۱۳۳۴ در قریه حسنی کوچ آمدم، مردم حسنی زیاد از من استقبال نمودند و من مدرسه حسنی را با همکاری طلبه ها و مردم قریه حسنی به شکل بسیار کلان و مدرن روز در آوردم اما اتاقهای مولوی را به صورت اولیه باقی گذاشتم و در این مدرسه طلاب از سراسر شمال جمع شدند و در این مدرسه من سال ها مدرس بودم مدرسی که به فضل خداوند امروز ثمره آن به هزاران شاگرد لایق و ارزشمند می باشد که افتخار جهان اسلام مردم شیعه و کشور افغانستان به شمار می روند.

از جمله شاگردهای لایق که در این مدرسه درس خوانده اند و امروز صاحب نام و نشان هستند که ده ها آثار علمی از ایشان به جا مانده اند آیت الله شیخ عطاءالله توسلی می باشد که آثار به جامانده از ایشان در دسترس حوزات علمیه قرار دارند در ذیل به تعداد از اسامی علما اشاره می نمایم که در این حوزه علمیه درس خوانده اند.

- آیت الله شیخ عطاءالله توسلی از قریه خواجه بلند
- آیت الله شیخ محمد حسین مجاهد
- آیت الله فاضل گردنه
- آیت الله شیخ موسی اخلاقی
- آیت الله شیخ فصیحی معروف به بختیاری
- آیت الله شیخ پیوند سعیدی از قریه طور
- آیت الله شیخ محمود فیاض از قریه گلوانسای
- آیت الله شیخ نظری
- آیت الله سید علی حسن وکیل
- آیت الله سید حمیدالله جعفری
- مرحوم سید عادل وکیل
- مرحوم سید سکندر وکیل
- استاد محمد طاهر مفید



- شیخ محقق سر پلی
  - شهید حاج دولت حسین رفیعی از پشت بند ولایت سمنگان
  - آیت الله سید احمد نجفی
  - امیر محمد ناصری دبیر زاده
  - صفدر علی کربلای
  - حاجی ناظر - طور
  - غلام محی الدین شریفی از خواجه بلند
  - آیت الله شیخ علی جمعه عالمی از جمبوغه
  - آیت الله شیخ علی جمعه رضایی از شباشک
- و صد ها شاگرد لایق و خردمندی که امروزه در سطح افغانستان از شهرت و اعتبار ملی و علمی برخوردار هستند در این مدرسه دینی درس خوانده اند و نزد آیت الله شیخ عبدالحسین معروف به آخوند زوار تلمذ نموده اند.
- در دره صوف تعدادی از شخصیت‌های که در دوره انقلاب نقش مهمی داشته و در ردیف افرادی مهم این مردم به شمار می‌روند به آنها نیز اشاره می‌شوند که این افراد در دره صوف از اعتبار و آبرویی فوق العاده برخوردار بوده و مردم دره صوف به آنها احترام زیاد دارند و در بین مردم دارای نفوذ و جایگاه بلندی مردمی می‌باشند قرار ذیل است:

- ۱- شیخ خادم حسین ناطقی
- ۲- شیخ محمد کاظم جعفری
- ۳- شیخ غلام رسول عارفی
- ۴- رئیس احمد علی شاه تمسکی
- ۵- داکتر محمد عیسی رحیمی
- ۶- سید شمس الدین ارشاد
- ۷- عبدالهادی شکیب
- ۸- شهید شیخ محب غفاری
- ۹- شهید شیخ برات علی حمیدی

تعدادی از قوماندانهای که در ۴۰ سال انقلاب نقش مهمی در جهاد و مبارزه علیه خلیفها و گروه طالبان و شبکه القاعده در دره صوف داشته اند قرار ذیل می باشد:

- ۱- حاج عبدالوهاب واثق
- ۲- سید حاجی داوود
- ۳- محمد ظاهر وحدت
- ۴- جنرال محمد علی شجاعی
- ۵- جنرال محمد عیسی افتخاری
- ۶- یوسف جعفری

- ۷- حاج احسانی
- ۸- سیداحمد فتاح زوار
- ۹- نبوی بینی منگ
- ۱۰- ملا سلطان اصغری
- ۱۱- شهید جنرال سردار محمدحسین جهانی
- ۱۲- داکتر محمد عیسی رحیمی
- ۱۳- جنرال خیرالله فهیمی
- ۱۴- معلم ابراهیم توسلی
- ۱۵- ملا محسن (بابه مسلم)

آنچه امروز مهم است که به آن باید اشاره شود، عدم رشد سیاست و فرهنگ در ولسوالی دره صوف به وضوح هویدا و آشکار می‌باشند. این ولسوالی نتوانسته اند آن طور که باید و شاید جایگاه اصلی خود را در جامعه افغانستان تبارز دهند و از این ولسوالی هیچ فردی که توانسته باشد در بدنه اصلی دولت جایگاه خوب و مهمی داشته باشد وجود ندارد علیرغم که دره صوف تبدیل به دو ولسوالی شده است اما در مقابل ولسوالی دره صوف ولسوالی پنجشیر قرار دارد که امروزه اکثری شخصیت های کلیدی دولت از پنجشیر است و همچنان ولسوالی پنجشیر تبدیل به ولایت شده است که امتیازی بس مهمی است که این ولسوالی از خود

تبارز داده است، اما به دره صوف حق سرخش در کل پایمال شده است...؟!

مردم دره صوف از لحاظ اقتصادی و فرهنگی در طی چهار دهه گذشته ضربات مهلک خوردند و همیشه صحنه جنگ و جهاد بوده علیرغم که خدمت بزرگی به مردم افغانستان نموده بود اما کسی از خدمات و رشادت های این ولسوالی یادی نکردند. این ولسوالی در ۴۴ سال انقلاب رنج ها و محرومیت های زیادی را تحمل نموده بود به امیدی روزی که تمام مردم افغانستان در صلح و امنیت سرتاسری زندگی نمایند و حق سرخ مردم ولسوالی دره صوف به آنها داده شوند که متأسفانه خدمات قابل توجه به این ولسوالی صورت نگرفته است، و از کادر های علمی و سیاسی آن در بدنه دولت کار گرفته نشده است.

در ولسوالی دره صوف تعدادی خان و ارباب در بین مردم زندگی می کنند که از احترام خاصی بر خوردار می باشند و در دره صوف از نفوذ و اعتبار مهمی بر خوردار بوده اند که در ذیل به آن اشاره می شوند.

۱- بختیاری قریه دار

۲- ارباب نثار

۳- ارباب قربان

۴- اسماعیل قریه دار

۵- محمد حسین قریدار

۶- ملک خدابخش

۷- ارباب حسین از دروازه

۸- ملک احمد حسین از قریه طور

۹- غلام نبی قریه دارجرس

۱۰- میرحسین سرخیل

۱۱- طالب حسین خان قریدار

۱۲- شراف علی بیک

۱۳- گل حسین قریدار

در دره صوف پایان هم نقش سیاست و فرهنگ زیاد برجسته نبوده و در این نقاط هم کاری مهمی صورت نگرفته است. در این ولسوالی مدارس دینی زیاد می‌باشند و مردم زیادتر اطفال شان را به مدرسه دینی می‌فرستند علمای دینی این مردم قرار ذیل می‌باشند:

۱- مولوی مخدوم محب الله فرقانی

۲- مولوی سعدی ازبیانان

۳- مولوی داود از مقصود

۴- مولوی جمعه خان از دمکی

۵- ملا مختار از دمکی

- ۶- مولوی نورالله از زیرکی
- ۷- مولوی سید محمد از مدرسه
- ۸- داملا عیسی از دایکندی
- ۹- داملا عوض از زیدوری چُول بَیر
- ۱۰- مولوی صوفی علی یار
- ۱۱- مولوی الحاج بابہ نظر زیدوری
- ۱۲- داملا عبدالکریم ایماق
- ۱۳- داملا عوض زیدوری
- ۱۴- مولوی حبیب الله رشاد
- ۱۵- مولوی فضل احمد از بازار دهی

در مورد معلمین مکاتب این ولسوالی قرا ذیل می توان معلومات داد

- ۱- معلم امین
  - ۲- معلم چمن بَغک
  - ۳- معلم تغى بیک
- در مورد قوماندانهای مهمی که در این ولسوالی قرار داشته اند.

- ۱- تیمورشاه خان
- ۲- آمرصاحب صوفی علی یار
- ۳- حاجی الماس خان

۴- غلام میر که

۵- شهید عبدالمنان زیدوری

۶- نعمت الله

۷- محمد صاحب خان

۸- نصرالدین خان

۹- عنایت الله خان کته خم

۱۰- حنیف بیک تاقچی

۱۱- رئیس ابراهیم ایماق از لبابی

اما از اربابهای مهمی که در این ولسوالی نقش داشته عبارتند از:

۱- ارباب نظام الدین

۲- عبدالوهاب تولی مشر

۳- جمعه قریه دار

۴- ثمر بیک

کادر تحصیلی این ولسوالی قرار ذیل می باشد:

۱- داکتر ضیاء الدین ضیاء بازار از چوبگی که اکنون نماینده مردم

در پارلمان کشور است.

۲- شهید داکتر اکرام الدین فرزند نظام الدین وکیل

۳- داکتر حاجی عبدالله بیانان

۴- انجینر قربان نظرمدير ادارى ولسوالى دره صوف پايان فارغ  
تخنيكم نفت و گاز مزار شريف

## دره صوف از لحاظ زراعت و مالدارى

مردم دره صوف از لحاظ زمين دارى آبي كم زمين مى باشند اما از  
لحاظ زمين للمى زراعتى زمين هاى حاصلخيز در اختيار دارند، در زمين  
آبي اين مردم گندم، جو، كچالو، لوييا و جوارى كشت مى شوند اما در  
زمين للمه گندم، جو و نخود كشت مى نمايند كه مردم دره صوف در اين  
قسمت زياد تلاش مى نمايند و اكثر زراعت كارى اين مردم از زمين للمى  
بدست مى آيند.

زمين هاى آبي مردم دره صوف از ابتدايى دره باريك چپچل شروع  
شده و در مسير دره به امتداد بيش از ۱۰۰ كيلومتر درازنايى دره به قريه  
كوته و زرد سنگ ختم مى گردد. كه در اين مسير ده ها قريه با تگاب هاى  
سرسبز و آب فراوان و حاصلات زمين هاى حاصلخيز موقعيت داشته  
مردمان خون گرم و پرتلاش زندگى مى نمايند كه از نعمت حاصلات وافر  
سر درختى و زمين هاى زراعتى استفاده مى نمايند.

در دو سمت شرق و غرب دره صوف اكثرآ زمين هاى للمى تپه هاى  
پست و بلند خاكى و حاصلخيز وجود دارند كه مردم دره صوف از اين



دره صوف در گذر بحران تاریخ ————— توسلی - طلوع ۶ - / ۳۱۳

زمین های للمی توسط حیوانات از قبیل گاو، اسب شخم می‌زنند که در فصل خزان حاصلات بسیار فراوان بدست می‌آورند.

مناطق گلوانسای و مقصود کندوی غله جات ولسوالی دره صوف به شمار می‌روند اگر برای بذر کشت و کار از وسایل افزار روز استفاده شوند یقیناً حاصلات دو چند از این زمین ها به دست خواهند آمد کشت هینگ (انگوزه) در مناطق گرمسیر دره صوف از جمله تکاب اصلی دره صوف، سرولنگ، دهن شوراب، سرشوراب، زیرکی، حسنی، خواجه بلند، تیوتاش و گلوانسای، مقصود، دمکی، عرب دریا باعث پیشرفت اقتصاد مردم شده که این هم یکی از دست آورد های مهم اقتصادی مردم دره صوف به حساب می‌آیند.

در پهلوی زراعت مردم دره صوف علاقه خاصی به پرورش مالداری (دامداری) دارند که در زندگی هر فامیل متوسط دره صوفی حد اقل بیست رأس گوسفند، بز، گاو و مرکب وجود دارند مردم دره صوف مالداران علاقه زیادی به پرورش گوسفندان دیگیل، قره قول دارند.

### دره صوف از لحاظ بازسازی و انکشاف

سرک (جاده) مزار شریف ولایت بلخ، دره صوف به طول «۱۴۶»

کیلومتر با سرمایه ۸۶ میلیون دالر در تاریخ ۱۲ حمل سال ۱۳۸۷ ه.ش توسط

حامد کرزی رئیس جمهور وقت و کابینه با قطع نوار افتتاح شد که کار آن به زودی شروع شد این سرک ولسوالی شولگره ولایت بلخ را به ولسوالی دره صوف ولایت سمنگان وصل می‌نمایند. که در امتداد این سرک چندین ولسوالی ولایت بلخ قرار دارد که سهولت بزرگی به این ولسوالی‌ها فراهم آورده است این ولسوالی‌ها عبارتند.

از ولسوالی نهر شاهی، دهدادی، چمتال، شولگره، کشنده، زارع و امرخ ولایت بلخ و ولسوالی دره صوف پایان و ولسوالی دره صوف بالای ولایت سمنگان و حتی به ولسوالی‌های بلخاب و سنگچارک ولایت سرپل هم سهولت رفت و آمد را فراهم نموده است.

دره صوف سر زمین فراموش شده ای تاریخ دره صوف لقب گرفته است، شاید دره صوف در اذهان عامه سر زمین بدبختی، جنگ، کشتار، بمباردمان، گرسنگی نام گرفته باشد، نام گرفتن از این ولسوالی اذهان عامه را به یاد غم و مصیبت می‌اندازند. دره صوف به درد نا آرامی کشتار، خون، غارت و چپاول می‌خورد نه به درد امنیت، آرامش دولت داری، دولت مداری، صلح و باز سازی.

اکنون دیگر نام دره صوف نا آشناست و نام دره صوف را باید از لا به لای اوراق تاریخ پیدا نمود؛ دیگر دره صوف را کسی را نمی‌شناسند و شاید هم دیگر آنها یی که تا دیروز دره صوف را قهرمان جنگ و جهاد

می خواندند، هیچگاه به دره صوف و دره صوفیها ضرورت پیدا نکنند، قابل یاد آوری است که در دره صوف باز سازی و انکشاف کمتر صورت گرفته اگر پروژه سرک بامیان- دره صوف (دهلیز شمال و جنوب) وصل کرد در جهت رشد اقتصادی و انکشافی مردم دره صوف فوق العاده حایز اهمیت خواهد بود.

### دره صوف، در نگاه رئیس جمهور داکتر نجیب الله

داکتر نجیب الله رئیس جمهوری اسبق افغانستان؛ در مورد حوادث تاریخی به خصوص در مورد دره صوف چنین می گوید: [تاریخ محاسبات متقابل ملت هزاره در صفحات گوناگون تاریخ ثبت است. برخی از آنها صفحات خون و اشک اند این صفحات حاکی از ظلم تعدی بیرحمانه نیروی های استبدادی و فئودالی نسبت به مردم صلح دوست هزاره و دفع و طرد حقوق آنها به حیث انسانی ترین تاخت و تاز های چپاول گرایانه ای مستکبرین و مستبعین بالای قصبات بی شمار تاریخ بوده است.

صفحات دیگر تاریخ با عرق جبین مردم هزاره نوشته شده است که در آن سهم بزرگ مردم هزاره بر انکشاف اقتصاد ملی و فرهنگ و ساختمان افغانستان مستقل در راه حاکمیت ملی گره خورده است.

ملیت زحمت کش هزاره همیشه با آبله ای دست و عرق جبین خویش نان خورده اند و هیچ گاهی با عامه بی بینوای و بیچارگی دست گدای بسوی دیگران دراز نکرده است.

آنها زندگی رمز و چاه را پذیرفته اما گردن تضرع به پیش زور گویان سرخم ننموده اند. به کراچی کشتی تن در دادند و چشم دوختن به مال دیگران را ابا ورزیدند؛ برای دیگران خانه ساختند اما خود تا پایان زندگی بی سر پناه بودند.

برای این و آن نان تهیه کردند و خود با شکم گرسنه شب را به صبح رساندند. اما برای رژیم های ضد مردمی کشور و ریشه های بی عدالتی بیگانه بودند، شاهان با اشتعال خصومت ملی بین پشتونها، تاجیک ها، ازبیک ها و هزاره ها مردمان آزاده خواه را مطیع خود ساختند و تحت ستم استعمال قید نگه داشتند، اکنون صدای رسای آزادی از حلقوم ملت هزاره دره صوف بلند شده است من تحفه و درود بر شهیدان آن می کنم.

حکمرانان مرتجع افغانستان زحمت کشان پرغرور جامعه هزاره را رانده شده گان جامعه تبدیل نموده بودند و سالیان گذشته شاقه ترین کار و پائین ترین معاش، فقر، بیسوادی و نابرابری را نصیب ملت هزاره ساخته بودند.

انقلاب دره صوف تا انتهای (۷) ثور این رستاخیز سترگ از سنگ پایه های دره صوف آغار به کار کرد و ظلم ستم بی عدالتی تاریخی را نقطه پایان داد.

این انقلاب در تمام نقاط افغانستان از دره صوف فراگیر شدند، من بالای قصبات مردم افغانستان و ملت صلح دوست هزاره صدا می کنم در نیروی های خودی (کندک قومی) بیوندید تا یک افغانستان زیبا و آزاد داشته باشیم به کشمند صاحب هدایت داده شده کادر های مسلکی را از دره صوف استخدام نمایند تا سر آغاز فصل نوین در تاریخ ملت افغانستان باشند.

### دوستان عزیز!

ملت هزاره با تاریخ (۱۱۰) ساله دولت واحد و معاصر افغانستان ارتباط ناگسستی دارد، در طول سالیان پدران و نیاکان شما پهلو در پهلو با سایر پدران و نیاکان ملیت ها و اقوام و قبایل دیگر ساکن در افغانستان کار کردند زحمت کشیدند مبارزه مساوی با تجاوزگران دفاع کردند تقویت بخشیدند نیروی های خودی (کندک قومی) دولت واحد مستقل روزنه امید برای تمام اقوام و قبایل کشور است.

مشی مصالحه ملی از آنجا آغاز می شود که انقلاب آغاز شده بود؛ و از دره صوف پایان جنگ و آشتی ملی مخالفان مسلح را اعلام می کنم و

تمام اقوام و قبایل می‌تواند از سنگ پایه های دره صوف بیایند به مشی مصالحه ملی بیوندند.

## انکشاف توربین های برق کوچک آبی / آفتابی

مدت چندین سال می‌شود که در ولسوالی دره صوف برق آبی و آفتابی، سرتاسر دره پهناور و طویل دره صوف را چراغان نموده است و مردم آن ساحه از نعمت برق آبی و آفتابی برخوردار شده است. جای بسی خرسندی است که دره صوف با وصف مشکلات و تأثیرات جنگ و فقر اقتصادی و خشک سالی های پیاپی باز هم در عرصه بازسازی پیش قدم می‌باشند و از مرکز دره صوف الی کوه دایمرداد سرتاسر دره صوف از نعمت روشنای برق آبی و سولر آفتابی برخوردار شده است، برق چنان تأثیرات خود را بالای روحیه مردم گذاشته که تنها در یک قریه چندین مرکز تولید برق های کوچک آبی وجود دارند و مردم هر قریه با امکانات دست داشته شخصی مرکز تولید برق احداث نموده است.

و در تولید برق آبی ایجاد سربند، ذخیره آب توربین تولید برق مصرف زیاد داشته و حد اقل مصارف که در تولید برق آبی در هر سب

استیشن به مبلغ ۱۰/۰۰۰۰۰ افغانی به مصرف رسیده بیش از این می‌باشد و تنها کرایه انجینر برق هشتاد هزار افغانی هزینه دارند.

شرایط انقلاب برای مردم تأثیرات بس مهم داشته است و یکی از دست آورد مهم انقلاب پیشرفت مردم افغانستان بود که مردم با تمدن جهانی آشنا شدند و خود زمینه پیشرفت خویش را آماده ساختند و اکنون دست آورد های آن در گوشه و کنار افغانستان دیده می‌شود که این جای بس مسرت و خوشحالی می‌باشند.

اگر کسی در سر زمین دره صوف مسافرت داشته باشند، برای روشنای اذهان شان باید گفت که تنها در یک قریه کوچک حسنی ۶ مرکز برق آبی وجود دارد که هر کدام آن ۶۰۰ گروپ (لامپ) برق تولید می‌نمایند و برق در این قریه به حدی وافر شده که مردم چراغ های سابقه (الکین و چراغ موشک) را فراموش نموده و از روشنایی برق برخوردار شده است و حتی از تلویزون و دیش استفاده می‌نمایند.

مردمان دره صوف با دستان توانمند خویش برق آبی و آفتابی را در مناطق دره سر سبز مقاومت فعال نمودند.

هر چند در گذشته دولت داود خان قصد اعمار بند برق را در ولسوالی دره صوف در کوتل شاه عبداللہ در پلان ۵ ساله ۱۳۳۵ ه.ش روی

دره صوف در گذر بحران تاریخ ————— توسلی - طلوع ۶ - / ۳۲۰

دست گرفته بود ولی متأسفانه شرایط بد ۴۰ سال گذشته مانع عملی شدن آن پروژه عامه المنفعه گردید.

بعد از انقلاب و تحولات ۴۰ سال گذشته مردم ما با تمام امکانات و پیشرفت جهانی آشنا شدند و در جهت اعمار برق تا کنون هر کسی قدرت ساخت برق را داشته در ولسوالی دره صوف دریغ ننموده و با امکانات شخصی بند کوچک برق را فعال نموده است و ماهوار از هر گروپ ۳۰ افغانی پول کرایه می گیرند که آن هم بسیار ناچیز می باشد ولی در حقیقت خدمت بسیار بزرگی که صورت گرفته است.

## عواید معادن زغال سنگ دره صوف

همه ساله بیشتر پنج میلیارد افغانی از معادن زغال سنگ دره صوف به عواید دولت اضافه می شود، اما دولت در معیاری سازی این معادن هیچ توجهی نکرده و همه روزه مردم شاهد تلفات و خسارات مالی و جانی هستند.

در تازه ترین مورد، یک معدن در ساحه شاکل شباشک ولسوالی در صوف بالا ولایت سمنگان منفجر شد که سبب انفجار دو معدن مجاور و جان باختن ۱۶ تن گردید.



در این رویداد علاوه بر تلفات جانی، هر سه معدن کاملاً تخریب گردیده است. این واقعه در ولسوالی دره صوف سمنگان تازگی ندارد، بلکه سالانه ده ها تن در حادثه انفجار و فرو ریختن معادن زغال سنگ، جان های شان را از دست می دهند.

والی سمنگان تأکید کرد که همه ساله پول هنگفتی از معادن زغال سنگ دره صوف ولایت سمنگان به عواید دولت اضافه می شود که باید مطابق قانون ۵ درصد آن مصرف خود ساحه گردد، اما دولت تنها پول را دریافت کرده و هیچ مصرفی به منطقه انجام نداده است؛ چون از تمام پول های که از این طریق به جیب دولت می ریزد، یک درصد آن صرف خود معادن نمی گردد.

دولت از هر موتر ۶۶ هزار الی ۸۰ هزار افغانی بریکیت و طالبان ده هزار افغانی محصول می گیرند و برای مردم هیچ عایدی نمی ماند، ولی نبود کار سبب گردیده تا مردم همچنان به این کار شان در معادن ادامه دهند.

زغال سنگ دره صوف، بهترین، با کیفیت و مرغوب ترین زغال سنگ جهان و افغانستان به شمار می رود که علاوه بر مصرف در کشور به خارج نیز صادر می گردد. اما طی سال های اخیر همه سال چندین معدن در این ولایت انفجار، تخریب و ذغال سنگ آن آتش می گیرد.

معادن زغال سنگ ولسوالی دره صوف بالا ولایت سمنگان چندین معدن آن از سال ها بدین سو در حال حریق شدن است و اگر دولت برای خاموش ساختن آتش آن توجه نکند، ممکن سبب انفجار کوه ذغال سنگ در نتیجه تلفات سنگین مالی و جانی به باشندگان محل می گردد.

عواید معادن ذغال سنگ ولسوالی دره صوف بالای ولایت سمنگان، در سال گذشته مالی با داشتن بیش از ۶،۳ درصد افزایش نسبت به سال ۱۳۸۱ه.ش به بیش از ۴،۹ میلیارد افغانی رسیده است. مسئولین ریاست تصدی ذغال سنگ شمال دره صوف گفت که عواید سال ۱۳۹۸ ه.ش مالی این دو معدن (شباشک و دهانه طور) ولسوالی دره صوف بالا، بیش از ۴۱ میلیارد افغانی بوده است.

وی استخراج بیشتر ذغال سنگ به دنبال بالا رفتن تقاضا به آن عامل افزایش عواید این معادن خوانده گفت که ۹۰ درصد ذغال سنگ معادن دره صوف به پاکستان صادر می شود و متباقی آن، در داخل کشور مصرف می شود.

مسئولان در این ولایت می گویند: که عواید سه معدن زغال سنگ (گرمک غربی، گرمک شرقی و رشک) که از طریق وزارت معادن و پترولیم به سکتور خصوصی اجاره داده شده است، شامل ۸.۲ میلیارد افغانی یاد شده می باشند.

محمد صدیق عزیزی سخنگوی والی سمنگان گفت: که دولت از این سه معدن نیز سالانه صد ها میلیون افغانی عاید دارد، در معادن زغال سنگ ولسوالی دره صوف بالا نزدیک به چهل هزار تن کارگر کار می کنند. معادن زغال سنگ دره صوف به شکل کمربند در طبقات مختلف سلسله کوه های بابا و هندوکش واقع شده و از ولایات بدخشان تا تخار، بغلان، سمنگان، بامیان و سرپل امتداد یافته و به معدن سبزک هرات منتهی می شود.

### سلام بر دره صوف، سر زمین همیشه سر سبز آزاد مردان تاریخ

سلام سرزمین زیبایم دره صوف! درود و سلام بر تو که صدای فرزندان آواره ات، و همزمان بی باک و پا به زنجیر کشیده ات، از دامان بخون خفته یی تو تا قتلگاه دهن چهارتوت، دهن کِشکک، دهن تور، کدَنیکک، پای کوتل قلاء(قلعه) دهن قوریق سای به گوش می رسند.

سلام به تو و زنده به گور کردن فرزندان را در سمنگان می شنوی، آن سانی که در آن روزگارانی سیاه و شوم، با صلابت عشق، ایمان، امید به آزادی و عدالت اجتماعی از اعماق روزنه یی زندان ها فریاد کشیدی؛ و از انتهای توهین و تحقیرهای گلبانگ شقایق مردانگی سردادی.

سلام بر دره صوف!! تو بودی که فریاد رسای حق طلبی ملتی را بر اوج بلندای آسمان نیلگون رساندی و کاخ دژخیمان زمان را به لرزه انداختی،

اکنون نیز آن آوای ماندگارت، در سراسر وجود هر انسان آزادی خواه تبلور می‌یابند.

سلام بر دره صوف! فریاد سوز و گداز، از اوج قله های تیر بند تو تا افق های بلندای بابا، پامیر، هندوکش و آسمایی، با غریو بادها، امواج دریاها، چکاوک چهچه ای پرندگان، گریه کودکانت، با نوحه و مخته ای مادران دلسوزت و نعره حق طلبانه یی مردان تو همچنان درخروش است، پیام شیر زن (امیر بیگم "عمه" سنگری) هزاره یاد و خاطره ای شیرازه ای تلخ چهل دخترانت هنوز در گوش های مان طنین انداز و لالایی می‌خواند.

سلام بر دره صوف! خروش و رستاخیزی عظیم ملت تو که شوری در جهان ایجاد کرد؛ که من گم شده ای ملتی را در با تلاق نا هنجاری های تاریخ توجستجوگر استم؛ با مقاومت تو تا روز وصل به اصل آزادی و عدالت اجتماعی فریاد رسای تو هر گز فرو نخواهند نشست و در گوشم طنین انداز است.

سلام بر دره صوف!

سر بلند باد دره صوف فرزندان، تو را هرگز فراموش نخواهند کرد، و از عمق تاریک ترین سیاه چال های تاریخ نام پر شکوه تو را ورد زبان خویشان دارند.

سلام بر دره صوف!

سر زمین همیشه تاریخ زنده؛ ای شاهد گیسوسپید؛ ای گلبانگک عندلیب  
صبحگاهی؛ ای حوادث زمان؛ ای دره صوف روزگارانی تلخ و شیرینت را  
فرزندانت، خوب به یاد دارند... دره صوف و «دره یوسفیان» را یارایی تحمل  
اسارت نیست، چنانچه تو شاهدی فرزندانت را صد بار هم زنده به گور کنند،  
باز هم این عقابان بلند پرواز آزاده ات، از خاکستر وجود بر باد رفته ای  
خویش در دم طوفان های تند حوادث زمان قامت بر افراشته ایستادگی  
خواهند کرد، ما زنده خواهیم ماند، با صلابت عشق و امید تاریخ تکرار  
خواهند کرد.

اکنون تو شاهد سرافرازی این سرزمینی، نام و یاد خاطره تو هرگز  
فراموش نخواهند شد (الموت اولی من رکوب العار)

ای دره یوسف!

به یاد داشته باش که عقاب بلند پرواز آزادی ات اسارت پذیر نیستند  
قفس های آهنین را خواهند شکست، تو از نسل شاهینی، به پرواز آی به  
فرزندانت درس تعلم آزاد بودن را بیاموز.

ای دره صوف!

فرزندانت در هر زمانی و شرائطی یاد تو را پاس خواهند داشت، که  
چگونه دلاور مردانت در ظلمتگاه تاریخ، باجان فشانی های خویشتن، نام

دره صوف در گذر بحران تاریخ ————— توسلی - طلوعی - ۳۲۶

زیبای تو را نگین انگشتر عروس زمان خویش ساختند، و نام زیبایی را از زیر  
دود و باروت و آتش و خون به ارمغان آورده به دل ها حک کرده اند.

ای دره صوف به یاد داشته باش که فرزندان از راه خواهند رسید نام  
تو را ورد زبان ها خواهند نمود، شکوه راد مردان تاریخت همچنان برقله  
های فتح سبز جوانه جوانه خواهند زد.

ای دره صوف (دره یوسف)!

تاریخت نیک می داند که، چگونه دلاور مردان آزاده ات به پای چوبه  
های دار رفته است و فرزندان هرگز فراموش نخواهند کرد.

ای دره صوف آشیانه آزاده ای تو هرگز از عقاب عنقای بلند پرواز  
خالی نبوده و از عظمت آزادگان تهی نخواهد بود.

دره صوفم یقین دارم که!

روزی ابر های تاریک سیاه، ظلمت شب و اسارت اهریمنان در نوید  
افق های زیبایی دریده خواهند شد و خانه های نیم سوخته ات؛ درو دیوار  
مخروبه ات روزی به شهری پاریس باغ و باغستان مجروحت به تاکستان  
فردوس مبدل خواهند شد.

دره صوفم! یقین دار فرزندان تو نصایح بزرگان را چرگل و انگوی  
زینت گوش و گردن خواهند کرد.

دره صوف در گذر بحران تاریخ ————— توسلی - طلوع ۶ - / ۳۲۷

یقین دار ریگ صحرا و خارهای بیابانت همچنان خلخال پاهایم خواهد بود یقین دار نام زیبایت درسکوی بلندای تاریخ ثبت خواهد شد.

یقین دار پیام رهبر شهید را با خون دل سرشتم و بر خط زرین تابلوی تاریخ خواهیم ساخت.

نام تو توأم با کلمه مقدس آزادی، همچنان ورد زبانها خواهند بود، و شقایق از خون شهیدان راه آزادی و عدالت اجتماعی زینت بخش دشت و دمن، سنگ و کوهت خواهند شد.

درس، تعلیم و تعلم (کن ترانی) را فرزندان به کوله بار خویش بسته اسیر جهل نخواهند گشت و تن به اسارت، ذلت و تحقیر نخواهند نمود.

سلام بر تو ای دره صوف (دره یوسف)!

فرزندان نستوه و رزمنده ات در میدین جنگ، صلح از نام زیبای تو دفاع خواهند کرد و هزاران نجواهای دیگر در کالبد سینه ای محمدنایب علی توسلی و عبدالمؤمن طلوع همچنان باقی است که همانند (دُر) عدن موج می زند و در جهت دفاع از عزت و سر بلندی تو روز شب را نمی شناسند...

### اسامی شهدای - حسنی در سال ۱۳۵۸

جنگ ها، مبارزات و تحولات نظامی دره صوف در عرصه ای مطبوعات و نشریات و نهاد های فرهنگی داخل و خارج از کشور اندک انعکاس داشته است، نقش مردم عزتمند دره صوف در انقلاب ۲۵ دلو

۱۳۵۷ش وارد سرنوشت سازی شدند. آنها نخستین آغازگران و بانیان جهاد مقدس در افغانستان - بویژه در شمال کشور بودند اولین جرقه قیام را به نام خود ثبت نمودند.

در اینجالیستی به دست ما رسیده که شهادی قریه حسنی را انعکاس داده که در سال ۱۳۵۸ه.ش توسط جلادان مارکسیست سازمان «اکسا» که در واقع همان سازمان استخبارات «خاد» مشهور بود، به شهادت رسیده بودند قرار ذیل اند:

- ۱- شهید حاجی عبدالعزیز - فرزند غلام رسول بیک
- ۲- شهید حاجی عبدالعلی - فرزند عبدالرحیم بیک
- ۳- شهید کریم بیک - فرزند عبدالرحیم بیک
- ۴- شهید خلیفه جلیل - فرزند عبدالرحیم بیک
- ۵- شهید قاسم حواله دار - فرزند شریف حواله دار
- ۶- شهید جان محمد
- ۷- شهید سید غوله شاه
- ۸- شهید شاه حیدر
- ۹- شهید سید تقی
- ۱۰- شهید سید حسین
- ۱۱- شهید بابہ مراد



- ۱۲- شهید سید نظر
- ۱۳- شهید حاجی غلام علی معروف به حاجی غاشو
- ۱۴- شهید اسماعیل - فرزند حاجی غلام علی
- ۱۵- شهید یزدان بخش - فرزند حاجی غلام علی
- ۱۶- شهید محمد علی شاه
- ۱۷- شهید قاسم علی
- ۱۸- شهید محمد
- ۱۹- شهید سید گل میرزا
- ۲۰- شهید شیخ عیسی زیرک
- ۲۱- شهید سید استا
- ۲۲- شهید سید حیدر
- ۲۳- سه نفر شهید از فاملین سید حیدر
- ۲۴- شهید سید میرزا حسین
- ۲۵- شهید غلام نبی بیک
- ۲۶- شهید خانعلی - فرزند ابراهیم بیک
- ۲۷- شهید حاجی غلام رضا کربلای
- ۲۸- شهید عموجان [کاکایی حاج غلام رضا]
- ۲۹- شهید جان محمد

- ۳۰- شهید حاجی حمعه
- ۳۱- شهید طاهر
- ۳۲- شهید غلام
- ۳۳- شهید داراب علی
- ۳۴- شهید سید سلطان
- ۳۵- شهید غدیر
- ۳۶- شهید حسین بخش
- ۳۷- شهید غلام
- ۳۸- شهید سید میرزا
- ۳۹- شهید قربان علی
- ۴۰- شهید عبدالرزاق - فرزند غلام محمد قریه دار
- ۴۱- شهید عوض علی - فرزند غلام محمد قریه دار
- ۴۲- شهید عبدل
- ۴۳- شهید عظیم
- ۴۴- شهید محسن
- ۴۵- شهید صوفی هادی - فرزند مهر علی زوار
- ۴۶- شهید گل محمد
- ۴۷- شهید هادی - فرزند ملا غلام رسول

- ۴۸- شهید رجب
- ۴۹- شهید باقر
- ۵۰- شهید اوغان
- ۵۱- شهید کلبی علی
- ۵۲- شهید سید امیر
- ۵۳- شهید سید حسین شاه
- ۵۴- شهید محمد جمعه
- ۵۵- شهید پیوند علی
- ۵۶- شهید سید عسکر
- ۵۷- شهید رفیع
- ۵۸- شهید حسین علی
- ۵۹- شهید سید علی داد
- ۶۰- شهید کاظم زوار
- ۶۱- شهید رجب
- ۶۲- شهید رضا
- ۶۳- شهید قربان علی
- ۶۴- شهید سید محراب مسافری که از کابل آمده بود
- ۶۵- شهید ملا رضا (ملا کته) - فرزند ملا سرور

- ۶۶- شهید سید سرور
- ۶۷- شهید سید شاه حسین
- ۶۸- شهید سید علی رضا
- ۶۹- شهید سید حیدر
- ۷۰- شهید سید اسحاق
- ۷۱- شهید اکبر - باشی میرزا از - جیغتوی غزنی
- ۷۲- شهید سید امین
- ۷۳- شهید سید حسین
- ۷۴- شهید سید شاه حسن
- ۷۵- شهید سید محمد علی
- ۷۶- شهید ایوب - فرزند ملاعوض
- ۷۷- شهید جبار - فرزند جلال
- ۷۸- شهید داود
- ۷۹- شهید حسین بخش
- ۸۰- شهید گردی [برادر امان زوار]
- ۸۱- شهید عاشور علی [گلوانسای]
- ۸۲- شهید غلام [برنگر]
- ۸۳- شهید جانمحمد - حاجی موسی

۸۴- شهید محمد عیسی - فرزند محمدجان

۸۵- شهید غدیر - فرزند غلام حیدر

۸۶- شهید محمد رضا

۸۷- شهید سید شاه

۸۸- شهید غلام سخی - علی حسین و...

متأسفانه اسامی خیلی از شهدا را موفق نشدیم که پیدا نمایم، شهدا زنده انقلاب عبارت از سید میرزا، ابراهیم لنگک، خلیفه سلطان علی و پسر غلام رسول که از مقتل شهدا زنده بیرون آمده بودند.

## افتخار آوران دره صوف

در دوره حکومت انتقالی حامد کرزی افراد که در حکومت به نمایندگی از مردم دره صوف در دولت وظیفه دار بودند عبارتند: محمد عیسی افتخاری منحیث قوماندان امنیه ولایت بلخ، شیخ خادم حسین ناطقی معاون مقام ولایت سمنگان، محمد ظاهر وحدت معاون مقام والی ولایت بلخ برگزیده شده بودند.

مردم دره صوف با پشت سر گذراندن اولین انتخابات پارلمانی توانستند ملا سلطان علی سلطانی را در سطح ولایت سمنگان بحیث نماینده خویش به

دره صوف در گذر بحران تاریخ ————— توسلی - طلو ۶ - / ۳۳۴

پارلمان بفرستند و در اولین انتخابات شورای ولایتی به تعداد پنج نفر را بحیث نماینده خویش در شورای ولایتی سمنگان انتخاب نمایند که عبارتند: حاجی راز محمد (سناتور)، داکتر معصومه حسنی، محمد نعیم شیخ زاده، محمد عوض بیک و حاجی الماس که این نمایندگان با انتخاب؛ حاجی راز محمد (سناتور) ایشان را در مجلس سنا فرستادند.

در دوره دوم انتخابات پارلمانی معصومه خاوری و مولوی محب الله فرقانی بحیث نماینده مردم دره صوف در پارلمان انتخاب شدند، در دومین دوره انتخابات شورای ولایتی رئیس احمد علی شاه تمسکی، سید آقا حسین هاشمی، داکتر معصومه حسنی، محمد عوض بیک به نمایندگی از مردم ولسوالی دره صوف به شورای ولایتی سمنگان راه یافتند که سرانجام سید آقا حسین هاشمی منحیث سناتور انتخابی به نمایندگی از مردم سمنگان به مجلس سنا راه یافتند.

در سومین دوره انتخاب پارلمانی داکتر ضیاء الدین ضیاء بحیث نماینده مردم دره صوف در پارلمان کشور راه یافتند. همچنان در انتخابات شورای ولایتی ولایت سمنگان محمد پذیر بسیج، معصومه حسنی، محمد عوض بیک و حاجی راز محمد سناتور انتخاب شدند.

در طول دو دهه گذشته کادر های مسلکی مردم دره صوف که در بدنه دولت حضور فیزیکی داشتند عبارتند:

جنرال محمد علی شجاعی بحیث معاون قول اردوی ۲۰۱ سیلاب، محمد  
ظاهر وحدت بحیث والی اسبق ولایت سرپل، جنرال مرتضی رحیمی معین  
تأمینات وزارت امور داخله، داکتر معصومه خاوری وزیر مخابرات و  
تکنالوژی معلوماتی، محمد طاهر زهیر والی اسبق ولایت بامیان و سرپرست  
وزارت اطلاعات و فرهنگ، احمد الله نوید معاون منابع بشری اداره امور  
ریاست جمهوری و... اینها شمه‌یی از نخبگان دره صوف بودند که در پست  
های مختلف دولتی ایفایی وظیفه نموده بودند.

نصب نامه  
شَرَفَتْهُ الْإِنْسَانِ بِالْعِلْمِ وَالْأَدَبِ، لَا بِالْمَالِ وَالنَّسَبِ



## تاریخچه مختصر قوم ترکمن (ترکمو)

ترکمن ها ششصد سال قبل درمتهای الیه سواحل دریایچه اشق گل زندگی می کردند اهل شمال بودند نه جنوب و نه شرق ترکمن ها در کنار سیر دریا (رود سیحون) اقامت داشتند در سده چهارم ه ق در کنار های جنوب آمودریا "رودجیحون" مرو زندگی می کردند که اکنون نیز بدینگونه است ترکمن ها در سواحل کناره های دریای آمو از کلدار الی مرچاق غورماچ محل زیست شان هستند، ترکمن (ترک مانند) (شبه ترک "ترک من" *tourk man* مرد ترک، یعنی من ترک هستم. ترکمن ها به پنج قبیله بزرگ تقسیم شده اند:

۱. سالور

۲. ساریخ ها

۳. تکه ها

۴. ایغدیرها (عبدالها)

۵. اوغورج علی ها (آل علی ها)

ترکمنهای شیعه مذهب سرخ پارسا دره ترکمن، ترکن ولایت غزنی، خیرآباد ولسوالی بلخ، قریه ووش و پروشان بلخاب، دره خدیر ولایت دایکندی، قریه شیخانی روی دوآب، ترکمن های دره صوف، دسته یوسفی هزاره (افشاریها، قزلباش ها و بیات ها از قبیله تکه ترکمن هستند.

### شجره نامه قوم ترکمن:

به نقل از ملا قاسم عالمی ولد عبدالرسول ولد ملا وصل ولد ملا رجب  
ولد تو الله ولد دوست مراد ولد خالمراد ولد یوسف علی ولد سنگگ علی  
ولد عارف ولد جامی ولد قدیر خان ولد علی خان ولد منصور ولد زنک  
علی ولد خواجه محمد ولد بیتمور ولد دُر علی ولد کوچک علی ولد یوسف  
علی ولد ترکمن ولد سید بابا ولد سید قریش ولد سید هاشم ولد سید نجم  
الدین ولد محمد ولد خواجه محمد سرخ، هژده نهر بلخ تکه ترکمن.

ترکمن ها منحصر به مذهب اهل سنت و جماعت نبوده بلکه هزاران  
خانوار این قوم به مذهب شیعه گرایش پیدا نموده است که می توان از قوم  
ترکمن در، دره صوف و دیگر جاها یاد نمود که در حدود شصت هزار  
خانوار قوم ترکمن در ولسوالی دره صوف زندگی می نمایند.

### تاریخچه مختصر قوم استممور (بهسود)

ملا غلام علی کربلای بیش از یک قرن خدمت گذار مردم خود بودند  
و از جنگ های خونین امیر عبدالرحمان خان و هزاره ها خوب قصه های تلخ  
می نمود، بسیاری از وقایع تاریخی در کتاب های تاریخ ثبت نشده است.  
ایشان از قتل عام تا آوارگی مردمش که خود از آن آوارگان بوده و حوادث  
تلخ تاریخی را به چشم سر دیده بود حکایت های تلخناک می نمود. اسامی

طوایف خود را چنین یاد می‌نمود که به خواجه عبدالله انصار<sup>۱</sup> رحمته الله علیه می‌رساند که خواجه عبدالله انصار نواده‌ای ایوب انصار، صحابه جلیل القدر پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله بودند. و ملا غلامی علی کربلای اسمای طوایف خود را به سیزده قوم چنین نوشته است.

۱- الوس بیسوک (بهسود)

۲- الوس اسمتمور

۳- الوس درویش علی

۴- الوس جرغی

۵- الوس برجگی

۶- الوس قبستو

۷- الوس بلوسو

۸- الوس دولت پای

۹- الوس تکنه

۱۰- الوس جلدیز

۱۱- الوس ختای

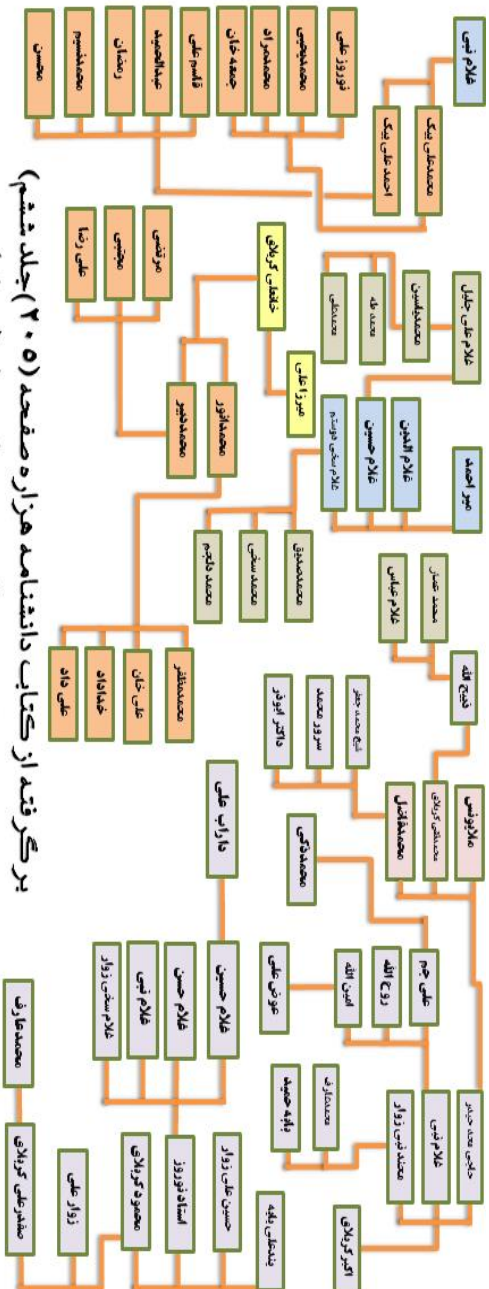
۱۲- الوس بالول (بهلول)

۱۳- الوس چهلتن

---

<sup>۱</sup> خواجه عبدالله انصار (رح) عرب نسیت یکی از انصار مدینه بود/ تاریخ یمنی ص ۲۶۶





برگرفته از کتاب دانشنامه هزاره صفحه (۲۰۵) جلد هشتم)  
ترتیب کننده چگرن محمدنایب علی (توسلی)



بعضی دوستان نگران نباشند اسامی شان متفاوت، نظریه  
ثبت کننده کتاب حکومتی بوده است.

دورنمای قریه خواجه بلند

➤ گرچه بعضی دوست ها  
به دلیل عدم معلومات باقی  
مانده و یا هم اسامی شان  
تذکره نیافزیده است پوزش ما را  
پذیرا بیا کنید و در چاپ هفتم  
دانشنامه هزاره تذکره خواهند  
یافت مشروط به همکاری شما  
با ما همکار باشید

اشعار





## خط اتصال

درد می آید و آنگاه شعر جاری می شود

واژه ها پهلو گرفته متن کاری می شود

روی کاغذ می نگارد کاتب از درد بشر

ورنه هر واقعه از ذهن ها خالی می شود

می تراود از قلم تاریخچه ای بین الملل

یعنی بی اهل و قلم خالی حوالی می شود

داده ای فکر اگرازد رک و درد آید برون

بین چندین نسل خط اتصالی می شود

سوژه ای جامعه از آغاز خلقت تا کنون

نثر و متن و شعرو صد نازک خیالی می شود

## خجالت ناجو

سری خصم وطن قر کرده بودی

لباس سرخ! در بر کرده بودی

چه خشم برستمگر کرده بودی

به کوهی جنگلک دشتک و دهی

عجائب می به ساغر کرده بودی

به اشقل شوروتا خواجه حاجت

کلاه آهنین برسر کرده بودی!

به عزم خواجه بلند و تا الملی

عجب عاشورای دیگر کرده بودی

خلوص سجده گاه گلمسای



به اوج آسمان باپیرن سرخ!  
به شب های سفید کوتل چه زیبا!  
تنی خود را به بزم عشق وایمان  
خجالت گشت ناجووقت می دید  
چرا در سوگ "شیران دلاور!  
زفریادت خوال و تا به شاتیغ!  
مقام رزم "و پیکار وطن را!  
یقین الگوگرفتی بابۀ یی قوم!  
«جهانی» صبح گاه عزم نبرد شو  
نصیحت با کبوتر کرده بودی!  
به آب گیل زمین، تر کرده بودی  
خدای خویش باور کرده بودی  
گلورا وقف خنجر کرده بودی  
زهلمند گریه کمتر کرده بودی  
عجبگوش جهان کر کرده بودی  
چه نیکو ثبت دفتر کرده بودی  
خودت را وقف سنگر کرده بودی!  
عدو را یک محقر کرده بودی

### سوگنامه

ویا در یُورد کا کلک نشینی  
قوماندان رزمجو مرد مبارز  
سید علی، حیات الله کجاشد  
قاسم، اکبری، میثم، صلاح الدین  
به یاد قهرمان آخوند هدایت  
رزاق و ناظر زوار پرواز خون کرد  
بلال، طاهر و ناصرو کجاشد  
علی مراد، علی خوب جوان بود  
ویا در کوه المرتک نشینی  
به سوگ کوه یتیمک نشینی  
به سنگر رفته و تنها گگ نشینی  
به یادش کوتل سوزک نشینی  
یکاولنگ کوتل سرخک نشینی  
به یادش دامن قلفک نشینی  
به یادش راه گدرک نشینی  
به یادش کوتل ریگگ نشینی

به یادش کوتل میرک نشینی	علی حسن خلیفه خواجه حاجت
به یادش ملک شوباشک نشینی	کجاشد محسنی مرد سنگر
به یادش گوشه سنگگ نشینی	به یادی حاجی مارم، حاجی مامد
به یادش منبر د دک نشینی	صفدر کربلای سخن گوی میهن
به سوگ کوه الغونچک نشینی	شیخ یونس رفته و یادش گرامی
به یادش مرکز ایبک نشینی	که خون داد؟ که در نعمت نشسته؟
به یادش یک شبی دشتک نشینی	دره صوف قهرمان روز پیکار!
به سوگ کوه تیرک نشینی	به یادی شهدایی دره صوف
به یادش یکشبی جمعه گگ نشینی	«جهانی» بس کن ازین گپایت

### تلخکامی

ازاین کوتل گذر موشه نموشه	سرم امشب سحر موشه نموشه !!
کسی از موخبر؟ موشه نموشه	دراین قول اربگیرد برف کوچم
ازاین کوه کمر موشه نموشه	خدا داند که پیدا مقصد مو
دهانم پر شکر موشه نموشه	گذشته عمر من در تلخکامی!
معاش مو غدر! موشه نموشه	شده از خاکروبه او قره ام پر
دراین بازار، زر موشه نموشه	زدشت آورده ام پشتاره یی خار
به دنیا سیم و زر موشه نموشه	طلای خام خاکروبه ی دره صوف
نهالم! پر ثمر، موشه نموشه	حیاتم صرف شد در آبیاری

زمینم شد گرو در قرضداری	خلاصی اش دیگر موشه نموشه
برآمد بیشک فرزندی جوانم	سپاهی با هنر! موشه نموشه
هزاره آمده در لاشی کوهی	امو دمو رهبر موشه نموشه
به مکتب می رود طفلان از مو	همه خانو الملل موشه نموشه
جهاد برپا کرده ملک دره صوف	همه عالم خبر موشه نموشه
به ملک حسین با یقراتاج و بختی	باچه مو صد دبر موشه نموشه
به قشلاق آمده امراض تا کو	کوم آلیش به خر موشه نموشه
هر آنشخصی که عاشق شد بخوبان	بگو خونین جگر موشه نموشه
گذر کردم به ترکستان و کشمیر	که اندخوی شار، زرموشه نموشه
جبین عمری بر خاک هر که سائید	رخش شمس قمر موشه نموشه
طلای سرخ ، خاک تیره و تار	به اکسیرمو نظر موشه نموشه
شود برپا چو فردای قیامت	جهان زیرو زبر موشه نموشه
ندانم عشقوری از بی کمالی	معابر در شهیر موشه نموشه
بپرس ای اندخویی از شاه مردو	هزاره!!! معتبر موشه نموشه

### دره صوف و پنداشلر گه

آیلای قولاق سا لگیل هزار!!	اونوت مگیل همدم بوالغیل هزاره
قشونوسرخو روسنی قیتردینگ	برمینگ سلام غیرت تینگه هزاره
او روش قلب روسنی برباد ایلادینگ	غیرت تینگدن بزدی آزاد ایلادینگ

بوهمتینیک چیقمس منی یادیم  
من اوزبیک من قومیم ایرمش هزاره  
چند صباحی دره صوف گشته ام من  
توتیاست سنگ و کوهت ای دره صوف  
دره صوف چهل دخترانش مسند تاریخ  
بابه دوستم قولی یاریم ایردینگز  
بیزلر قربان جوانانی دره صوف  
«همدست» ایتور نایب علی خان هزاره  
اندخوی جانغه برنجه کن مهمان سن  
نوش و جا نینگ او مردم هزاره  
هم قرینداهش هم وطنداهش هزاره  
شیرین سخن مهمان نواز هزاره  
مأمن بزرگان است جای دره صوف  
مغل دخت و شیرین آوای هزاره  
یارو، یاری استاد مزاری یار هزاره  
امید نسل بیداری دلدار هزاره  
به فرهنگ ایشلری کاری هزاره  
گیتسینک سلام تمام قومای هزاره

## فکر والای

نوشتی برورق من خط زیبای تورا نازم

نمودی صفحه ها رنگین که انشایی تورا نازم

زدیوان بزرگان ادب گلغنچه ها چیدی

چه عالی انتخابی فکر والای تورا نازم

به گلزار سخن امروز همچون نخل پرباری

به اقبالت یقینم شد که فردای تورا نازم

کی را باشد مجال نقد! با تحریر زیبایت؟

عجب پیوسته بنوشتی من املای تورا نام

بچشم دل اگراهل سخن بیند به انشایت

به دل گویت که الحق چشم بینایی تورا نام

ز کلکت همچو (دُر) سخن بر صفحه می لغزد

به الفاظ ظریف یی دُر یکتای تورا نام

کلامت در گلستان سخن طرز دیگر باشد

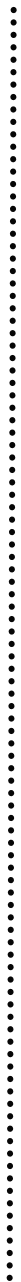
من این سبک و طریق و طرز و شیوای تورا نام

### قصه های سنگری

دره صوف دره حرو پری است	طبیعت را در آن حرپروری است
ز ساختارش شهامت در زمان ها	بچشم دل بخوان کبک زری است
تمامش معدن و سرسبز و خرم	جواهر بار او چون جوهری است
ندارم بحث من از این فعالش	که در کل خاطراتش گوهری است
حماسه آفرین است وزعیم ساز	که در تاریخ به ما تاج سری است
طلایه داران او از آن به تاریخ	پدیدار گشته مارا سروری است
گذاشته سنگ تهداب دیانت	اگر چند در مقامش لشکری است
چنین گویم به وصف او که زبید	که تاریخ رابه کلک انگشتی است

تمام قله هایش احمری است	رشادتهای او را گویم نشانه!!!
که باما قصه های سنگری است	زدشت و دره اش آیند صدایی
که می گفت دشمن مانوگری است	زمرغان سحرخیزش شنیدم
که نسل نوبیایند دفتری است	درو دیوار ویرانش ندا داشت
که بوستان جوانان کوثری است	نمانید چشمه سار من بخشکد

نگاره ها



درهٔ صوف در گذر بحران تاریخ ————— توسلی - طلوع / - ۳۵۲



داکتر محمد عیسی رحیمی

محمد علی کربلای

حضرت آیت الله شیخ عطاءالله توسلی

شیخ عبدالله کربلای



استاد شیخ محمد کاظم جعفری

شیخ محمد رضا شیخ زاده  
رئیس شورای علما، امام جمعه دره صوف

مرحوم مولوی علی نظر  
مؤسس مدرسه حسینی برج

حضرت آیت الله شیخ علی جمعه نوالی  
دومین مؤسس مدارس دینی در سطح هزارجات



حاجی عبدالوهاب وانی

سردار اره دار سردار محمد حسین جهانی

غلام نبی بیک فرقه مشیر

رئیس خادم حسین ناطقی



سیدار شاد، ملاسلطانی، راز محمد ستانور

شهید زنده کربلایی سلطان علی

مجاهد زنده یاد خلیفه ظاهری

شیخ محمد عیسی فرجستانی \* عبدالمنعم طلوع





برگزاری مراسم عاشورای حسینی، در منبر غریب دره صوف

برگزاری مراسم عاشورای حسینی، در معدن دره صوف



اطفال مکتب، کتاب بدوش، در حال انتقال پشتهاره هیزوم



محمد نایب علی توسلی فرزند کربلای شیخ عبدالله توسلی در ۲۱ حمل سال ۱۳۵۸ ه.ش در قریه خواجه بلند ولسوالی دره صوف بالا ولایت سمنگان در یک خانواده مذهبی و روحانی دیده به جهان گشود پس از سپری نمودن دوران طفولیت در سن ۷ سالگی شامل مکتب خانه محلی گردید. دوره ابتدایی را در مکتب ابوذر غفاری و دوره ثانوی در لیسه حبیبه کابل سپری نمود، دارای لیسانس حقوق، کمپیوتر ساینس، سابقه یی تحصیل در حوزه علمیه صادقیه و لیسه عالی غرجستان کویت، با ورود به پوهنتون ویرجینیای کابل از رشته ی (مطالعات علوم سیاسی) در مقطع لیسانس فارغ التحصیل شد.

### تجربه کاری:

- عضویت در مؤسسه خیریه [برک BARAC]
- سهمیم شدن در خدمات تعلیمی به حیث استاد، معاون تدریسی و معاون اداری لیسه عالی غرجه، از بهر تنویر اذهان کودکان افغانستان.
- مدیریت مکتب خصوصی بین المللی (افق فردا در کابل)
- فعالیت در جهت ختم درگیرهای مسلحانه در کشور
- مدیر اسلحه و تخنیک، حفظ و مراقبت قول اردوی ۲۰۹ شاهین
- همکار خبرگزاری و ارزیابی برنامه های تلویزیون جهانی کوثر پنجمین شبکه برزگ تلویزیونی افغانستان.

## دستاوردها :

- با اخذ تقدیرنامه ها و مدال کشور دوست اسپانیا، اتریش، تندیس کشور ناروی.
- در سال ۱۳۹۸ ه.ش به عنوان یکی از «۱۸» بهترین چهره ها برای کسب جایزه ی «سی ان ان» CNN
- گزینش از سوی رادیو بی بی سی به عنوان شخصیت هفته، در نشریه های چون مجله هشت صبح، آسیا تایمز، اشپیگل آلمان، سلام و طندار، بی بی سی و صدای آمریکا، در زمینه ی اطلاع رسانی مقاله های نوشته و نیز میزگرد انجام داده.
- با جمع دوستان سایت انترنیتی دره صوف را راه اندازی و مدیریت نموده است.

## تألیفات:

- خاطرات سفر نیم قرن بیستم
- دره صوف در گذر بحران تاریخ
- خاطرات فراموش ناشدنی سرباز
- سیمای برازنده گان دره صوف
- ستیغ حماسه ها- دیدگاه نسل نو
- نیم نگاه به جغرافیایی دره صوف



عبدالؤمن طلوع فرزند محمدجواد در سال ۱۳۵۳ هـ ش در قریه حسنی  
برج ولسوالی دره صوف بالا ولایت سمنگان دریک خانواده مذهبی و روحانی  
دیده به جهان گشود پس از سپری نمودن دوران طفولیت در سن ۷ سالگی شامل  
مکتب خانگی محلی گردید.

دوران ابتدایی و ثانوی را در لیسه عالی سید محمود طالقانی در مشهد مقدس به درجه  
عالی به اتمام رسانید، در سال ۱۳۷۲ شامل دانشگاه بلخ شده از رشته پلان گذاری  
اقتصاد ملی به سویه عالی در سال ۱۳۷۵ فارغ التحصیل شد.

### تجربه کاری:

- از سال ۱۳۷۶ الی ۱۳۷۹ هـ ش به حیث معلم در قریه حسنی برج
- از سال ۱۳۸۴ الی سال ۱۳۸۶ عضو مؤسسه IOM سازمان بین المللی مهاجرت
- سال ۱۳۸۷ هـ ش به حیث مشاور مقام ولایت سمنگان
- سال ۱۳۸۸ کارمند وزارت معادن و پترولیم، در سال ۱۳۸۹ هـ ش
- عضو مؤسسه SOLIDARITY سولدراتی فرانسوی در بخش همبستگی ملی  
کار کرده است.

- سال ۱۳۸۹ ه.ش کاندید مستقل انتخاباتی پارلمان از ولایت سمنگان

### **تألیفات:**

- مداخله سیاسی و فرهنگی روس در افغانستان مجله جبل الله چاپ تهران
- سخن از مقاومت دره صوف، دیدگاه نسل نو تنظیم هزاره مغل چاپ کویته
- سازمان همکاری های اقتصادی ایکو هفته نامه وحدت مزار شریف
- برق و روشنایی دره صوف هفته نامه حزب وحدت کابل
- دره صوف در گذر بحران تاریخ
- سیمایی برازندگان دره صوف

## منابع و مآخذ

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج البلاغه خطبه بیست ونهم خطبه
- ۳- وسائل الشیعه ج ۱۴ ص ۳۳۲
- ۴- جواهرالکلام ج ۲۰ ص ۳۹۷
- ۵- بحار النوار ج ۱۰۰ ص ۲۳، ۲۵
- ۶- کشف الغطاء ج ۴ ص ۶۲
- ۷- الحدائق الناضره ج ۴ صص ۳۹، ۵۹۱
- ۸- جواهر الشرعیه ج ۲ ص ۱۵۳
- ۹- مجمع البحرین ج ۲ ص ۳۰۵
- ۱۰- تحف العقول قرن ۴ ق، مترجم: عفاری، علی اکبر تهران ۱۳۹۸ ق
- ۱۱- بحار، ج ۷۷، صص ۱۳۳ (مستدرک، ج ۱۱، ص ۲۰)
- ۱۲- ابو عبدالله جعفر بن محمد بن حکیم بن عبدالرحمن به آدم متخلص به رودکی و مشهور به استاد شاعران پدر شعر فارسی.
- ۱۳- سراج التوارح: فیض محمد کاتب هزاره ج ۳ صص ۲۶۵، ۲۵۱
- ۱۴- تاج التواریخ عبدالرحمن خان ج ۱ ص ۲۵۶
- ۱۵- افغانستان در پنچ قرن اخیر، باب ۱۱ ص ۱۰۱، ۱۲۵ محمد صدیق فرهنگ
- ۱۶- شناسنامه افغانستان، بصیر احمد دولت آبادی جلد نخست صص ۴۷، ۱۲

دره صوف در گذر بحران تاریخ ————— توسلی - طلوع ۶ - / ۳۵۹

۱۷- آشنایی با حوزه علمیه شیعیان در افغانستان ۱۳۹۰/ غلام علی حسن زاده

صص ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۸، ۱۳۶

۱۸- تاریخ بلعمی، تاریخ نامه، ابو علی محمد بن محمد بلعمی جلد نخست

صص ۵۶، ۳۶

۱۹- حبيب السیر فی اخبار البشر، تألیف غیاث الدین بن هماد الدین حسینی،

معروف خواند میر ج ۴ صص ۳۶۸، ۳۸۵

۲۰- مجله تاجیک پرس: نوشته محمدعوض نبی زاده ۱۱۵ سال یاد شهادت میر

محمدعظیم بیک سه پای.

۲۱- پژوهشی در تاریخ هزاره ها، حاج محمد کاظم یزدانی ج ۲ صص ۲۵۲، ۱۴۲

هزاره های قریه خواجه بلند می رسند به میر چهلتن هزاره.

۲۲- گروتف خبرنگار روسی آخرین قشون سرخ صص ۳۹۰، ۳۹۱

۲۳- ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی تاریخ، تاریخ بیهقی صص ۳۲۶، ۳۲۸

۲۴- کتاب هزاره های افغانستان سال ۱۳۷۹ ه ش چاپ ایران، نویسنده سید

عسکر موسوی و مترجم اسدالله شفائی.

۲۵- غرjestان صدای صلح، نشریه ای مرکز انسجام امور ملیت هزاره/ شماره

دوم سال اول/ ثور ۱۳۶۷ محمد رحیم خدا بنده صص ۴۵، ۴۲، ۳۸، ۳۵

۲۶- بازتاب احوال زحمت کشان هزاره، در آثار منظوم و منثور استاد خلیل الله

خلیلی صص ۳۱، ۲۱ اکادمیسین پوهاند شاه علی اکبر نهضت ۱۳۶۶ کابل

دره صوف در گذر بحران تاریخ ————— توسلی - طلوع ۶ - / ۳۶۰

۲۷- غرjestان نشریه‌ای مرکز انسجام امور ملیت هزاره/شماره چهارم سال دوم/

سرطان ۱۳۶۸ سلطانعلی کشمند صص ۶۹،۷۲،۷۵

۲۸- غرjestان نشریه‌ای مرکز انسجام امور ملیت هزاره/شماره پنجم سال دوم/

میزان ۱۳۶۸ سلطانعلی کشمند/ عارف در ویش منش علامه نادر شاه

کیانی صص ۸۶،۸۷،۹۸،۱۰۰

۲۹- فرهنگ واژگان مترادف و متضاد، دانشنامه فارس، شیراز ۱۳۷۶

۳۰- دادجان عابدوف، برگدان بهرام امیراحمدیان آداب، آیین ها و باورها

مردم افغانستان صص ۲۴۵ چاپ کابل ۱۳۹۳

۳۱- کمال اکرام وکیل پایه دادگستر چاپ کابل ۱۳۸۲

۳۲- واعظ بلخی، فضائل بلخ، باتصحیح مرحوم عبدالحی حبیبی صص ۴۸،۴۶

۳۳- ابن حوقل صورة الارض صص ۱۸۱

۳۴- تورک ها در گستره تاریخ استاد غلام سخی وکیل زاده، عبدالروف

بیکلریکی ج ۱ صص ۳۲۵

۳۵- الهامه مفتاح، جغرافیای تاریخی بلخ و جیحون، تهران ۱۳۷۶ صص ۴۳، ۴۵

ابن واضح یعقوبی، البلدان صص ۵۶

۳۶- مجله انیس شماره ۱۲۲ چاپ کابل گذارش و تحولات منطقه

۳۷- آخرین سپه سالار نوشته برایان گلین ویلیامز / ترجمه اسدالله شفایی چاپ

سال ۱۳۹۶ ه.ش



درهٔ صوف در گذر بحران تاریخ ————— توسلی - طلوع ۶ - / ۳۶۱

۳۸- اشعار: استاد شهید سردار محمدحسین جهانی، سید صادق موسوی نژاد،  
استاد غلام سخی و کیل زاده، صوفی عشق‌ری، استاد متین اندخویی و  
عبد العلی شفق.

۳۹- عکاس: عبدالرحمن توسلی، قاری محمدطه شریفی و محمد باقر توسلی

وَأَخِرُ دَعْوَانَا أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

کابل - بهار ۱۴۰۱